

بسم الله الرحمن الرحيم

طهارت

مبانی استاد در بحث طهارت

- ✓ طهارت و نجاست عرفی هستند.
- ✓ این دو مراتب مختلف دارند.
- ✓ رابطه طهارت و نجاست تضاد است نه عدم و ملکه.
- ✓ هر دو متعلق حکم شرعی هستند.
- ✓ طهارت و نجاست از امور فطری است.

آب کر

مسأله ۲۴) انواع آب

آب مطلق^۱ اقسامی دارد: آب کر، جاری،^۲ باران، چاه و آب قلیل.

مسأله ۲۵) آب کر

آب کر مقداری است که با دو راه می توان حد اقل اندازه آن را مشخص کرد:

- (۱) از نظر حجم: ظرفی که از نظر طول و عرض و عمق سه و نیم باشد و در آن آب ریخته شود؛
- (۲) از نظر وزن: ۳۸۴ کیلوگرم (یا لیتر)^۳

مسأله ۲۶) ملاقات نجس با آب کر

اگر نجس یا چیزی که نجس شده است با آب کر برخورد کند در صورتی که رنگ یا بو یا مزه آن دگرگون نشود، پاک است و گرنه نجس می شود.^۴

مسأله ۲۷) تغییر ناشی از نجس

اگر بو یا رنگ یا مزه آب کر به واسطه غیر نجاست یا مجاورت نجس تغییر کند، نجس نمی شود.^۵

۱. اینکه که گفته می شود آب مضاف، در مقام کاربرد است و اصطلاح شرعی نیست. آنچه عرفاً اطلاق آب نشود مانند آب میوه یا گلاب که در واقع آب نیست، تسامحاً آب مضاف گفته می شود.

۲. آب لوله کشی در حکم آب جاری است.

۳. در این مورد روایت داریم.

۴. به خاطر نص، اصل و استصحاب.

۵. به خاطر استصحاب و روایت، وسائل الشیعة، کتاب الطهارة، باب الماء المطلق، باب ۱، تمام احادیث؛ کنز العمال، ج ۹، ص ۳۵۶۱.

مسأله ۲۸) تغییر بخشی از آب کر

اگر بخشی از آبی که بیشتر از کر است با برخورد نجس یا شیء نجس شده، تغییر یافت؛ در صورتی که بخش تغییر نکرده به اندازه کر یا بیشتر باشد تنها همان بخش تغییر یافته نجس است و باقی پاک است. در صورت مستهلک شدن بخش تغییر یافته در بخش دیگر اگر اوصاف نجس رفت، تمامش پاک است.^۱

مسأله ۲۹) حکم فواره^۲

آب فواره، اگر متصل به کُر باشد و با آب نجسشده ممزوج شود، آن را پاک می‌کند؛ ولی اگر قطره قطره روی آب نجس شده بریزد، آن را پاک نمی‌کند، هرچند با آن ممزوج شده باشد. در صورتی که قبل از قطره قطره شدن با آب نجس شده ممزوج گردد، آب متنجس را پاک می‌کند.

مسأله ۳۰) آب لوله کشی

اگر با آب لوله کشی که متصل به کر است چیز نجسی را بشویند، در صورتی که بو، رنگ یا مزه نجس نگیرد پاک است.

مسأله ۳۱) آب کر یخ زده

اگر مقداری از آب کُر یخ ببندد و باقی آن به اندازه کر نباشد، اگر نجاست به آن برسد، نجس می‌شود، هرچند بو، رنگ یا مزه آن تغییر نکند و هر اندازه از یخ هم آب شود، نجس می‌شود.^۳

مسأله ۳۲) شک در ماندگاری کر بودن آب

آبی که به اندازه کُر بوده، اگر کسی شک کند که کمتر از کُر شده یا نه، حکم آب کُر را دارد؛ یعنی شیء نجس شده را پاک می‌کند و اگر نجاستی به آن برسد، در صورتی که یکی از اوصاف سه‌گانه یادشده تغییر نکند، نجس نمی‌شود. آبی که کمتر از کُر بوده و کسی شک کند که به اندازه کُر رسیده یا نه، حکم آب کمتر از کُر را دارد.^۴

مسأله ۳۳) اثبات کر بودن آب

سه راه برای اثبات کر بودن آب هست:

- (۱) یقین و یا اطمینان خود شخص
- (۲) گواهی دو نفر عادل
- (۳) یک کارشناس مطمئن خبر دهد.

۱. بر اساس نص.

۲. چون از دانی به عالی سرایت نیست. و عرفاً با قطره قطره ریختن آب پاک در آب نجس پاکی صورت نمی‌گیرد و خودش نجس می‌شود.

۳. به خاطر استصحاب قلت.

۴. به خاطر استصحاب کر بودن.

آب قلیل

مسأله ۳۴) تعریف آب قلیل

آب قلیل آبی است که از نوع جاری، باران و چشمه و چاه نباشد و از مقدار کر کمتر باشد.

مسأله ۳۵) راه نجس شدن آب قلیل

آب قلیل با برخورد عین نجس یا شیء نجس شده نجس می شود؛ ولی اگر - از بالا یا پایین یا پهلو - با فشار به آن برخورد کند، فقط مقداری از آن که با شیء نجس برخورد کرده، نجس می شود. هرگاه آب پایین فواره نجس گردد، آب بالای آن نیز نجس می شود.

مسأله ۳۶) آب قلیلی که برای تطهیر استفاده شده

آب قلیلی که برای از بین بردن عین نجاست، روی چیزی که نجس شده ریخته شود و از آن جدا گردد، نجس است. لازم است از آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجاست، برای پاک شدن چیزی که نجس شده روی آن می ریزند و از آن جدا می شود، اجتناب کرد. استنجا دلیل خاص است که بعدا خواهیم گفت.

آب جاری

مسأله ۳۷) تعریف آب جاری

آب جاری آبی است که عرفا جریان داشته باشد و قلیل نباشد. مانند آب چشمه، نهر، قنات یا آب لوله کشی.^۱ اگر آب متصل به ماده و منبع بود نیاز به قید کریت هم ندارد.^۲

مسأله ۳۸) حکم ملاقات آب جاری با نجس

آب جاری، هر چند کمتر از کر باشد، با برخورد به شیء نجس نجس نمی شود، مگر آنکه بو، رنگ یا مزه آن، به سبب برخورد با نجس، دگرگون شود. اگر آب قلیل جاری هم سطح با نجس بود باید احتیاط کرد.

مسأله ۳۹) تغییر بخشی از آب کر

اگر آب جاری با شیء نجس برخورد کند و مقداری از آن تغییر کند و سمت متصل به ماده متغیر نشود، فقط همان مقدار تغییر کرده نجس می شود و طرف متصل به ماده که متغیر نشده، پاک است، هر چند کمتر از کر باشد.

مسأله ۴۰) آب جاری ای که جریان ندارد

آب چشمه ای که جریان ندارد، ولی اگر از آن بردارند، باز می جوشد، با برخورد شیء نجس نجس نمی شود، مگر آنکه در یکی از اوصاف (بو، رنگ و مزه) متغیر شود. اگر نجس شد، آب بردارند تا تغییرش برود.

۱. حتی اگر لوله کشی شهری نباشد و به منبع داخلی وصل باشد.

۲. خود اتصال به منبع زیرزمینی یا برف های کوهستان نیز خود نوعی جریان است.

مسأله (۴۱) آب راکد متصل به جاری

آبی که کنار آب جاری بدون حرکت ایستاده است و با آب جاری اتصال دارد، آب جاری به شمار می‌آید و با برخورد به شیء نجس نجاست نمی‌پذیرد، مگر آنکه در یکی از اوصاف سه‌گانه یادشده، متغیر شود.

مسأله (۴۲) چشمه یا برف انبوه

چشمه یا برف انبوه که گاهی می‌جوشند یا آب می‌شوند و گاهی خشک می‌شوند و مقداری آب در محل آنها جمع شده و حرکت می‌کند، این مقدار از آب، حکم جاری را ندارد و اگر گُر نباشد، با برخورد شیء نجس نجاست می‌پذیرد.

مسأله (۴۳) آب لوله‌کشی و استخر و حوض

آب‌های لوله‌کشی شهرها و حمام‌ها و مانند آن همانند استخر که متصل به منبع است حکم آب جاری را دارد به شرط اینکه آب منبع به تنهایی یا به اضافه آب موجود در لوله‌ها کمتر از کر نباشد.

مسأله (۴۴) آب جاری بدون منبع

آبی که روی زمین جریان دارد، ولی نه از زمین جوشیده، نه به برف انبوه اتصال دارد، چنانچه کمتر از گُر باشد، با برخورد شیء نجس نجاست می‌پذیرد، مگر آنکه با فشار از بالا به پایین بریزد که در این صورت، اگر شیء نجس به پایین آن برخورد کند، بالای آن نجس نمی‌شود و اگر از پایین به بالا - همانند فواره - با فشار حرکت می‌کند، بخش بالای آن، با برخورد نجس نجاست می‌پذیرد و پایین آن پاک است.

مسأله (۴۵) حکم شست‌وشوی لباس شویی

آب راکدی که در آن نجس است اگر به آب جاری متصل شود پاک می‌شود. ماشین‌های لباس‌شویی با توجه به اتصال به آب لوله‌کشی پاک می‌شود به خصوص اگر اتصال به آب قطع نشود گرچه نیاز نیست.

آب باران

مسأله (۴۶) حکم آب باران

آب باران پاک و پاک‌کننده است و اگر عین نجس را از بین ببرد پاک است. فشردن و تعدد ریزش آب و کثرت آن شرط نیست و صدق بارش باران کافی است.

مسأله (۴۷) حکم ترشح آب باران هنگام ریختن به نجس

اگر باران به عین نجس ببارد و به جایی دیگر ترشح کند، اگر چیزی از عین نجس همراه آن نباشد و رنگ و بو و مزه آن تغییر نکند.

مسأله ۴۸) عبور آب باران از نجس بعد از قطع آن

اگر باران بر ساختمانی ببارد که روی بام یا سقف آن عین نجس هست، تا وقتی باران می بارد، آبی که از سقف یا ناودان می ریزد، پاک است و پس از قطع شدن باران، آبی که به چیز نجس می رسد و می ریزد، نجس است مگر جریان داشته باشد و آب تغییر نکند.

مسأله ۴۹) آب باران و نجاست زیر سقف

اگر باران بر زمین نجس ببارد، آن را پاک می کند و چنانچه باران بر زمین جاری شود و در حال باریدن به جای نجسی برسد که زیر سقف است، آن را نیز پاک می کند. اگر آب باران قطع شد و به نجاست زیر سقف رسید احتیاط در پرهیز است. این آب که قطره قطره می آید پاک است ولی پاک کننده نیست.^۱

مسأله ۵۰) آب باران و خاک نجس

اگر باران بر خاک نجس ببارد و بدون مضاف شدن، همه آن را فراگیرد، آن خاک گل شده را پاک می کند.^۲

مسأله ۵۱) شستن متنجس در آب باران جمع شده

اگر آب باران در جایی جمع شود و کمتر از گُر باشد و در حال باریدن باران، چیز نجسی در آن شسته شود و رنگ، مزه یا بوی نجاست نگیرد، آن چیز نجس را پاک می کند.

مسأله ۵۲) بارش باران بر زمین نجسی که فرش دارد

اگر باران بر فرش پاکی ببارد که روی زمین نجس است و در حال باریدن بر زمین نجس جاری شود و مضاف یا متغیر نگردد، فرش نجس نمی شود و زمین را نیز پاک می کند.

مسأله ۵۳) بارش باران بر آب نجس

چنانچه باران بر آب نجس شده ببارد و در حال باریدن با آن ممزوج شود، آن آب پاک می شود چه آب قلیل باشد و چه کر.

آب چاه

مسأله ۵۴) عدم انفعال آب چاه از نجاست

آبی که در چاه از زمین می جوشد، هرچند کمتر از کر باشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بو، رنگ یا مزه آن با ملاقات به نجاست دگرگون نشده باشد، پاک و پاک کننده است.^۳

۱. به دلیل نصوص.

۲. باران تقریباً مانند آب جاری است.

۳. این مسأله اتفاقی است.

مسأله ۵۵) حکم دگرگونی آب چاه از نجس

اگر نجاستی در چاهی بریزد که در حال جوشش آب است و بو یا رنگ یا مزه آب آن دگرگون شود، چنانچه این دگرگونی آب چاه از بین برود ولو به خودی خود صورت گیرد، پاک می‌شود چرا که برگشتن تغییر ناشی از ماده چاه است. کشیدن آب از چاه به میزان مشخص در نجاسات مختلف جزو مستحبات است.

مسأله ۵۶) چاه بدون منبع

اگر باران یا آب دیگری در مکانی مانند چاه جمع شود و کمتر از کر باشد، اگر پس از قطع شدن باران، نجاستی به آن برسد، نجس می‌شود.

احکام آب‌ها

مسأله ۵۷) احکام آب مضاف

مایعی که آب نیست و با پسوند یا پیشوند به آن آب گفته می‌شود - مانند آب میوه - چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل هم با آن باطل است، هرچند آب در دسترس نباشد و اگر ذره‌ای نجاست به آن برسد، نجس می‌شود؛ ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، قسمتی که به نجس رسیده نجس و قسمت بالاتر از آن، پاک است؛ برای مثال، اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس شده بریزند، آنچه به دست رسیده نجس می‌شود و آنچه به دست نرسیده، پاک است؛ نیز اگر مثل فواره با فشار از پایین به بالا رود، اگر نجاست به بالا برسد، پایین نجس نمی‌شود؛ همچنین اگر به صورت دفع باشد، نجس نمی‌شود، گرچه هم‌سطح باشد. اگر حوض‌چهای از آب میوه مثلاً باشد و گوشه‌ای از آن با نجس ملاقات کند و علم داشته باشیم نجاست به آن سوی دیگر آن سرایت نکرده است، آن بخش پاک و قابل استفاده است.

مسأله ۵۸) پاک شده آب مضاف

مایعی که آب نیست، اگر نجس شود و به گونه‌ای با آب کر یا جاری ممزوج شود که به آن آب گویند، پاک می‌شود.^۱

مسأله ۵۹) شک در آب بودن مایع

مایعی که معلوم نیست آب است یا نه، اگر قبلاً آب بوده، حکم آب را دارد؛ یعنی چیز نجس را پاک می‌کند و وضو و غسل هم با آن صحیح است و چنانچه پیشتر آب نبوده، حکم آب را ندارد؛ یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل هم با آن باطل است^۲ و اگر معلوم نیست که قبلاً آب بوده یا نه، نجاست را پاک

۱. این مسأله اختلافی نیست.

۲. به خاطر استصحاب.

نمی کند و وضو و غسل هم با آن باطل است؛ ولی چنانچه به اندازه گُر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، به نجس بودن آن حکم نمی شود.^۱

مسأله ۶۰) تغییر آب به صفات نجس

آبی که عین نجاست - مثل خون و ادرار - به آن برسد و بو، رنگ یا مزه آن تغییر کند، اگرچه کر یا جاری باشد، نجس می شود؛ ولی اگر بر اثر مجاورت با نجاست، بو، رنگ یا مزه آن عوض شود - مثلاً مرداری که در نزدیکی آب است، بوی آن را تغییر دهد - نجس نمی شود^۲ و نیز آبی که از بالا با فشار به پایین می ریزد و آب پایین بر اثر برخورد با نجس تغییر پیدا کند، فقط آب پایین نجس می شود.

مسأله ۶۱) بازگشت تغییر آب متغیر به نجس

آبی که بر اثر برخورد با عین نجاست - مانند خون و ادرار - بو، رنگ یا مزه آن تغییر کرده، اگر خود به خود تغییرش از بین برود، پاک نمی شود؛ ولی اگر به کر یا جاری یا آب باران هنگام بارش متصل شده، به گونه ای که با آن مخلوط شود و تغییر آن از بین برود، پاک می شود.^۳

مسأله ۶۲) غسله تطهیر با آب کر و جاری و باران

اگر چیز نجس را با آب کر یا جاری یا باران بشویند و در چیزهایی که قابل فشار دادن است - مانند فرش و لباس - طوری فشار دهند که آب داخل آن خارج شود، آبی که پس از بیرون آوردن از آن می ریزد، پاک است.^۴

مسأله ۶۳) حالت سابقه آب

آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده یا نه، حکم آب پاک را دارد و آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، حکم آب نجس را دارد^۵ و آب مشکوکی که معلوم نیست پاک بوده یا نجس، حکم آب پاک را دارد.^۶ آبی که حکم پاک را دارد، پاک کننده هم است.

مسأله ۶۴) نیم خورده حیوانات و کفار

نیم خورده سگ، خوک و کافر غیر کتابی نجس، و خوردن آن حرام است و نیم خورده کافر کتابی، در صورتی که به چیز نجس آلوده نشده باشد، پاک است و نیم خورده حیوان حرام گوشت، پاک و خوردن آن، مکروه است.^۷

۱. به خاطر قاعده طهارت.

۲. به خاطر نص.

۳. ازاله وصف نجس معمولاً بالغیر است به دلیل انصراف.

۴. به خاطر روایات مختلف.

۵. به خاطر استصحاب.

۶. به خاطر قاعده طهارت.

۷. استاد قائل به عدم نجاست اهل کتاب هستند.

احکام تخلی

مسأله ۶۵) پوشاندن عورت

انسان به هنگام تخلی و موارد دیگر، واجب است عورتِ جلو و پشت خود را از کسی که مکلف است - هرچند مثل خواهر و مادر با او محرم باشد - بیوشاند و نگاه آنها به عورت دیگری حرام است. از دیوانه ممیّز، نیز بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد، باید عورت خود را بیوشاند؛ ولی زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بیوشانند.^۱

مسأله ۶۶) نحوه پوشاندن عورت

برای پوشاندن عورت، چیز مخصوصی لازم نیست؛ حتی اگر با دست و غیر آن - مانند رفتن داخل آب یا فضایی دور از دیگران - مانع دیدن شود، کفایت می‌کند.

مسأله ۶۷) رو به قبله و پشت به قبله نبودن هنگام تخلی

هنگام تخلی باید طرف جلوی بدن، یعنی شکم و سینه رو به قبله یا پشت به قبله نباشد و در این حکم، بین خانه و صحرا فرق نیست.

مسأله ۶۸) رو به قبله یا پشت به قبله بودن عورت

اگر موقع تخلی طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند، کفایت نمی‌کند و چنانچه جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، به احتیاط واجب عورت را رو به قبله یا پشت به قبله نکند.

مسأله ۶۹) رو به قبله یا پشت به قبله بودن هنگام تطهیر

هنگام تطهیرِ مخرج ادرار و مدفوع، رو به قبله و پشت به قبله بودن اشکالی ندارد؛ ولی اگر هنگام استبراء، ادرار از مخرج بیرون آید، در این حال، رو به قبله یا پشت به قبله بودن، حرام است.

مسأله ۷۰) اضطراب در رو به قبله یا پشت به قبله قرار گرفتن

اگر برای آنکه نامحرم او را نبیند، ناچار شود که رو به قبله یا پشت به قبله قرار گیرد، می‌تواند رو به قبله یا پشت به قبله قرار گیرد؛ نیز اگر از جهت دیگر ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله قرار گیرد، مانعی ندارد و اگر ناچار باشد که رو به قبله یا پشت به قبله قرار گیرد، به هر طرف که قرار گیرد، جایز است، هرچند احتیاط این است که پشت به قبله قرار گیرد.^۲

۱. به دلیل نصوص.

۲. چرا که وجوب ستر مقدم بر حرمت استقبال و استدبار به قبله در حال تخلی است.

مسأله ۷۱) تخلی بچه

به احتیاط واجب، بچه را هنگام تخلی رو به قبله یا پشت به قبله قرار ندهند؛ ولی اگر خود بچه قرار گیرد، جلوگیری از او واجب نیست، هر چند بهتر است.^۱

مسأله ۷۲) ساختمانی دستشویی آن رو یا پشت به قبله است

در ساختمانی که دستشویی آن، رو به قبله یا پشت به قبله ساخته شده (از روی عمد باشد، یا اشتباه، یا ندانستن مسئله) باید به گونه‌های قرار گیرد که رو به قبله یا پشت به قبله نباشد.^۲

مسأله ۷۳) حکم ندانستن قبله در حال تخلی

اگر قبله را نمی‌داند، باید با جستجو آگاه شود و چنانچه راهی برای آگاهی نیست، در صورت ضرورت، به هر طرف قرار گیرد، اشکالی ندارد. در هواپیما و قطار نیز باید به همین حکم عمل شود.^۳

مسأله ۷۴) مکان‌هایی که تخلی حرام است

در چند مکان تخلی (ادار یا مدفوع) حرام است: ۱. در کوچه‌های بن بست، در صورتی که صاحبانش اجازه نداده باشند؛ یا اجازه آنها بی‌اثر باشد؛ همچنین در کوچه‌ها و راه‌های عمومی که مسیر مردم و سبب ضرر به عابر یا آلوده شدن هوای محیط زیست باشد. ۲. در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است. ۳. در جایی که برای افراد مخصوصی وقف شده است؛ مانند برخی از مدرسه‌ها. ۴. کنار قبر مؤمن و هر مکانی که سبب بی‌احترامی به مؤمن یا هتک حرمت یکی از مقدّسات دین یا اماکن مقدسه شود.

مسأله ۷۵) تعداد شستن مجرای ادرار

مخرج ادرار، با غیر آب پاک نمی‌شود و مرد اگر پس از تمام شدن خروج ادرار یک مرتبه بشوید، کافی است؛ ولی زن و کسی که ادرارش از غیر مجرای طبیعی می‌آید، به احتیاط واجب دو مرتبه بشویند. در آب لوله‌کشی که از نوع جاری است یک مرتبه کافی است.

مسأله ۷۶) شست و شوی مخرج مدفوع

مخرج مدفوع در سه صورت فقط با آب پاک می‌شود:

۱. نجاست دیگری - مانند خون - همراه مدفوع بیرون آمده باشد. ۲. نجاستی از بیرون به مخرج مدفوع رسیده باشد. ۳. اطراف مخرج بیش از مقدار معمول آلوده شده باشد. در غیر این سه صورت، می‌توان مخرج را با آب

۱. چون بچه تکلیف ندارد.

۲. تخریب لازم نیست و قاعده میسور جاری است.

۳. چون حکم ظاهری است و دقت نیاز ندارد و تعبدی است.

شست؛ یا به دستوری که بعداً گفته می شود با پارچه، سنگ، کاغذ و مانند اینها پاک کرد، هر چند شستن با آب بهتر است.^۱

مسأله ۷۷) تعدد شستن در تطهیر مدفوع

اگر مخرج مدفوع با آب شسته شود، باید چیزی از مدفوع در آن نماند؛ ولی ماندن رنگ و بوی آن مانعی ندارد و چنانچه با شستن بار نخست، ذره‌ای از مدفوع در آن نماند، دوباره شستن لازم نیست.

مسأله ۷۸) تطهیر مخرج غائط با غیر آب

هرگاه با سنگ، کلوخ، کاغذ، پارچه و مانند اینها مدفوع از مخرج برطرف شود، هر چند پاک شدنش محلّ تأمل است، نماز خواندن مانعی ندارد و اگر چیزی هم به آن برسد، نجس نمی شود و ذره‌های کوچک و لزج بودن محل، اشکال ندارد.

مسأله ۷۹) تعدد سنگ یا پارچه در تطهیر شرط نیست

لازم نیست با سه قطعه سنگ، یا سه قطعه پارچه مخرج را پاک کنند، بلکه با اطراف یک قطعه سنگ یا یک قطعه پارچه یا استخوان هم کافی است، بلکه اگر با یک مرتبه هم مدفوع برطرف شد، کفایت می کند.

مسأله ۸۰) تطهیر با امور محترم

پاک کردن مخرج مدفوع با چیزهایی که احترام آنها لازم است مانند کاغذی که اسم خدا، پیامبران و ائمه علیهم السلام بر آن نوشته شده - معصیت و حرام است، هر چند مخرج پاک می شود.

مسأله ۸۱) شک در تطهیر پس از تخلی

اگر شک کند که مخرج را تطهیر کرده یا نه، اگرچه همیشه پس از ادرار یا مدفوع فوراً تطهیر می کرده، باید خود را تطهیر کند.^۲

مسأله ۸۲) شک در تطهیر پس از نماز

اگر پس از نماز شک کند که پیش از نماز مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است؛^۳ ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

استبراء

مسأله ۸۳) کیفیت استبراء

استبراء، عمل مستحبی است که مرد پس از بیرون آمدن ادرار انجام می دهد، تا یقین کند ادرار در مجرا نمانده است و آن، اقسامی دارد و بهترین آنها این است که پس از قطع شدن ادرار، اگر مخرج مدفوع نجس شده،

۱. به خاطر نصوص.

۲. به خاطر استصحاب نجاست.

۳. به خاطر قاعده فراغ.

نخست آن را تطهیر کند و سپس سه بار با انگشت میانه دست چپ، از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشد؛ آنگاه شست را روی آلت و انگشت پهلوی شست را زیر آن بگذارد و سه بار تا ختنه‌گاه بکشد و پس از آن سه بار سر آلت را فشار دهد.^۱

مسأله ۸۴) استبراء زنان

زنان استبراء ندارند ولی بهتر است کمی صبر کنند و با سرفه کردن مطمئن شوند که رطوبتی در مجرا نمانده است. اگر رطوبت مشتبهی مشاهده شد اگر معلوم نیست که بول است نجس نیست.

مسأله ۸۵) حکم رطوبت مشتبه در صورت عدم استبراء

اگر کسی استبراء نکرد چه اضطرارا و چه اختیارا و رطوبت مشتبهی مشاهده کرد و وضو گرفت، هم وضویش باطل است و هم حکم نجس دارد.^۲

مسأله ۸۶) استبراء دیگری

در استبراء فرقی بین اینکه خود فرد یا دیگری انجام دهد نیست. البته باید مراعات جواز نظر باشد مانند اینکه اگر فردی بیمار است همسرش برایش انجام دهد.

مسأله ۸۷) شک در انجام یا صحت استبراء

اگر شک کند استبراء انجام داده یا نه بنا را بر این می‌گذارد که انجام نداده است^۳ ولی اگر علم به انجام داشت و شک در صحت استبراء، بنا را بر صحت می‌گذارد.^۴

مسأله ۸۸) شک در خروج رطوبت

اگر استبراء نکرده است و شک کند که رطوبتی از او خارج شد یا خیر، بنا را بر عدم می‌گذارد و اگر رطوبتی در لباس دید و شک کرد از خودش است یا از بیرون، اصل بر طهارت است.

مسأله ۸۹) شک در همراهی بول با وذی

آبی که گاهی با تحریک شهوت و هنگام معاشقه با همسر از انسان خارج می‌شود و به آن «مذی» می‌گویند، پاک است؛ نیز آبی که گاهی پس از منی بیرون می‌آید و به آن «وذی» گفته می‌شود و آبی که گاهی پس از ادرار بیرون می‌آید و به آن «ودی» می‌گویند، چنانچه ادرار به آن نرسیده باشد، پاک است و اگر کسی پس از ادرار استبراء کند و سپس آبی از او خارج شود و شک کند که ادرار است یا یکی از اینها، پاک است.^۵

۱. کیفیت استبراء موضوعیت ندارد از همین رو اگر فرد دیگری برای او انجام دهد فرقی ندارد مانند فردی که بیمار است و خود توان ندارد.

۲. به دلیل روایت و استحباب.

۳. به خاطر اصل عدمی.

۴. به خاطر قاعده صحت.

۵. به خاطر قاعده طهارت.

مسأله ۹۰) حکم مایع مشتبه بین بول و منی

اگر بعد از بول رطوبتی مشتبه بین بول و منی مشاهده کرد، مسأله چند صورت دارد:

الف) استبراء نکرده است: باید جمع بین وضو و غسل کند.^۱

ب) استبراء کرده است:

۱. در صورتی که وضو گرفته است، همان کافی است^۲ گرچه احتیاط به غسل و وضو است.

۲. در صورتی که وضو نگرفته است، احوط جمع بین غسل و وضو است.

آداب قضای حاجت (مستحبات و مکروهات)

مسأله ۹۱) مستحبات قضای حاجت

۱. هنگام تخلی در جایی قرار گیرد که کسی او را نبیند؛

۲. در وارد شدن به مکان تخلی، نخست پای چپ را و در بیرون آمدن، اول پای راست را بگذارد؛

۳. در حال تخلی سر را بپوشاند؛

۴. در حال تخلی، سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد؛

۵. تنحنح و سرفه قبل از استبراء؛

۶. استبراء به وجهی که بیان شد؛

۷. گفتن بسم الله الرحمن الرحیم هنگام کشف عورت؛

۸. برخی ادعیه وارده؛

۹. مقدم کردن تطهیر از غائط نسبت به بول؛

۱۰. مستحب است انسان پیش از نماز، خواب و آمیزش و پس از بیرون آمدن منی، ادرار کند.^۳

مسأله ۹۲) مکروهات قضای حاجت

هنگام تخلی، برخی کارها مکروه است:

۱. قرار گرفتن روبه روی خورشید و ماه؛ ولی اگر عورت خود را با چیزی بپوشاند، مکروه نیست؛

۲. نشستن روبه روی باد؛

۱. به مینای احتیاط و علم اجمالی.

۲. چرا که یک طرف علم اجمالی با وضو گرفتن بر طرف می شود و در شک در اکثر که غسل است اصل برائت است. ولی احتیاط عملی به جمع است.

۳. علل الشرایع، ج ۲، ص ۱۵۸، باب ۱۳، ح ۱ به بعد: اسرار مستحبات و مکروهات تخلی؛ مستدرک وسائل الشیعة، باب ۵ از ابواب الخلو، ح ۵ به بعد؛ وسائل الشیعة، باب ۵ از احکام الخلو، ح ۱ به بعد.

۳. نشستن در جایی که محل عبور و مرور مردم است؛ مانند جاده، خیابان و کوچه؛
۴. نشستن جلوی در خانه؛
۵. نشستن زیر درخت میوه؛
۶. خوردن؛
۷. توقف بسیار؛
۸. تطهیر کردن با دست راست؛
۹. سخن گفتن، جز برای ضرورت یا به ذکر خدا مشغول بودن؛
۱۰. ایستاده ادرار کردن؛
۱۱. ادرار کردن در زمینهای سفت و سخت؛
۱۲. ادرار کردن در لانه جانوران؛
۱۳. ادرار کردن در آب، به ویژه آب ایستاده؛
۱۴. خودداری کردن از ادرار و مدفوع، مکروه است و اگر ضرر برساند، حرمت دارد و اگر انجام واجبی مترتب بر حبس بول است گاه واجب می شود.

نجاسات و مطهرات

مسأله ۹۳) انواع نجاسات

- یازده چیز نجس است: ۱. ادرار. ۲. مدفوع. ۳. منی. ۴. مردار. ۵. خون. ۶ و ۷. سگ و خوک. ۸. کافر غیر کتابی. ۹. شراب و مایعات مست کننده دیگر. ۱۰. فقاغ (آبجو). ۱۱. عرق شتر نجاست خوار. (موقت)

۱ و ۲) ادرار و مدفوع

مسأله ۹۴) نجاست ادرار و مدفوع

ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام گوشتی که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون از آن می جهد - نجس است؛ ولی فضله حیوان های کوچکی مثل پشه و مگس که گوشت ندارند، پاک است.

مسأله ۹۵) فضله پرندگان

فضله پرندگان حلال گوشت و حرام گوشت نجس نیست ولی احتیاط در اجتناب است به خصوص بول خفاش.

مسأله ۹۶) ادرار و مدفوع حیوان حلال گوشت

ادرار و مدفوع حیوان حلال گوشت پاک است، مگر در این موارد:

۱. ادرار و مدفوع حیوان نجاست خوار.
۲. ادرار و مدفوع حیوانی که کسی با آن نزدیکی کرده است.

۳. ادرار و مدفوع گوسفندی که استخوان آن از خوردن شیر خوک، محکم شده است.^۱

(۳ منی)

مسأله ۹۷) نجاست منی

منی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است.^۲

(۴ مردار)

مسأله ۹۸) نجاست مردار

مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد - یعنی اگر رگ حیوان را ببرند، خون از آن می‌جهد - نجس است؛ چه خودش مرده باشد؛ یا به غیر دستور شرعی کشته شود. ماهی، چون خون جهنده ندارد، اگرچه در آب بمیرد، پاک است.^۳

مسأله ۹۹) پاکی بدون روح مردار

اجزایی از بدن مردار - مانند پشم، مو، کرک، استخوان، دندان و ناخن - که روح ندارد، پاک است، مگر از سگ و خوک که نجسند.^۴

مسأله ۱۰۰) اجزای دارای روح

اجزایی که روح دارند - مانند گوشت و پوست - اگر از بدن انسان یا حیوان زنده که خون جهنده دارد جدا شوند، نجسند، هر چند آن حیوان پاک باشد.

مسأله ۱۰۱) حکم جدا شدن پوست لب و مانند آن

پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که زمان افتادنشان رسیده، اگرچه آنها را بکنند پاکاند و بنا بر احتیاط واجب، از پوستی که موقع افتادنش نرسیده که کنده شود یعنی معمولاً همراه با درد است، اجتناب کنند.

مسأله ۱۰۲) تخم مرغ از مرغ مرده

تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید، اگر پوست روی آن سفت شده باشد، پاک است؛ ولی ظاهر آن را باید آب کشید.^۵

۱. مستند این مباحث روایات است: وسائل الشیعه، باب ۹، ح ۲۰ و ۱۰ ابواب نجاسات، ح ۱ و ۴ و ۵.

۲. اتفاقی است به خاطر روایات.

۳. مستند روایات است.

۴. به خاطر نصوص: وسائل الشیعه، باب ۵۰ از ابواب نجاسات، ح ۵.

۵. وقتی سفت شده عضو خارجی است و تنها باید به خاطر ملاقات نجس شسته شود ولی اگر سفت نشده باشد عضو مردار محسوب می‌شود.

مسأله ۱۰۳) پنیر مایه بره و بزغاله

اگر بره و بزغاله بمیرند، پنیرمای‌های که در شیردان آنها قرار دارد، پاک است؛ ولی ظاهر آن را باید با آب پاک کرد.^۱

مسأله ۱۰۴) اجناس وارد شده از کشورهای غیر اسلامی

داروی روان، عطر، روغن، کره، واکس و صابون که از کشورهای غیر اسلامی وارد می‌شوند، اگر کسی به نجاست آنها یقین نداشته باشد، پاک هستند.^۲

مسأله ۱۰۵) گوشت، پوست و چرم در دست مسلمان

گوشت، پوست، پیه و چرمی که در بازار مسلمانان فروخته می‌شوند، پاکند؛^۳ همچنین است اگر یکی از اینها در دست مسلمان باشد؛^۴ ولی اگر بدانند آن مسلمان از کافر گرفته و بررسی نکرده که از حیوانی است که به دستور شرع کشته شده یا نه، هر چند محکوم به نجاست نیست،^۵ خوردن و نماز گزاردن در آن جایز نیست.^۶

۵) خون

مسأله ۱۰۶) نجاست خون

خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد^۷ - یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون از آن می‌جهد - نجس است، پس خون حیوانی مانند ماهی و پشه که جهنده نیست، پاک است.^۸

مسأله ۱۰۷) خون مانده در بدن حیوان ذبح شده

اگر حیوان حلال گوشت را به دستور شرعی بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند، پاک است؛ ولی اگر به جهاتی مانند نفس کشیدن حیوان یا قرار گرفتن سر حیوان در جای بلندی، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است گرچه خود حیوان پاک است.

۱. بر اساس روایات خاص. پنیر مایه پیه سفید رنگی است که در پارچه می‌پیچند و وقتی داخل شیر می‌گذارند تبدیل به پنیر می‌شد و چند بار استفاده می‌شد.

۲. به خاطر قاعده طهارت.

۳. نصوص: وسائل باب ۵۰ از ابواب نجاسات، ح ۵.

۴. به خاطر قاعده سوق مسلمین.

۵. به خاطر قاعده طهارت.

۶. به خاطر لزوم احراز حلیت.

۷. خون غیر حیوانات مانند آنچه از درختان یا سنگ‌ها در روز عاشورا می‌جوشد، نجس نیست. (سید یزدی، عروة الوثقی محشی، ج ۲، ص ۸۶)

۸. مسأله اتفافی است.

مسأله ۱۰۸) خون داخل تخم مرغ

خونی که در تخم مرغ است، خوردن آن اشکال دارد، و بنا بر احتیاط واجب، نجس است. اگر همان خون را بردارند، باقی قابل استفاده است.

مسأله ۱۰۹) خون داخل شیر

خونی که گاهی هنگام دوشیدن شیر دیده می‌شود، نجس است در نتیجه از شیر و خون داخل آن پرهیز شود.^۱

مسأله ۱۱۰) خون لای دندان‌ها و لثه

خونی که از لای دندان‌ها، لثه یا جاهای دیگر دهان بیرون می‌آید، تا زمانی که از دهان بیرون نیاید و مستهلک شود نجس نیست گرچه عمداً از خوردنش احتیاطاً پرهیز شود.

مسأله ۱۱۱) خون زیر ناخن

خونی که زیر ناخن یا زیر پوست بر اثر کوبیده شدن خشک می‌شود:

الف) اگر به گونه‌ای باشد که دیگر به آن خون نگویند، پاک است؛

ب) و اگر به آن خون بگویند:

- در صورتی که ناخن کنار رود یا پوست سوراخ شده ظاهر شود، اگر مشقت ندارد، باید برای وضو و غسل خون را بیرون آورند؛

- و چنانچه مشقت دارد، باید اطراف آن را به گونه‌ای که نجاست بیشتر نشود، بشویند و چیزی مانند پارچه بر آن بگذارند و روی آن دست تر بکشند یعنی وضوی جبیره بگیرند و به احتیاط مستحب تیمم کنند.^۲

ج) اگر معلوم نباشد خون است یا گوشت، که بر اثر کوبیده شدن به آن حالت درآمده، پاک است.^۳

مسأله ۱۱۲) خون داخل ظرف غذا

اگر هنگام جوشیدن غذا ذره‌ای خون در آن بیفتد، همه غذا و ظرف آن نجس می‌شود و جوشیدن و حرارت و آتش، پاک‌کننده نیست.^۴

۱. به خاطر روایت و صدق خون. وسائل باب ۱۰ از ابواب ما یکتسب به، ح ۱.

۲. برخی آن را زخم می‌دانند و برخی نمی‌دانند.

۳. به خاطر قاعده طهارت.

۴. وسائل الشیعة، باب ۳۸ ابواب نجاسات، ح ۸. روایات مبنی بر پاک‌کننده بودن آتش مورد قبول نیست.

مسأله ۱۱۳) زخم بهبود یافته

زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر مخلوط بودن آن با خون، معلوم نباشد، پاک است و اگر خون یا مخلوط به خون به صورت پوست درآید، پاک است.

مسأله ۱۱۴) سوزن استفاده شده

سوزنی که بعد از استفاده، خون آلود نباشد پاک است ولو داخل بدن برخورد با خون کرده باشد.^۱

۷۶) سگ و خوک

مسأله ۱۱۵) نجاست سگ و خوک

سگ و خوکی که در خشکی زندگی می‌کنند حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت‌های آنها نجس است؛ ولی سگ و خوک دریایی پاکند.^۲

مسأله ۱۱۶) حیوان متولد از جفت‌گیری سگ و خوک با دیگری

هر حیوانی که از جفت‌گیری حیوان نجس با حیوان پاک یا نجس دیگری، متولد شود، در صورتی که نام حیوان نجس را نداشته باشد، پاک است، هرچند نام حیوان پاک را نداشته باشد. حیوان متولد از جفت‌گیری سگ و خوک باید پرهیز شود.

۸) کافر غیر کتابی

مسأله ۱۱۷) نجاست کفار

همه بدن و ملحقات بدن کسی که منکر خداست، یا برای خدا شریک قرار می‌دهد، یا پیامبران را قبول ندارد یا در یکی از اینها تردید داشته باشد، کافر و نجس است؛ همچنین کسی که یکی از ضروریات دین اسلام را (مانند نماز و روزه) با علم به اینکه ضروری دین است، انکار کند و انکار آن، به انکار خدا یا توحید یا نبوت بازگردد، نجس است و اگر نداند، به احتیاط مستحب باید از او اجتناب کرد. احتیاط مستحب پرهیز از اهل کتاب است ولی آنها نجس نیستند.^۳

مسأله ۱۱۸) تردید و مطالعه در اعتقادات

کسی که به خدا و رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله ایمان آورد، اما دچار وسوسه‌هایی می‌شود و برای رفع آن به مطالعه و تحقیق می‌پردازد، پاک است و این وسوسه‌ها به اصل ایمان او ضرری نمی‌زند.

۱. چرا که خون تا بیرون نیاید نجس نیست.

۲. به خاطر نصوص. سگ و خوک دریایی عنوان سگ و خوک ندارند.

۳. وسائل الشیعة، باب ۴۹ ابواب جهاد العدو، ح ۳۱ و ۳. عناد غیر از انکار است. هر معاندی منکر نیست و نجس نخواهد بود.

مسأله ۱۱۹) کودک کفار

اگر پدر، مادر و جدّ کودک نابالغ کافر باشند، آن کودک هم در صورت تمییز و اظهار کفر نجس است و اگر یکی از آنان مسلمان باشد، کودک پاک است.

مسأله ۱۲۰) فردی که معلوم نیست کافر است یا مسلمان

کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه و سابقه وی نیز معلوم نباشد، پاک است؛ ولی احکام دیگر مسلمانان را ندارد؛ مثلاً نمی تواند با مسلمان ازدواج کند و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.^۱

مسأله ۱۲۱) نجاست ناصبی

اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام معصوم علیهم السلام دشنام دهد، یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است.^۲

۹) مایع مست کننده

مسأله ۱۲۲) نجاست مایع مست کننده

شراب و هر مایع مستی آور نجس است، هرچند آن را به صورت جامد درآورند؛ ولی اگر چیزی مانند بنگ و حشیش، جامد باشد، اگرچه آن را به صورت مایع درآورند، پاک است.^۳

مسأله ۱۲۳) الکل صنعتی

الکل هایی که نوشیدنی نیستند - مانند الکل صنعتی که آن را برای رنگ کردن در، میز، صندلی و مانند اینها به کار می برند و الکل طبی که فقط کاربرد پزشکی دارد - اگر کسی نداند از مایع مست کننده گرفته شده یا نه، پاک است؛ همچنین ادکلن، عطر، مواد شوینده، برخی از داروها و مواد صنعتی دیگر که از الکل طبی یا صنعتی تولید می شود، پاک است.^۴ خوردن الکل صنعتی یا طبی به خاطر ضرر حرمت دارد.

مسأله ۱۲۴) آب انگور جوشیده

آب انگور اگر بدون آتش باشد هم نجس است و هم حرمت دارد ولی اگر با آتش بجوشد حرمت اکل دارد ولی نجس نیست.^۵ در صورت شک در غلیان اصل عدم آن است و حکم طهارت دارد گرچه احتیاط مستحب در پرهیز از خوردن است.

۱. به خاطر قاعده طهارت پاک است ولی در احکام دیگر احراز اسلام شرط است.

۲. به خاطر دلیل خاص.

۳. به دلیل نصوص.

۴. به خاطر اصالة الطهارة.

۵. به خاطر ادله.

مسأله ۱۲۵) خرما و مویز و کشمش جوشیده

خرما، مویز، کشمش و آب آنها اگر جوش بیابند، یا در غذا ریخته شده و بجوشند، پاک و خوردن آنها حلال است. گرچه در صورت جوشیدن در آب، احتیاط در ترک است.

مسأله ۱۲۶) ماء الشعیر و آب جو

فَقَّاع - شرابی است که از جو گرفته می شود و به آن آبجو می گویند - حرام و نجس است؛ ولی آبی که به دستور پزشک، برای خواص طبی از جو می گیرند و به آن «ماء الشعیر» می گویند، پاک است.

۱۰) عرق شتر نجاست خوار

مسأله ۱۲۷) نجاست عرق شتر نجاست خوار

عرق شتر نجاست خوار، نجس است؛ ولی اگر حیواناتی دیگر نجاست خوار شوند، از عرق آنها اجتناب لازم نیست، هر چند احتیاط مستحب در ترک است. (تأمل شود!)

جنب از حرام

مسأله ۱۲۸) پاک بودن نجاست عرق جنب از حرام

نمی توان گفت عرق جنب از حرام به طور قطع نجاست دارد ولی اقوی اجتناب است.

مسأله ۱۲۹) موارد عرق جنب از حرام

موارد جنابت از حرام بدین شرح است: زنا؛ لواط؛ نزدیکی کردن با حیوانات؛ استمناء؛ نزدیکی با همسر در حال حیض. در جماع با همسر در ماه رمضان یا نذر مشخص و یا حین ظهار قبل کفاره احتیاط در ترک از عرق هنگام آن است.^۲ منظور از عرق، عرقی است که در حال نزدیکی یا پس از آن و پیش از غسل کردن، از بدن جنب بیرون آید.

مسأله ۱۳۰) تیمم جنب از حرام

اگر جنب از حرام، بر اثر تنگی وقت، به جای غسل، تیمم نماید و پس از تیمم و خواندن نماز عرق کند، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز آینده اجتناب ورزد؛ ولی اگر برای عذر دیگر تیمم کند، اجتناب لازم نیست.

۱. به خاطر نصوص.

۲. چون سبب عرضی است.

مسأله ۱۳۱) جمع شدن جنابت از حرام و حلال

اگر کسی از حرام جنب شود و پس از آن با حلال خود نزدیکی کند، بنا بر احتیاط واجب باید از عرق خود در نماز اجتناب کند؛ ولی اگر نخست با حلال خود نزدیکی کند یا بر اثر احتلام جنب شود و سپس آمیزش حرام انجام دهد، عرق او وجوب اجتناب ندارد.^۱

راه‌های اثبات نجاست

مسأله ۱۳۲) سه راه اثبات نجاست

نجاست چیزی از سه راه ثابت می‌شود:

۱. خود شخص یقین یا اطمینان کند چیزی نجس است و اگر گمان داشته باشد که چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب کند، بنابراین در برخی اماکن عمومی، مانند غذاخوری‌هایی که برخی افراد پاکی و نجسی را مراعات نمی‌کنند و در آنجا غذا می‌خورند، اگر انسان به نجاست غذایی که برای او آورده‌اند یقین نداشته باشد، می‌تواند در آنجا غذا بخورد؛

۲. کسی که چیزی در اختیار اوست، بگوید آن چیز نجس است؛ مثلاً همسر انسان، صاحب‌خانه، خدمت‌کار، فروشنده یا ... بگوید ظرف یا چیز دیگری که در اختیار اوست، نجس است؛

۳. حد اقل یک فرد مورد اطمینان بگویند فلان چیز نجس است.^۲

مسأله ۱۳۳) شک در نجاست چیزی

اگر حکم نجاست چیزی را نمی‌داند باید جست‌وجو و پرس‌وجو کند و در صورت نرسیدن به حکم، محکوم به طهارت است. در صورتی که شک موضوعی دارد مثلاً نمی‌داند این خون پشه است یا انسان، بدون جست‌وجو حکم طهارت دارد.^۳

مسأله ۱۳۴) حکم چیزی که حالت سابقه‌اش نجاست یا طهارت است

چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است و چیز پاک را اگر شک کند نجس شده یا نه، پاک است و اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را با مقداری جست‌وجو بفهمد، لازم نیست تحقیق و پرس‌وجو کند.^۴

۱. چون سبب مقدم مهم و معیار است.

۲. به دلیل سیره، اجماع به نظر قائلان حجیت آن و برخی روایات.

۳. اجرای قاعده طهارت در شبهات حکمیة مشروط به فحص است.

۴. به خاطر استصحاب.

مسأله ۱۳۵) علم به نجاست یکی از دو لباس

اگر بداند یکی از دو ظرف یا دو لباسی که از هر دوی آنها استفاده می‌کند، نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو پرهیز کند، بلکه اگر مثلاً نمی‌داند لباس خودش نجس شده یا لباسی که مال دیگری است و او از آن هیچ استفاده نمی‌کند، باز هم به احتیاط مستحب از لباس خودش پرهیز کند، اگرچه لازم نیست.^۱

مسأله ۱۳۶) علم وسواسی

افراد وسواسی نباید به علم و یقین خود در طهارت و نجاست توجه کنند بلکه باید ببینند افراد معمولی در چه مورد یقین به طهارت یا نجاست پیدا می‌کنند.^۲

راه نجس شدن چیزهای پاک

مسأله ۱۳۷) سرایت نجاست از نجس به پاک

اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به گونه‌ای تر باشد که تری یکی به دیگری برسد، چیز پاک نجس می‌شود و اگر تری به قدری کم باشد که به دیگری نرسد، چیزی که پاک بوده، نجس نمی‌شود.^۳ چیزی که نجاست را به سرایت گرفته است اگر به واسطه دوم و سوم بخواهد نجاست را منتقل کند، حکم به نجاست مشکل است ولی مراعات احتیاط مناسب است.

مسأله ۱۳۸) شک در تر بودن هنگام سرایت

اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک نجس نمی‌شود.^۴

مسأله ۱۳۹) ملاقی با دو امر مشکوک به نجاست

دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک و کدام نجس است، اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد، نجس نمی‌شود؛^۵ ولی اگر یکی از آنها پیشتر نجس بوده و انسان نداند پاک شده یا نه، چنانچه چیز پاکی با رطوبت به همان یکی برسد، نجس می‌شود.^۶

۱. به خاطر دایره علم اجمالی که در صورت منتفی شدن یک طرف تبدیل به شک بدوی می‌شود.

۲. به دلیل صحیح زارة وسائل الشیعة، باب ۶۱ از ابواب اطعمه، ح ۵؛ باب ۱۶ از ابواب خلل صلات، ح ۲.

۳. به دلیل روایت و عرف.

۴. به قاعده طهارت و اصل عدم، مسأله اتفافی است.

۵. به دلیل استصحاب طهارت.

۶. به دلیل استصحاب نجاست.

مسأله ۱۴۰) زمین مرطوب و نجاست

زمین و پارچه و مانند اینها، اگر رطوبت داشته باشد، هر قسمتی که نجاست به آن برسد، نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است؛ همچنین است خیار، خربزه و مانند اینها که دارای رطوبتند.

مسأله ۱۴۱) سرایت نجاست در روغن و شیر و مانند آن

هرگاه شیر، روغن و مانند آن، روان باشد، با نجس شدن یک جزء، تمام آن نجس می‌شود؛ ولی اگر روان نباشد، تمام آن نجس نمی‌شود، بلکه فقط محل برخورد نجس می‌شود و بقیه آن، پاک است.^۱

مسأله ۱۴۲) اگر مگس و پشه روی چیز نجس و بعد پاک بنشینند

اگر مگس یا حیوانی مانند آن، روی چیز نجسی بنشیند که تراست و سپس روی چیز پاک که آن هم تر است، بنشیند، چون احتمال عدم حمل رطوبت هست، پاک است مگر علم به سرایت باشد.

مسأله ۱۴۳) سرایت نجاست با عرق بدن

اگر جایی از بدن که عرق دارد، نجس شود و عرق نجس شده از آنجا به جای دیگر برسد، هر جا که عرق به آن رسیده، نجس می‌شود و هر جا که عرق به آن نرسیده، پاک است.^۲

مسأله ۱۴۴) خلط بینی یا گلو که آلوده به خون است

خلطی که از بینی یا گلو می‌آید، اگر خون داشته باشد و روان نباشد، جایی که خون دارد، نجس و بقیه آن پاک است، پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، قسمتی که انسان یقین دارد جای نجس خلط به آن رسیده، نجس است و محلی که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه، پاک است.^۳

مسأله ۱۴۵) گلدانی که روی آب نجس قرار گرفته است

اگر گلدان یا ظرفی که آب دارد و ته آن سوراخ است، روی زمین نجس قرار گیرد، چنانچه آب برون رفت آن، به گونه‌ای زیر آن جمع شود که با آب ظرف، یکی حساب شود، آب ظرف نجس می‌شود و اگر آبی که از زیر آن خارج می‌شود، در زمین فرورود یا به گونه‌ای جاری شود که با آب داخل آن یکی حساب نشود، آب ظرف نجس نمی‌شود.^۴

مسأله ۱۴۶) برخورد شیء خارجی با نجاست داخل بدن

اگر چیزی در داخل بدن باشد و به نجاست برسد و پس از بیرون آمدن آلوده نباشد، پاک است و چنان که چیزی از بیرون داخل بدن شود و به نجاست برسد، بنا بر احتیاط واجب نجس است، هر چند پس از بیرون

۱. طبق عرف.

۲. به دلیل سرایت عرفی.

۳. به قاعده سرایت.

۴. چون سرایت از دانی به عالی صورت نمی‌گیرد.

آمدن، آلوده به نجاست نباشد، پس اگر اسباب اماله یا آب آن، در مخرج مدفوع وارد شود، یا سوزن، چاقو و مانند اینها در بدن فرو رود و در درون با نجس برخورد کنند، احتیاط واجب نجس بودن آنهاست، هرچند پس از بیرون آمدن، به نجاست آلوده نباشند؛ همچنین است آب دهان و بینی، اگر در داخل به خون برسد و پس از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد.^۱

احکام نجاسات

حکم نجس شدن قرآن

مسئله ۱۴۷) نجس کردن قرآن و متعلقات آن

نجس کردن خط و ورق قرآن و جلد آن در صورت هتک حرمت، حرام است و اگر نجس شود، باید فوراً آن را با آب پاک کرد.^۲

مسئله ۱۴۸) گذاشتن قرآن روی عین نجس خشک

گذاشتن قرآن روی عین نجس - مانند خون و مردار - اگرچه آن عین نجس خشک باشد، حرام است و برداشتن قرآن از روی آن، واجب است.^۳

مسئله ۱۴۹) نوشتن قرآن با مرکب نجس

نوشتن قرآن با مرکب نجس، اگرچه یک حرف آن باشد، حرام است و اگر نوشته شود و پاک کردن آن ممکن نباشد، باید آن را با تراشیدن و مانند آن از بین برد.^۴

مسئله ۱۵۰) دادن قرآن به دست کافر

دادن قرآن به هر کسی که مستلزم اهانت و تنجیس قرآن باشد، حرام است و این حکم به کافر اختصاص ندارد، بنابراین دادن قرآن به دست مسلمانی که مقید به طهارت و نجاست نیست، اگر موجب اهانت و تنجیس قرآن شود، حرام است و اگر دادن قرآن به محقق و پژوهشگر کافری برای مطالعه آیات و تأمل کردن در آن و سنجیدن با کتاب‌های آسمانی دیگر، مستلزم هتک و اهانت به قرآن و تنجیس آن نباشد، جایز است.^۵

مسئله ۱۵۱) افتادن اسم خدا و اولیا و تربت سیدالشهدا علیه السلام در چاه فاضلاب

اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است - مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر صلی الله علیه و آله یا امام علیه السلام بر آن نوشته شده - در چاه فاضلاب بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن واجب است،

۱. به دلیل قاعده طهارت. به خاطر احتمال سرایت و نبود دلیل احتیاط باید کرد.

۲. به دلیل روایات باب.

۳. به دلیل روایات.

۴. به همان دلیل روایات.

۵. به دلیل اخبار.

اگرچه هزینه داشته باشد و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید برای تخلیه به آنجا نروند تا یقین کنند آن ورق از بین رفته است؛ نیز اگر تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام در چاه فاضلاب بیفتد و بیرون آوردن آن ممکن نباشد یا موجب عسر و خرج باشد، باید تا وقتی که یقین نکرده‌اند که به کلی از بین رفته، برای تخلیه به آن مکان نروند.

استفاده از چیز نجس

مسأله ۱۵۲) خوردن و آشامیدن چیز نجس

خوردن و آشامیدن چیز نجس، حرام است؛ نیز خوراندن عین نجس به اطفال، اگر ضرر داشته باشد، حرام است، بلکه چنانچه ضرر هم نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید از آن خودداری کرد. اگر غذایی دست بچه نجس شد، گرفتنش از آن لازم نیست.^۱

مسأله ۱۵۳) اطلاع دادن نجاست لباس یا غذا

اگر کسی ببیند دیگری چیز نجس شده‌ای را می‌خورد یا با لباس نجس شده نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید.

مسأله ۱۵۴) اطلاع دادن نجاست غذا

اگر میزبان در بین غذا خوردن، بفهمد غذا نجس شده است، باید به مهمانان خبر دهد؛ اما اگر یکی از مهمانان بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد؛ ولی اگر به گونه‌ای با آنان معاشرت دارد که می‌داند با نگفتن، خود او هم نجس می‌شود، باید پس از غذا به آنان بگوید تا دهان را آب بکشند.

مسأله ۱۵۵) اطلاع دادن نجاست در بیع و عاریه

الف) از سوی عاریه دهنده: فروختن و عاریه دادن چیز نجس شده که می‌شود آن را آب کشید، اگر نجس بودن آن را به خریدار یا عاریه گیر نگویند، اشکال ندارد؛ ولی اگر کسی بداند که خریدار یا عاریه گیرنده، آن را در کارهایی که مشروط به طهارت است - مانند خوردن و آشامیدن - بهکار می‌گیرد، باید نجاستش را به او بگویند.

ب) از سوی عاریه گیرنده: اگر چیزی را که عاریه کرده نجس شود، چنانچه بداند که صاحبش آن را در کارهایی که مشروط به طهارت است - مانند خوردن و آشامیدن - بهکار می‌گیرد، واجب است به او بگوید.

مسأله ۱۵۶) اطلاع دادن صاحب خانه از نجاست فرش

اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس شده باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند، با رطوبت به جای نجس رسیده است، لازم است احتیاطاً به آنان بگوید.

۱. به دلیل روایات که بچه حکم تکلیفی ندارد و به سختی می‌افتد.

مسأله ۱۵۷) اهمیت به نظر ممیز در طهارت و نجاست

بچه ممیزی که خوب و بد را می فهمد، اگر تکلیفش هم نزدیک است، چنانچه درباره چیزی که در اختیار اوست بگوید پاک است یا نجس است، می توان قبول کرد.^۱

مطهرات

مسأله ۱۵۸) انواع مطهرات

دوازده چیز، شیء نجس شده را پاک می کنند و آنها را مطهرات گویند: آب؛ زمین؛ آفتاب؛ استحاله؛ انقلاب؛ کم شدن دوسوم آب انگور؛ انتقال؛ اسلام؛ تبعیت؛ برطرف شدن عین نجاست؛ استبراء حیوان نجاستخوار؛ غائب شدن مسلمان. احکام اینها به تفصیل در مسائل آینده بیان می شود. (موقت در تعداد)

۱. آب

مسأله ۱۵۹) شرایط پاک کنندگی آب

آب با چهار شرط، چیز نجس را پاک می کند:^۲

- ۱) مطلق باشد؛ یعنی بدون پسوند یا پیشوند به آن آب گفته شود، پس مایعی که آب نیست - مانند گلاب و عرق بید - چیز نجس شده را پاک نمی کند؛
- ۲) پاک باشد؛
- ۳) وقتی چیز نجس شده را می شویند، بو، رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد.
- ۴) پس از آب کشیدن چیز نجس شده، عین نجاست در آن نباشد.^۳

مسأله ۱۶۰) تطهیر ظرف نجس

ظرف نجس را با آب قلیل باید سه بار شست، بلکه در گُر و جاری هم احتیاط سه دفعه است، هر چند ارجح در گُر و جاری، شستن یک بار است.^۴

مسأله ۱۶۱) تطهیر ظرفی که سگ در آن آب خورده

ظرفی را که سگ لیسیده، یا از آن ظرف، آب یا چیز روان دیگر خورده، باید نخست با خاک پاک، خاکمال کرد و سپس یک بار در گُر یا جاری و دو بار با آب قلیل شست؛ همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن خاکمال کرد.^۵ دهانه ظرفی که سگ دهن زده، تنگ

۱. چون عرف اهمیت می دهد.

۲. به دلیل روایات.

۳. پاک شدن چیز نجس شده با آب قلیل (آب کمتر از گُر) شرطهای دیگری هم دارد که خواهد آمد.

۴. به دلیل روایت و قاعده طهارت.

۵. به دلیل نصوص.

باشد و نتوان آن را خاکمال کرد، اگر ممکن است، باید با وسیله‌ای مانند چوبی که با پارچه‌ای پیچیده شده یا با تکان شدید، ظرف را به آن خاک مالید؛ و گرنه پاک شدن ظرف اشکال دارد.

مسئله ۱۶۲) تطهیر ظرفی که خوک دهان زده است

ظرفی را که خوک از آن، چیز مایع و روانی بخورد، با آب قلیل باید هفت بار شست و در گُر و جاری یک بار کافی است، هر چند شستن هفت بار احتیاط مستحب است و خاکمال کردن آن، لازم نیست، اگر چه به احتیاط مستحب خاکمال شود. لیسیدن خوک نیز بنا بر احتیاط واجب حکم آب خوردن آن را دارد.^۱

مسئله ۱۶۳) تطهیر ظرف آلوده به شراب

ظرفی که با شراب نجس شده، اگر سه بار با آب قلیل شسته شود، پاک است و بهتر است که هفت دفعه شسته شود.^۲

مسئله ۱۶۴) تطهیر کوزه و چوب نجس

کوزه‌ای که از گِل نجس ساخته شده یا آب نجس در آن فرو رفته، اگر در آب کر یا جاری بگذارند، به هر جای آن، که آب برسد، پاک می‌شود و اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود، باید به قدری در آب کر یا جاری بماند که آب به تمام آن فرو رود و نفوذ رطوبت کافی نیست. چوب نجس نیز چنین حکمی دارد.^۳

مسئله ۱۶۵) چگونگی تطهیر ظرف نجس با آب قلیل

آب کشیدن ظرف نجس با آب قلیل، به دو گونه انجام می‌گیرد:

(۱) سه بار ظرف را از آب پر کنند و بیرون بریزند؛

(۲) سه بار به قدری آب در آن بریزند و به گونه‌ای بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.^۴

مسئله ۱۶۶) چگونگی تطهیر ظروف بزرگ

ظرف بزرگی - مثل پاتیل و خمره - که نجس شده، اگر یک بار با شیلنگ جاری یا گُر آن را از آب پُر و سپس خالی کنند، پاک می‌شود؛ همچنین است اگر یک بار از بالا، در آن آب بریزند، به گونه‌ای که تمام اطراف آن را آب جاری یا گُر فرا گیرد و در هر دفعه، آبی که ته آن جمع می‌شود، بیرون آورند و به احتیاط مستحب، ظرفی که با آن آبها را بیرون می‌آورند، آب بکشند.^۵

۱. به دلیل روایات و همانند سگ نجس‌العین بودن.

۲. روایات سه بار، پنج بار و هفت بار را دارند.

۳. به دلیل روایات.

۴. اتفاقی است.

۵. مورد اتفاق است تقریباً.

مسأله ۱۶۷) تطهیر اجسام فلزی ذوب شده

اجسام فلزی نجس شده (مانند مس) را اگر پس از ذوب کردن و انجماد آب بکشند، پاک می شود^۱ ولی باطنش پرهیز شود.

مسأله ۱۶۸) چگونگی تطهیر تنور نجس شده

تنوری که به ادرار نجس شده است، اگر دو بار در آن، از بالا آب بریزند، به گونه ای که آب تمام اطراف آن را بگیرد، پاک می شود. در نجس شدن به غیر ادرار، اگر پس از برطرف شدن نجاست، یک بار به دستوری که گفته شد، آب در آن بریزند، کافی است و بهتر است در صورتی که از زیر خروجی نداشته باشد، گودالی ته آن بکنند، تا آبها در آن جمع شود و بیرون آورند و سپس آن گودال را با خاک پاک پر کنند.^۲

مسأله ۱۶۹) تطهیر با فروبردن چیز نجس در آب

اگر چیز نجس را پس از برطرف کردن عین نجاست، یک بار در آب کر یا جاری فرو برند که آب به تمام قسمت های درون و بیرون نجس شده آن برسد، پاک می شود و در فرش، لباس و مانند اینها، به احتیاط مستحب به گونه ای آن را فشار یا حرکت دهند که آب داخل آن خارج شود.^۳

مسأله ۱۷۰) تطهیر فرش و لباس نجس

اگر بخواهند چیزی را که به ادرار نجس شده با آب قلیل بشویند، چنانچه یک بار آب روی آن بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که ادرار در آن چیز نمانده باشد، یک بار دیگر که آب روی آن بریزند، پاک می شود. در لباس و فرش و مانند اینها باید پس از هر دفعه، فشار دهند، تا غُساله آن بیرون آید و غُساله آبی است که معمولاً در وقت شستن و پس از آن، از چیزی که شسته می شود، خود به خود یا به وسیله فشار، بیرون می ریزد. در آب کر و لوله کشی یک بار شستن کافی است.^۴

مسأله ۱۷۱) تطهیر ادرار بچه شیرخوار

اگر چیزی به ادرار بچه شیرخواری که غذاخور نشده و شیر خوک یا زن نامسلمان نخورده، نجس شود، در صورتی که یک بار آب روی آن بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می شود؛ ولی به احتیاط مستحب یک بار دیگر هم آب روی آن بریزند و در لباس و فرش و مانند اینها فشار لازم نیست.^۵

۱. به دلیل تبدیل.

۲. به دلیل روایات و عرف.

۳. به دلیل روایات.

۴. به دلیل روایات.

۵. به دلیل روایت خاص برای راحتی بیشتر.

مسأله ۱۷۲) تطهیر شیء نجس شده با غیر ادرار

چیزی که به غیر ادرار نجس شده:

۱. پس از برطرف کردن نجاست، یک بار آب قلیل روی آن بریزند و از آن جدا شود، پاک می‌گردد؛
۲. اگر بار نخست که آب روی آن می‌ریزند، نجاست آن برطرف شود و پس از برطرف شدن نجاست هم آب روی آن بیاید، پاک می‌شود؛

۳. لباس و مانند آن را باید فشار دهند، تا غسله آن بیرون آید.^۱

مسأله ۱۷۳) تطهیر حصیر نجس

حصیر نجس را که با نخ بافته شده، اگر در آب کر یا جاری فرو برند، پس از برطرف شدن عین نجاست، پاک می‌شود.^۲

مسأله ۱۷۴) تطهیر گندم، برنج، صابون و مانند اینها

۱. اگر ظاهر گندم، برنج، صابون و مانند اینها نجس شود، به فرو بردن در کر و جاری، پاک می‌گردد؛

۲. و اگر باطن آنها نجس شود، بدون رسیدن آب به باطن پاک نمی‌گردد.^۳

مسأله ۱۷۵) شک در نجاست باطن صابون و مانند آن

اگر انسان شک کند که آب نجس به باطن صابون و چیزی مانند آن رسیده یا نه، باطن آن پاک است.^۴

مسأله ۱۷۶) چگونگی تطهیر غذای نجس شده در دیگ و لباس داخل تشت

ظاهر برنج و گوشت یا چیزی مانند اینها که نجس شده:

۱. اگر آن را در ظرفی بگذارند و سه بار آب روی آن بریزند و خالی کنند، پاک می‌شود و ظرف آن هم پاک می‌گردد؛

۲. ولی اگر بخواهند لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد، در ظرفی بگذارند و بشویند، باید در هر بار که آب روی آن می‌ریزند، آن را فشار دهند و ظرف را کج کنند، تا غسله‌ای که در آن جمع شده، بیرون بریزد.^۵

۱. اتفاقی است.

۲. اتفاقی است و روایت دارد.

۳. روایت و قاعده طهارت.

۴. به خاطر قاعده طهارت و استصحاب.

۵. کیفیت تطهیر اتفاقی است.

مسأله ۱۷۷) تطهیر لباس نجس رنگی

لباس نجسی را - که به نیل و مانند آن رنگ شده - اگر در آب گُر یا جاری فرو برند یا آب قلیل روی آن بریزند و آب پیش از آنکه با رنگ پارچه مضاف شود، به تمام آن برسد، آن لباس پاک می‌شود، اگرچه هنگام فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.^۱

مسأله ۱۷۸) احتمال مانعیت امری در تطهیر لباس

اگر لباسی را در کر یا جاری آب بکشند و سپس لجن آب و مانند آن در آن ببینند، اگر احتمال ندهند که از رسیدن آب جلوگیری کرده، آن لباس پاک است.^۲

مسأله ۱۷۹) مانند ذرات مواد شوینده در لباس

اگر پس از آب کشیدن لباس، فرش و مانند آن، خُرده گل یا ذرات مواد شوینده در آن دیده شود:
۱. در صورتی که بدانند با آب شسته شده، پاک است؛

۲. ولی اگر آب نجس به باطن آنها نفوذ کرده باشد، ظاهر آنها پاک و باطن پیش از رسیدن آب پاک به آن نجس است.

۳. و اگر ندانیم نفوذ آب نجس به آن را پاک است.^۳

مسأله ۱۸۰) مانند رنگ یا بوی نجس پس از تطهیر

هر چیز نجس تا عین نجاست از آن برطرف نشود، پاک نمی‌شود؛ ولی اگر بو یا رنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد، پس اگر خون از لباس برطرف شود و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک است؛^۴ اما اگر به واسطه بو یا رنگ یقین کنند یا احتمال دهند که ذره‌های نجاست در آن چیز مانده، نجس است.^۵

مسأله ۱۸۱) تطهیر بدن داخل آب کر یا جاری

اگر نجاست بدن را در آب کر یا جاری برطرف کنند، بدن پاک می‌شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن لازم نیست.^۶

۱. چرا که هنگام رسیدن آب به نجس مضاف نیست و بعد رسیدن هم مضاف شدن ضرری ندارد.

۲. به دلیل روایات و نوبت به استصحاب نجاست نمی‌رسد.

۳. طبق یقین سابق باید عمل کند.

۴. چرا که وصف جدید است و نجس تلقی نمی‌گردد.

۵. بخش آخر به دلیل استصحاب نجاست است.

۶. تعدد شستن نیاز نیست به دلیل روایات.

مسأله ۱۸۲) حکم غذای نجس مانده در دهان

غذای نجسی که لای دندان مانده، اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد، پاک می‌شود.^۱

مسأله ۱۸۳) تطهیر موی سر و صورت بسیار

اگر موی سر و صورت بسیار باشد و آن را با آب قلیل بشویند، باید فشار دهند تا غسله آن جدا شود.^۲

مسأله ۱۸۴) ریخته شدن غسله تطهیر با آب قلیل روی اطراف

۱. اگر قسمتی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آن قسمت که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن نجس می‌شود، اگر آبی که برای پاک شدن محل نجس می‌ریزند، به آن اطراف جاری شود، با پاک شدن جای نجس، پاک می‌شود؛

۲. همچنین است اگر چیز پاکی را کنار چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند؛ مثلاً برای آب کشیدن یک انگشت نجس، روی چند انگشت آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، پس از پاک شدن انگشت نجس، تمام انگشت‌ها پاک می‌شود.^۳

مسأله ۱۸۵) تطهیر گوشت و دنبه و ظرف چرب

۱. گوشت و دنبه‌ای که نجس شده، مانند چیزهای دیگر آب کشیده می‌شود؛

۲. همچنین است اگر بدن یا لباس یا ظرف، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند؛

۳. اما ظرف یا بدن نجس، اگر به گونه‌ای چرب شود که مانع رسیدن آب به آنها شود، اگر بخواهند آن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آن برسد.^۴

مسأله ۱۸۶) تطهیر شیء نجس با آب شیر و غسله آن

۱. چیز نجسی که عین نجاست در آن نیست، اگر زیر شیری که متصل به کر یا جاری است، یک بار شسته شود، پاک می‌شود؛

۲. همچنین اگر عین نجاست در آن باشد:

الف) و نجاست آن زیر شیر یا به وسیله دیگری برطرف شود و آبی که از آن چیز می‌ریزد، بو، رنگ یا مزه نجاست را نگرفته باشد، با آب شیر پاک می‌گردد؛

۱. به دلیل روایات.

۲. چون یقین به ازاله نجاست لازم است.

۳. مستند آن روایت و قاعده طهارت است.

۴. به دلیل روایات.

ب) اما اگر آبی که از آن می‌ریزد، بو، رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند، تا در آبی که از آن جدا می‌شود، بو، رنگ یا مزه نجاست نباشد.^۱

مسأله ۱۸۷) شک در نجاست بعد از یقین به تطهیر

اگر چیز نجسی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و سپس شک کند که عین نجاست را از آن برطرف کرده یا نه:

۱. اگر هنگام آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجاست بوده، آن چیز پاک است؛^۲

۲. و اگر متوجه برطرف کردن عین نجاست نبوده، باید دوباره آن را آب بکشد.^۳

مسأله ۱۸۸) انواع زمین نجس

۱. زمینی که آب روی آن جاری نمی‌شود، اگر نجس شود، با آب قلیل پاک نمی‌گردد؛

۲. ولی زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد، چون آبی که روی آن می‌ریزند از آن جدا شده و لای شن و ریگ فرو می‌رود، با آب قلیل پاک می‌شود؛ اما زیر ریگ‌ها نجس می‌ماند.^۴

مسأله ۱۸۹) تطهیر شکر نجس شده

اگر از شکر آب شده نجس قند بسازند و در آب کر یا جاری بگذارند، پاک نمی‌شود مگر آب فراوان با وصف اطلاق به تمام درون آن برسد.^۵

۲. زمین

مسأله ۱۹۰) شرایط پاک‌کنندگی خاک

زمین با سه شرط، کف پا و ته کفش نجس را پاک می‌کند:

۱. زمین پاک باشد، ۲. زمین خشک باشد، ۳. اگر عین نجس - مثل خون و ادرار - یا متنجس - مثل گلی که نجس شده - در کف پا یا ته کفش باشد، با راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود؛ نیز زمین باید خاک، سنگ، آجر فرش، سیمان یا مانند اینها باشد و با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا، یا ته

۱. همان.

۲. به دلیل قاعده فراغ و تجاوز.

۳. به دلیل استصحاب نجاست.

۴. به دلیل عرف و استصحاب. مبنای این دست مسائل این موارد است: اطلاق ادله تطهیر، سیره متشرعه، نصوص و روایات باب از جمله صحیح مسلم و... و سهولت در شریعت در مسأله طهارت (این مبنای خاص استاد است بر خلاف اخباریون).

۵. با استهلاك پاک می‌شود.

کفش نجس پاک نمی‌شود. در پاک کننده بودن زمین، فرقی نیست که کف پا، یا ته کفش بر اثر راه رفتن در زمین نجس، نجس شود؛ یا از راه دیگر نجس گردد.^۱

مسئله ۱۹۱) پاک کنندگی زمین آسفالت

پاک شدن کف پا یا ته کفش نجس، با راه رفتن روی زمینی که با چوب و مانند آن فرش شده، محل اشکال است، بلکه پاک نشدن اقواست؛ ولی راه رفتن روی زمینی که با آسفالت و مانند آن فرش شده باشد - که نزد عرف زمین شمرده می‌شوند - پاک کننده است.^۲

مسئله ۱۹۲) تعداد گام برداشتن روی خاک و عدم لزوم رطوبت پا و کفش

برای پاک شدن کف پا یا ته کفش، بهتر است پانزده گام یا بیشتر راه بروند، اگرچه به کمتر از پانزده گام یا مالیدن پا به زمین، نجاست آن برطرف شود.^۳ لازم نیست کف پا یا ته کفش نجس، تر باشد، بلکه اگر خشک هم باشد، به راه رفتن پاک می‌شود.

مسئله ۱۹۳) پاک شدن اطراف پا و کفش

پس از آنکه کف پا یا ته کفش نجس، به راه رفتن پاک شد، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می‌شود، اگر زمین یا خاک به آن اطراف برسد، پاک می‌گردد.^۴

مسئله ۱۹۴) حکم پاک شدن چرخ ماشین و عصا و...

کسی که با دست و زانو راه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، پاک شدن دست و زانوی او با راه رفتن، محل اشکال است؛ همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چارپایان و چرخ وسایل نقلیه مانند اتومبیل و مانند آن.^۵

۳. آفتاب

مسئله ۱۹۵) شرایط پاک کنندگی آفتاب

آفتاب، زمین و ساختمان و ابزار به کاررفته در ساختمان را، مانند درب و پنجره، همچنین میخ کوبیده شده در دیوار ساختمان که جزء آن شمرده می‌شود، با چهار شرط پاک می‌کند:

-
۱. بر اساس اجماع محصل و منقول، نصوص، سیره مستمره و صحیح زراره و مانند آن: وسائل الشیعة، ابواب نجاسات، باب ۳۲، ح ۱، ۷، ۳ و ۱۰.
 ۲. بر اساس عرف.
 ۳. به دلیل نصوص.
 ۴. به دلیل همان نصوص.
 ۵. چون دلیل خاص درباره کفش و پا داریم. بنا بر مبنای تمثیل هم باید احتیاط کرد.

۱. چیز نجس به گونه‌های تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود، پس اگر خشک باشد، باید آن را تر کنند، تا با آفتاب خشک شود.

۲. اگر عین نجاست در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب، آن را برطرف کنند.

۳. چیزی مثل پرده یا ابر و مانند آن، از تابیدن بدون واسطه آفتاب جلوگیری نکند، پس اگر آفتاب از پشت آنها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود؛ ولی اگر آن چیز به قدری نازک باشد که از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند مانند شیشه، اشکال ندارد.

۴. آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند، پس اگر مثلاً چیز نجس به سبب باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌گردد؛ ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند در خشک شدن چیز نجس اثر کرده، اشکال ندارد.^۱

مسأله ۱۹۶) مصداق اموری که جزو زمین است

الف. چیزهایی که در اصل از زمین بوده، ولی به صورتی درآمده که اکنون به آن «زمین» نمی‌گویند - مثل کوزه، تسبیح، مهر و مانند آن - با آفتاب پاک نمی‌شود؛

ب. اما آن چیزهایی که اکنون از زمین شمرده می‌شود - مثل پاره سنگ و مانند آن - با آفتاب پاک می‌شود، هر چند نقل و انتقال پذیر باشد.^۲

ج. درخت و گیاه نیز با تابش آفتاب پاک می‌شوند.^۳

مسأله ۱۹۷) شک در شرایط تطهیر آفتاب

الف. اگر آفتاب به زمین نجس بتابد و سپس کسی شک کند که زمین، هنگام تابیدن آفتاب تر بوده یا نه، یا تری آن با آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است؛

ب. همچنین اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب عین نجاست از آن برطرف شده یا نه، یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه، آن زمین نجس است.^۴

مسأله ۱۹۸) پاک شدن آن سوی دیوار با آفتاب

الف. اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده پاک نمی‌شود؛

۱. وسائل الشیعة، باب ۲۹ از ابواب نجاسات، ح ۱، ۲ و ۴.

۲. معیار جزو زمین بودن از نظر عرف است.

۳. وسائل الشیعة، باب ۲۹ از ابواب نجاسات، ح ۲، ۳، ۵، ۶ و ۷.

۴. دلیل هر دو بخش مسأله استصحاب نجاست است.

ب. ولی اگر دیوار به قدری نازک باشد که به واسطه تابش به یک طرف، طرف دیگرش هم خشک شود، پاک می‌گردد.^۱

۴. استحاله

مسأله ۱۹۹) توضیح استحاله

اگر جنس چیز نجس و متنجس به گونه‌ای عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود و می‌گویند «استحاله» شده است، بنابراین اگر سگی بر اثر برخورد با خون یا ادرار، متنجس شود و در نمکزار فرو رود و نمک شود، هم نجاست ذاتی‌اش عوض می‌شود؛ هم تنجس عرضی آن شراب یا ادراری نیز که با قطره خونی متنجس شده، اگر بخار شود، هم نجاست ذاتی‌اش برطرف می‌شود؛ هم تنجس عرضی آن؛ همچنین اگر چوب متنجس بسوزد و خاکستر گردد، یا آب متنجس تبدیل به بخار شود، پاک می‌شود؛ ولی اگر جنس چیز نجس و متنجس عوض نشود و جسم همان جسم باشد، فقط صورت نوعی آن به حسب ظاهر عوض شود - مثل اینکه هیزم متنجسی ذغال گردد، یا گندم متنجسی تبدیل به آرد و خمیر و نان شود - باید احتیاط کرد.^۲

مسأله ۲۰۰) بخار آب و چربی نجس

بخار، دود و شعله‌ای که از چیز نجس یا متنجس برمی‌خیزد، پاک است؛ ولی اگر بخار به صورت عرق و مایع درآید، نجس است؛ نیز به احتیاط واجب باید از ذرات چربی و روغنی که از دود نجس حاصل می‌شود و بر سطوح مجاور آن می‌نشینند، اجتناب شود.^۳

مسأله ۲۰۱) شک در استحاله

چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.^۴

۵. انقلاب^۵

مسأله ۲۰۲) نجاست ذاتی و عرضی در انقلاب

در انقلاب فقط نجاست ذاتی برطرف می‌شود و تنجس عرضی باقی می‌ماند، بنابراین اگر شراب به خودی خود یا به سبب آنکه چیزی مانند سرکه و نمک در آن ریخته‌اند، سرکه شود، پاک و حلال می‌گردد؛ ولی

۱. به دلیل عرف.

۲. به دلیل تغییر موضوع؛ جای استصحاب نجاست نیز نیست چرا که شرط وحدت موضوع را ندارد.

۳. اگر شک در بقای موضوع داریم جای قاعده طهارت است ولی اگر شک در بقای موضوع نداریم جای استصحاب نجاست است.

۴. به خاطر استصحاب عدم استحاله، شهادت عرف و صحیحه ابن ابی عمیر: وسائل الشیعة، ابواب اسئار، باب ۱۱، ح ۱، ۲ و ۱۸.

۵. در روایات چند عنوان داریم: استحاله، تبدل اوصاف و تبدل اجزاء، انقلاب، انتقال و استهلاك. انقلاب به نص و اجماع مطهر است.

شرابی که از انگور، کشمش و خرماى نجس درست کنند، یا در حال شراب بودن، قطره خونى در آن افتاده باشد، با سرکه شدن، تنجس عرضى آن پاک نمى شود.^۱

۶. کم شدن دو سوم آب انگور

مسأله ۲۰۳) آب انگور جوش آمده

آب انگور جوش آمده، پیش از آنکه دو قسمت آن کم شود و یک قسمت آن بماند، گرچه نجس نیست، خوردن آن حرام است و در صورت کم شدن دو قسمت آن، حلال می شود و اگر ثابت شود که مست کننده است، حرام و نجس است و فقط به سرکه شدن پاک و حلال می شود.^۲

مسأله ۲۰۴) وجود چند دانه انگور در آبغوره

اگر مثلاً در یک خوشه غوره یک دانه یا دو دانه انگور باشد، اگر به آبی که از آن خوشه گرفته می شود، آب غوره بگویند و اثری از شیرینی در آن نباشد و بجوشد و دانه انگور مستهلک گردد، پاک و خوردن آن حلال است.^۳ چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، اگر جوش بیاید، نه نجس است؛ نه حرام.^۴

مسأله ۲۰۵) شیرهای که مسلمان می گیرد

شیره ای که از مسلمان گرفته می شود و معلوم است که احکام طهارت را رعایت می کند، پاک و حلال است و تفحص لازم نیست.^۵

۷. انتقال (تبدل)

مسأله ۲۰۶) چگونگی پاک کنندگی انتقال

اگر خون بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، منتقل شود و به خون آن حیوان تبدیل یابد، پاک می گردد؛ ولی خونى که زالو از انسان می مکد، چون به جزء بدن زالو تبدیل نمى یابد و خون انسان شمرده می شود، نجس است.^۶

۱. عنوان نجاست جدیدی اضافه شده است.

۲. به خاطر اطلاق ادله، اصالت بقای نجاست و حرمت. وسائل الشیعة، باب ۳۱ از ابواب اشربه، ح ۹ و ۵.

۳. به دلیل قاعده طهارت.

۴. به خاطر اصل طهارت.

۵. به خاطر اصل صحت. در شک موضوع اصل حلیت است.

۶. ادله روایات است. رابطه انتقال و استحاله عموم و خصوص من وجه است.

مسأله ۲۰۷) خون پشه و شک در انتقال

الف. اگر کسی پشه‌ای را که بر بدنش نشسته بکشد و نداند خونی که از کشته آن بیرون آمده همان است که از او مکیده یا از خود پشه است، پاک است؛

ب. همچنین است اگر بداند از او مکیده؛ ولی به جزء بدن پشه تبدل یافته؛

ج. اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به اندازه‌های کم باشد که به خون پشه تبدل نیافته یا معلوم نباشد که تبدل یافته یا نه، نجس است.^۱

مسأله ۲۰۸) پاک شدن عضو پیوندی

اگر جرم نجسی مانند پوست، گوشت و استخوان، جزء بدن انسان یا حیوان پاک شده و از اجزای بدن او محسوب شود، پاک خواهد بود؛ یعنی آنچه سبب پاک شدن است، تبدل است؛ نه صرف انتقال.^۲

مسأله ۲۰۹) تزریق و خرید و فروش خون

تزریق و خرید و فروش خون اشکال ندارد و فرقی بین خون مؤمن و کافر نیست. اگر تزریق به گونه‌ای باشد که از ابزارها خارج نشود باعث نجاست نیست. خون مالیت دارد و بدون اجازه صاحبش حق تصرف نیست حتی در بانک‌های خون و مانند آن. ضمان در خون هم جاری است.

۸. اسلام

مسأله ۲۱۰) چگونگی پاک‌کنندگی اسلام

اگر کافر غیر کتابی که نجس است شهادتین را یعنی «أشهد أن لا إله إلا الله و أشهد أن محمداً رسول الله» را بگوید، مسلمان می‌شود و با مسلمان شدن، بدن و آب دهان و بینی و عرق او پاک است؛ ولی اگر موقع مسلمان شدن، عین نجاست بر بدن او باشد، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد و اگر پیش از مسلمان شدن عین نجاست برطرف شده باشد، لازم است جای آن را آب بکشد، زیرا اسلام نجاست کفر غیر کتابی (اصلی یا مرتد) را پاک می‌کند؛ نه نجاست‌های دیگر را.^۳

مسأله ۲۱۱) پاک‌ی لباس تازه مسلمان

اگر هنگامی که کافر بوده، لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس به وقت مسلمان شدن در بدن او نباشد، نجس است؛ لباس تن او پاک می‌شود.^۴

۱. به دلیل اصل و اطلاقات و نزد شک قاعده طهارت. وسائل الشیعة، باب ۲۳ از ابواب نجاسات، ح ۱-۳.

۲. اطلاقات و ادله و عرف چنین می‌گوید.

۳. به ضرورت مذهب و تبعیت عرفی که دارای مراتب است. آنچه که عرفاً تابع شخص است آنها هم به حکم اقرارش تابع است.

۴. به اطلاقات و ضرورت و سیره. وسائل الشیعة، باب ۸۸ از ابواب جهاد.

مسأله ۲۱۲) اسلام زبانی و قلبی

۱. اگر کافر غیر کتابی شهادتین بگوید و معلوم نباشد که اسلام او قلبی است یا نه، پاک است؛
۲. ولی اگر معلوم باشد که در قلب مسلمان نشده، به احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد؛
۳. و اگر قلباً مسلمان شده ولی هنوز ابراز نکرده است.^۱

۹. تبعیت

مسأله ۲۱۳) تعریف تبعیت

تبعیت، آن است که چیز نجسی به همراه پاک شدن چیز نجس دیگر پاک شود.^۲

مسأله ۲۱۴) مصادیق تبعیت

۱. ظرف شراب: اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب، هنگام جوش آمدن به آنجا رسیده، پاک می‌شود و چیزی هم که معمولاً روی آن می‌گذارند، اگر به آن رطوبت نجس شود، پاک می‌گردد، بلکه اگر هنگام جوشیدن سرریز شود و پشت ظرف به آن آلوده شود، بعد از سرکه شدن، پشت ظرف اگر تبعیت عرفی صدق کند پاک می‌شود.^۳
۲. کودک نابالغ: کودک نابالغ کافر غیر کتابی، پس از مسلمان شدن یکی از پدر یا مادر یا جد یا جدّه او، پاک می‌شود.^۴
۳. وسایل غسل میت: تخته یا سنگی که روی آن میت را غسل می‌دهند و پارچه‌ای که با آن بخشی از اعضای میت را می‌پوشانند و دست کسی که او را غسل می‌دهد، همچنین کیسه و صابونی که با آن شسته می‌شود، پس از تمام شدن غسل، پاک می‌شود.^۵
۴. پاک شدن دست تطهیر کننده: کسی که چیزی را با دست خود آب می‌کشد، اگر دست و آنچه با هم آب کشیده شود، پس از پاک شدن آن چیز، دست او هم پاک می‌شود.
۵. اگر لباس و مانند آن را با ریختن آب قلیل بر آن بشویند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته‌اند جدا شود، آبی که در آن پارچه می‌ماند، پاک است؛ همچنین ظرف نجس را که با ریختن آب قلیل

۱. پاک است چرا که زبان اماره است.

۲. وسائل الشیعة، باب ۱۶ از ابواب مقدمات حدود.

۳. نصوص، وسائل الشیعة، باب ۴۳ از ابواب جهاد، ح ۱ به بعد.

۴. به همان دلیل نصوص قلبی.

۵. همان.

بر آن می‌شویند، قطره‌هایی که در آن ظرف - پس از جدا شدن آبی که برای پاک شدن، روی آن ریخته‌اند - می‌ماند، پاک است.

۱۰. برطرف شدن عین نجاست

۲۱۵) پاکی داخل دهان

اگر بدن حیوان به عین نجس - مثل خون - یا به متنجس - مانند آب نجس شده - آلوده باشد، اگر برطرف گردد، بدن آن حیوان پاک می‌شود؛ همچنین است باطن بدن انسان، مثل توی دهان و بینی. برای نمونه، اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در آب دهان از بین برود، آب کشیدن توی دهان لازم نیست؛ ولی اگر دندان مصنوعی در دهان نجس شود، به احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.^۱

۲۱۶) غذای لای دندان

اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، اگر خون به غذا نرسد، آن غذا پاک است و اگر خون به آن برسد، به احتیاط واجب نجس می‌شود.

مسأله ۲۱۷) نجس شدن باطن بدن

مقداری از لب و پلک چشم که هنگام بستن، روی هم می‌آید، نیز جایی که معلوم نیست از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود، لازم است احتیاطاً شسته شود.

۱۱. استبراء حیوان نجاست‌خوار

مسأله ۲۱۸) حیوان نجاست‌خوار

ادرار و مدفوع حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده نجس است و اگر بخواهند پاک شود باید آن را استبراء کنند؛ یعنی مدتی با خوردن غذای پاک و نخوردن نجس، به آن حیوان نجس‌خوار گفته نشود. بنا بر احتیاط باید شتر نجس‌خوار را چهل روز، گاو را بیست روز، گوسفند را ده روز، مرغابی را پنج روز و مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجس جلوگیری کنند و غذای پاک به آنها بخورانند.^۲

۱۲. غائب شدن مسلمان

مسأله ۲۱۹) چگونگی مطهریت غائب شدن مسلمان

اگر بدن یا لباس مسلمان یا چیز دیگری - مانند ظرف و فرش - که در اختیار اوست، نجس شود و آن مسلمان غائب گردد، با چند شرط می‌توان آن را پاک دانست:

۱. به دلیل اطلاقات حالی و مقالی مطهرات، سیره قطعی و شریعت سمحه سهله. وسائل الشیعة، باب ۲، ۱، ۴ و ۹ ابواب اسنار.

۲. به خاطر نصوص و اجماع و عرف که عنوانی از بین رود حکم هم می‌رود. وسائل الشیعة، باب ۲۸ از ابواب اطعمة، ح ۱ به بعد.

۱. مسلمان چیزی را که بدن یا لباسش را نجس کرده نجس بداند؛ برای مثال، اگر کسی لباسش با رطوبت به بدن کافر غیر کتابی ملاقات کرده و آن را نجس نداند، پس از غائب شدن او، نمی‌توان آن لباس را پاک دانست؛

۲. بداند بدن یا لباسش به چیز نجس رسیده است.

۳. آن چیز را در کاری که شرط آن را پاک بودن می‌داند استعمال کند؛ مثلاً با آگاهی و اختیار با آن لباس نماز بگذارد.

۴. انسان احتمال دهد آن مسلمان چیزی را که نجس شده آب کشیده است، پس اگر یقین داشته باشد که آب نکشیده، نباید آن چیز را پاک بداند.

۵. مسلمان، بالغ یا تشخیص دهنده طهارت و نجاست باشد.^۱

احکام ظرف‌ها

شرایط ظروف

۱. پاک بودن و نجاست ذاتی نداشتن

۲. نجاست عرضی نداشتن

۳. طلا و نقره نباشد

۴. غصبی نباشد

مسأله (۲۲۰) استفاده از ظرف ساخته شده از پوست سگ، خوک و مردار

ظرفی که از پوست سگ یا خوک یا مردار ساخته شده، خوردن و آشامیدن از آن ظرف حرام است و نباید آن ظرف را در وضو و غسل و کارهایی که باید با چیز پاک انجام داد، استعمال کنند و به احتیاط مستحب، چرم سگ و خوک و مردار را اگرچه ظرف هم نباشد، در کارهایی که طهارت در آنها شرط نیست، استعمال نکنند.^۲

مسأله (۲۲۱) استفاده از ظرف طلا و نقره

خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره، و نیز استعمال آنها در شئون زندگی، حرام است و احتیاط مستحب، ترک تزیین اتاق به آنهاست.^۳

۱. به دلیل نصوص.

۲. به دلیل روایات، وسائل الشیعة، باب ۳۰ ابواب ذبائح.

۳. به دلیل روایات. وسائل الشیعة، باب ۳۴ ابواب اطعمه. استفاده تزئینی تغییر موضوع است.

مسأله ۲۲۲) ساختن ظرف طلا و نقره و مزد و خرید و فروش آن

ساختن ظرف طلا و نقره که مصرفی غیر از حرام نداشته و به همین قصد ساخته می‌شود، نیز مزدی که برای آن گرفته می‌شود، حرام است. خرید و فروش ظرف طلا و نقره که مصرفی غیر از حرام ندارد و نیز پولی که فروشنده عوض آن می‌گیرد، حرام است.^۱ اگر برای مصارف حلال مانند تزئین و غیره باشد مزد و خرید و فروش اشکال ندارد گرچه بهتر است از تجمل‌گرایی پرهیز شود.

مسأله ۲۲۳) گیره استکان از طلا و نقره

۱. گیره استکان که آن را از طلا یا نقره می‌سازند، اگر پس از برداشتن استکان، به آن ظرف گفته شود، استعمال آن، چه به تنهایی یا با استکان، حرام است؛
۲. و اگر ظرف به آن گفته نشود، استعمال آن مانعی ندارد.

مسأله ۲۲۴) ظرف با آب طلا و آب نقره

استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، اشکال ندارد.

مسأله ۲۲۵) ظرف مخلوط با طلا و نقره

اگر فلزی را با طلا یا نقره مخلوط کنند و ظرف بسازند، اگر مقدار آن فلز به قدری افزون باشد که ظرف طلا یا نقره به آن نگویند، استعمال آن مانعی ندارد.^۲

مسأله ۲۲۶) جابه جا کردن غذا یا آب از ظرف طلا یا نقره

۱. اگر انسان غذا یا آبی را که در ظرف طلا یا نقره است، برای پرهیز از حرام در ظرف دیگر بریزد، این استعمال جایز است؛
۲. ولی اگر بخواهد از ظرف دوم غذا بخورد یا آب بنوشد و خالی کردن از ظرف مذکور، استعمال آن شمرده شود، این استعمال حرام است.^۳

مسأله ۲۲۷) استفاده از بادگیر قلیان و کارد طلا و نقره و مانند آن

استعمال بادگیر قلیان، غلاف شمشیر، کارد، قاب قرآن، اگر از طلا یا نقره باشد، اشکال دارد. عطردان، سرمه‌دان و مانند اینها نیز اگر از طلا یا نقره باشد، دارای همین حکمند. تنها در صورتی که تزئینی باشد بدون اشکال است.

۱. روایات داریم. در زمان قدیم رسم بود پذیرایی مشروبات به جام‌های طلا و نقره بود.

۲. به دلیل اطلاق عرفی.

۳. مهم صدق انتفاع است.

مسأله ۲۲۸) استفاده از ظرف طلا و نقره در حال ضرورت

استعمال ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری به مقدار ضرورت اشکال ندارد و برای وضو و غسل در حال اضطرار هم مانند تقیّه، می توان ظرف طلا و نقره را استعمال کرد، بلکه گاهی واجب است.

مسأله ۲۲۹) ظرفی که جنسش مشکوک است

استعمال ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره یا از چیز دیگر است، اشکال ندارد.^۱ طلای سفید حکم طلا دارد ولی پلاتین خیر.

مسأله ۲۳۰) شیر آب طلا یا نقره

شیر آب از طلا یا نقره در صورت استفاده برای وضو یا غسل اشکال دارد مگر در حال ضرورت.

مسائل وضو

افعال وضو

مسأله ۲۳۱) مجموعه افعال وضو

در وضو واجب است صورت و دستها شسته و جلوی سر و روی پاها مسح شود.^۲

مسأله ۲۳۲) محدوده شستن صورت در وضو

درازای صورت باید از بالای پیشانی، از جایی که موی سر می روید تا آخر چانه، شسته شود و پهنای آن به مقداری که میان انگشت وسط و شست قرار می گیرد، باید شسته شود و اگر مختصری از این مقدار شسته نشود، وضو باطل است، پس برای آنکه شخص یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید.^۳ البته به قدر متعارف کافی است و دقت نیاز نیست.^۴

مسأله ۲۳۳) میزان متعارف صورت و دست

اگر صورت یا دست کسی کوچک تر یا بزرگ تر از متعارف مردم باشد، باید ببیند که افراد عادی تا کجای صورت خود را می شویند و او هم تا همانجا را بشوید؛ نیز اگر در پیشانی او مو روییده یا جلوی سرش مو ندارد، باید به اندازه متعارف پیشانی را بشوید.^۵

۱. به خاطر برائت.

۲. به دلیل روایات و شهرت.

۳. از باب مقدمه واجب.

۴. المائدة، ۶؛ وسائل الشیعة، باب ۱۷ از ابواب وضو، ح ۱ به بعد.

۵. به دلیل روایات و عرف. ما دارت علیه الایهام و الوسطی.

مسأله ۲۳۴) احتمال وجود مانع در اعضای وضو

اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در قسمتی از اعضای وضو - مانند ابروها و گوشه‌های چشم و لب او - هست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، در صورتی که احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید پیش از وضو آن را بررسی کند که اگر هست، برطرف نماید.^۱

مسأله ۲۳۵) رساندن آب به پوست

الف) اگر پوست صورت از لای مو پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند؛

ب) و اگر پوست صورت پیدا نباشد، شستن مو کافی است و رسانیدن آب به زیر آن لازم نیست.^۲

ج) اگر شک کند که پوست صورت از لای مو پیدا است یا نه، به احتیاط واجب باید مو را بشوید و آب را به پوست هم برساند.^۳

مسأله ۲۳۶) شستن بخش‌هایی که از صورت که دیده نمی‌شود

الف) شستن توی بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست؛

ب) ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود، چیزی باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را هم بشوید.^۴

ج) کسی که نمی‌داند باید این مقدار را بشوید، اگر نداند در وضوهای که گرفته این مقدار را شسته یا نه، نمازهایی که گزارده صحیح است.^۵

مسأله ۲۳۷) جهت شستن صورت و دست‌ها

باید صورت را از بالا به پایین شست؛ اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است و دست‌ها را باید از آرنج به طرف سر انگشتان بشوید.^۶ ریختن آب اگر به عنوان مقدمه وضو است فرقی ندارد ولی اگر به عنوان خود وضو می‌ریزد باید از بالا بریزد.

۱. به دلیل روایات.

۲. همان.

۳. چرا که اشتغال یقینی برائت یقینی نیاز دارد.

۴. باید مراقب وسواس بود.

۵. وسائل الشیعة، باب ۱۵ از ابواب وضو، ح ۲ به بعد، وضوهای بیانیه.

۶. به دلیل روایات و عرف.

مسأله ۲۳۸) میزان تری دست

اگر دست را تر کند و به صورت و دست‌ها بکشد، در صورتی تری دست به قدری باشد که با کمک دست، شستن صدق کند نه مسح، بنا بر احتیاط کافی است.^۱

مسأله ۲۳۹) ترتیب کارهای وضو

پس از شستن صورت، باید دست راست و سپس از آن دست چپ را، از آرنج تا سر انگشت، بشوید.^۲

مسأله ۲۴۰) شستن کمی بالاتر از آرنج

برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.^۳

مسأله ۲۴۱) حکم شستن دست‌ها تا مچ

کسی که پیش از شستن صورت، دست‌های خود را تا مچ شسته، هنگام وضو باید تا سر انگشتان را بشوید و اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است.

مسأله ۲۴۲) تعداد شستن دست‌ها و صورت

در وضو، شستن صورت و دست‌ها، بار نخست واجب، بار دوم جایز، بار سوم و بیشتر از آن حرام است ولی وضو باطل نیست و اگر با مقداری آب که به قصد وضو می‌ریزد، تمام عضو شسته شود، یک بار شمرده می‌شود؛ چه یک بار را قصد بکند، یا قصد نکند.^۴

مسأله ۲۴۳) چگونگی مسح سر

پس از شستن هر دو دست باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند و بهتر است با دست راست باشد و به احتیاط از بالا به پایین مسح کند.^۵

یک قسمت از چهار قسمت سر - که مقابل پیشانی است - جای مسح است و هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است، اگرچه به احتیاط مستحب، از درازا به اندازه درازای یک انگشت و از پهنا به اندازه پهنای سه انگشت بسته، مسح کند.

مسأله ۲۴۴) مسح بر موها

لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه بر موی جلوی سر هم صحیح است؛ ولی کسی که موی جلوی سر او به اندازه‌های بلند است که اگر مثلاً شانه کند به صورتش می‌ریزد، یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، باید

۱. وسائل الشیعة، باب ۳۱ و ۴۶ از ابواب وضو و باب ۲۶ از ابواب جنابت.

۲. همان آدرس طریقه وضو گرفتن.

۳. از باب مقدمه واجب.

۴. وسائل الشیعة، باب ۴۶ از ابواب وضو، ح ۳، باب ۲۹ از ابواب وضو، ح ۶.

۵. همان.

بُن موها را مسح کند؛ یا موها را کنار بزند و پوست سر را مسح کند و اگر موهایی را که به صورت می‌ریزد یا به جاهای دیگر سر می‌رسد، جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح کند، یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی آن آمده مسح کند، باطل است.^۱

مسأله ۲۴۵) چگونه مسح پا

پس از مسح سر باید با تری آب وضو که در دست مانده، روی پاها را از سر یکی از انگشتها تا برآمدگی روی پا و به احتیاط تا مفصل، مسح کند.^۲

مسأله ۲۴۶) میزان مسح پا

پهنای مسح پا به هر اندازه باشد، کافی است؛ ولی بهتر بلکه أحوط آن است که با تمام کف دست، روی پا را مسح کند. واجب مسح به باطن کف است، احتیاط به دست راست است و اولویت با انگشتان است.^۳

مسأله ۲۴۷) صدق مسح پا

اگر در مسح پا همه دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد، صحیح است.^۴

مسأله ۲۴۸) حرکت پا یا سر هنگام مسح

در مسح سر و روی پا باید دست را روی آنها بکشد و اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را به آن بکشد، مسح باطل است؛ ولی اگر موقعی که دست را می‌کشد، سر یا پا مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

مسأله ۲۴۹) رطوبت دست هنگام مسح

جای مسح باید خشک باشد، پس اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن اثر نکند، مسح باطل است؛ ولی اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبت آن مانع از تأثیر رطوبت کف دست نباشد، یعنی پس از مسح بگویند این رطوبت فقط از تری کف دست است، اشکال ندارد.^۵

مسأله ۲۵۰) چاره خشک شدن دست قبل مسح

الف) اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی‌تواند دست را با آب خارج، تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد و با آن مسح کند. باید آب را از اعضای اصلی بگیرد تا مانند مو و ریش.

۱. به دلیل صحیح زراره: وسائل الشیعة، باب ۲۱ و ۲۲ ابواب وضو، ح ۱ تا ۵.

۲. به دلیل روایات.

۳. همان.

۴. به دلیل عرف و روایات.

۵. به دلیل روایات.

ب) اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، می تواند سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.^۱

ج) هرگاه بر اثر گرمی هوا یا جهات دیگر، هیچ رطوبتی در اعضای وضو برای گرفتن رطوبت جهت مسح باقی نماند، به احتیاط واجب، هم با آب خارج مسح کند؛ هم پس از وضو تیمم کند.

مسأله (۲۵۱) مسح از روی جوراب و کفش

مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است؛ ولی اگر به جهتی مانند سرمای شدید یا ترس از دزد و درنده و مانند اینها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد و اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکی بر آن بگذارد و بر آن چیز مسح کند.^۲

اگر جوراب آن قدر نازک است که رطوبت عبور می کند و آن را احساس می کند اشکالی ندارد.

مسأله (۲۵۲) نجس بودن روی پا

اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، باید تیمم کند.^۳

مسأله (۲۵۳) تکرار مسح

تکرار مسح سبب بطلان وضو نیست؛ به ویژه اگر برای رعایت احتیاط باشد، مگر آنکه از روی تشریح یا وسوسه باشد.

وضوی ارتماسی

مسأله (۲۵۴) چگونگی وضوی ارتماسی

وضوی ارتماسی، آن است که انسان صورت و دستها را به قصد وضو در آب فرو برد؛ یا آنها را در آب فرو برد و به قصد وضو بیرون آورد.^۴ احتیاط این است که دست چپ را کمی با دست راست بکشد تا مسح دچار مشکل نشود.

مسأله (۲۵۵) رعایت از بالا به پایین

در وضوی ارتماسی هم باید صورت و دستها از بالا به پایین شسته شود، پس اگر وقتی که صورت و دستها را در آب فرو می برد قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دستها را از طرف آرنج در آب فرو برد

۱. کل مطالب وضو به دلیل اطلاق ادله کتاب، روایات متواتر و وضوئات بیانیه مانند صحیحہ بزنی از امام رضا علیه السلام (وسائل الشیعة،

باب ۲۴ از ابواب وضو، ح ۴) و ضرورت مذهب.

۲. به دلیل عرف و روایات.

۳. به دلیل روایات.

۴. وسائل الشیعة، باب ۵۴ از ابواب وضو، ح ۲.

و اگر هنگام بیرون آوردن از آب قصد وضو کند، باید صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج بیرون آورد.

مسأله ۲۵۶) ارتماسی در برخی اعضای وضو

اگر وضوی برخی از اعضاء را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

مسأله ۲۵۷) رفع مانع نجس همراه وضو

اگر اعضای وضو نجس بود و همراه با ارتماس و هم‌زمان پاک شد اشکالی ندارد.

دعاهای مستحب هنگام وضو گرفتن

مسأله ۲۵۸) ادعیه هنگام وضو

که وضو می‌گیرد مستحب است:

- در آغاز نگاه به آب بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَ بِاللَّهِ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُورًا وَ لَمْ يَجْعَلْهُ نَجْسًا».
- هنگام شستن دست پیش از وضو بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَابِينَ وَ اجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».
- وقت مضمضه کردن (یعنی آب در دهان گرداندن) بگوید: «اللَّهُمَّ لَقِّنِي حَجَّتِي يَوْمَ الْقَاكِ وَ أَطْلُقْ لِسَانِي بِذَكَرِكَ».
- هنگام استنشاق (یعنی آب در بینی کردن) بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَحْرِمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَ رُوْحَهَا وَ طَيِّبَهَا».
- زمان شستن صورت بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوَجُوهُ وَ لَا تَسْوَدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوَجُوهُ».
- وقت شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَ الْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بَيْسَارِي وَ حَاسِبُنِي حَسَابًا يَسِيرًا».
- هنگام شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تَعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَ لَا مِنْ وَرَاءَ ظَهْرِي وَ لَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَ اَعُوذُ بِكَ مِنْ مُقَطَّعَاتِ النَّيِّرَانِ».
- زمان مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ عَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَ بَرَكَاتِكَ وَ عَفْوِكَ».
- وقت مسح پا بگوید: «اللَّهُمَّ ثَبِّتْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَنْزَلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَ اجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ».

شرایط وضو

سیزده چیز از شرایط صحیح بودن وضو است:

شرط یکم: آب باشد؛ نه مایع دیگر مانند گلاب.^۱

شرط دوم: آب وضو پاک باشد.

مسئله ۲۵۹) بطلان وضو با آب نجس و غیر آب

وضو با آب نجس و مایعی که آب نیست - مانند عصاره میوه - باطل است، اگرچه انسان نجس بودن یا آب نبودن آن را نداند؛ یا فراموش کرده باشد و اگر با آن وضو نمازی هم گزارده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح به جا آورد.^۲

مسئله ۲۶۰) وضو با آب گل آلود

الف. آب گل آلود در صورتی که آب بر آن صدق می کند می توان با آن وضو گرفت؛

ب. اگر میزان گل زیاد باشد و صدق آب نکند:

- اگر غیر از آب گل آلود، آب دیگری برای وضو ندارد و وقت نماز تنگ است، باید تیمم کند؛

- و اگر وقت دارد، باید صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

شرط سوم: آب وضو مباح باشد.

بنا بر احتیاط، فضایی نیز که در آن وضو می گیرد، باید مباح باشد، اگرچه مباح نبودن فضا حرام است، برای صحت وضو لازم نیست.

مسئله ۲۶۱) وضو با آب غصبی یا مشکوک

وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است؛ ولی اگر در گذشته راضی بوده و انسان نمی داند که از رضایتش برگشته یا نه، وضو صحیح است؛ نیز اگر آب وضو از صورت و دستها در جای غصبی بریزد، وضوی او صحیح است.

مسئله ۲۶۲) وضو از حوض مدرسه

وضو گرفتن از حوض یا وضوخانه مدرسه ای که انسان نمی داند آن حوض یا وضوخانه را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای محصلان همان مدرسه، در صورتی که مردم متدین، از آب آن وضو بگیرند، اشکال ندارد.

مسئله ۲۶۳) وضو در مسجدی که نمی خواهد آنجا نماز بخواند

کسی که نمی خواهد در مسجدی نماز بگذارد، اگر نداند آب حوض یا وضوخانه آن را برای همه مردم وقف کرده اند یا برای کسانی که در آنجا نماز می خوانند، نمی تواند از حوض یا وضوخانه آن وضو بگیرد؛

۱. به دلیل کتاب و سنت.

۲. وسائل الشیعة، باب ۳ از ابواب ماء المطلق، ح ۵، ۱۳ و ۱۴.

ولی اگر معمولاً کسانی هم که نمی‌خواهند در آنجا نماز بگزارند، از حوض یا وضوخانه آن بدون جلوگیری مسئول امور مسجد وضو می‌گیرند، می‌تواند از حوض یا وضوخانه آن وضو بگیرد. اگر آب مسجد از نهر روان عمومی بود افراد بین راه هم می‌توانند آنجا وضو بگیرند.

مسأله ۲۶۴) وضو در اماکن عمومی

وضو گرفتن از حوض یا وضوخانه تیمچه‌ها، پاساژها، مسافرخانه‌ها، مهمانسراها و مانند اینها برای کسانی که ساکن آنجاها نیستند، در صورتی صحیح است که معمولاً کسانی هم که ساکن آن مکان‌ها نیستند، بدون جلوگیری مسئول آن مکان، با آب آنجاها وضو می‌گیرند.

مسأله ۲۶۵) وضوی مهمان در مدرسه و مهمان‌خانه‌ها

هرگاه کسی محصل مدرسه‌ای نیست، ولی مهمان محصلان آن است، اگر پذیرفتن چنین مهمانی بر خلاف شروط وقف نباشد، وضو گرفتن او در آن مدرسه اشکال ندارد؛ همچنین است در مورد کسی که مهمان مؤسسات فرهنگی، تجاری، نیز مهمان مسافران مسافرخانه‌ها، مهمانسراها یا ساکنان تیمچه‌هاست.

مسأله ۲۶۶) وضو از نهرهای بزرگ

وضو گرفتن از نهرهای بزرگ که مالک خصوصی دارد، اگرچه انسان نداند که صاحب آنها راضی است، اشکال ندارد، بلکه اگر بداند صاحب آنها از وضو گرفتن ناراضی است، اشکال ندارد، هرچند به احتیاط مستحب در این صورت با آب آنها وضو نگیرند. اگر مجرای نهر را بدون اجازه صاحبش تغییر داده‌اند احتیاط در وضو نگرفتن از آن است.

مسأله ۲۶۷) فراموشی غصبی بودن آب

اگر فراموش کند آب غصبی است، در صورتی که خود او غاصب نباشد و با آن وضو بگیرد، وضوی او صحیح است.^۱

شرط چهارم: ظرف آب وضو به احتیاط واجب مباح باشد.^۲

مسأله ۲۶۸) انحصار در ظرف غصبی

اگر ظرف وضو منحصر در ظرف غصبی بود هم وضو بگیرد و هم تیمم کند به احتیاط.

۱. اگر خود فرد غاصب باشد در صورت عدم علم یا فراموشی، وضو باطل است.

۲. کلیه تعالیم اسلام بر اساس غصبت نیست، غصب مبعوض الهی است و باید پرهیز شود. البته آب از مقومات طهارت است ولی ظرف از لوازم و مقدمات است.

شرط پنجم: ظرف آب وضو به احتیاط واجب طلا و نقره نباشد.^۱

مسئله ۲۶۹) کیفیت وضو از ظرف طلا و نقره یا غصبی

اگر آب وضو در ظرفی باشد که وضو گرفتن از آن حرام است - مانند ظرف طلا و نقره و ظرف غصبی - و مکلف هم ظرف یا آب دیگری نداشته باشد، باید تیمم کند و اگر با آن آب وضو بگیرد، به احتیاط واجب باطل است و اگر آب مباح دیگری دارد، اگر در آن ظرف طلا و نقره یا غصبی وضوی ارتماسی بگیرد یا با آن ظرف آب را به صورت و دست‌ها بریزد، به احتیاط واجب وضوی او باطل است؛ ولی اگر با کف دست آب از آن ظرف بردارد و به صورت و دست‌ها بریزد، وضویش صحیح است، اگرچه به لحاظ تصرف در ظرف غصبی، فعل حرام مرتکب شده است.

مسئله ۲۷۰) غصبی یا طلا و نقره بودن بخشی از لوله کشی یا شیر

اگر در حوض یا وضوخانه‌ای که قسمتی از آن - مانند یک آجر، یک سنگ، شیر آب یا قسمتی از لوله کشی آن - غصبی است، وضو بگیرد، وضو صحیح است، هر چند اگر وضوی او تصرف در غصب حساب شود، حرام است.

مسئله ۲۷۱) وضوخانه در قبرستانی که نمی‌دانیم وقف شده یا خیر

اگر در صحن حرم یکی از امامان یا امامزادگان - که سابقاً قبرستان بوده - حوضی یا نهری یا وضوخانه‌ای بسازند، اگر انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده‌اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهر اشکال ندارد.^۲

شرط ششم: اعضای وضو هنگام شستن و مسح کردن پاک باشد.

مسئله ۲۷۲) نجس شدن عضوی هنگام وضو

اگر پیش از تمام شدن وضو عضوی را که شسته یا مسح کرده، نجس شود، ولی بقیه اعضای وضو را به گونه‌ای انجام دهد که نجاست به آن نرسد، وضویش صحیح است.

مسئله ۲۷۳) تطهیر اعضای غیر وضو هنگام وضو

اگر غیر از اعضای وضو عضوی از بدن نجس باشد وضو صحیح است؛ ولی اگر مخرج را از ادرار یا مدفوع تطهیر نکرده باشد، به احتیاط مستحب، نخست آن را تطهیر کند و سپس وضو بگیرد.

مسئله ۲۷۴) بعد از وضو یادش آمده عضو وضو نجس بوده

اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و پس از وضو شک کند که پیش از وضو، آن را آب کشیده یا نه:

۱. چون از لوازم است نه مقومات.

۲. بر اساس اصل حلیت و سیره مسلمین.

۱. اگر هنگام وضو متوجه پاک یا نجس بودن آن عضو نبوده یا نمی داند به گونه‌ای شسته که پاک شده یانه، وضو باطل است.^۱

۲. و اگر می داند متوجه بوده یا شک دارد که متوجه بوده یا نه، وضو صحیح است و در هر صورت، عضوی را که نجس بوده، باید آب بکشد.^۲

مسأله (۲۷۵) چگونگی وضو با وجود جریان خون در عضو وضو

اگر در صورت یا دست‌ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، باید در آب کر یا جاری (مثل آب لوله کشی) فرو برد و قدری فشار دهد که خون (ولو یک لحظه) بند بیاید و سپس به دستوری که گفته شد، وضوی ارتماسی بگیرد.

شرط هفتم: وقت برای به جا آوردن وضو و نماز کافی باشد.

مسأله (۲۷۶) وضو در هنگام تنگی وقت

هرگاه وقت به قدری تنگ است که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن، هرچند اندک، بعد از وقت گزارده می شود، باید تیمم کند؛ ولی اگر برای وضو و تیمم یک اندازه وقت لازم است، باید وضو بگیرد.^۳

مسأله (۲۷۷) کسی که بخاطر تنگی وقت باید تیمم کند، وضو بگیرد

کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر وضو بگیرد، صحیح است؛ چه برای آن نماز وضو بگیرد؛ یا برای کار دیگر.^۴

شرط هشتم: به قصد قربت، یعنی برای انجام دادن فرمان خدای عالم (ولو کنترل خشم)، وضو بگیرد و اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد، باطل است، مگر اغراض دیگر، تابع قصد قطعی تقرب به خدای سبحان باشد.

مسأله (۲۷۸) چگونگی نیت وضو

لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند؛ ولی باید در تمام حالات وضو متوجه باشد که وضو می گیرد، به گونه‌ای که اگر از او بپرسند چه می کنی بگوید «وضو می گیرم».^۵

۱. به خاطر استصحاب نجاست.

۲. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز.

۳. به دلیل روایات.

۴. چرا که منجر به نهی از وضو و بطلان آن نمی شود.

۵. به خاطر روایات.

مسأله ۲۷۹) گناه در حال وضو

هرگاه در حال وضو گناهی انجام دهد - مانند شنیدن غیبت یا نگاه به زن نامحرم یا وضو گرفتن زن در جایی که مرد نامحرم به او نگاه می‌کند - وضوی او صحیح است، هرچند گناه کرده است.^۱

شرط نهم: رعایت ترتیب در به جا آوردن وضو؛ یعنی نخست صورت و پس از آن دست راست و سپس دست چپ را بشوید و پس از آن سر و آنگاه پاها را مسح کند و باید احتیاطاً پای راست را پیش از پای چپ مسح کند و اگر به این ترتیب وضو نگیرد، باطل است.^۲

مسأله ۲۸۰) حکم عدم رعایت ترتیب

هرگاه کسی شستن عضو قبلی را فراموش کرد و عضو بعدی را شست، برای مثال، نخست دست چپ و سپس دست راست را شست، باید پس از دست راست دست چپ را بشوید، تا ترتیب مراعات شود، به شرط اینکه با این شستن بی‌جا، موالات از بین نرود و اگر موالات ترک شود، باید دوباره وضو بگیرد.^۳

شرط دهم: کارهای وضو را پیایی انجام دهد.

مسأله ۲۸۱) معیار موالات

اگر میان کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می‌خواهد وضوی را بشوید یا مسح کند، رطوبت عضوهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده خشک شده باشد، وضو باطل است و اگر فقط رطوبت عضو آخری که شسته یا مسح کرده خشک شده باشد - برای مثال، موقعی که می‌خواهد دست چپ را بشوید رطوبت دست راست خشک شده باشد و صورت تر باشد - وضو صحیح است.^۴

مسأله ۲۸۲) خشک شدن غیر طبیعی اعضای وضو

اگر کارهای وضو را پشت سرهم به جا آورد، ولی به جهتی مانند گرمای هوا، باد، حرارت فراوان بدن و مانند این‌ها رطوبت عضوهای سابق خشک شود، وضوی او صحیح است.^۵

مسأله ۲۸۳) راه رفتن بین وضو

راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد، پس اگر بعد از شستن صورت و دست‌ها چند قدم راه برود و سپس سر و پا را مسح کند، وضوی او صحیح است.^۶

۱. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، باب ۵ از ابواب مقدمه عبادات، ح ۹ و ۱۰.

۲. به خاطر نص: وسائل الشیعة، باب ۲۴ ابواب وضو ح ۱ به بعد؛ اجماع مسلمین نیز هست.

۳. به دلیل روایات.

۴. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، ابواب وضو، باب ۳۵، ح ۲ به بعد.

۵. به دلیل روایات.

۶. به دلیل عرف و اینکه موالات به هم نمی‌خورد. خشک شدن اعضا نشانه است و موالات عرفیه معیار است.

شرط یازدهم: کارهای وضو را در صورت توانایی، خود وضوگیرنده انجام دهد و اگر دیگری او را وضو دهد - برای مثال در رسانیدن آب به صورت و دست و شستن آنها کمک کند یا مسح سر و پاهای او را به عهده بگیرد - وضو باطل است.

مسأله ۲۸۴) کیفیت وضوی نا توان

کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که با اعضای وی او را وضو دهد و اگر مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید پردازد؛ ولی باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید و اگر نمی تواند، باید نایبش دست او را بگیرد و به عضو مسح او بکشد و اگر این هم ممکن نیست، باید از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سر و پای او را مسح کند و به احتیاط واجب در صورت امکان، تیمم هم بکند.^۱

هر کدام از کارهای وضو را که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید در آن کمک بگیرد.

مسأله ۲۸۵) وضو دادن نامحرم

اگر نا محرمی فرد را وضو داد، در بخش شستن اشکال ندارد ولی مسح نا محرم باطل است. اگر پارچه نازکی فاصله باشد اشکالی ندارد.^۲

شرط دوازدهم: استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد.

مسأله ۲۸۵) حکم کسی که نباید وضو بگیرد

الف) کسی که می ترسد اگر وضو بگیرد، مریض شود، یا اگر آب را به مصرف وضو برساند تشنه بماند، نباید وضو بگیرد و وظیفه او تیمم است؛

ب) ولی اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و پس از آن بفهمد که ضرر داشته، وضویش صحیح است، اگرچه به احتیاط مستحب با آن وضو نماز نگذارد و تیمم کند و اگر با آن وضو نماز گزارده، دوباره آن را اقامه کند.

مسأله ۲۸۶) وضو با آب کم

اگر رسانیدن آب به صورت و دست ها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است، ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقدار وضو بگیرد.

۱. بر اساس قاعده میسور.

۲. چون مسح نا محرم حرام است و نهی در عبادات باعث بطلان است.

شرط سیزدهم: در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد.

مسأله ۲۸۷) شک در مانعیت

اگر می‌داند چیزی به عضوی از اعضای وضو چسبیده؛ ولی شک دارد که از رسیدن آب در شستن صورت و دست‌ها یا مسح سر و پاها جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند؛ یا آب را به زیر آن برساند.^۱

مسأله ۲۸۸) رفع چرک ناخن

اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد؛ ولی بهتر است آن را تمیز کنند؛ اما اگر ناخن را بگیرند، در صورتی که آن چرک مانع از رسیدن آب به پوست باشد، باید برای وضو آن چرک را برطرف کنند؛ نیز اگر ناخن بلندتر از حد معمول باشد، باید چرک زیر مقداری را که بلندتر از حد معمول است، برطرف کند.^۲

مسأله ۲۸۹) تاول یا سوختگی در وضو

- اگر بر اثر سوختگی یا چیز دیگر، تاول‌هایی در اعضای وضو پیدا شود، شستن صورت و دست‌ها و مسح سر و پاها روی آن کافی است.
- اگر تاول سوراخ شود، رسانیدن آب به زیر پوست لازم نیست،
- بلکه اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند؛
- ولی اگر پوستی که کنده شده گاهی به بدن می‌چسبد و زمانی برمی‌آید، باید آن را قطع کند؛ یا آب را به زیر آن برساند، به شرط اینکه ضرر نداشته باشد. و اگر بعد جدایی پوست زیر آن خون‌آلود است باید تطهیر شود.

مسأله ۲۹۰) وجود مانع و فحص

اگر شک در وجود مانع دارد، فحص اولیه لازم است و در صورت علم به مانع باید علم به زوال مانع هم بیاید. در این مسأله نباید وسواس به خرج دهد و به صورت معمول فحص لازم نیست و مراعات عرف بشود. کثیر الشک و وسواسی نباید جستجو کند.

مسأله ۲۹۱) چرک یا گچ در بدن

- در اعضای وضو هر مقدار چرک یا چربی که باشد، اگر آن چرک یا چربی مانع از رسیدن آب به آن عضوها نباشد، اشکال ندارد؛

- همچنین اگر پس از گچکاری یا رنگکاری و مانند آن، مقدار کمی از گچ یا رنگ - که مانع رسیدن آب به بدن نیست - بر دست بماند، اشکال ندارد؛

۱. رسیدن آب به پوست از مقومات داخلی وضو است نه از شرایط خارجی پس باید یقین کند.

۲. به دلیل عرف.

- ولی اگر شک کند که مانع رسیدن آب در شستن یا مسح کردن است یا نه، باید آن را برطرف کند.

مسأله ۲۹۲) شک در مانع پس از وضو

اگر پیش از وضو بداند که در برخی از اعضای وضو، مانعی از رسیدن آب هست و پس از وضو شک کند که هنگام وضو، آب را به عضو لازم رسانده یا نه، وضوی او صحیح است؛ ولی اگر بداند که هنگام وضو متوجه آن مانع نبوده، باید دوباره وضو بگیرد.^۱

مسأله ۲۹۳) دیدن مانع پس از وضو

- اگر پس از وضو چیزی را که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند هنگام وضو بوده یا پس از آن پیدا شده، وضوی او صحیح است؛^۲

- ولی اگر بداند که در حال وضو متوجه آن مانع نبوده، به احتیاط واجب دوباره وضو بگیرد.

- اگر پس از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است، در اعضای وضو بوده یا نه، در صورت احتمال توجه داشتن، وضو صحیح است.

مسأله ۲۹۴) شک در شروط وضو پس از آن

اگر پس از وضو شک کند همه کارهای وضو را انجام داده یا نه، یا شروط در آن جمع بوده یا نه، وضو صحیح است؛

اما اگر در حال وضو شک کند و از محل آن نگذشته باشد، باید به جا آورد، و اگر از محل آن گذشت، به احتیاط واجب آن را به جا آورد.^۳

احکام وضو

مسأله ۲۹۵) احکام وسواسی در وضو

کسی که در کارهای وضو و شروط آن، مانند پاک بودن آب، غصبی نبودن آن، بودن مانع بر اعضای وضو و مانند آن وسوسه دارد، باید به شک خود اعتنا نکند و همانند افراد متعارف انجام دهد.^۴

۱. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز که در صورت التفات حین عمل صادق است.

۲. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز.

۳. همان قاعده.

۴. چرا که وسواسی علم ندارد و منصوص است لذا باید علم خود را از دیگران بگیرد: وسائل الشیعة، باب ۱۰ از ابواب مقدمات عبادات، ح ۱.

مسأله ۲۹۶) شک در بطلان وضو

اگر شک کند که وضوی او به سبب یکی از چیزهایی که وضو را از بین می‌برد، باطل شده یا نه، بنا گذارد که وضوی او باقی است؛^۱ ولی اگر پس از ادرار، استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از مجرای ادرار او بیرون آید که نداند ادرار است یا چیز دیگر، وضوی او باطل است.^۲

مسأله ۲۹۷) شک در وضو برای کسی که وضو نداشته

کسی که در گذشته وضو نداشته و هم اکنون شک دارد وضو گرفته یا نه، باید وضو بگیرد.^۳

مسأله ۲۹۸) یقین به وضو و مبطل آن و شک در مقدم

کسی که می‌داند وضو گرفته و باطل کننده وضو هم از او سر زده - مثلاً ادرار کرده است - اگر نداند کدام جلوتر بوده:

الف) اگر این شک پیش از نماز است، باید وضو بگیرد؛

ب) و اگر در بین نماز است، باید نماز را بشکند و وضو بگیرد؛

ج) و اگر پس از نماز است، در صورت توجه در حال شروع به نماز، نمازی را که گزارده صحیح است^۴ و باید برای نماز بعدی اش وضو بگیرد.^۵

مسأله ۲۹۹) یقین به عدم انجام برخی اعمال وضو

اگر پس از وضو یا در میان آن یقین کند که برخی از اعضای وضو را نشسته یا مسح نکرده است:

الف) رطوبت عضوهایی که پیش از آن است خشک شده باشد، باید دوباره وضو بگیرد؛^۶

ب) و اگر خشک نشده، باید عضوی را که فراموش کرده و عضو پس از آن را بشوید یا مسح کند و اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن عضوی شک کند، باید به همین دستور عمل کند.^۷

۱. به دلیل استصحاب.

۲. به دلیل روایات.

۳. به دلیل استصحاب عدم.

۴. به خاطر قاعده فراغ.

۵. چون در این فرض و فروض قبلی یقین به طهارت لازم است.

۶. به خاطر بر هم خوردن موالات.

۷. قاعده تجاوز هم جاری نمی‌شود.

مسئله ۳۰۰) شک در وضو پس از نماز

اگر پس از نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او صحیح است؛ ولی باید برای نماز بعدی وضو بگیرد.^۱

مسئله ۳۰۱) شک در وضو میانه نماز

اگر در میان نماز شک کند که وضو گرفته یا نه، نماز او باطل است و باید وضو بگیرد و نماز بگذارد.^۲

مسئله ۳۰۲) شک پس از نماز در بطلان پیش از نماز

اگر پس از نماز شک کند که پیش از نماز وضوی او باطل شده یا پس از آن، نمازی که گزارده، صحیح است.^۳

مسئله ۳۰۳) بیماری که کنترل ادرار و مدفوع ندارد

الف) شخص مسلوس که ادرار او قطره قطره می‌ریزد یا فرد مبطون که نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، اگر یقین دارد که از اول وقت نماز تا آخر آن، به مقدار وضو گرفتن و نماز گزاردن، مهلت پیدا می‌کند، باید در وقتی که مهلت پیدا می‌کند، نماز بگذارد و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در وقتی که مهلت دارد، فقط کارهای واجب نماز را به‌جا آورد و کارهای مستحب آن را - مانند اذان، اقامه و قنوت - ترک کند.

ب) اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و در بین نماز ادرار یا مدفوع از او خارج می‌شود، اگر بخواهد پس از هر بار وضو بگیرد، سخت نیست، باید ظرف آبی کنار خود بگذارد و هر وقت ادرار یا مدفوع از او خارج شد، وضو بگیرد و بقیه نماز را بگذارد.^۴

مسئله ۳۰۴) یک وضو برای هر نماز شخص بیمار

الف) کسی که پی‌درپی، مدفوع از او خارج می‌شود، به‌گونه‌ای که وضو گرفتن پس از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو به‌جا آورد، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

ب) کسی که پی‌درپی، ادرار از او خارج می‌شود، اگر میان دو نماز قطره ادراری از او خارج نشود، می‌تواند با یک وضو هر دو نماز را بگذارد و قطره‌هایی که بین نماز خارج می‌شود، اشکال ندارد.

ج) کسی که پی‌درپی، ادرار یا مدفوع از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو به‌جا آورد، می‌تواند چند نماز را با یک وضو اقامه کند، مگر با اختیار ادرار یا مدفوع کند؛ یا چیز دیگری که وضو را باطل می‌کند، پیش آید.

۱. به دلیل روایات و قاعده فراغ.

۲. چون طهارت شرط واقعی است.

۳. به دلیل استصحاب و قاعده فراغ.

۴. به دلیل روایت.

مسأله ۳۰۵) بی‌اختیاری در خروج باد معده

اگر نمازگزار نوعی بیماری داشته باشد که نتواند از خارج شدن باد جلوگیری کند، باید به وظیفه کسانی که نمی‌توانند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کنند، عمل کند.^۱

مسأله ۳۰۶) حکم نماز احتیاط و سجده سهو برای بیمار بی‌اختیار

کسی که پی‌درپی، مدفوع از او خارج می‌شود، باید برای هر نمازی وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود؛ ولی برای به‌جا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط که باید پس از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را پس از نماز فوراً به‌جا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست.

مسأله ۳۰۷) مس قرآن توسط بیمار بی‌اختیار

کسی که پی‌درپی، ادرار یا مدفوع از او خارج می‌شود، پس از وضو گرفتن جایز است که نوشته قرآن را مس کند، اگرچه در غیر حال نماز باشد.

مسأله ۳۰۸) تطهیر مخرج توسط بیمار بی‌اختیار پیش از نماز

کسی که ادرار او قطره قطره می‌ریزد، باید برای نماز، با کیسه پاک‌کننده در آن، پنبه یا چیز دیگری است که از رسیدن ادرار به جاهای دیگر جلوگیری می‌کند، خود را حفظ کند و به احتیاط واجب پیش از هر نماز مخرج ادرار را که نجس شده بشوید؛ نیز کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، اگر ممکن باشد، باید به مقدار نماز، از رسیدن مدفوع به عضوهای دیگر جلوگیری کند و به احتیاط واجب، اگر مشقت ندارد، برای هر نماز مخرج مدفوع را بشوید.^۲

مسأله ۳۰۹) وجوب جلوگیری از خروج بی‌اختیار ادرار و مدفوع و درمان آن

کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، در صورتی که ممکن باشد و مشقت و زحمت و خوف ضرر نداشته باشد، باید به مقدار نماز از خارج شدن ادرار و مدفوع جلوگیری کند، اگرچه هزینه داشته باشد، بلکه اگر مرض او به آسانی معالجه شود، به احتیاط واجب خود را معالجه کند.

مسأله ۳۱۰) عدم نیاز به اعاده نماز توسط بیمار بی‌اختیار

کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، پس از آنکه بیماری او برطرف شد، لازم نیست نمازهایی را که در وقت بیماری برابر وظیفه‌اش گزارده قضا کند؛^۳ ولی اگر در بین وقت نماز بیماری او برطرف شود، باید نمازی را که در آن وقت گزارده، دوباره به‌جا آورد.^۴

۱. به دلیل روایات.

۲. وسائل الشیعة، باب ۳۱ از ابواب نجاسات.

۳. به خاطر مجزی بودن عمل به اوامر اضطراری و ظاهری.

۴. به خاطر اقتضای واجب موسع.

مسأله ۳۱۱) بیمار بی‌اختیاری که نذر کرده دائم الوضو باشد

کسی که نذر کرده دائم الوضو باشد و توانایی کنترل ادرار و مدفوع خود را از دست می‌دهد، تا زمانی که دچار عسر و حرج نشود، باید وضو داشته باشد.

موارد لزوم وضو

مسأله ۳۱۲) موارد وجوب وضو

برای شش چیز وضو گرفتن واجب است:

- ۱) برای نمازهای واجب غیر از نماز میت.
- ۲) برای سجده و تشهد فراموش شده، اگر پیش از انجام دادن آنها وضو باطل شده باشد.
- ۳) برای طواف واجب خانه کعبه.
- ۴) اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.
- ۵) اگر نذر کرده باشد که جایی از بدن خود را به خطّ قرآن برساند.
- ۶) برای شستن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از چاه یا مکان آلوده به نجاست در صورتی که وادار باشد دست یا جای دیگر بدن خود را به خطّ قرآن برساند؛ (ولی اگر معطل شدن به مقدار وضو، بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون اینکه وضو بگیرد، قرآن را از مکان یادشده بیرون آورد؛ یا اگر نجس شده آب بکشد و تا ممکن است، از دست گذاشتن به خطّ قرآن خودداری کند).

مسأله ۳۱۳) مسّ متن و ترجمه قرآن

مسّ کردن خطّ قرآن - یعنی رسانیدن جایی از بدن به خطّ قرآن - برای کسی که وضو ندارد، حرام است؛ و اگر قرآن را به زبان‌های دیگر ترجمه کنند، از مسّ آن بدون وضو احتیاطاً پرهیز کند.

مسأله ۳۱۴) مسّ قرآن توسط بچه و دیوانه

جلوگیری بچه و دیوانه از مسّ خطّ قرآن واجب نیست؛ ولی اگر مسّ کردن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد، باید از آن جلوگیری شود.

مسأله ۳۱۵) مسّ اسامی متبرکه دیگر

کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خدای متعالی را به هر زبانی نوشته شده باشد مسّ کند؛ همچنین است بنا بر احتیاط واجب مسّ اسم مبارک پیغمبر و امام علیه السلام و حضرت زهرا سلام الله علیها در صورتی که هتک حرمت شمرده شود.^۱

۱. به خاطر اطلاق ادله و روایات.

مسأله ۳۱۶ وضو پیش از هنگام نماز

الف) اگر در غیر وقت نماز برای اینکه با طهارت باشد به قصد قربت وضو بگیرد یا غسل جنابت کند، صحیح است،

ب) اگر نزدیک وقت نماز هم اگر به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد، اشکال ندارد.

ج) کسی که یقین دارد وقت داخل شده، اگر نیت وضوی واجب کند و پس از وضو بفهمد وقت داخل نشده، وضوی او صحیح است.

مسأله ۳۱۷ وضوهای مستحب

مستحب است انسان برای امور زیر وضو بگیرد:

- ۱) نماز میت؛
- ۲) زیارت اهل قبور؛
- ۳) رفتن به مسجد؛
- ۴) رفتن به حرم معصومان علیهم السلام؛
- ۵) همراه داشتن قرآن و خواندن و نوشتن آن؛
- ۶) مسّ حاشیه قرآن؛
- ۷) برای خوابیدن؛
- ۸) کسی که وضو دارد، دوباره وضو بگیرد.^۱

و اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد، هر کاری را که باید با وضو انجام داد، می تواند آن را به جا آورد؛ مثلاً می تواند با آن وضو نماز بگذارد.

موارد بطلان وضو

مسأله ۳۱۸ اموری که وضو را باطل می کند

هفت چیز وضو را باطل می کند:

اول و دوم: ادرار و مدفوع؛^۲

سوم: باد معده و روده که از مخرج مدفوع خارج شود؛^۳

۱. وسائل الشیعة، باب ۴ ابواب مقدمة العبادات، ح ۱۰۰ به بعد. به اندازه ای که برای وضو روایت داریم کمتر مسأله چنین است.

۲. به دلیل ضرورت مذهب و دین، اجماع و اخبار، وسائل الشیعة، باب ۱ و ۲ از ابواب نواقض وضو.

۳. به ضرورت مذهب، اخبار مستفیضة، وسائل الشیعة، باب ۱ و ۲ از ابواب نواقض وضو.

چهارم: خوابی که به سبب آن چشم نبیند و گوش نشنود؛ ولی اگر چشم نبیند و گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود؛^۱ (چرت باطل نمی‌کند)

پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد؛ مانند دیوانگی و مستی و بیهوشی؛^۲

ششم: استحاضه زنان، که بعداً بیان می‌شود.^۳

هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد؛ مانند جنابت، حیض و مس میت.

احکام وضوی جبیره

چیزی که با آن زخم و عضو شکسته را می‌بندند و دارویی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند، جبیره نامیده می‌شود.

مسأله ۳۱۹ وضو با وجود زخم

اگر در یکی از اعضای وضو زخم یا دُمَل یا شکستگی یا پارگی باشد، اگر روی آن باز است و نجس نیست و آب برای آن ضرر ندارد، باید به صورت رایج وضو گرفت.

مسأله ۳۲۰ چگونگی وضو جبیره

اگر زخم یا دُمَل یا شکستگی یا پارگی در صورت و دست‌هاست و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد، در صورتی که اطراف آن را با رعایت ترتیب - یعنی از بالا به پایین - بشوید، کافی است: الف) و اگر کشیدن دست تر بر آن ضرر ندارد، بهتر است که دست تر بر آن بکشد و سپس پارچه (یا پلاستیک و مانند آن) پاکی روی آن بگذارد و دست تر را روی پارچه هم بکشد؛

ب) و در صورتی که این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آب کشید، باید اطراف زخم را به گونه‌ای که در وضو ذکر شد، از بالا به پایین بشوید و بنا بر احتیاط مستحب پارچه پاکی روی زخم بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر گذاشتن پارچه ممکن نیست، شستن اطراف زخم کافی است و در هر صورت تیمم لازم نیست، هر چند راجح است.^۴

چند قسم است: تکوین در معده و خروج از آن: قطعاً مبطل است؛ بعد از مخرج بر اثر فعل و انفعالات ایجاد می‌شود که مبطل نیست؛ بر اثر درمان مانند آندوسکی خارج می‌شود: احتیاطاً مبطل است. ابواب نواقض وضو، باب ۱ و ۳، ح ۹ و ۱۱ و....

۱. به خاطر نصوص به خصوص صحیح ابن حجاج، باب ۳ از ابواب نواقض وضو، ح ۳.

۲. حدیث زراره، باب ۱ از ابواب نواقض وضو و باب ۳، ح ۲ و ۱۲.

۳. وسائل الشیعة، باب ۳ از ابواب نواقض وضو، ح ۲ و ۱۲.

۴. موقفه عمار مشهورترین روایت باب است: وسائل الشیعة، باب ۳۹ ابواب وضو، ح ۲، ۶، ۷ و ۸. و صحیح ابن حجاج در همان باب، ح ۱.

مسأله ۳۲۱) زخم در محل مسح

اگر زخم یا دمل یا شکستگی یا پارگی در جلوی سر یا روی پاهاست و روی آن باز است، اگر تمام محل مسح زخم باشد که نتواند آنرا مسح کند، باید تیمم کند و بنا بر احتیاط واجب وضوی جبیره‌ای هم بگیرد به این گونه که پارچه پاکی روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو که در دست مانده مسح کند و اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، همان تیمم کافی است.^۱

مسأله ۳۲۲) باز کردن زخم ضرر و مشقت نداشته باشد

اگر روی دمل یا زخم یا شکستگی یا پارگی بسته باشد، اگر باز کردن آن ممکن است و زحمت و مشقت ندارد و آب هم برای آن ضرر ندارد، باید روی آن را باز کند و وضو بگیرد؛ چه زخم و مانند آن در جای شستن باشد؛ مانند صورت و دست‌ها؛ یا در جای مسح کشیدن باشد؛ نظیر جلوی سر و روی پاها.

مسأله ۳۲۳) باز کردن زخم و کشیدن دست تر

اگر زخم یا دمل یا شکستگی یا پارگی در صورت یا دست‌ها باشد و بتوان روی آن را باز کرد، اگر ریختن آب، روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، واجب است دست تر روی آن بکشد.^۲

مسأله ۳۲۴) صور مختلف جبیره

اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد، ولی زخم و چیزی که روی آن گذاشته شده پاک است و رسانیدن آب به زخم ممکن است و ضرر و زحمت و مشقت هم ندارد، باید آب را با رعایت ترتیب - یعنی از بالا به پایین - به روی زخم برساند و اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته شده نجس باشد، اگر آب کشیدن آن و رسانیدن آب به روی زخم بدون ضرر و مشقت ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و هنگام وضو آب را به زخم برساند و در صورتی که آب برای زخم ضرر دارد، یا رسانیدن آب به روی زخم ممکن نیست، یا زخم نجس است و نمی‌توان آن را آب کشید، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است، روی آن را مسح کند و اگر جبیره نجس است، یا نمی‌توان روی آن را دست تر کشید - مثلاً دارویی است که به دست می‌چسبد - پارچه پاکی را به گونه‌ای که جزء جبیره حساب شود، روی آن بگذارد و دست تر روی آن بکشد و اگر این هم ممکن نیست، احتیاط واجب جمع بین شستن اطراف و تیمم است.^۳

مسأله ۳۲۵) جبیره‌ای که تمام یا اکثر اعضا را بگیرد

اگر جبیره تمام یا اکثر اعضای وضو را بگیرد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و به استحباب تیمم هم انجام دهد.^۴

۱. به دلیل روایات. وسائل الشیعة، باب ۵ از ابواب تیمم، ح ۸. اطلاق ادله وضو و قاعده میسور نیز برای تیمم و جبیره قابل استفاده است. صحیح

این حجاج، صحیح حلی و صحیح ابن سنان.

۲. به دلیل قاعده میسور.

۳. به خاطر جمع بین اطراف علم اجمالی.

۴. به دلیل شمول ادله جبیره.

مسأله ۳۲۶) جبیره از اموری باشد که نماز در آن‌ها جایز نیست

لازم نیست جبیره از جنس چیزهایی باشد که نماز در او جایز است، بلکه اگر از حریر یا از اجزاء حیوانی که خوردن گوشت آن جایز نیست بوده باشد، مسح بر آن نیز جایز است (به شرط طهارت آن)؛ لیکن در صورت امکان، باید آن را برای نماز بردارد.^۱

مسأله ۳۲۷) جبیره در کف دست

کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و هنگام وضو دست تر روی آن کشیده است، می‌تواند سر و پا را با همان رطوبت مسح کند؛ یا از جاهای دیگر وضو رطوبت بگیرد.^۲

مسأله ۳۲۸) جبیره‌ای که پهنای پا را گرفته است

اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید جاهایی که باز است روی پا را، و جایی که جبیره است روی جبیره را مسح کند.^۳

مسأله ۳۲۹) چند جبیره در صورت و دست‌ها

اگر در صورت یا دست‌ها چند جبیره باشد، باید میان آن‌ها را بشوید و اگر جبیره‌ها در سر یا روی پاها باشد، باید بین آن‌ها را مسح کند و در جاهایی که جبیره است، باید به دستور جبیره عمل کند.^۴

مسأله ۳۳۰) جبیره‌ای که بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته است

اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و بنا بر احتیاط مستحب تیمم هم انجام دهد و اگر برداشتن جبیره ممکن است، باید جبیره را بردارد، پس اگر زخم در صورت و دست‌هاست، اطراف آن را بشوید و اگر در سر یا روی پاهاست، اطراف آن را مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل کند.

مسأله ۳۳۱) اگر آب برای دست یا صورت ضرر دارد

اگر در اعضای وضو، زخم، جراحت و شکستگی یا پارگی نیست، ولی به علت دیگری آب برای همه دست و صورت ضرر دارد، باید تیمم کند و جای وضوی جبیره‌ای نیست.^۵

۱. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، باب ۳۹ از ابواب وضو، ح ۲، صحیح ابن حجاج.

۲. به دلیل قاعده میسور.

۳. همان.

۴. همان.

۵. ادله تیمم حاکم است. گرچه احتیاط به جمع بین تیمم و وضوی جبیره‌ای است.

مسأله ۳۳۲) چسبیدن چیزی در اعضای غسل و وضو که برداشتنش سختی دارد

اگر در اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست، یا به قدری مشقت دارد که نمی شود تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند و احتیاط مستحب تیمم کردن است.

مسأله ۳۳۳) غسل جبیره‌ای

غسل جبیره‌ای مانند وضوی جبیره‌ای است؛ ولی بنا بر احتیاط واجب باید آن را ترتیبی به جا آورند؛ نه ارتماسی.^۱

مسأله ۳۳۴) تیمم جبیره‌ای

کسی که وظیفه او تیمم است، اگر در بعضی از اعضای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی یا پارگی باشد، باید به دستور وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای انجام دهد.

مسأله ۳۳۵) صبر تا آخر وقت به امید رفع عذر

کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بگذارد، اگر بداند تا آخر وقت عذرش برطرف نمی شود، می تواند در اول وقت نماز بگذارد؛ ولی اگر امید دارد تا پایان وقت عذر او برطرف شود، بنا بر احتیاط مستحب صبر کند و اگر عذر او برطرف نشد، در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره‌ای به جا آورد.

مسأله ۳۳۶) چسباندن مژه

اگر انسان برای مرضی که در چشم اوست، موی (مژه) چشم خود را بچسباند، به گونه‌ای که آب به آن نرسد، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهد و بنا بر احتیاط تیمم هم بکند.

مسأله ۳۳۷) کسی که نمی داند باید تیمم کند یا جبیره‌ای

کسی که بر اثر خصوصیت زخم یا بیماری، نمی داند وظیفه اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، بنا بر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.^۲

مسأله ۳۳۸) حکم نمازهایی که با وضوی جبیره‌ای خوانده شده

نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده، صحیح است و پس از برطرف شدن عذر او، برای نمازهای بعدی هم لازم نیست که وضو بگیرد؛ ولی اگر برای آنکه نمی دانسته تکلیفش جبیره است یا تیمم، هر دو را انجام داده باشد، باید برای نمازهای بعدی وضو بگیرد.

۱. ادله جوائر شامل غسل هم می شود.

۲. به دلیل علم اجمالی.

مسائل غسل

غسل‌های واجب

غسل‌های واجب هفت تاست: غسل جنابت؛ غسل استحاضه؛ غسل حیض؛ غسل نفاس؛ غسل مسّ میّت؛ غسل میّت؛ غسلی که با نذر یا قسم یا عهد، تعهّد کرده است که در این فرض، اصل غسل، با نذر و مانند آن، واجب نمی‌شود، بلکه وفا به عقد نذر و سوگند و وفا به عهد واجب است.^۱

یکم. غسل جنابت

احکام جنابت

مسأله ۳۳۹) سبب وجوب غسل جنابت

به سبب دو چیز انسان، زن باشد یا مرد، جنب می‌شود: آمیزش و بیرون آمدن منی؛ چه در خواب باشد یا بیداری؛ کم باشد یا بسیار؛ با شهوت باشد یا بی‌شهوت؛ با اختیار باشد یا بی‌اختیار، بنابراین خوش آمدن، سست شدن بدن، تا وقتی که منی خارج نشود، سبب جنابت نیست.^۲

مسأله ۳۴۰) شک در خروج منی

اگر رطوبتی از انسان خارج شود و نداند منی است یا ادرار یا رطوبت دیگر، هنگامی که با شهوت و جستن بیرون آمده و پس از آن، بدن سست شده، آن رطوبت حکم منی را دارد و اگر هیچ یک از این سه نشانه را نداشته باشد، حکم منی را ندارد؛ ولی در زن و مریض لازم نیست آن رطوبت با جستن بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آمده باشد، در حکم منی است و لازم نیست بدن او سست شود.^۳

مسأله ۳۴۱) شک در نشانه‌های منی

اگر از مردی که بیمار نیست، رطوبتی بیرون آید و یکی از سه نشانه‌ای را که در مسئله پیش گفته شد، داشته باشد و نداند نشانه‌های دیگر را داشته یا نه، اگر پیش از بیرون آمدن رطوبت، وضو نداشته، باید وضو بگیرد و غسل واجب نیست.^۴

مسأله ۳۴۲) استبراء بعد از جنابت

مستحب است انسان پس از بیرون آمدن منی ادرار کند، تا ذرات مانده منی از مخرج خارج شود و اگر ادرار نکند و پس از غسل بدون فاصله بسیار رطوبتی از او بیرون آید که نداند چیست، حکم منی را دارد.

۱. حصر غسل‌ها استقرایی است نه عقلی.

۲. غسل جنابت مستحب نفسی و واجب غیری است.

۳. به ضرورت مذهب و نصوص متواتره: وسائل الشیعه، باب ۹ از ابواب جنابت، ح ۱ به بعد.

۴. همان، باب ۸ از ابواب جنابت.

مسأله ۳۴۳) حدود جنابت با آمیزش

الف) اگر انسان آمیزش کند و به اندازه ختنه‌گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در قُبُل باشد یا در دُبُر، بالغ باشند یا نابالغ، اگر چه منی بیرون نیاید، هر دو جنب می‌شوند و باید غسل کنند.

ب) اگر شک کند که به مقدار ختنه‌گاه داخل شده یا نه، غسل بر او واجب نیست.^۱

مسأله ۳۴۴) آمیزش با حیوان

اگر - نَعُوذُ بِاللَّهِ - با حیوانی آمیزش کند و منی از او بیرون آید، غسل تنها کافی است و در صورتی که منی بیرون نیاید، اگر پیش از وطی وضو داشته، باز هم غسل تنها کافی است و در صورتی که وضو نداشته، به احتیاط واجب غسل کند و وضو هم بگیرد.

مسأله ۳۴۵) حرکت منی و عدم خروج

اگر منی از جای خود حرکت کند و بیرون نیاید، یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نه، غسل بر او واجب نیست.

مسأله ۳۴۶) خروج منی مرد از زن

هرگاه زن پس از غسل جنابت، منی مرد از او خارج شود، غسل بر وی واجب نیست؛ همچنین است اگر شک کند که منی بیرون آمده، از خود اوست یا از مرد؛ اما اگر علم یا اطمینان داشته باشد که منی خارج شده از خود اوست، یا مخلوط با منی مرد است، غسل بر او واجب است.

مسأله ۳۴۷) جواز آمیزش در صورت امکان تیمم

کسی که نمی‌تواند غسل کند، ولی تیمم برایش ممکن است، می‌تواند پس از داخل شدن وقت نماز، با همسر خود آمیزش کند.

مسأله ۳۴۸) دیدن منی در لباس

اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود اوست و برای آن غسل نکرده، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد پس از بیرون آمدن منی خوانده، قضا کند؛ ولی نمازهایی را که احتمال می‌دهد پس از بیرون آمدن منی خوانده، لازم نیست قضا کند.

کارهای حرام بر جنب

مسأله ۳۴۹) اموری که بر جنب حرام است

پنج چیز بر جنب حرام است:

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۳ از ابواب جنابت، ح ۳.

۱. رسانیدن جایی از بدن به خطّ قرآن یا به اسم خدا، و به احتیاط واجب، اسامی مبارک پیامبران و امامان و حضرت زهرا حکم اسم خدا را دارد؛
۲. رفتن در مسجد حرام و مسجد پیامبر، اگرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود؛
۳. توقف در مساجد دیگر؛ اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود، یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد و به احتیاط واجب در حرم امامان (بخش ضریح) هم توقف نکند؛
۴. گذاشتن چیزی در مسجد؛
۵. خواندن هر یک از آیاتی که سجده واجب دارد و آنها در چهار سوره‌اند: سوره سجده، آیه ۳۳؛ سوره فصلت آیه ۱۸؛ سوره نجم، آیه ۳۴؛ سوره علق، آیه ۳۳ و اگر یک کلمه از این چهار آیه را هم بخواند، حرام است.^۱

کارهای مکروه بر جنب

مسأله (۳۵۰) مکروهات جنب

چند چیز بر جنب مکروه است:

- ۱ و ۲. خوردن و آشامیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا دست‌ها را شسته (بہتر است مضمضه و استنشاق نیز کند)، کراهت برداشته یا کم می‌شود.
۳. خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره‌هایی که سجده واجب ندارد.
۴. رسانیدن جایی از بدن به جلد، حاشیه و بین خط‌های قرآن.
۵. همراه داشتن قرآن.
۶. خوابیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا به سبب نداشتن آب، بدل از غسل تیمّم کند، مکروه نیست.
۷. رنگ کردن موها به حنا و مانند آن.
۸. مالیدن روغن و انواع کرم‌ها به بدن.
۹. آمیزش پس از آنکه در خواب منی از او بیرون آمده است.^۲

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۱ ابواب وضو، ح ۳ به بعد؛ باب ۱ ابواب جنابت، ح ۱۴ به بعد.

۲. همان، باب ۲۰ از ابواب جنابت، ح ۲ به بعد و باب ۱۹، ح ۲ به بعد؛ باب ۱۲.

چگونگی غسل

مسأله (۳۵۱) حکم غسل جنابت

الف) غسل جنابت به خودی خود، یعنی برای تحصیل طهارت، مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن، واجب می‌شود؛ ولی برای نماز میت، سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن، غسل جنابت لازم نیست.

ب) لازم نیست هنگام غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب انجام می‌دهم، بلکه اگر به قصد قربت، یعنی برای انجام دادن فرمان خداوند، غسل کند، کافی است.

مسأله (۳۵۲) نیت غسل واجب قبل از وقت

اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند و سپس معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است.^۱

مسأله (۳۵۳) انواع غسل و نیت آن

الف) غسل واجب و مستحب را به دو صورت می‌توان انجام داد: ترتیبی؛ ارتماسی.

ب) اصل غسل، عنوان قصدی است که مکلف باید آن را قصد کند؛ ولی صفت ترتیب یا ارتماس، عنوان قصدی نیست، بلکه با عمل مکلف و بدون قصد هم محقق می‌شود.^۲

غسل ترتیبی

مسأله (۳۵۴) چگونگی غسل ترتیبی

در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، نخست سر و گردن و سپس بدن را بشوید. مستحب است طرف راست را ابتدا و سپس طرف چپ بدن را بشوید. اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به سبب ندانستن مسئله به ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است. در شستن بدن، باید کف پا را حرکت دهد، تا آب کف پا را بگیرد.

مسأله (۳۵۵) مواردی که غسل ترتیبی لازم است

در مواردی تنها غسل ترتیبی جایز است نه ارتماسی:

در هنگام روزه واجب، غسل در حال احرام^۳ و نیز اگر نذر کند همیشه غسل ترتیبی داشته باشد.

۱. به خاطر عدم وجوب قصد وجه.

۲. غسل ترتیبی افضل است به دلیل افضل الاعمال احمرها.

۳. بردن سر زیر آب روزه را باطل می‌کند و در حال احرام نیز روایت خاص داریم.

مسأله ۳۵۶) احتیاط در شستن قسمت‌های بدن

برای آنکه یقین کند هر قسمت (سر و گردن و بدن) را کامل غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید، مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید، بلکه به احتیاط مستحب تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.^۱

مسأله ۳۵۷) علم اجمالی به نشستن بخشی از بدن

اگر پس از غسل بفهمد جایی از بدن را نشسته و نداند کجای بدن است، باید دوباره بدن را به قصد غسل بشوید.^۲

مسأله ۳۵۸) شسته نشدن بخشی از بدن

اگر پس از غسل بفهمد قسمتی از بدن را نشسته، باید همان قسمت را بشوید و کفایت می‌کند. اگر بخش شسته نشده در سر و گردن باشد بعد از شستن آن قسمت باید دوباره تمام بدن را بشوید.^۳

غسل ارتماسی

مسأله ۳۵۹) چگونگی غسل ارتماسی

در غسل ارتماسی، اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود، تا تمام بدن حتی کف پاها را آب بگیرد، غسل او صحیح است و احتیاط آن است که یک دفعه زیر آب رود؛ خواه در مثل حوض و استخر باشد؛ یا زیر آبخاری که آب آن یکباره تمام بدن را فرا می‌گیرد؛ اما غسل ارتماسی زیر دوش معمولی ممکن نیست. اگر دوش به اندازه‌ای پهن و آبش فراگیر است که یک باره آب تمام بدن را فراگیرد غسل ارتماسی اشکالی ندارد و مانند آبشار است. در صورت شک در این شرط اصل عدم آن است و باید ترتیبی انجام دهد.

مسأله ۳۶۰) بودن در زیر آب در غسل ارتماسی

در غسل ارتماسی، اگر همه بدن زیر آب باشد و پس از نیت غسل، تمام بدن، حتی کف پاها را آب بگیرد، غسل او صحیح است.

مسأله ۳۶۱) شسته نشدن بخشی از بدن در غسل ارتماسی

اگر پس از غسل ارتماسی بفهمد به قسمتی از بدن آب نرسیده، چه بداند کدام قسمت است یا نداند، باید دوباره غسل کند.

۱. رک: وسائل الشیعة، باب ۲۶ از ابواب جنابت، ح ۲، ۶، ۸ و ...

۲. چون اشتغال یقینی براءت یقینی لازم دارد.

۳. چون ترتیب تنها بین سر و بدن است و از سویی موالات نیز در غسل شرط نیست.

مسأله ۳۶۲) مورد وجوب غسل ارتماسی

اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد و برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند. یا اگر صاحب آب گفته تنها به صورت غسل ارتماسی رضایت دارم و نه ترتیبی، در اینجا نیز غسل ارتماسی لازم است.

مسأله ۳۶۳) موارد عدم جواز غسل ارتماسی

کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند؛ ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

مسأله ۳۶۴) جمع بین ترتیبی و ارتماسی

می توان بخشی از اعضا را به صورت ترتیبی و بخش دیگر را به صورت ارتماسی انجام داد. مثلاً سر و گردن را بشوید و بدن را یکباره به زیر آب ببرد.

احکام غسل کردن

مسأله ۳۶۵) پاک بودن بدن در غسل

در غسل ارتماسی احتیاط این است که باید تمام بدن پاک باشد و اگر تدریجی وارد آب می شود و بدن پاک می شود غسل ارتماسی هم صحیح است. ولی در غسل ترتیبی پاک بودن همه بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت آب بکشد، کافی است.

مسأله ۳۶۶) غسل جنب از حرام با آب گرم

عرق جنب از حرام به طور حتمی نجس نیست و کسی که از حرام جنب شده، اگر با آب گرم هم غسل کند، اگرچه عرق می کند، غسل او صحیح است.

مسأله ۳۶۷) شسته نشدن بخشی از بدن

الف) در غسل باید تمام بدن شسته شود و اگر بخشی شسته نشود غسل باطل است؛

ب) ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود - مانند درون گوش و بینی - واجب نیست.^۱

ج) جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، شستن آن لازم نیست؛^۲ ولی احتیاط در شستن است.

مسأله ۳۶۸) برطرف کردن مانع

چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از یقین به برطرف شدن مانع، غسل کند، غسل او کفایت نمی کند.

۱. وسائل الشیعة، باب ۲۶ از ابواب جنابت، ح ۲، ۶ و ۷.

۲. به استصحاب عدم وجوب. ولی در شستن نجاسات باید در شک، احتیاط کرد. باب ۲۷ از ابواب جنابت، ح ۱ به بعد.

مسأله ۳۶۹) شک در مانع

اگر هنگام غسل شک کند چیزی که مانع رسیدن آب باشد، در بدن او هست یا نه، در صورتی که شک او منشأ عقلایی داشته باشد، باید بررسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

مسأله ۳۷۰) شستن موها در غسل

در غسل باید موهای کوتاه جزء بدن را بشوید و به احتیاط شستن موهای بلند هم لازم است.

مسأله ۳۷۱) شرایط مشابه و متفاوت غسل و وضو

تمام شرطهایی که برای صحیح بودن وضو ذکر شده - مانند پاک بودن آب و غصبی نبودن آن و... - در صحیح بودن غسل هم شرط است؛ ولی در غسل دو تفاوت با وضو دارد:

۱. لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید؛

۲. نیز فاصله افتادن میان شستن اعضا در غسل ترتیبی اشکالی ندارد؛ یعنی اگر پس از شستن سر و گردن مقداری صبر کند و سپس بدن را بشوید، اشکال ندارد،

این حکم دو استثنا دارد:

- ۱) مگر در مورد کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند که اگر به اندازه غسل کردن و نماز خواندن، ادرار و مدفوع از او بیرون نمی‌آید، اگر وقت تنگ باشد، باید پشت سرهم هر قسمت را پس از قسمت دیگر غسل دهد و فوراً نماز بگذارد؛
- ۲) همچنین است حکم زن مستحاضه که بعداً یاد می‌شود.^۱

مسأله ۳۷۲) آب غصبی در غسل

کسی که بخواهد با آبی که ملک دیگری است - مثل آب گرمابه، استخر و مانند آن - غسل کند و قصد دارد پول صاحب آب را نپردازد، یا بی‌آنکه بداند مالکش راضی است، بخواهد نسیه بگذارد، اگرچه پس از آن، صاحب آب را راضی کند، در صورت توجه، غسل او باطل است؛ همچنین است اگر بخواهد پول آب را پرداخت نکند.

مسأله ۳۷۳) اگر مالک آب نسیه دهد ولی غسل کننده نمی‌خواهد بدهد

اگر مالک آب به نسیه ماندن پول مصرف آب، راضی باشد، کسی که غسل می‌کند قصدش این باشد که طلب او را نپردازد، یا از مال حرام بپردازد، غسل او صحیح است ولی احتیاط بهتر است.^۲

۱. استثناء خانم مستحاضه و مسلوس و میطون به دلیل تبعی است که باید نمازش را بخواند.

۲. چرا که دلیل امهال اینجا حاکم است و قصد مالک آب ملاک است نه غسل کننده لذا دلیل غصب نیست و از سویی به دلیل فوریت نگاه می‌کنیم.

مسئله ۳۷۴) پول حرام یا خمس نداده برای غسل

اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده، به مالک آب بپردازد، غسل او باطل است.^۱

مسئله ۳۷۵) استفاده بیش از حد از متعارف آب

کسی که بیش از حد متعارف و رایج در گرمابه یا مجموعه استخر آب می‌ریزد، غسل او اشکال دارد، مگر پیش از غسل از مالک آب اجازه بگیرد؛ یا بداند که وی با دریافت پول اضافی هم اکنون راضی است.

مسئله ۳۷۶) پول آب در مجتمعات مسکونی

در مجتمعاتی که مصرف آب مشترک است، رضایت همه افراد به تصالح شرط است. در صورتی که شخصی پول آب مشترک را پرداخت نکند غسل‌های او دچار اشکال می‌شود.

مسئله ۳۷۷) شک در اصل یا صحت غسل

اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند؛^۲ ولی اگر پس از غسل شک کند، که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل کند.^۳

مسئله ۳۷۸) ارتکاب مبطل وضو حین غسل

اگر میان غسل کاری از او سرزند که وضو را باطل می‌کند - مثلاً ادرار کند - بنا بر احتیاط لازم باید دوباره غسل کند.

مسئله ۳۷۹) غسل در تنگی وقت و هنگام وظیفه تیمم

اگر به جهت تنگی وقت وظیفه‌اش تیمم بوده، ولی به خیال اینکه به اندازه غسل و نماز وقت دارد، برای پاک شدن از جنابت - نه برای خصوص نماز و تقیید به آن - غسل کند، اگرچه پس از غسل بفهمد که به اندازه غسل وقت نداشته، غسل او صحیح است.^۴

مسئله ۳۸۰) شک جنب در انجام غسل

کسی که جنب شده، اگر شک کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده، صحیح است؛ ولی برای نمازهای بعدی باید غسل کند.^۵

۱. چون از ابتدا غصبی است.

۲. به خاطر اصل عدم.

۳. به دلیل قاعده فراغ و تجاوز.

۴. چون نیت نماز نکرده ولی اگر برای نماز نیت کند چون وظیفه‌اش تیمم بوده باطل است.

۵. بخش اول برای قاعده فراغ و بخش دوم به خاطر لزوم علم به طهارت قبل از عمل.

مسأله ۳۸۱) انجام چند غسل با یک عمل

کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد،^۱ اگر می تواند برای هر یک به صورت جداگانه غسل کند.^۲

مسأله ۳۸۲) اسم خدا یا آیه قرآن حک شده بر بدن جنب

کسی که جنب است، اگر بر جایی از بدن او آیه قرآن یا اسم خدای متعال نوشته شده باشد، دست گذاشتن بر آن حرام است و اگر بخواهد غسل کند، باید آب را به گونه ای به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد.

مسأله ۳۸۳) وضو بعد از غسل

الف) کسی که غسل جنابت کرده، نباید برای نماز وضو بگیرد؛

ب) با غسل های وارد شده در شرع گرچه مستحب می توان نماز خواند و وضو لازم نیست.^۳

دوم، سوم و چهارم. غسل خون های سه گانه

۱. استحاضه

خون استحاضه، خونی غیر از حیض، نفاس و زخم و دمل است که از زن خارج می شود و زن را هنگام دیدن خون استحاضه، مستحاضه گویند این خون می تواند پیش یا پس از خون حیض دیده شود.^۴

مسأله ۳۸۴) نشانه های خون استحاضه

خون استحاضه در بیشتر موارد زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می آید و غلیظ هم نیست؛ ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

مسأله ۳۸۵) اقسام خون استحاضه

استحاضه دو نوع است: قلیله و کثیره؛

استحاضه قلیله آن است که هر گاه زن پنبه ای را داخل کند خون آن را آلوده نماید و از طرف دیگر خارج نشود چه در پنبه فرو رود و چه نرود.^۵

۱. به خاطر صدق امتثال.

۲. به استحباب البته اگر اسراف نشود.

۳. به دلیل روایات.

۴. وسائل الشیعه، باب ۳۰ ابواب حیض، ح ۸ و ۱۷، باب ۱۶، ح ۳. خونی که خانم ها می بینند اصل بر حیض بودن است و استحاضه عارضی است. استحاضه عمدتا بعد از حیض است ولی گاهی قبل از بلوغ دختران هم رخ می دهد. ابتدا باید اصل عدم حیض را ثابت کرد و بعد اصل استحاضه را.

۵. استحاضه متوسطه به نظر دیگران داخل در قلیله است.

استحاضه کثیره آن است که خون پنبه را آلوده کند و از آن سوی آن خارج شود.^۱

مسأله ۳۸۶) احکام استحاضه برای نماز

در استحاضه قلیله باید زن برای هر نماز یک وضو بگیرد (بنابر احتیاط مستحب) و واجب است از سرایت خون به سایر اعضا جلوگیری کند، اما عوض کردن پنبه و دستمال واجب نیست، هر چند احتیاط است.

و در استحاضه کثیره واجب است سه غسل انجام دهد: یک غسل برای نماز صبح و دیگر برای نماز ظهر و عصر و سوم برای مغرب و عشا و باید میان این نمازها جمع کند و احتیاط مستحب آن است که علاوه بر این، برای هر نماز یک وضو بگیرد، قبل از غسل یا بعد از آن.

مسأله ۳۸۷) وضو یا غسل مستحاضه قبل از وقت

هرگاه قبل از داخل شدن وقت نماز وضو یا غسل را انجام داده باشد باید در موقع نماز بنابر احتیاط واجب، آن را اعاده کند.^۲

مسأله ۳۸۸) تبدیل استحاضه قلیله به کثیره بعد از نماز صبح

هرگاه استحاضه قلیله بعد از نماز صبح کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل کند.

مسأله ۳۸۹) مستحاضه‌ای که تکرار غسل برایش ضرر دارد

در تمام مواردی که غسل بر او واجب می شود اگر غسل کردن مکرر برای او ضرر دارد، یا مایه مشقت زیاد است می تواند به جای آن تیمم کند.^۳

مسأله ۳۹۰) وظیفه مستحاضه برای نماز شب

در استحاضه «کثیره» یا «قلیله» اگر قبل از اذان صبح برای نماز شب غسل کند یا وضو به جا آورد و نماز شب را بخواند تجدید غسل لازم نیست و در استحاضه قلیله اگر خونی نبیند تجدید وضو نیز لازم نمی باشد.

مسأله ۳۹۱) یک غسل یا وضو برای هر وعده نماز

هرگاه زن مستحاضه قلیله، نماز ظهر و عصر یا مغرب و عشا را از هم جدا بخواند، باید برای هر کدام یک وضو بگیرد و همچنین برای نمازهای مستحب؛ ولی برای مجموع نماز شب، یک وضو یا غسل کافی است و برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو که بلافاصله بعد از نماز به جا می آورد، غسل و وضو لازم نیست.

۱. به دلیل صحیح جناب حفص.

۲. چون وظیفه زن مستحاضه مربوط به وقت نماز است.

۳. به مبنای قاعده عسر و حرج.

مسئله ۳۹۲) وظایف مستحاضه بعد از قطع خون

زن مستحاضه بعد از آن که خورش قطع شد، فقط برای اولین نماز باید کارهای استحاضه را انجام دهد.

مسئله ۳۹۳) شک بین قلیله و کثیره

هرگاه نداند استحاضه او قلیله است یا کثیره، بنابر احتیاط واجب باید قبل از نماز، خود را واریسی کند و اگر نمی تواند خود را واریسی کند، احتیاط آن است که هم وظیفه استحاضه کثیره را انجام دهد و هم قلیله،^۱ اما اگر حالت سابق او معلوم است کثیره یا قلیله بوده می تواند به وظیفه همان ادامه دهد.^۲

مسئله ۳۹۴) ندیدن خون بعد از یک نماز

هرگاه زن مستحاضه بعد از نماز، خود را واریسی کند و خون نبیند، با وضویی که دارد می تواند نماز دیگر را بخواند، هر چند بعد از مدتی دوباره خون بیاید.

مسئله ۳۹۵) صبر تا آخر وقت در صورت علم به پاکی

هرگاه زن مستحاضه بداند پیش از گذشتن وقت نماز بگلی پاک می شود و یا به اندازه خواندن نماز، خون قطع می گردد، بنابر احتیاط واجب باید صبر کند و هنگامی که پاک شد غسل کند، یا وضو بگیرد و نماز را بخواند.^۳

مسئله ۳۹۶) انجام مستحبات نماز برای مستحاضه

مستحاضه باید بعد از غسل یا وضو فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز بلکه انتظار جماعت به اندازه معمول اشکال ندارد و در نماز نیز، می تواند مستحبات، مثل قنوت و مانند آن را انجام دهد.^۴

مسئله ۳۹۷) جلوگیری از جریان خون

هرگاه خون به بیرون جریان دارد اگر برای او ضرر نداشته باشد باید پیش از غسل و بعد از آن بوسیله پنبه و مانند آن از بیرون آمدن خون جلوگیری کند، ولی اگر این کار مشقت زیاد دارد، لازم نیست.^۵

مسئله ۳۹۸) قطع نشدن خون در حال غسل

هرگاه در موقع غسل خون قطع نشود، ضرری برای غسل ندارد، خواه ترتیبی باشد یا ارتماسی.^۶

۱. به خاطر اینکه اگر اختیار هست، موضوعیت ندارد بلکه وصفیت دارد. در نمازها اعتبار طهارت حدیثیه و خبیثه هست و یقین به حدث داریم

و شک در چگونگی داریم پس راهکار جمع است.

۲. به دلیل استصحاب.

۳. به دلیل احتیاط.

۴. به دلیل عرف.

۵. برای این مسائل ر.ک به: وسائل الشیعه، باب ۳۰ از ابواب حیض، ح ۶؛ باب ۱ از ابواب استحاضه، ح ۱.

۶. در غسل حدوث اولیه و ثانویه تفاوتی ندارد.

مسأله ۳۹۹) روزه زن مستحاضه

زن مستحاضه باید روزه ماه رمضان را بگیرد و در صورتی روزه او صحیح است که غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد به جا آورد و همچنین غسلهای روزی را که روزه است (بنابر احتیاط واجب).^۱

مسأله ۴۰۰) استحاضه بعد از نماز عصر در روز ماه مبارک

هرگاه زن روزه دار بعد از نماز ظهر و عصر مستحاضه شود برای روزه آن روز غسلی ندارد.

مسأله ۴۰۱) تبدیل استحاضه قلیله به کثیره در وسط نماز

اگر در بین نماز، استحاضه قلیله زن، کثیره شود باید نماز را رها کند و غسل نماید و از نو بخواند و در صورتی که برای غسل وقت ندارد تیمم کند، ولی اگر برای تیمم هم وقت ندارد باید همان نماز را تمام کرده و بنابر احتیاط واجب قضا نماید.^۲

مسأله ۴۰۲) تبدیل استحاضه کثیره به قلیله

هرگاه استحاضه کثیره زن، قلیله شود، باید برای نماز اول غسل کند و برای نمازهای بعد وضو بگیرد.

مسأله ۴۰۳) کارهای نیازمند به وضو غیر از نماز برای مستحاضه کثیره

مستحاضه کثیره، هرگاه غسلهای روزانه خود را انجام دهد برای اعمال دیگر مانند طواف و نماز قضا و نماز آیات و نماز شب، غسل دیگری بر او واجب نیست، تنها باید وضو بگیرد.^۳

مسأله ۴۰۴) نمازهای قضا و مستحبی برای مستحاضه

زن مستحاضه می تواند نماز قضا بخواند، ولی برای هر نماز بنابر احتیاط واجب باید یک وضو بگیرد، ولی برای خواندن نوافل روزانه، همان وضوی نماز واجب کافی است و همچنین برای تمام نماز شب یک وضو کفایت می کند، به شرط این که پشت سر هم به جا آورد.^۴

مسأله ۴۰۵) شک اینکه خون از زخم است یا استحاضه

هرگاه شک کند که خون، از زخم است یا نه و ظاهر حال او سلامت است، خون استحاضه حساب می شود، اما اگر وضع حال او مشکوک باشد که خون از زخم است یا غیر آن، احکام استحاضه ندارد.

۱. وسائل الشیعة، باب ۱ از ابواب استحاضه، ح ۱، ۲ و ۵.

۲. جمع احتیاطی بین ادله همین نظر است.

۳. وضو در اینجا مصرح است.

۴. به خاطر سهولت در شریعت و اینکه امر در مستحبات راحت تر است.

مسأله ۴۰۶) وجوب نماز آیات در وقت نماز یومیه

هر گاه در وقت نماز یومیه، نماز آیات بر مستحاضه واجب شود، اگرچه بخواهد هر دو را پشت سرهم به جا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز یومیه او واجب است، انجام دهد و به احتیاط واجب هر دو را با یک غسل و وضو به جا نیاورد. نماز نذری نیز همین حکم را دارد.

مسأله ۴۰۷) محرّمات حیض بر مستحاضه حرام نیست

رفتن در مسجد الحرام و مسجد النبی و توقف در مساجد دیگر و خواندن آیه‌ای که سجده واجب دارد، برای زن مستحاضه اشکال ندارد؛ ولی نزدیکی شوهر با او به احتیاط مستحب در صورتی حلال می‌شود که غسل کند، اگرچه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است - مثل وضو و عوض کردن پنبه و دستمال - انجام نداده باشد.

مسأله ۴۰۸) مشقت یا ضرر داشتن غسل مکرر

در تمام مواردی که غسل بر زن مستحاضه واجب می‌شود، اگر غسل کردن مکرر برای او ضرر دارد، یا مایه مشقت بسیار است، می‌تواند به جای آن تیمم کند.^۱

۲. حیض

حیض، خونی است که در غالب، در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می‌شود و به زن در این حالت، «حائض» می‌گویند و احکامی دارد که در مسائل آینده ذکر می‌شود.^۲

مسأله ۴۰۹) نشانه‌های خون حیض

خون حیض در بیشتر وقت‌ها، غلیظ و گرم، و رنگ آن، سرخ مایل به سیاهی یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

مسأله ۴۱۰) زمان یائسگی

زنان سیّده (یعنی قرشیّه)، پس از تمام شدن شصت سال قمری یائسه می‌شوند؛ یعنی خون حیض نمی‌بینند و زنانی که سیّده (قرشیّه) نیستند، پس از تمام شدن پنجاه سال قمری یائسه می‌شوند.^۳

مسأله ۴۱۱) خون قبل و بعد از سنین حیض

خونی که دختر، پیش از تمام شدن نه سال قمری و زن، پس از یائسه شدن می‌بیند، حیض نیست.^۴

۱. به دلیل قاعده لا ضرر و لا حرج.

۲. وسائل الشیعه، باب ۳۰ از ابواب حیض، ح ۱۴ و ۱۳.

۳. به دلیل روایات است و تغلیبی است ولی باید به علامت واقعی هم نگریست. صحیحه ابن حجاج، باب ۳۱ از ابواب حیض، ح ۲. و روایت ابن ابی عمیر همان باب، ح ۸.

۴. همان، باب ۳ از ابواب حیض، ح ۲-۴؛ باب ۳۰، ح ۱۶؛ باب ۳۱، ح ۲.

مسأله ۴۱۲) احتمال خون دیدن زن باردار و مادر شیرده

زن باردار و زنی که بچه شیر می‌دهد، ممکن است حیض ببیند.^۱

مسأله ۴۱۳) شک در اتمام نه سال قمری دختر

دختری که نمی‌داند نه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را ندارد، حیض نیست و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد و به حیض بودنش اطمینان یابد، حیض است و معلوم می‌شود نه سال او تمام شده است.

مسأله ۴۱۴) شک در یائسگی

زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.^۲

مسأله ۴۱۵) اقل و اکثر حیض

مدت حیض کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی‌شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.^۳

مسأله ۴۱۶) پیایی بودن دیدن خون در سه روز نخست

باید سه روز نخست حیض، پیایی باشد، پس برای مثال، اگر دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، حیض نیست.

مسأله ۴۱۷) استمرار عرفی خون

لازم نیست در تمام سه روز خون بیرون بیاید، بلکه اگر بعد از بیرون آمدن مقداری از خون، بقیه در عورت باشد، کافی است و در صورتی که در بین سه روز به مدت کمی پاک شود و این زمان به قدری کم باشد که بگویند در تمام سه روز در عورت خون بوده، باز هم حیض است.

مسأله ۴۱۸) دیدن خون در شب‌های سه روز اول

لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند؛ ولی باید در شب دوم و سوم خون قطع نشود، برای مثال، اگر از اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سرهم خون بیاید، یا در بین روز اول شروع شود و در همان موقع از روز چهارم قطع شود و در شب دوم و سوم هم قطع نشود، حیض است.

۱. هرچند خون حیض تبدیل به غذای بچه و شیر مادر می‌شود.

۲. به دلیل استصحاب.

۳. به خاطر نصوص: وسائل الشیعة، باب ۱۰ ابواب حیض، ح ۱.

مسأله ۴۱۹) قطع چند روزه خون در ایام حیض

اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، در صورتی که دوباره خون ببیند و معلوم باشد که ادامه همان خون‌هایی است که خارج شده‌اند، در این صورت، روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، اگر روی هم از ده روز بیشتر نشود، روزهایی هم که در وسط پاک بوده، حیض است.

مسأله ۴۲۰) اگر نداند خون دمل است یا حیض

الف. اگر خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا خون حیض، در صورتی که نداند دمل در سمت چپ است یا راست، در صورتی که ممکن باشد، مقداری پنبه و مانند آن داخل کند و بیرون آورد، پس اگر خون از سمت چپ بیرون آید، خون حیض است و در صورتی که از سمت راست بیرون آید، خون دمل است؛^۱

ب. و اگر ممکن نباشد که بررسی کند، در صورتی که می‌داند خون سابق حیض بوده، حیض قرار دهد و اگر دمل بوده، خون دمل قرار دهد.^۲

ج. و اگر نمی‌داند خون حیض بوده یا دمل، باید همه چیزهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و همه عبادت‌هایی را که زن غیر حائض انجام می‌دهد، به‌جا آورد.^۳

مسأله ۴۲۱) شک بین حیض و نفاس

اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، در صورتی که شروط حیض را داشته باشد، باید حیض قرار دهد.^۴

مسأله ۴۲۲) شک بین حیض و بکارت

اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را بررسی کند؛ یعنی مقداری پنبه داخل عورت کند و کمی صبر کند و سپس بیرون آورد، پس اگر اطراف آن آلوده باشد، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض است.

مسأله ۴۲۳) قطع خون بعد سه روز و دوباره خون دیدن

اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند، خون دوم حیض است و خون نخست، اگرچه در روزهای عادتش باشد، حیض نیست.

۱. به دلیل روایات. وسائل الشیعة، باب ۱۰ ابواب حیض، ح ۱.

۲. به دلیل استصحاب.

۳. به دلیل اینکه اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد.

۴. به دلیل روایات باب ۱۰ ابواب حیض.

مسأله ۴۲۴) تشخیص طیب در نوع خون

زنی که مبتلا به خونریزی است، اگر به طیب حاذق - که فرق بین خون حیض و غیر حیض را دقیق می‌داند - مراجعه کند و او تشخیص دهد خون حیض یا خون زخم و مانند آن است، در صورتی که به گفته طیب اطمینان حاصل کند، می‌تواند بر طبق احکام آن عمل کند.

احکام حائض

مسأله ۴۲۵) آنچه بر حائض حرام است

چند چیز بر حائض حرام است:

۱. عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، ولی به جا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست - مانند نماز میت - مانعی ندارد.
۲. تمام چیزهایی که بر جنب حرام است و در احکام جنابت ذکر شد.
۳. آمیزش، که هم برای مرد حرام است؛ هم برای زن، اگرچه به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه به احتیاط واجب مقدار کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل نکند و آمیزش در دبر زن حائض، کراهت شدید دارد.

مسأله ۴۲۶) پرهیز از آمیزش در روزهای قطع حیض

آمیزش در روزهایی هم که حیض زن قطعی نیست، ولی شرعاً باید برای خود حیض قرار دهد، حرام است، پس زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که بعداً ذکر می‌شود، روزهای عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او آمیزش کند.

مسأله ۴۲۷) بهره‌گیری‌های جنسی دیگر از زن حائض - مانند بوسیدن و ملاعبه - مانعی ندارد.

غیر از آمیزش، بهره‌گیری‌های جنسی دیگر از زن حائض - مانند بوسیدن و ملاعبه - مانعی ندارد.

مسأله ۴۲۸) کفاره آمیزش در ایام حیض

اگر شماره روزهای حیض زن به سه قسمت تقسیم شود و مرد در قسمت نخست آن، با قُبُل همسرش آمیزش کند، به احتیاط مستحب باید هیجده نخود طلا کفاره به فقیر بپردازد و در قسمت دوم، نه نخود و در قسمت سوم، چهار نخود و نیم بپردازد؛ برای مثال، زنی که شش روز خون حیض می‌بیند، اگر شوهرش در شب یا روز یکم و دوم با او آمیزش کند، باید هیجده نخود طلا بپردازد و در شب یا روز سوم و چهارم، نه نخود بدهد و در شب یا روز پنجم و ششم باید چهار نخود و نیم بپردازد.^۱

آمیزش در دبر زن حائض کفاره ندارد.

۱. وسائل الشیعة، باب ۵۱ و باب ۳۹ از ابواب حیض.

مسأله ۴۲۹) نوع طلای در کفاره ایام حیض

لازم نیست طلای کفاره را از طلای سکه دار بپردازد؛ ولی اگر بخواهد قیمت آن را بپردازد، باید قیمت سکه دار بپردازد.^۱

مسأله ۴۳۰) معیار قیمت طلای کفاره

اگر قیمت طلا در وقتی که آمیزش کرده با وقتی که می خواهد به فقیر بپردازد، فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می خواهد به فقیر بدهد، حساب کند.

مسأله ۴۳۱) آمیزش در هر سه قسمت حیض

اگر کسی هم در قسمت یکم، هم در قسمت دوم، هم در قسمت سوم حیض، با همسرش آمیزش کند، اگر می خواهد کفاره بدهد باید هر سه کفاره را بپردازد که روی هم سی و یک نخود و نیم می شود.

مسأله ۴۳۲) تکرار نزدیکی در آمیزش و حکم کفاره

هر گاه نزدیکی را تکرار کند مستحب است کفاره را نیز تکرار نماید، چه کفاره بار اول را پرداخته باشد و چه خیر.^۲

مسأله ۴۳۳) علم به حیض در وسط آمیزش

اگر مرد در حال آمیزش بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود و در صورتی که جدا نشود، به احتیاط مستحب باید کفاره بپردازد.

مسأله ۴۳۴) زنا یا وطی به شبهه با حائض

اگر مرد با زن حائض زنا کند یا با زن حائض نامحرمی به گمان اینکه همسر اوست آمیزش کند، به احتیاط مستحب کفاره بپردازد.^۳

مسأله ۴۳۵) عدم توان کفاره

کسی که نمی تواند کفاره بدهد بهتر آن است که صدقه ای بدهد و اگر نمی تواند باید استغفار کند. اگر عدم توان کفاره در حال آمیزش بوده است، صدقه یا استغفار کافی است ولی اگر در آن حال می توانسته و بعداً عدم توانایی عارض شده است، در حال توان دوباره بهتر است کفاره را انجام دهد.

۱. به دلیل اینکه در روایات مسکوک است.

۲. چون سبب محقق شد، مسبب هم تکرار می شود.

۳. نفس عمل مهم است.

مسأله ۴۳۶) حکم کفاره در حال عدم علم یا توجه به حیض

آمیزش با همسر در حال حیض، اگر از روی نادانی یا فراموشی باشد، کفاره ندارد؛ همچنین اگر به اعتقاد اینکه زن حائض است، با او آمیزش کند و سپس معلوم شود که حائض نبوده، کفاره ندارد.

مسأله ۴۳۷) طلاق وظهار در حال حیض

طلاق دادن زن در حال حیض، به گونه‌ای که در کتاب طلاق ذکر می‌شود، باطل است.ظهار^۱ نیز در این حال محقق نمی‌شود و کفاره ندارد.

مسأله ۴۳۸) اعتبار سخن زن در حیض

اگر زن بگوید حائضم یا از حیض پاک شده‌ام، در صورتی که دلیلی بر خلاف گفته او نباشد، ادعای وی پذیرفته می‌شود.

مسأله ۴۳۹) حیض وسط نماز

الف. اگر زن هنگام ادای نماز حائض شود، نماز او باطل است.

ب. اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

مسأله ۴۴۰) لزوم وضو و غسل برای عبادت حائض پس از پاکی

پس از آنکه زن از حیض پاک شد، واجب است برای نماز و روزه و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به‌جا آورده شود، غسل کند و دستور آن، مانند غسل جنابت است؛ ولی برای نماز باید پیش از غسل یا پس از آن وضو هم بگیرد و در صورتی که پیش از غسل وضو بگیرد، بهتر است.^۲

مسأله ۴۴۱) حکم محرمات حائض پس از پاکی و پیش از غسل

پس از آنکه زن از حیض پاک شد، اگرچه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است و همسرش هم می‌تواند با او آمیزش کند؛ ولی به احتیاط مستحب پیش از غسل، با او آمیزش نکنند؛ اما کارهای دیگری که هنگام حیض بر او حرام بوده - مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن - تا غسل نکنند، بر او حلال نمی‌شود.^۳

مسأله ۴۴۲) عدم کفایت آب

الف. اگر آب به اندازه‌ای باشد که فقط برای غسل یا وضو کفایت کند، به احتیاط واجب باید غسل کند و به جای وضو تیمم کند؛

ب. و اگر تنها برای وضو کفایت کند، باید وضو بگیرد و به جای غسل تیمم کند؛

۱. این که مرد به همسرش بگوید پشت تو بر من مانند مادرم حرام است.

۲. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، باب ۳۶ از ابواب جنابت، ح ۲.

۳. مانع در آمیزش و طلاق خود حیض بوده است ولی در احکام دیگر عنوان عدم الطهارة ملاک بوده است که بعد از غسل بر طرف می‌شود.

ج. و اگر برای هیچ یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند؛ یکی بدل از غسل و دیگری به جای وضو.

مسأله ۴۴۳) قضای نماز و روزه در حال حیض

نمازهای یومیه‌ای که زن در حال حیض نگزارده، قضا ندارد؛ ولی روزه‌های واجب را که نگرفته، باید قضا کند.

مسأله ۴۴۴) احتمال حیض در آخر وقت نماز

هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند یا مطمئن باشد که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض می‌شود، باید فوراً نماز بگذارد.

مسأله ۴۴۵) قضای نمازی که در وسط وقتش حائض شده است

اگر نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه انجام دادن واجبات یک نماز بگذرد و حائض شود، قضای آن نماز بر او احتیاطاً واجب است و در چگونگی نماز - مانند تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر - باید ملاحظه حال خود را کند.^۱

مسأله ۴۴۶) حکم نماز در صورت پاک شدن قبل از گذشتن وقت

اگر در آخر وقت نماز از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز - مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن - و خواندن یک رکعت نماز یا بیشتر از آن وقت داشته باشد، باید نماز را بگذارد و اگر نگذارد، باید قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۴۴۷) اگر در وقت پاکی تنها وقت به اندازه تیمم باشد

حائض که در آخر وقت پاک شده و به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می‌تواند با تیمم نماز را در وقت به جا آورد، آن نماز بر او واجب نیست؛ اما اگر غیر از تنگی وقت تکلیفش تیمم است - مانند آنکه آب برایش ضرر دارد - باید تیمم کند و آن نماز را به جا آورد.

مسأله ۴۴۸) شک در کفایت وقت بعد از پاکی

الف. اگر حائض پس از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را انجام دهد.^۲
ب. اگر به خیال اینکه به اندازه تهیه مقدمات نماز و گزاردن یک رکعت وقت ندارد نماز نگذارد و سپس بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

۱. در تمام وقت این فرد مشغول الذمه بوده است ولی هنگام ادا تکلیف نداشته است و قضا ندارد ولی از آن سو چون پاره‌ای از وقت را

تکلیفش مقرر بوده است دلیل احتیاط می‌آید.

۲. چون اشتغال یقینی برائت یقینی می‌خواهد.

مسأله ۴۴۹) استحباب ذکر و دعا در حال حیض

مستحب است حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک کند و پنبه و پارچه را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، تیمم کند و در جای نماز رو به قبله بنشیند و به ذکر و دعا و صلوات مشغول شود.

مسأله ۴۵۰) مکروهات حائض

چند چیز برای حائض مکروه است:

مانند خواندن قرآن - غیر از آیات سجده دار که قرائت آنها حرام است - و همراه داشتن آن؛

رساندن جایی از بدن به حاشیه و میان خطهای قرآن؛

و رنگ کردن موها به حنا و مانند آن.

اقسام حائض

مسأله ۴۵۱) شش گروه از انواع زنان حائض

حائضها شش دسته اند:

۱. صاحب عادت وقتی و عددیه: زنی است که دو ماه پشت سرهم «در وقت معین» خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض وی هم در هر دو ماه یک اندازه باشد؛ مثل آنکه دو ماه پشت سرهم از یکم تا هفتم ماه خون ببیند.

۲. صاحب عادت وقتی فقط: زنی است که دو ماه پشت سرهم «در وقت معین» خون حیض ببیند؛ ولی شماره روزهای حیض او در هر دو ماه یک اندازه نباشد؛ مانند اینکه دو ماه پشت سرهم از روز یکم ماه خون ببیند؛ ولی ماه یکم روز هفتم و ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود.

۳. صاحب عادت عددیه فقط: زنی است که شماره روزهای حیض وی در دو ماه پشت سرهم به یک اندازه باشد؛ ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد؛ مثلاً ماه یکم از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

۴. مضطربه: زنی است که چند ماه خون دیده؛ ولی از جهت وقت یا عدد عادت معینی پیدا نکرده؛ یا عادتش به هم خورده و عادت تازه ای پیدا نکرده است.

۵. مبتدئه: زنی است که بار نخست خون دیدن او است.

۶. ناسیه: زنی است که عادت وقتی یا عددی خود را فراموش کرده است.^۱

هر کدام از اینها احکامی دارد که در مسائل آینده ذکر می شود.

۱. به دلیل روایات و فطری و عرف.

۱. صاحب عادت وقتیه و عددیه

مسأله (۴۵۱) انواع سه گانه خانم‌های صاحب عادت وقتیه و عددیه

خانم‌هایی که عادت وقتیه و عددیه دارند، سه گروه‌اند:

۱. خانمی که دو ماه پشت سرهم «در وقت معین و عدد معین»، خون حیض ببیند و در وقت معین و عدد معین هم پاک شود؛ مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز یکم ماه خون ببیند و روز هفتم پاک شود که عادت حیض این زن از یکم ماه تا هفتم آن است.

۲. خانمی که از خون پاک نمی‌شود؛ ولی دو ماه پشت سرهم چند روز معین - مثل یکم ماه تا هشتم - خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد و خونهای پس از آن، نشانه‌های استحاضه را دارد که عادت او از یکم ماه تا هشتم است.

۳. خانمی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و پس از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده و در وسط پاک بوده، روی هم یک اندازه باشد که عادت او به اندازه تمام روزهایی است که خون دیده و در وسط پاک بوده است و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده، در هر دو ماه به یک اندازه باشد.^۱

مسأله (۴۵۲) شک در حیض بودن خون در ایام عادت و نزدیک آن

خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت یا دو سه روز جلوتر یا دو سه روز عقب‌تر خون ببیند، به گونه‌ای که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگرچه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زن حائض بیان شده عمل کند و اگر بعد بفهمد که حیض نبوده - مانند آنکه پیش از سه روز پاک شود - باید عبادت‌هایی را که به‌جا نیاورده، قضا کند.^۲

مسأله (۴۵۳) خون دیدن صاحب عادت وقتیه و عددیه پیش و پس از ایام عادت

خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و همه روزهای عادت و چند روز پس از عادت خون ببیند (هم چنین اگر همراه چند روز پیش و یا فقط همراه چند روز پس از عادت خون ببیند) و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده، حیض است، اگرچه نشانه‌های حیض را نداشته باشد و خونی که پیش از آن و پس از آن دیده استحاضه است، اگرچه نشانه‌های حیض را داشته باشد و باید عبادت‌هایی را که در روزهای پیش از عادت و پس از عادت به‌جا نیاورده، قضا کند.

۱. وسائل الشیعة، باب ۸ از ابواب حیض، ح ۱ و ۲.

۲. به خاطر اینکه اصل خون در خانم‌ها بر حیض بودن است به خصوص در صاحب عددیه و وقتیه.

مسأله ۴۵۴) خون دیدن بخشی از ایام عادت با روزهایی در قبل یا بعد آن

خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در ایام عادت خون دیده با چند روز پیش از آن، که روی هم به مقدار عادت او شود، حیض و روزهای نخست را استحاضه قرار می دهد.

اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پس از عادت خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در ایام عادت خون دیده با چند روز پس از آن، که روی هم به مقدار عادت او شود، حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

مسأله ۴۵۵) خانمی که در حوالی عادت دو بار خون ببیند با پاکی کمتر از ده روز

خانمی که عادت دارد، اگر پس از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر باشد - مثل آنکه پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند - چند صورت دارد:

۱. تمام خونی که بار نخست دیده، یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که پس از پاک شدن می بیند، در روزهای عادت نباشد، که باید همه خون یکم را حیض و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

۲. خون نخست در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد که باید همه خون دوم را حیض و خون یکم را استحاضه قرار دهد.

۳. مقداری از خون یکم و دوم در روزهای عادت باشد و خون یکم که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر نباشد و با پاکی وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده، از ده روز بیشتر نباشد، که در این صورت، همه آنها حیض است و مقداری از خون یکم که پیش از روزهای عادت بوده و مقداری از خون دوم که پس از روزهای عادت بوده، استحاضه است؛ مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از یکم تا ششم خون ببیند و دو روز پاک شود و سپس تا پانزدهم خون ببیند، از سوم تا دهم حیض است و از یکم تا سوم، همچنین از دهم تا پانزدهم، استحاضه است.

۴. مقداری از خون یکم و دوم در روزهای عادت باشد؛ ولی خون یکم که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر باشد، که باید در تمام دو خون و پاکی وسط، کارهایی را که بر حائض حرام است و قبلاً ذکر شد، ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد؛ یعنی به دستوری که برای زن مستحاضه بیان شده، عبادت‌های خود را انجام دهد.

مسأله ۴۵۶) خون دیدن صاحب عادت وقتیه و عددیه در غیر ایام عادت

خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد؛ چه پیش از وقت عادت دیده باشد؛ چه پس از آن.

مسأله ۴۵۷) خون دیدن صاحب عادت وقتیه و عددیه در ایام عادت به میزان کمتر از عادت

خانمی که عادت وقتیه و عددیه دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند، ولی شماره روزهای آن کمتر یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و پس از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادت که داشته خون ببیند، باید در هر دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد.^۱

۲. صاحب عادت وقتیه

مسأله ۴۵۸) انواع سه گانه خانم صاحب عادت وقتیه

خانمهایی که فقط عادت وقتیه دارند، سه دسته اند:

۱. خانمی که دو ماه پشت سرهم «در وقت معین» خون حیض ببیند و پس از چند روز پاک شود؛ ولی شماره روزهای آن در هر دو ماه یک اندازه نباشد؛ مثل اینکه دو ماه پشت سرهم روز یکم ماه خون ببیند و در ماه یکم روز هفتم و در ماه دوم روز هشتم از خون پاک شود؛ این خانم باید روز یکم ماه را روز نخست عادت حیض خود قرار دهد.

۲. خانمی که از خون پاک نمی شود؛ ولی دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون او نشانه های حیض را دارد و دیگر خون های وی نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خورش نشانه حیض را دارد، در هر دو ماه یک اندازه نیست؛ مانند اینکه در ماه نخست، از یکم تا هفتم ماه و در ماه دوم از یکم تا هشتم ماه، خون او نشانه های حیض و باقی نشانه استحاضه را داشته باشد؛ این خانم هم باید روز یکم ماه را، روز نخست عادت حیض خود قرار دهد.

۳. خانمی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین، سه روز یا بیشتر خون حیض ببیند و سپس پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود، ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه یکم باشد؛ مثلاً در ماه نخست هشت روز و در ماه دوم، نه روز باشد؛ این زن هم باید روز یکم ماه را روز نخست عادت حیض خود قرار دهد.

مسأله ۴۵۹) جلو یا عقب افتادن مختصر عادت در صاحب عادت وقتیه

خانمی که عادت وقتیه دارد، اگر در وقت عادت خود یا دو سه روز پیش از عادت یا دو سه روز پس از عادت خون ببیند، به گونه ای که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، اگرچه آن خون نشانه های

۱. اقتضای احتیاط این است چرا که روایات در این بحث متفاوت است.

حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای زنان حائض ذکر شد، رفتار کند و اگر بعد بفهمد که حیض نبوده - مثل آنکه پیش از سه روز پاک شود - باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده، قضا کند.

مسأله ۴۶۰) مراجعه صاحب عادت وقتیه در صورت بر هم خوردن عادت به بستگان

خانمی که عادت وقتیه دارد، اگر کمتر از ده روز خون ببیند، همه‌اش حیض است و در صورتی که بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را از راه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد؛ چه پدری باشند؛ چه مادری؛ زنده باشند یا مرده؛ ولی در صورتی می‌تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد - برای مثال، عادت برخی پنج روز و عادت برخی دیگر هفت روز باشد - نمی‌تواند عادت آنان را عادت حیض خود قرار دهد، مگر عادت کسانی که با دیگران فرق دارد، به قدری کم باشد که در برابر آنان به حساب نیایند؛ در این صورت، باید عادت بیشتر آنان را عادت حیض خود قرار دهد.

مسأله ۴۶۱) ابتدای عادت وقتیه در مراجعه به بستگان

خانمی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می‌دهد، باید روزی را که در هر ماه، اول عادت او بوده، اول حیض قرار دهد؛ برای مثال، خانمی هر ماه، روز یکم آن خون می‌دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می‌شده، اگر یک ماه، دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز نخست ماه را حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

مسأله ۴۶۲) خانمی که عادت خویشانش متفاوت است یا خویش ندارد

خانمی که عادت وقتیه دارد و باید شماره عادت خویشان خود را عادت حیض خود قرار دهد، اگر خویش نداشته باشد، یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه، از روزی که خون می‌بیند تا هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۳. صاحب عادت عددیه

مسأله ۴۶۳) انواع سه‌گانه صاحب عادت عددیه

خانم‌هایی که فقط عادت عددیه دارند، سه دسته‌اند:

۱. زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم یک اندازه باشد؛ ولی وقت خون دیدن او یکی نباشد؛ در این صورت، روزهایی که خون دیده، عادت او می‌شود؛ برای مثال، اگر ماه نخست از روز یکم تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود.

۲. خانمی که از خون پاک نمی‌شود؛ ولی دو ماه پشت سر هم چند روز از خونی که می‌بیند، نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد، در هر دو ماه یک اندازه است؛ اما وقت آن یکی نیست؛ در این صورت، روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود؛ برای

مثال، اگر یک ماه از یکم تا پنجم ماه، و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت وی پنج روز می شود.

۳. خانمی که دو ماه پشت سر هم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و وقت دیدن خون، در ماه نخست با ماه دوم فرق داشته باشد، اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که خون دیده با روزهای وسط که پاک بوده، عادت حیض او می شود و لازم نیست روزهایی که در وسط پاک بوده، در هر دو ماه به یک اندازه باشد؛ برای مثال، اگر ماه نخست، از روز یکم تا سوم ماه خون ببیند و دو روز پاک شود و دوباره سه روز خون ببیند و ماه دوم، از یازدهم تا سیزدهم خون ببیند و دو روز یا بیشتر یا کمتر پاک شود و دوباره خون ببیند و روی هم از هشت روز بیشتر نشود، عادت او هشت روز می شود.

مسأله ۴۶۴) احکام بر هم خوردن عادت خانم صاحب عادت عددیه

الف. خانمی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و کمتر از ده روز باشد، همه اش حیض است؛

ب. و اگر از ده روز بیشتر شود:

۱) اگر نشانه همه خون‌هایی که دیده یکنواخت باشد، باید از موقع دیدن خون به شماره روزهای عادتش حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد

۲) و اگر همه خون‌هایی که دیده یکنواخت نباشد، بلکه چند روز از آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد:

- اگر روزهایی که خون، نشانه حیض را دارد، با شماره روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

- روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او بیشتر است، فقط به اندازه روزهای عادت او حیض و بقیه استحاضه است و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

۴. مضطربه

مسأله ۴۶۵) وظیفه مضطربه

مضطربه - یعنی خانمی که چند ماه خون دیده؛ ولی عادت معینی پیدا نکرده - اگر کمتر از ده روز خون ببیند، همه اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نشانه همه خون‌هایی که دیده یکنواخت

باشد، چنانچه عادت خویشان او مثلاً هفت روز است، باید هفت روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر کمتر است - مثلاً پنج روز است - باید همان را حیض قرار دهد و به احتیاط واجب، در تفاوت بین شماره عادت آنان و هفت روز، که دو روز است، کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و کارهای استحاضه را به جا آورد و اگر عادت خویشانش بیشتر از هفت روز، مثلاً نه روز است، باید هفت روز را حیض قرار دهد و به احتیاط واجب در تفاوت بین هفت روز و عادت آنان، که دو روز است، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند.

مسأله ۴۶۷) مضطربه‌ای که کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز خون ببیند

اگر مضطربه بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، در صورتی که خونی که نشانه حیض دارد، کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است و اگر خونی که نشانه حیض را دارد، کمتر از سه روز باشد، باید همان را حیض قرار دهد و تا هفت روز بقیه، به دستوری که در مسئله قبل ذکر شد، رفتار کند؛ همچنین است اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد، دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض را داشته باشد؛ مانند آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، که باید خون نخست را حیض قرار دهد و بقیه آن را تا هفت روز به دستوری که در مسئله پیشین یاد شد، رفتار کند.

۵. مُبْتَدِئَه

مسأله ۴۶۸) وظیفه مبتدئه

مبتدئه - یعنی خانمی که بار نخست خون دیدن اوست - اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یکنواخت باشد، باید عادت خویشان خود را به گونه‌ای که در وقتیه ذکر شد، حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسأله ۴۶۹) خون دیدن بیش از ده روز یا کمتر از سه روز در مبتدئه

مبتدئه، اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، در صورتی که خونی که نشانه حیض دارد، کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است؛ ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد، دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه خون حیض داشته باشد - مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند - باید از اول خون نخست، که نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد و در عدد، به عادت خویشاوندان خود رجوع کند و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسأله ۴۷۰) اگر خویش نداشته باشد یا عادت خویشان مختلف باشد

اگر خویشی نداشته یا عادت خویشانش مختلف باشد بنا بر احتیاط واجب سه روز را حیض قرار دهد و در ماه اول تا ده روز و در ماه‌های بعد تا شش یا هفت روز بین تروک حائض و احکام مستحاضه جمع کند.

۶. ناسیه

مسأله (۴۷۱) احکام ناسیه

ناسیه - یعنی خانمی که عادت خود را فراموش کرده است - اگر کمتر از ده روز خون ببیند، همه‌اش حیض است و اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، باید روزهایی که خون او نشانه حیض را دارد، تا ده روز را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر نتواند حیض را از راه نشانه‌های آن تشخیص دهد، به احتیاط واجب باید هفت روز نخست را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

احکام متفرقه حیض

مسأله (۴۷۲) شک در خون حیض برای مبتدئه، مضطر به، ناسیه و صاحب عادت عددیه

مبتدئه، مضطر به، ناسیه و صاحب عادت عددیه، اگر خونی ببینند که با نشانه‌های حیض باشد، یا یقین کنند که سه روز طول می‌کشد، باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادت‌هایی را که به‌جا نیاورده‌اند، قضا کنند؛ ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می‌کشد و نشانه‌های حیض را هم نداشته باشد، به احتیاط واجب باید تا سه روز کارهای استحاضه را به‌جا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کنند و در صورتی که پیش از سه روز پاک نشدند، باید آن را حیض قرار دهند.

مسأله (۴۷۳) تغییر عدد عادت

خانمی که در حیض عادت دارد، چه عادت او نسبت به وقت حیض باشد یا نسبت به عدد حیض باشد، یا نسبت به هر دو باشد، اگر دو ماه پشت سر هم بر خلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن، یا شماره روزهای آن، یا هر دو یکی باشد، عادتش برمی‌گردد به آنچه در این دو ماه دیده است؛ برای مثال، اگر از روز یکم تا هفتم ماه خون می‌دیده و پاک می‌شده، در صورتی که دو ماه از دهم تا هفدهم خون ببیند و پاک شود، عادت او از دهم تا هفدهم می‌شود.^۱

مسأله (۴۷۴) معیار ماه در حیض

مقصود از یک ماه، از آغاز خون دیدن است تا سی روز؛ نه از روز یکم ماه تا پایان ماه.

مسأله (۴۷۵) دو بار خون دیدن در ماه

خانمی که معمولاً ماهی یک بار خون می‌بیند، اگر در یک ماه دو بار خون ببیند و آن خون نشانه‌های حیض را داشته باشد، در صورتی که روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.^۲

۱. به دلیل روایات.

۲. مسأله اتفاقی است.

مسأله ۴۷۶) خون دیدن مستمر با دو نشانه مختلف

اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض را دارد و سپس ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه را دارد و دوباره سه روز خونی به نشانه‌های حیض ببیند، باید خونِ اول و خونِ آخر را که نشانه‌های حیض داشته، حیض قرار دهد.

مسأله ۴۷۷) احتمال خون دیدن دوباره پس از پاکی و پیش از ده روز

اگر حائض پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن او خون نیست، باید برای عبادت‌های خود غسل کند، اگرچه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند؛ ولی در اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می‌بیند، نباید غسل کند و نمی‌تواند نماز بگذارد و باید به احکام حائض رفتار کند.

مسأله ۴۷۸) پاک شدن پیش از ده روز و احتمال وجود خون در باطن

اگر حائض پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن وی خون هست، باید پنبه‌ای داخل عورت نهد و کمی صبر کند و بیرون آورد:

الف) پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت‌های خود را به جا آورد؛

ب) و اگر پاک نبود، اگرچه به آب زرد رنگی هم آلوده باشد:

۱. در صورتی که در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد، غسل کند و اگر پایان ده روز پاک شد، یا خون او از ده روز گذشت، سرِ ده روز غسل کند؛

۲. و در صورتی که عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا سرِ ده روز پاک می‌شود، نباید غسل کند؛

۳. و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می‌گذرد، به احتیاط واجب تا یک روز عبادت را ترک کند و پس از آن می‌تواند تا ده روز عبادت را رها کند؛ ولی بهتر است تا ده روز کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و کارهای مستحاضه را انجام دهد:

- پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا سرِ ده روز از خون پاک شد، تمامش حیض است؛

- و در صورتی که ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی را که پس از روزهای عادت به جا نیآورده، قضا کند.

مسأله ۴۷۹) قضای عبادات در ایامی که حیض بوده و نمی دانسته

اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند و سپس بفهمد حیض نبوده است، باید نماز و روزه‌ای را که در آن روزها به جا نیاورده، قضا کند و در صورتی که چند روز را به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند و آنگاه بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته، باید قضا کند.

مسأله ۴۸۰) پاکی بین دو خون دیدن

الف. هر گاه سه روز پشت سر هم خون ببیند و پاک شود در صورتی که دوباره خون ببیند و تمام ایامی که خون دیده یا در بین آن پاک بوده روی هم رفته از ده روز بیشتر نشود، حیض است. البته روزهایی که در وسط پاک بوده حکم زنان پاک را دارد.

ب. اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود، سپس سه روز یا بیشتر خون ببیند، با نشانه‌هایی که گفته شد، فقط خون دوم حیض است.

۳. نفاس

مسأله ۴۸۱) تعریف خون نفاس

از لحظه‌ای که نخستین جزء کودک از رحم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن زائو می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا سر ده روز قطع شود، خون نفاس است و زن را در حال نفاس، «نَفَسَاء» می‌گویند. خونی که زن پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می‌بیند، نفاس نیست.^۱

مسأله ۴۸۲) اگر بچه ناقص متولد شود

لازم نیست که خلقت کودک تمام باشد، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحم زن خارج شود و خود او بداند، یا چهار «ماما» بگویند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند، خون نفاس است.^۲

مسأله ۴۸۳) اقل و اکثر خون نفاس

ممکن است خون نفاس، بیش از یک لحظه نیاید؛ ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.^۳

مسأله ۴۸۴) شک در نفاس بودن خون

هرگاه شک کند که چیزی از درون او سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، لازم نیست واریسی کند و خونی که از او خارج می‌شود، شرعاً خون نفاس نیست.

۱. وسائل الشیعة، باب ۳۰ از ابواب حیض، ح ۱۲؛ باب ۴ از ابواب نفاس، ح ۱.

۲. چون شهادت است و دو زن معادل یک مرد شهادت می‌دهند.

۳. به احتیاط آغاز ده روز نفاس را از تولد اولین جزء کودک حساب کند.

مسأله ۴۸۵) احکام نفساء

توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء (زن زائو) هم حرام است و آنچه بر حائض واجب، مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب، مستحب و مکروه است.

مسأله ۴۸۶) طلاق و آمیزش در حال نفاس

طلاق دادن خانمی که در حال نفاس است، باطل و آمیزش با او حرام است و اگر شوهرش با وی آمیزش کند، به احتیاط مستحب به شیوه‌ای که در احکام حیض ذکر شد، کفاره پردازد.

مسأله ۴۸۷) خون دیدن دوباره نفساء پس از پاکی

هرگاه زن از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت‌های خود را به‌جا آورد و اگر دوباره خون ببیند، در صورتی که روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، تمام آن نفاس است و اگر روزهایی که پاک بوده، روزه گرفته باشد، باید قضا کند.

مسأله ۴۸۸) احتمال پاکی از نفاس

اگر زن از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن او خون هست، باید پنبه‌ای داخل عورت گذارد و کمی صبر کند که اگر پاک است، برای عبادت‌های خود غسل کند.

مسأله ۴۸۹) میزان محاسبه نفاس برای صاحب عادت و غیر آن

اگر خون نفاس زن از ده روز بگذرد، در صورتی که در حیض عادت معین دارد، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه استحاضه است و به احتیاط مستحب، کسی که عادت دارد از روز پس از عادت و کسی که عادت ندارد، بعد از روز دهم تا روز هیجدهم زایمان، کارهای استحاضه را به‌جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است، ترک کند.

مسأله ۴۹۰) محاسبه نفاس برای خانمی که عادتش کمتر از ده روز است

خانمی که عادت حیض او کمتر از ده روز است، اگر بیش از روزهای عادتش خون نفاس ببیند، باید به اندازه روزهای عادت خود نفاس قرار دهد و پس از آن تا روز دهم می‌تواند عبادت را ترک کند؛ یا کارهای استحاضه را انجام دهد؛ ولی ترک عبادت، یک روز یا دو روز بهتر است، پس اگر از ده روز بگذرد، روزهای عادتش نفاس و بقیه استحاضه است و اگر عبادت را ترک کرده، باید قضا کند.

مسأله ۴۹۱) خانم صاحب عادتی که پس از زایمان تا یک ماه خون می‌بیند

خانمی که در حیض عادت دارد، اگر پس از زایمان تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است و ده روز از خونی که پس از نفاس می‌بیند، اگرچه در روزهای عادت ماهانه‌اش باشد، استحاضه است؛ برای مثال، خانمی که عادت حیض او از بیستم تا بیست و هفتم هر ماه است، اگر روز دهم ماه فرزند به دنیا آورد و تا یک ماه یا بیشتر پی در پی خون دید، تا روز هفدهم

نفاس و از روز هفدهم تا ده روز، حتیّ خونی که در روزهای عادت خود - که از بیستم تا بیست و هفتم است - می‌بینند، استحاضه است و پس از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می‌بینند در روزهای عادتش باشد، حیض است؛ چه نشانه‌های حیض را داشته باشد یا نداشته باشد و اگر در روزهای عادتش نباشد، اگرچه نشانه‌های حیض را داشته باشد، باید آن را استحاضه قرار دهد.

مسأله ۴۹۲) خانمی که بدون عادت است و یک ماه بعد زایمان خون می‌بیند

خانمی که در حیض عادت ندارد (مضطربه یا مبتدئه)، اگر پس از زایمان تا یک ماه یا بیشتر خون ببیند، ده روز نخست آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که پس از آن می‌بیند، اگر نشانه حیض را داشته باشد، حیض؛ وگرنه آن هم استحاضه است.

پنجم. غسل مسّ میت

مسأله ۴۹۳) شرایط وجوب غسل مسّ میت

اگر کسی بدن انسان مرده‌ای را مسّ کند که سرد شده و غسلش نداده‌اند - یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند - باید غسل مسّ میت کند؛ چه در خواب مسّ کند یا بیداری؛ با اختیار مسّ کند یا بی‌اختیار، حتی اگر ناخن او به ناخن میت برسد، باید غسل کند؛ ولی اگر حیوان مرده‌ای را مسّ کند، غسل بر او واجب نیست.^۱

مسأله ۴۹۴) اگر تمام بدن مرده سرد نشده باشد

مسّ مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، سبب وجوب غسل نیست، اگرچه جایی را که سرد شده، مسّ کند.

مسأله ۴۹۵) ملاقات مو

اگر موی خود را به بدن میت برساند یا بدن خود را به موی میت یا موی خود را به موی میت برساند، غسل واجب نیست. در صورتی که مو به قدری کوتاه است که صدق مسّ می‌کند باید غسل انجام دهد.

مسأله ۴۹۶) مسّ جنین مرده و غسل مادر

برای مسّ کودک مرده، حتی سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده، غسل مسّ میت واجب است، بلکه بهتر است برای مسّ کودک سقط شده‌ای که کمتر از چهار ماه دارد، غسل کرد، بنابراین اگر جنین چهار ماهه‌ای مرده به دنیا بیاید، مادر او باید غسل مسّ میت کند، بلکه اگر از چهارماه کمتر هم داشته باشد، بهتر است مادر او غسل کند.^۲

۱. مسأله اجماعی است و به خاطر نصوص: وسائل الشیعة، باب ۱ از ابواب غسل مسّ میت، ح ۱ و ۱۵.

۲. به دلیل روایات.

مسئله ۴۹۷) غسل کودک اگر پس از مردن مادر به دنیا بیاید

کودکی که پس از مردن مادر به دنیا می‌آید، وقتی بالغ شد، واجب است غسل مسّ میت انجام دهد.^۱

مسئله ۴۹۸) مسّ میت پیش و پس از اتمام غسل سوم

اگر انسان، میتی را مسّ کند که سه غسل او تمام شده، غسل بر او واجب نمی‌شود؛ ولی اگر پیش از آنکه غسل سوم تمام شود، جایی از بدن او را مسّ کند، اگرچه غسل سوم آن قسمت تمام شده باشد، باید غسل مسّ میت به جا آورد.

مسئله ۴۹۹) مسّ میت توسط دیوانه یا کودک ممیز

اگر دیوانه یا نوجوان نابالغی (کودک ممیز) میت را مسّ کند، پس از آنکه آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد، باید غسل مسّ میت انجام دهد.

مسئله ۵۰۰) غسل مسّ قسمت جدا شده از بدن انسان

اگر از بدن انسان زنده قسمتی جدا شود که استخوان دارد و پیش از آنکه قسمت جدا شده را غسل دهند، انسان آن را مسّ کند، باید غسل مسّ میت انجام دهد؛ ولی اگر قسمت جدا شده استخوان نداشته باشد، برای مسّ آن غسل واجب نیست. در صورتی که از بدن مرده‌ای که غسلش نداده‌اند، چیزی جدا شود که در حال اتصال، مسّ آن سبب وجوب غسل می‌شود، پس از جدا شدن نیز با مسّ آن غسل واجب می‌شود.

مسئله ۵۰۱) حکم مسّ استخوان و دندان جدا شده انسان زنده و مرده

برای مسّ استخوان و دندانی که از مرده جدا شده باشد و آن را غسل نداده‌اند، باید غسل کرد؛ ولی برای مسّ استخوان و دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، غسل واجب نیست.

مسئله ۵۰۲) کیفیت غسل میت و نیاز به وضو

غسل مسّ میت را باید مانند غسل جنابت انجام دهند؛ ولی کسی که غسل مسّ میت کرده، اگر بخواهد نماز بگذارد، بهتر است وضو بگیرد.

مسئله ۵۰۳) تکرار مسّ میت

اگر چند میت را مسّ کند یا یک میت را چند بار مسّ کند، یک غسل کافی است.

مسئله ۵۰۴) مسّ میت ناقض وضو است و مانند جنابت نیست

برای کسی که پس از مسّ میت غسل نکرده است، توقف در مسجد و آمیزش با همسر و خواندن سوره‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد؛ ولی برای نماز و مانند آن باید غسل کند و بهتر است وضو بگیرد. یعنی کسی که غسل مسّ میت به عهده‌اش است مانند کسی است که وضو ندارد.

۱. چون وضو حکم غسل می‌آید ولی چون تکلیف ندارد تا زمان بلوغ به تأخیر می‌افتد.

ششم. غسل میت

پیش از بیان غسل میت و احکام آن، بخشی از احکام مربوط به میت را بیان می‌کنیم.

احکام محتضر

مسئله ۵۰۵) رو به قبله کردن محتضر

مسلمانی که در حال جان دادن است و به او «مُحْتَضِر» گویند، چه مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت بخوابانند، به گونه‌ای که کف پاهایش به طرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً به این صورت ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب تا اندازه‌ای که ممکن است باید به این دستور عمل کنند و چنانچه خواباندن او هیچ گونه شدنی نباشد، به قصد احتیاط او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم ممکن نشود، بنا بر احتیاط او را به پهلو راست یا به پهلو چپ، رو به قبله بخوابانند.

مسئله ۵۰۶) برنگرداندن محتضر از قبله تا وقتی در محل هست

به احتیاط واجب تا وقتی مُحْتَضِر را از محل احتضار حرکت نداده‌اند، رو به قبله باشد و پس از حرکت دادن، این احتیاط واجب نیست.

مسئله ۵۰۷) وجوب رو به قبله کردن محتضر

رو به قبله گرداندن محتضر بر هر مسلمان واجب است و اجازه گرفتن از ولی او لازم نیست. اگر محتضر به هوش است و می‌تواند بهتر است خودش نیز این حکم را انجام دهد.^۱

مسئله ۵۰۸) تلقین شهادتین و عقاید حق

مستحب است شهادتین و اقرار به امامت دوازده امام علیهم السلام و دیگر عقاید حق را، به کسی که در حال جان دادن است، به گونه‌ای تلقین کنند که بفهمد؛ نیز مستحب است چیزهایی را که ذکر شد، تا وقت مرگ تکرار کنند.^۲

مسئله ۵۰۹) ادعیه مستحب هنگام احتضار

مستحب است این دعاها را به گونه‌ای به محتضر تلقین کنند که بفهمد: «اللهم اغفر لی الكثير من معاصیک و اقبل منی الیسیر من اطاعتک»،

«یا من یقبل الیسیر و یعفو عن الكثير اقبل منی الیسیر و اعف عنی الكثير إنک أنت العفو الغفور» و «اللهم ارحمنی قانک رحیم».

۱. وسائل الشیعة، باب ۳۵ از ابواب احتضار، ح ۲ و ۴ و ۶؛ باب ۳۶، ح ۱.

۲. همان، باب ۳۸ از ابواب احتضار، ح ۱ و ۲.

«لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلي العظيم، سبحان الله رب السموات السبع و رب الارضين السبع و ما فيهن و ما بينهن و رب العرش العظيم و الحمد لله رب العالمين».^۱

مسأله ۵۱۰) بردن محتضر به محل نمازش

مستحب است کسی را که سخت جان می دهد، اگر ناراحت نمی شود، به جایی که نماز می خوانده، ببرند.^۲

مسأله ۵۱۱) آیات وارده برای راحت جان دادن محتضر

مستحب است برای راحت شدن محتضر بر بالین او سوره های «یس، صافات و احزاب» و «آیه الكرسي» و آیه پنجاه و چهارم از سوره «اعراف» و سه آیه پایان سوره «بقره» بلکه هر چه از قرآن ممکن است، بخوانند.

مسأله ۵۱۲) مکروهات مربوط به محتضر

تنها گذاشتن محتضر و گذاشتن چیز سنگین روی شکم او و بودن جنب و حائض نزد او، همچنین بسیار حرف زدن و گریه کردن و تنها گذاشتن خانمها نزد او مکروه است.

احکام پس از مرگ

مسأله ۵۱۳) مستحبات پس از مرگ

پس از مرگ، مستحب است دهان، چشمها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند و پارچه ای روی او بیندازند و اگر شب مرده است، در جایی که مرده، چراغ روشن کنند و برای تشییع جنازه او مؤمنان را خبر، و در دفن او عجله کنند؛ ولی اگر به مردن او یقین ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود.

مسأله ۵۱۴) اگر مرده، باردار باشد

اگر میت باردار باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید به قدری دفن را عقب بیندازند، که پهلوی چپ او را بشکافند و طفل را بیرون آورند و پهلو را بدوزند.

احکام غسل، کفن، نماز و دفن میت

مسأله ۵۱۵) وجوب کفایی تجهیز میت

غسل، کفن، نماز و دفن مسلمان بر هر مکلفی واجب است و اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می شود و اگر هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده اند.^۳

۱. همان، باب ۷ از ابواب قنوت، ح ۴.

۲. همان، باب ۳۹ از ابواب احتضار، ح ۱ و ۳؛ باب ۴۰ از همان، ح ۱ و ۲.

۳. وسائل الشیعة، باب ۱۰ از ابواب احتضار و باب ۳۶، ح ۶، و باب ۳۷، ح ۳.

مسأله ۵۱۶) وجوب اتمام کار نیمه تمام میت

اگر کسی به کارهای میت پردازد، بر دیگران واجب نیست اقدام کنند؛ ولی اگر او عمل را تمام نکند، باید دیگران آن را تمام کنند.

مسأله ۵۱۷) شک در اقدام دیگران برای تجهیز میت

اگر انسان یقین یا اطمینان کند که دیگری مشغول کارهای میت شده، واجب نیست به کارهای میت اقدام کند؛ ولی اگر شک یا گمان دارد، باید اقدام کند.

مسأله ۵۱۸) احتمال بطلان تجهیز میت

اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده‌اند، باید دوباره انجام دهد (قبل از دفن)؛ ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا نه، لازم نیست اقدام کند.

مسأله ۵۱۹) اجازه از ولی

برای غسل، کفن، نماز و دفن میت، باید از ولی او اجازه بگیرند.^۱

مسأله ۵۲۰) ولی زن در غسل

ولی زن که در غسل، کفن و دفن او دخالت می‌کند، همسر اوست و پس از او، مردهایی که از میت ارث می‌برند، مقدم بر خانم‌هایی‌اند که از او ارث می‌برند و هر کدام که در ارث بردن مقدم است، در این امر نیز مقدم است.^۲

مسأله ۵۲۱) شرط بلوغ و عقل در تجهیز میت

بچه نابالغ و دیوانه، برای انجام دادن کارهای میت ولایت ندارند؛ همچنین غائبی که نمی‌تواند شخصاً یا با مأمور کردن دیگری، آن کارها را انجام دهد، ولایت ندارد.

مسأله ۵۲۲) ادعای ولایت بر میت یا اجازه از ولی او

اگر کسی بگوید من وصی یا ولی میتم یا ولی میت به من اجازه داده که غسل، کفن و دفن میت را انجام دهم، در صورتی که دیگری چنین ادعایی ندارد، انجام دادن کارهای میت با اوست.

مسأله ۵۲۳) تعیین شخصی غیر از ولی برای تجهیز توسط میت

اگر میت برای غسل، کفن، دفن و نماز خود غیر از ولی، شخص دیگری را معین کند، به احتیاط واجب ولی و آن شخص هر دو اجازه بدهند و لازم نیست کسی که میت او را برای انجام دادن این کارها معین کرده، این وصیت را قبول کند؛ ولی اگر قبول کرد، باید به آن عمل کند.

۱. چند احتمال در مسأله هست: ممکن است فقط حکم تکلیفی باشد، یا حکم وضعی بطلان هم بیاید، یا نوعی ولایت از سوی شارع است و یا حق است. نظر آخر بهتر به نظر می‌رسد.

۲. وسائل الشیعة، باب ۲۳ از ابواب صلاة الجنائز.

احکام غسل میت

مسأله ۵۲۴) سه غسل میت

واجب است میت را سه غسل بدهند. ۱. به آبی که با سدر مخلوط باشد. ۲. به آبی که با کافور مخلوط باشد. ۳. با آب خالص.^۱

مسأله ۵۲۵) میزان مخلوط کردن سدر و کافور

سدر و کافور باید به اندازه‌ای بسیار نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه‌ای هم کم نباشد، که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

مسأله ۵۲۶) عدم دسترسی به کافور و سدر کافی

اگر سدر و کافور به اندازه‌ای که لازم است پیدا نشود، به احتیاط واجب مقداری که به آن دسترسی دارند، در آب بریزند.

مسأله ۵۲۷) غسل حاجی‌ای که در حال احرام از دنیا رفته است

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تمام کردن اعمال و خروج از احرام بمیرد، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند.^۲

مسأله ۵۲۸) عدم دسترسی به سدر و کافور

اگر سدر و کافور یا یکی از اینها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد - مثل آنکه غصبی باشد - باید به جای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.

مسأله ۵۲۹) شرایط غسل دهنده

کسی که میت را غسل می‌دهد، باید مسلمان دوازده امامی و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند و به احتیاط واجب بالغ باشد.

مسأله ۵۳۰) قصد قربت برای غسل دهنده

کسی که میت را غسل می‌دهد، باید قصد قربت داشته باشد؛ یعنی غسل را برای انجام دادن فرمان خدای عالم به جا آورد و اگر به همین نیت تا پایان غسل سوم باقی باشد، کافی است و تجدید نیت لازم نیست.

مسأله ۵۳۱) غسل بچه و دیوانه در بلاد اسلامی و کفر

غسل بچه مسلمان، اگرچه از زنا باشد، واجب است و غسل، کفن و دفن کافر و اولاد او جایز نیست و کسی که از بچگی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، اگر پدر یا مادر او مسلمان باشد، باید او را غسل داد و

۱. همان، باب ۱ از ابواب غسل میت، ح ۱، باب ۱۴ از ابواب غسل میت، ح ۳.

۲. چون کافور بو دارد و گیاهان خوش‌بو بر محرّم حرام است.

اگر هیچ یک از آنان مسلمان نباشد، غسل دادن او جایز نیست. کودکانی که در کشور اسلامی به سر می‌برند و شناسنامه اسلامی ندارند، در حکم مسلمانند.

مسأله ۵۳۲) غسل بچه سقط شده

بچه سقط شده، اگر چهار ماهه بوده یا ساختمان بدن او کامل شده باشد، باید او را غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد یا ساختمان بدن او کامل نشده، در پارچه‌ای بپیچند و بی‌غسل دفن کنند.

مسأله ۵۳۳) غسل زن یا مرد دیگری را

اگر مرد زن را و زن مرد را غسل دهد، باطل است؛ ولی زن می‌تواند شوهر خود را غسل دهد و شوهر هم می‌تواند همسر خود را غسل دهد، اگرچه به احتیاط مستحب، زن شوهر خود و شوهر نیز زن خود را غسل ندهد.

مسأله ۵۳۴) غسل فرد رجم شده یا قصاص شده

کسی که کشتن او به رجم یا قصاص و مانند اینها واجب شده است، در صورتی که پیش از اجرای حکم، غسل‌های سه‌گانه میت را انجام داده باشد، غسل دادنش واجب نیست، اگرچه پس از غسل، از او حدث اصغر یا اکبر سر زده باشد.

مسأله ۵۳۵) غسل دختر یا پسر بچه زیر سه سال توسط جنس مخالف

مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست، غسل دهد و زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.

مسأله ۵۳۶) غسل توسط بستگان محارم در صورت نبودن غسل دهنده هم‌جنس

اگر برای غسل دادن میتی که مرد است، مردی پیدا نشود، خانم‌هایی که با او نسبت دارند و محرمند - مثل مادر، خواهر، عمه و خاله - یا به سبب شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند غسلش بدهند؛ نیز اگر برای غسل میت زن، خانم دیگری نباشد، مردهایی که با او نسبت دارند و محرمند، یا به سبب شیر خوردن با او محرم شده‌اند، می‌توانند وی را از روی لباس غسل دهند.

مسأله ۵۳۷) جواز نگاه به بدن میت غیر از عورتین برای محارم

اگر میت و کسی که او را غسل می‌دهد، هر دو، مرد یا خانم یا زن و مردی باشند که محرم یکدیگرند، جایز است غیر از عورت، جاهای دیگر بدن میت برهنه باشد.

مسأله ۵۳۸) گناه بودن نگاه به عورت میت

نگاه کردن به عورت میت حرام است و غسل دهنده او اگر نگاه کند، معصیت کرده؛ ولی غسل میت باطل نمی‌شود.

مسأله ۵۳۹) پاک کردن بخش نجس بدن میّت

اگر جایی از بدن میّت نجس باشد، باید پیش از غسل دادن آن قسمت، آنجا را آب بکشند و به احتیاط مستحب تمام بدن میّت، پیش از شروع به غسل پاک باشد.

مسأله ۵۴۰) تقدم غسل ترتیبی بر غسل ارتماسی

غسل میّت، همانند غسل جنابت است و به احتیاط واجب تا غسل ترتیبی ممکن است، میّت را غسل ارتماسی ندهند و به احتیاط مستحب در غسل ترتیبی هیچ یک از سر و گردن و بدن را در آب فرو نبرند، بلکه آب را روی آن بریزند، هرچند فروردن در آب جایز است.

مسأله ۵۴۱) عدم لزوم غسل جنابت یا غسل حیض برای میّت

کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میّت برای او کافی است.

مسأله ۵۴۲) مزد نگرستن غسل دهنده

جایز نیست که برای غسل دادن میّت مزد بگیرند، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدماتی غسل - مثل نظافت و شست و شوی میّت و مانند آن - حرام نیست.

مسأله ۵۴۳) نبود یا مانعیت آب

اگر آب پیدا نشود، یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید عوض هر یک از سه غسل، میّت را یک تیمم بدهند. گرچه احتیاط در سه تیمم است.

مسأله ۵۴۴) یافتن آب پس از تیمم

اگر به جهت نبودن آب میّت را تیمم دهند و پس از آن آب پیدا شود، در صورتی که خوفی بر میّت در تأخیر دفن نیست، باید آن را غسل بدهند و تحنيط و کفن کنند و اگر نماز بر او خوانده اند، بنا بر احوط، دوباره بخوانند.

مسأله ۵۴۵) تیمم توسط دست میّت یا دست غسل دهنده

کسی که میّت را تیمم می دهد، می تواند در صورت امکان، دست میّت را به زمین بزند و به صورت و پشت دست های او بکشد و اگر به این صورت ممکن باشد، لازم نیست به دست زنده هم او را تیمم داد، اگرچه احتیاط استحبابی، جمع است.

غسل ۵۴۶) دو استثنا در غسل میّت

غسل دادن میّت مسلمان و کفن کردن او واجب است؛ ولی دو گروه از این حکم مُستثنا هستند:

یکم. «شهیدان راه خدا» یعنی کسانی که در میدان جهاد در راه اسلام، همراه پیامبر صلی الله علیه و آله یا امام معصوم علیه السلام یا نائب خاص او کشته شده اند؛ همچنین کسانی که در حال غیبت امام

زمان - ارواحنا فداه - برای دفاع در برابر دشمنان اسلام کشته می‌شوند؛ خواه مرد باشند، یا زن؛ بزرگ باشند یا کودک در این گونه موارد، غسل و کفن و تحنيط واجب نیست، بلکه باید آن‌ها را با همان لباس‌هایشان پس از خواندن نماز دفن کنند.

دوم. «کسانی که قتل آن‌ها به عنوان قصاص یا حدّ شرعی واجب شده است» و به فرمان حاکم شرع، مراسم غسل‌های سه‌گانه میت را خودشان در حال حیات انجام می‌دهند؛ سپس دو قسمت از قسمت‌های سه‌گانه کفن را - یعنی لنگ و پیراهن - می‌پوشند و مانند میت تحنيط می‌کنند و پس از کشته شدن، قطعه سوم را بر آن‌ها می‌پوشانند و نماز بر آنها خوانده و به همان حال دفنشان می‌کنند و لازم نیست خون را از بدن و کفن آن‌ها بشویند؛ حتی اگر بر اثر ترس و وحشت خود را نجس کنند، تکرار غسل لازم نیست.

مسأله ۵۴۷) از دنیا رفتن مجروح جنگی در بیمارستان

حکم مسأله گذشته برای شهید، درباره کسانی است که در میدان جنگ کشته شده باشند؛ یعنی پیش از آنکه وی را از میدان جنگ بیرون ببرند، جان داده باشد؛ نیز همین حکم ثابت است، اگر او را به صورت مجروح از میدان جنگ خارج سازند و در بیمارستان یا غیر آن از دنیا برود، تا وقتی که جنگ ادامه دارد و اگر پس از سپری شدن جنگ بمیرد، احتیاط واجب، غسل و تحنيط و کفن کردن اوست. البته ثواب شهید را دارد.

مسأله ۵۴۸) کشته شدن در بمباران

در جنگ‌های امروز که میدان‌های جنگ وسعت دارد و گاه کیلومترها یا فرسخ‌ها مسافت را دربرمی‌گیرد و گلوله‌های دشمن و مانند آن، تا مسافت دوری می‌رسد، تمام این صحنه که مرکز تجمع سربازان است، میدان جنگ شمرده می‌شود؛ ولی اگر دشمن با بمباران، افرادی را به دور از جبهه‌های جنگ به قتل برساند، احکام بالا در مورد آنها جاری نیست.

مسأله ۵۴۹) لزوم کفن کردن شهید در صورت برهنه شدن

هرگاه به علتی شهید برهنه شده باشد، باید او را کفن کنند و بدون غسل دفن کنند.

احکام کفن میت

مسأله ۵۵۰) سه پارچه

میت مسلمان را باید با سه پارچه که لنگ، پیراهن و سرتاسری نام دارند کفن کنند.

مسأله ۵۵۱) محدوده پارچه‌های کفن

لنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و به احتیاط واجب، پیراهن باید از سر شانه تا نصف ساق پا، تمام بدن را بپوشاند و درازی سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن، روی طرف دیگر جای گیرد.

مسأله ۵۵۲) نبودن کفن کافی

اگر سه پارچه (لنگ، پیراهن، سرتاسری) برای کفن میت میسر نشود، به هر کدام که میسر باشد، اکتفا می شود، اگرچه اسم هیچ کدام از این سه پارچه بر آن گفته نشود، بلکه اگر هیچ پارچه ای مقدور نشود و فقط مقداری جهت پوشاندن عورتین باشد، واجب است با آن عورتین را بپوشانند.

مسأله ۵۵۳) مقدار مستحب و واجب کفن

مقداری از لنگ، که از ناف تا زانو را می پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می پوشاند، مقدار واجب کفن است و آنچه بیش از این مقدار در مسئله پیشین بیان شد، مقدار مستحب کفن است.

مسأله ۵۵۴) اجازه از ورثه بالغ برای میزان اضافه کفن

اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را، از سهم آنان بردارند، اشکال ندارد و به احتیاط واجب بیشتر از مقدار واجب کفن، همچنین مقداری را که بنا بر احتیاط لازم است، از سهم وارثی بردارند که بالغ نشده.

مسأله ۵۵۵) وصیت به ثلث برای کفن

اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند، یا وصیت کرده باشد که ثلث مال را به مصرف خود او برسانند، هر چند مصرف آن را معین نکرده باشد یا فقط مصرف مقداری از آن را معلوم کرده باشد، می توانند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند.

مسأله ۵۵۶) رعایت شأن میت در صورت عدم وصیت به کفن در ثلث

اگر کسی وصیت نکرده باشد که کفن را از ثلث مال او بردارند، می توانند به صورت متعارف - که لایق شأن میت باشد - کفن و چیزهای دیگری را که از واجبات دفن است، از اصل مال او بردارند.

مسأله ۵۵۷) هزینه کفن زن از مال شوهر

هزینه کفن زن بر شوهر است، اگرچه خانم از خود مال داشته باشد؛ همچنین اگر خانم را به شرحی که در کتاب طلاق گفته می شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد، کفن او بر عهده شوهر اوست و اگر شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید کفن زن را از مال او بپردازد.

مسأله ۵۵۸) عدم وجوب کفن بر خویشان میت

کفن میت بر خویشان او واجب نیست، اگرچه مخارج او در حال زندگی بر آنان واجب باشد.

مسأله ۵۵۹) اگر میت مالی برای کفن ندارد

اگر میت مالی برای تهیه کفن نداشته باشد، جایز نیست برهنه دفن شود، بلکه بنا بر احتیاط بر مسلمانان واجب است که او را کفن کنند و جایز است هزینه آن را از زکات حساب کنند.

مسأله ۵۶۰) مباح بودن کفن

کفن باید مباح باشد؛ یعنی از مال خود میت باشد؛ یا دیگری از مال حلال تهیه کرده و با رضایت خود آن را برای کفن میت بپردازد.

مسأله ۵۶۱) نازک نبودن پارچه کفن

به احتیاط واجب، هر یک از سه پارچه کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.

مسأله ۵۶۲) وظیفه در غصبی بودن کفن

کفن کردن با چیز غصبی، اگر چیز دیگری هم پیدا نشود، جایز نیست و اگر کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد، باید حکومت اسلامی یا مردم مسلمان، رضایت صاحب آن را فراهم کنند و نبش قبر او جایز نیست؛ همچنین جایز نیست با پوست مردار او را کفن کنند.

مسأله ۵۶۳) کفن با پارچه نجس، ابریشمی و طلا باف

کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص جایز نیست؛ ولی در حال ناچاری اشکال ندارد و به احتیاط واجب با پارچه طلا باف هم میت را کفن نکنند، مگر در حال ناچاری.

مسأله ۵۶۴) استفاده از محصول حیوانات در کفن

کفن کردن با پارچه‌ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، در حال اختیار جایز نیست؛ ولی اگر پوست حیوان حلال گوشت را به گونه‌ای درست کنند که به آن جامه گفته شود، می‌توان با آن میت را کفن کرد؛ همچنین اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد، اشکال ندارد، اگرچه به احتیاط مستحب با این دو هم کفن نکنند.^۱

مسأله ۵۶۵) نجس شدن کفن میت

اگر کفن میت نجس شود، باید آن را بشویند و اگر کفن ضایع نمی‌شود، می‌توان قسمت نجس را بُرید؛ ولی اگر در قبر گذاشته باشند، بهتر است که قسمت نجس شده بریده شود، بلکه اگر بیرون آوردن میت اهانت به او باشد، بریدن واجب می‌شود و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض کنند.

مسأله ۵۶۶) کفن کردن مُحرم در حج یا عمره

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته، اگر بمیرد، باید مانند دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

۱. به دلیل روایات.

مسأله ۵۶۷) تهیه کفن و وسایل دفن در حال حیات

مستحب است انسان در حال سلامتی، کفن، سدر و کافور خود را تهیه کند.

احکام حنوط

مسأله ۵۶۸) مواضع زدن کافور

پس از غسل، واجب است میت را با حنوط پاک و حلال تحنیط کنند؛ یعنی به پیشانی، کف دست‌ها، سر زانوها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند و مستحب است به سر بینی میت هم کافور بمالند و باید کافور ساییده و تازه باشد و اگر به سبب کهنه بودن، عطر او از بین رفته باشد، کافی نیست.^۱

مسأله ۵۶۹) ترتیب حنوط بین اعضای سجود

در تحنیط میت، مراعات ترتیب بین اعضای سجود لازم نیست، اگرچه مستحب است نخست کافور را به پیشانی میت بمالند.

مسأله ۵۷۰) زمان حنوط

بہتر آن است که میت را پیش از کفن کردن، تحنیط کنند، اگرچه در میان کفن کردن و پس از آن هم مانعی ندارد.

مسأله ۵۷۱) حکم حنوط کسی که در حال احرام مرده است

کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از بیرون آمدن از احرام بمیرد، تحنیط او جایز نیست.^۲ اگر در احرام حج پس از اتمام سعی بمیرد تحنیط او واجب است.

مسأله ۵۷۲) تحنیط خانمی که در حال عده وفات مرده است

خانمی که شوهر او مرده و هنوز عده‌اش تمام نشده، اگرچه حرام است، خود را خوشبو کند؛ ولی اگر بمیرد، تحنیط او واجب است.

مسأله ۵۷۳) استفاده از عطرها دیگر برای میت

مکروه است میت را با مشک، عنبر، عود و عطرها دیگر خوشبو کنند؛ یا برای تحنیط او این‌ها را با کافور مخلوط کنند.

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۴ از ابواب تکفین، ح ۱ و ۲ و ۵.

۲. به خاطر بوی عطر که در حال احرام باید پرهیز شود.

مسأله ۵۷۴) مخلوط کردن تربت سیدالشهداء علیه السلام با کافور

مستحب است که قدری تربت حضرت سید الشهداء علیه السلام را با کافور مخلوط کنند؛ ولی باید کافور را به قسمت‌هایی از بدن که بی‌احترامی به تربت می‌شود، نرسانند؛ نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد، که وقتی با کافور مخلوط شد، آن را کافور نگویند.

مسأله ۵۷۵) نبود کافور به اندازه غسل و حنوط یا به اندازه همه اعضا

اگر کافور به اندازه غسل و تحنیط نباشد، بنا بر احتیاط واجب غسل را مقدم دارند و اگر برای هفت عضو کافی نباشد، بنا بر احتیاط واجب پیشانی را مقدم کنند.

مسأله ۵۷۶) همراهی دو چوب تر همراه میت

مستحب است دو چوب تر و تازه در قبر همراه میت بگذارند.

احکام نماز میت

مسأله ۵۷۷) وجوب نماز میت بر مسلمان بالای شش سال

نماز گزاردن بر میت مسلمان، اگرچه بچه باشد، واجب است؛^۱ ولی باید پدر و مادر آن بچه یا یکی از آنان مسلمان باشند و شش سال (قمری) بچه تمام شده باشد.^۲

مسأله ۵۷۸) نماز میت برای دیوانه یا فردی که نمی‌دانیم مسلمان است

نماز بر میت دیوانه‌ای که پدر یا مادرش مسلمان هستند، واجب است؛ همچنین است نماز بر مرده‌ای که در بلاد اسلامی پیدا شود؛ نیز مرده‌ای که در بلاد کفر پیدا شود و در آنجا مسلمانان هم زندگی کنند و احتمال برود که این میت مسلمان باشد یا از مسلمان متولد شده باشد.

مسأله ۵۷۹) وجوب کفایی و شرط شیعه بودن و بلوغ در نماز گزار

نماز میت واجب کفایی است، که با گزاردن یک نفر از دیگران ساقط می‌شود، بهتر است نماز گزار شیعه اثنی عشری و بنا بر احوط بالغ باشد.

مسأله ۵۸۰) وقت نماز میت پس از تجهیز

نماز میت باید پس از غسل و تحنیط و کفن کردن او انجام شود و اگر پیش از این‌ها یا در میان این‌ها انجام شود، اگرچه از روی فراموشی یا ندانستن مسأله باشد، کافی نیست.

۱. به خاطر آیه قرآن: و لا تصلّ علی احد منهم مات ابدًا؛ توبه ۸۴.

۲. وسائل الشیعة، باب ۳۷ از ابواب صلاة المیت، ح ۱-۴.

مسأله ۵۸۱) تفاوت شرایط نماز میت با نمازهای دیگر

در نماز میت، وضو و غسل یا تیمم و پاک بودن بدن و لباس شرط نیست؛ ولی احتیاط مستحب آن است که تمام اموری را که در نمازهای دیگر لازم است رعایت کنند.

مسأله ۵۸۲) نحوه قرار گرفتن میت هنگام نماز

کسی که نماز میت می‌گزارد، باید رو به قبله باشد؛ نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به‌گونه‌ای که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نمازگزار باشد.

مسأله ۵۸۳) پستی و بلندی یا دوری مکان در نماز میت

الف) مکان نمازگزار باید از جای میت پست‌تر یا بلندتر نباشد؛ ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.
ب) نمازگزار باید از میت دور نباشد؛ اما کسی که نماز میت را به جماعت می‌گزارد، اگر از میت دور باشد، در صورتی که صفاها به یکدیگر متصل باشند، اشکال ندارد.

مسأله ۵۸۴) مقابله نمازگزار با میت

نمازگزار باید مقابل میت بایستد؛ ولی اگر نماز به جماعت گزارده شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند، اشکال ندارد.

مسأله ۵۸۵) حائل بین میت و نمازگزار

میان میت و نمازگزار، باید پرده و دیوار یا چیزی مانند این‌ها حائل نباشد؛ ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد، اشکال ندارد. داشتن پرده بین زنان و مردان اشکالی ندارد.

مسأله ۵۸۶) پوشاندن عورت میت هنگام نماز

هنگام گزاردن نماز، باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، باید عورتش را اگرچه با تخته، آجر و مانند این‌ها باشد، بپوشانند.

مسأله ۵۸۷) قصد قربت در نماز میت

نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت به‌جا آورد و هنگام نیت، میت را معین کند؛ مثلاً نیت کند «نماز می‌گزارم بر این میت قربۀاً إلى الله». اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده به‌جا آورد، می‌شود نشسته بر او نماز گزارد.

مسأله ۵۸۸) وصیت به خواندن نماز توسط فردی خاص

اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بگزارد، به احتیاط واجب، آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و به احتیاط واجب، ولی هم اجازه بدهد.

مسأله ۵۸۹) چند بار نماز خواندن بر میت

مکروه است بر میت چند بار نماز بگزارند؛ ولی اگر میت اهل علم و تقوا باشد، مکروه نیست.

مسأله (۵۹۰) نماز هم‌زمان برای چند میت

اگر چند میت با هم حاضر بودند، می‌توان برای همه یک نماز گزارد؛ ولی در دعاهایی که پس از تکبیر چهارم خوانده می‌شود، باید ضماین به صورت جمع گفته شود و می‌توان برای هر کدام یک نماز مستقل گزارد.

مسأله (۵۹۱) تراحم نماز میت با نماز فریضه

در صورت مزاحمت نماز فریضه با نماز میت، هر کدام که وقتش تنگ است، مقدم است و اگر وقت هر دو وسعت دارد، مخیر است و در صورتی که وقت هر دو تنگ شده باشد، به‌گونه‌ای که در تأخیر دفن، خوف بر میت وجود دارد، تقدیم فریضه و نماز گزاردن بر قبر میت پس از دفن او اظهر است.

مسأله (۵۹۲) دفن میت بدون نماز یا با نماز باطل

اگر میت را عمدتاً یا از روی فراموشی یا بر اثر عذری بدون نماز دفن کنند، یا پس از دفن معلوم شود، نمازی که بر او گزارده شده باطل بوده است، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است، با شرطهایی که برای نماز میت ذکر شد، به قبرش نماز بگزارند.

شیوه نماز میت

مسأله (۵۹۳) اذکار نماز میت

نماز میت پنج تکبیر دارد و اگر نماز گزار پنج تکبیر به این ترتیب بگوید کافی است: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ وَ بَعْدَ ذَلِكَ تَكْبِيرٌ دُونَ تَكْبِيرِ دَوْمِ مُحَمَّدٍ صَلَّى عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَعْدَ ذَلِكَ تَكْبِيرٌ سَوْمٌ بَقْوَيْدُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ بَعْدَ ذَلِكَ تَكْبِيرٌ چَهَارَمٌ اِغْرَ مَيْتٌ مَرْدٌ اِسْتِ بَقْوَيْدُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيْتِ وَ اِغْرَ زَنٌ اِسْتِ بَقْوَيْدُ: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيْتِ وَ بَعْدَ، تَكْبِيرِ پَنجَمٌ رَا بَقْوَيْدُ.

و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید: أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَ نَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ

و بعد از تکبیر دوم بگوید: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَارِكْ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ ارْحَمْ مُحَمَّدًا وَ آلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَ بَارَكْتَ وَ تَرَحَّمْتَ عَلَيَّ إِبْرَاهِيمَ وَ آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَ صَلِّ عَلَيَّ جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الشُّهَدَاءِ وَ الصِّدِّيقِينَ وَ جَمِيعِ عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

بعد از تکبیر سوم بگوید: اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُؤْمِنَاتِ وَ الْمُسْلِمِينَ وَ الْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَ الْأَمْوَاتِ تَابِعْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَيَّ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است بگوید: اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَ ابْنُ عَبْدِكَ وَ ابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَ أَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَ أَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِن كَانَ مُحْسِنًا فَرِّدْ فِي إِحْسَانِهِ وَ إِن كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَ اغْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَ أَخْلَفْ عَلَيَّ أَهْلَهُ فِي الْغَابِرِينَ وَ ارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ وَ بَعْدَ، تَكْبِيرِ پَنجَمٌ رَا بَقْوَيْدُ

ولی اگر میّت زن است بعد تکبیر چهارم بگوید: اَللّٰهُمَّ اِنَّ هَذِهِ اَمَّتْكَ وَ اَبْنَهُ عَبْدِكَ وَ اَبْنَهُ اَمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَ اَنْتَ خَيْرٌ مَنْزُولٌ بِهٖ اَللّٰهُمَّ اَنَا لَا نَعْلَمُ مِنْهَا اِلَّا خَيْرًا وَ اَنْتَ اَعْلَمُ بِهَا مِنْ اَللّٰهُمَّ اِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِيْ اِحْسَانِهَا وَ اِنْ كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَ اغْفِرْ لَهَا اَللّٰهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِيْ اَعْلَى عَلِّيِّينَ وَ اخْلُفْ عَلٰى اَهْلِهَا فِي الْغَابِرِيْنَ وَ اَرْحَمِهَا بِرَحْمَتِكَ يَا اَرْحَمَ الرَّاحِمِيْنَ وَ اِذَا نَزَلَتْ بِكَ وَ اَنْتَ خَيْرٌ مَنْزُولٌ بِهٖ... وَ بَقِيَّةِ ضَمِيْرَهَا رَاجِعٌ مَذْكُورٌ فِي الْاَوَّلِ. وَ فِي مَوْرِدِ چَندِ زَنِّ ضَمِيْرَهَا وَ اَسْمَاءِ اِشَارَةِ رَاجِعٌ مَذْكُورٌ فِي الْاَوَّلِ وَ فِي تَثْنِيَةِ بَعْضِ صُوْرَتِ تَثْنِيَةِ.

مسأله ۵۹۴) موالات در نماز میّت

باید تکبیرها و دعا را طوری پشت سر هم بخوانند که نماز از صورت خود خارج نشود و احتیاط واجب آن است که در وسط نماز با کسی سخن نگویند.

مسأله ۵۹۵) جماعت در نماز میّت

مستحبّ است نماز میّت را با جماعت بخوانند، ولی کسی که نماز میّت را با جماعت بخواند باید تمام تکبیرها و دعاهای آن را بخواند و همان گونه که گفته شد خواندن دعاهای مفصل بالا مستحبّ است و اگر کسی آن را حفظ نیست، می تواند از روی کتاب بخواند.

مستحبات نماز میّت

مسأله ۵۹۶) مستحبات نماز میّت

چند چیز در نماز میّت مستحب است:

اول. کسی که نماز میّت می گزارد، با وضو یا غسل یا تیمم باشد و به احتیاط مستحب، در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد؛ یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، به نماز میّت نرسد.

دوم. اگر میّت مرد است، امام جماعت یا کسی که فرادا به او نماز می گزارد، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میّت خانم است، مقابل سینه اش بایستد.

سوم. پا برهنه نماز بگزارد.

چهارم. در هر تکبیر، دستها را بلند کند.

پنجم. فاصله او با میّت به قدری کم باشد که اگر باد، لباسش را حرکت دهد، به جنازه برسد.

ششم. نماز میّت را به جماعت اقامه کند.

هفتم. امام جماعت تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می گزارند، آهسته بخوانند.

هشتم. در جماعت اگر چه مأوم یک نفر باشد، پشت سر امام بایستد.

نهم. نمازگزار به میّت و مؤمنان، فراوان دعا کند.

دهم. پیش از نماز سه بار بگوید «الصلاة».

یازدهم. نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میّت بیشتر به آنجا می‌روند.

دوازدهم. خانم حائض اگر نماز میّت را به جماعت می‌خواند، در صفی تنها بایستد.

مسأله ۵۹۷) نماز میّت در مسجد

خواندن نماز میّت در مساجد مکروه است؛ ولی در مسجد الحرام مکروه نیست.

مسأله ۵۹۸) شرکت در تشییع کسی که خودکشی کرده

شرکت در تشییع و تدفین و نماز کسی که خودکشی می‌کند، اشکال ندارد.

احکام دفن

مسأله ۵۹۹) وجوب دفن و مقدار آن

واجب است میّت را به گونه‌ای در زمین دفن کنند، که بوی او بیرون نیاید و درندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند و در صورتی که ترس درنده و نزدیک شدن انسانی که از بوی میّت اذیت شود در بین نباشد، اقوا کفایت تنها عنوان دفن در زمین است، اگرچه به احتیاط مستحب گودی قبر به همان اندازه یادشده در بالا باشد و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند. اگر دفن میّت در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، او را در بنا یا تابوت بگذارند.^۱

مسأله ۶۰۰) نحوه گذاشتن میّت در قبر

میّت را باید در قبر به پهلو راست، به گونه‌ای بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.^۲

مسأله ۶۰۱) مردن فرد در کشتی

اگر کسی در کشتی بمیرد، در صورتی که جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند؛ و گرنه باید در کشتی غسلش بدهند و تحنيط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میّت چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند؛ یا او را در محفظه‌ای بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است، باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود.^۳

۱. وسائل الشیعة، باب ۱ از ابواب دفن، ح ۱.

۲. وسائل الشیعة، باب ۶۱ از ابواب دفن، ح ۱.

۳. مستدرک وسائل الشیعة، باب ۵۱ از ابواب دفن، ح ۱ و ۲.

مسأله ۶۰۲) احتمال نبش قبر توسط دشمن

اگر بترسند که دشمن قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و به بدن بی‌احترامی کنند یا آن را مثله کنند، در صورتی که ممکن باشد، باید به گونه‌ای که در مسئله پیش ذکر شد، او را به دریا بیندازند.^۱

مسأله ۶۰۳) مخارج محکم کردن قبر یا انداختن به آب

مخارج انداختن در دریا (یا رود بزرگ) و مخارج محکم کردن قبر میت را، در صورتی که لازم باشد، باید از اصل مال میت بردارند.

مسأله ۶۰۴) زن کافری که بمیرد و بچه مسلمان در شکم او مرده است

اگر زنی کافر بمیرد و کودکش در شکم او مرده باشد، در صورتی که پدر کودک مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلو چپ، پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به سمت قبله باشد، بلکه اگر هنوز روح هم به بدن او داخل نشده باشد، بنا بر احتیاط واجب، باید به همین روش عمل کنند.^۲

مسأله ۶۰۵) دفن کفار در قبرستان مسلمانان و برعکس

دفن مسلمان، در قبرستان کفار و دفن کافر، در قبرستان مسلمانان جایز نیست.

مسأله ۶۰۶) دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی شود

دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی به او باشد - مانند جایی که خاکروبه و کثافت می‌ریزند - جایز نیست.

مسأله ۶۰۷) دفن در جای غصبی یا مساجد و مدارس دینی

میت را نباید در جای غصبی دفن کنند و همچنین در جایی که برای دفن وقف نشده است (مانند مساجد و مدارس دینی)، مگر این که از اول جایی را برای دفن در نظر بگیرند و از وقف مستثنا کنند.

مسأله ۶۰۸) دفن در قبر مرده دیگر

دفن میت در قبر مرده دیگر، در صورتی جایز است که اولاً مکان دفن از هر نظر مباح باشد و ثانیاً جنازه قبلی کاملاً پوسیده باشد.

مسأله ۶۰۹) دفن اجزای جدا شده از مرده

چیزی که از میت جدا می‌شود، اگرچه مو و ناخن و دندانش باشد، باید با او دفن شود و اگر موجب نبش شود، به احتیاط، جدا دفن شود و دفن ناخن و دندانی که در حال زندگی از انسان جدا می‌شود، مستحب است.

۱. وسائل الشیعة، باب ۴۰ از ابواب دفن، ح ۱-۳.

۲. همان، باب ۴۱ و ۳۹ از ابواب دفن، ح ۲.

مسأله ۶۱۰) افتادن در چاه و عدم امکان خروج میّت

اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و در صورتی که چاه مال دیگری باشد، باید به نحوی او را راضی کنند.

مسأله ۶۱۱) مردن بچه در رحم مادر

هرگاه بچه ای در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسانترین راه ممکن او را بیرون آورند، حتی اگر ناچار شوند او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد، این کار باید در درجه اول به وسیله شوهرش اگر اهل فن است و در درجه بعد زنی که اهل فن باشد انجام شود و اگر ممکن نیست، از مرد محرمی که اهل فن است استفاده کنند و در غیر این صورت، ناچار باید از مرد نامحرمی که اهل فن است کمک بگیرند.

مسأله ۶۱۲) مادری که مرده و بچه زنده در شکم دارد

هر گاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، اگرچه به زنده ماندن طفل امید نداشته باشند، باید به دست کسانی که در مسئله پیش ذکر شد، از هر طرفی که بچه سالم بیرون می آید، بچه را بیرون آورند و دوباره بدوزند؛ ولی اگر بین پهلوی چپ و راست در سالم بودن بچه فرقی نباشد، به احتیاط واجب از پهلوی چپ بیرون آورند.

مسأله ۶۱۳) تأخیر در دفن

تأخیر دفن میّت در صورتی که موجب هتک و توهین او باشد جایز نیست.

مستحبات دفن

مسأله ۶۱۴) مستحبات هنگام دفن کردن

مستحبّ است به امید این که مطلوب پروردگار باشد امور زیر را در دفن میّت رعایت کنند:

۱. قبر را به اندازه قامت انسان متوسط گود کنند.
۲. میّت را در نزدیکترین قبرستان دفن نمایند، مگر آن که قبرستان دورتر، از جهتی بهتر باشد، مثل این که افراد خوب در آنجا دفن شده اند، یا مردم برای فاتحه بیشتر به آنجا می روند.
۳. هنگام دفن، جنازه را در چند قدمی قبر بر زمین بگذارند و تا سه مرتبه، کم کم نزدیک ببرند و در مرتبه چهارم وارد قبر کنند.
۴. اگر میّت مرد است او را از طرف سر وارد قبر کنند و اگر زن است از طرف عرض بدن و به هنگام وارد کردن او پارچه ای روی قبر بگیرند.
۵. جنازه را با آرامی از تابوت بردارند و با آرامی وارد قبر کنند، و دعاهایی که دستور داده شده پیش از دفن و موقع دفن بخوانند.

۶. قبر لحد داشته باشد، یعنی آن راطوری بسازند که خاک روی بدن میت نریزد، به این ترتیب که قسمت پایین قبر را باریکتر کنند و بعد از گذاشتن میت در قبر، بالای آن خشت یا آجر بچینند و یا طرف قبله قبر را کمی از پایین توسعه دهند به اندازه ای که میت در آن قرار بگیرد.

۷. پشت سر میت مقداری خاک یا خشت بگذارند که وقتی او را به طرف راست می خوابانند به عقب برنگردد. ۸. بعد از گذاشتن در قبر، گره کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک زیر سر او قرار دهند.

۹. کسی که میت را در قبر می گذارد با طهارت و سربرهنه و پا برهنه باشد و غیر از خویشان میت، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «أَنَا لِلَّهِ وَ أَنَا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و اگر میت زن است کسی که با او محرم است او را در قبر بگذارد و اگر محرم نباشد خویشانش او را در قبر بگذارند.

۱۰. پیش از آن که «لحد» را بپوشانند دست راست به شانه میت بزنند و او را حرکت دهند و سه مرتبه بگویند: اِسْمَعِ اِفْهَمْ یا فُلَانُ ابْنِ فُلَانٍ (و به جای فلان ابن فلان اسم میت و پدرش را ببرند) مثلاً سه مرتبه بگویند: «اِسْمَعِ اِفْهَمْ یا مُحَمَّدَ بْنِ عَلِيٍّ» سپس به ترتیب زیر او را به عقاید حقه اسلامی تلقین دهند و بگویند:

«هَلْ اَنْتَ عَلَيَّ الْعَهْدُ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ اَنْ لَا اِلَهَ اِلَّا اللهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُوْلُهُ وَ سَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَ خَاتَمُ الْمُرْسَلِيْنَ وَ اَنَّ عَلِيًّا اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ سَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَ اِمَامٌ افْتَرَضَ اللهُ طَاعَتَهُ عَلَيَّ الْعَالَمِيْنَ، وَ اَنَّ الْحَسْنَ وَ الْحُسَيْنَ وَ عَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ جَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَ عَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَ الْحَسْنَ بْنَ عَلِيٍّ وَ الْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اٰئِمَّةَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَ حُجَجُ اللهِ عَلَيَّ الْخَلْقِ اَجْمَعِيْنَ، وَ اٰثَمْتُكَ اٰثَمَهُ هُدًى اَبْرَارًا يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ (و به جای فلان بن فلان، اسم میت و پدرش را بگویند) و بعد بگویند: اِذَا اَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقْرَبَانِ رَسُوْلَيْنِ

مِنْ عِنْدِ اللهِ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى وَ سَلَّكَ عَنْ رَبِّكَ وَ عَنْ نَبِيِّكَ وَ عَنْ دِيْنِكَ وَ عَنْ كِتَابِكَ وَ عَنْ قِبْلَتِكَ وَ عَنْ اٰثَمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَ لَا تَحْزَنْ وَ قُلْ فِيْ جَوَابِهِمَا: اللهُ رَبِّيْ وَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نَبِيِّيْ وَ الْاِسْلَامُ دِيْنِيْ وَ الْقُرْآنُ كِتَابِيْ وَ الْكَعْبَةُ قِبْلَتِيْ وَ اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ بْنُ اَبِي طَالِبٍ اِمَامِيْ وَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ

الْمُجْتَبَى اِمَامِيْ وَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءِ اِمَامِيْ وَ عَلِيٌّ زَيْنُ الْعَابِدِيْنَ اِمَامِيْ وَ مُحَمَّدٌ الْبَاقِرُ اِمَامِيْ وَ جَعْفَرُ الصَّادِقُ اِمَامِيْ وَ مُوسَى الْكَاطِمُ اِمَامِيْ وَ عَلِيُّ الرِّضَا اِمَامِيْ وَ مُحَمَّدُ الْجَوَادُ اِمَامِيْ وَ عَلِيُّ الْهَادِيْ اِمَامِيْ وَ الْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ اِمَامِيْ وَ الْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ اِمَامِيْ هُوْلَاءِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ اَجْمَعِيْنَ اٰثَمَتِيْ وَ سَادَتِيْ وَ قَادَتِيْ وَ شَفَعَائِيْ، بِهِمْ اَتَوَلَّى وَ مِنْ اَعْدَائِهِمْ اَتَبَرَّءُ فِي الدُّنْيَا وَ الْاٰخِرَةِ، ثُمَّ اَعْلَمُ يَا فُلَانُ بْنَ فُلَانٍ (و به جای فلان بن فلان، اسم میت و پدرش را بگویند) اِنَّ اللهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى نِعْمَ الرَّبُّ وَ اَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَ اٰلِهِ نِعْمَ الرَّسُوْلُ وَ اَنَّ عَلِيَّ بْنَ اَبِي طَالِبٍ وَ اَوْلَادَهُ الْمَعْصُوْمِيْنَ الْاِثْمَةَ الْاِثْنِيْ عَشَرَ نِعْمَ الْاِثْمَةُ وَ اَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى

اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَ سُؤَالَ مُنْكَرٍ وَ نَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَ الْبَعْثَ حَقٌّ وَ النُّشُورَ حَقٌّ وَ الصِّرَاطَ حَقٌّ وَ الْمِيزَانَ حَقٌّ وَ تَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَ أَنَّ الْجَنَّةَ حَقٌّ وَ النَّارَ حَقٌّ وَ أَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَ أَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ. پس بگویند: أَفْهَمْتَ يَا فُلَانُ (و به جای فلان اسم میت را بگویند) پس از آن بگویند: ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَ هَدَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ عَرَفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ. پس بگویند: اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جَنَّبِيهِ وَ اصْعِدْ بِرُوحِهِ إِلَيْكَ وَ لَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا اللَّهُمَّ عَفُوكَ عَفُوكَ.»

۱۱. قبر را به صورت مربع مستطیل بسازند به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه‌ای روی آن بگذارند که شناخته شود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب، کسانی که حاضرند دست‌ها را بر قبر گذارند انگشت‌ها را باز کرده در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره «إنا انزلناه» بخوانند و برای میت طلب آمرزش کنند.

۱۲. این دعا را بعد از آن بخوانند: «اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنِ جَنَّبِيهِ وَ اصْعِدْ إِلَيْكَ رُوحَهُ وَ لَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَ أَسْكِنُ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنِ رَحْمِهِ مَنْ سِوَاكَ.»^۱

مسأله ۶۱۵) مستحبات پس از دفن

۱. پس از رفتن تشییع کنندگان جنازه، مستحب است ولی میت، یا کسی که از طرف ولی اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده، به میت تلقین کند.

۲. پس از دفن، مستحب است صاحبان عزا را تسلیت گویند؛ ولی اگر مدتی گذشته است که با تسلیت گفتن، مصیبت یادشان می‌آید، ترک آن بهتر است؛ همچنین مستحب است تا سه روز برای بازماندگان میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.

مسأله ۶۱۶) صبر در مصیبت

مستحب است انسان در مرگ خویشان، مخصوصاً در مرگ فرزند، صبر کند و هر وقت میت را یاد می‌کند، «إِنَّ اللَّهَ وَ إنا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» بگوید و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود.

مسأله ۶۱۷) عزاداری غیر متعارف

الف. جایز نیست انسان در مرگ کسی صورت و بدن خود را بخراشد و به خود آسیب برساند.

ب. پاره کردن یقه در مرگ غیر پدر و برادر، جایز نیست.

ج. بنا بر احتیاط واجب، در گریه بر میت صدا را بسیار بلند نکنند.

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۴ از ابواب دفن، ح ۱ و ۲؛ باب ۱۵ از ابواب دفن، ح ۱-۴؛ باب ۵۰ از ابواب دفن، ح ۱؛ باب ۲۰ از ابواب دفن، ح ۵.

مسأله ۶۱۸) کفّاره خراشیدن صورت و پاره کردن گریبان

اگر مرد در مرگ همسر یا فرزند یقه یا لباس خود را پاره کند، یا زن در عزای میّت صورت خود را بخرشد، به گونه‌ای که خون بیاید، یا موی خود را بکند، بنابر احتیاط مستحب یک بنده آزاد کند، یا ده فقیر را طعام دهد؛ یا آنان را بپوشاند و اگر نتواند، بنابر احتیاط سه روز روزه بگیرد، بلکه اگر خون هم نیاید، به احتیاط مستحب به این دستور عمل کند.

نماز وحشت

مسأله ۶۱۹) شیوه نماز وحشت

مستحب است به امید این که مطلوب پروردگار باشد در شب اول قبر دو رکعت نماز وحشت برای میّت بخوانند، به این ترتیب که در رکعت اول بعد از حمد یک مرتبه «آیه الکرسی» و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه انا أنزلناه بخواند و بعد از سلام نماز بگوید: «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ» (و به جای فلان، اسم میّت را بگوید).

مسأله ۶۲۰) زمان نماز وحشت

نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می تواند به جا آورد، ولی مناسب تر در اول شب بعد از نماز عشا است.

مسأله ۶۲۱) تأخیر در دفن و زمان نماز وحشت

اگر دفن میّت به علتی به تأخیر بیفتد باید نماز وحشت را تا شب اول دفن او تأخیر بیندازد.

احکام نبش قبر

مسأله ۶۲۲) معنا و حکم نبش قبر

نبش قبر مسلمان یعنی شکافتن قبر او حرام است، هر چند طفل یا دیوانه باشد و منظور از نبش قبر آن است که آن را طوری بشکافند که آثار بدن میّت ظاهر شود و اگر بدن ظاهر نشود اشکال ندارد، مگر این که موجب هتک و بی احترامی باشد.

مسأله ۶۲۳) از بین رفتن کلی بدن

اگر یقین داشته باشد بدن بکلی از بین رفته و خاک شده است شکافتن قبر اشکالی ندارد، مگر در قبور امامزاده‌ها و شهدا و علما و صلحا که اگر سال‌ها بر آن بگذرد نیز نبش قبر آنها جایز نیست.

مسأله ۶۲۴) موارد استثنای نبش قبر

نبش قبر در چند مورد حرام نیست:

۱. در صورتی که میت در زمین غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود، همچنین اگر کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده غصبی باشد، یا چیزی از اموال میت که به ورثه تعلق دارد با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در قبر بماند (مانند انگشتر یا زینت آلات قیمتی) حتی اگر راضی شوند و ماندن آن در قبر اسراف باشد باید آن را بیرون آورند، اما اگر میت وصیت کرده که دعا یا انگشتری را مثلاً با او دفن کنند در صورتی که وصیت او بیش از ثلث نباشد و اسراف محسوب نشود نمی توانند قبر را بشکافند.

۲. در صورتی که برای اثبات حقی لازم باشد بدن میت را ببینند یا برای انجام یک مطلب شرعی که اهمیّت آن از شکافتن قبر بیشتر است.

۳. در موردی که میت را در جایی دفن کرده اند که نسبت به او بی احترامی است، مانند قبرستان کفار، یا جایی که کثافات می ریزند.

۴. در جایی که بترسند درنده‌ای به بدن میت آسیب برساند، سیل بدن را ببرد یا دشمن آن را بیرون آورد.

۵. در موردی که قسمتی از بدن میت با او دفن نشده و بخواهند دفن کنند، ولی احتیاط واجب آن است که آن قسمت را طوری دفن کنند که بدن میت ظاهر نشود.

مسأله ۶۲۵) وصیت به دفن بدن در جای دیگر

هرگاه کسی وصیت کند بدن او را در جای معینی دفن کنند و به وصیت او عمل نکنند و در جای دیگری دفن شود جایز نیست قبر او را نبش کنند و به جای مورد وصیت انتقال دهند.

مسأله ۶۲۶) وصیت به انتقال بدن به مشاهد مشرفه

هرگاه کسی وصیت کند که بعد از دفن، قبر او را نبش کرده و بدن او را به مشاهد مشرفه یا نقطه دیگر ببرند عمل به چنین وصیتی مشکل است. مگر ماندن در محل قبلی، خود باعث بی احترامی به آن بدن باشد. حتی الامکان باید تلاش کنند بدون نبش انتقال را انجام دهند و هزینه‌اش را از ما ترک میت حساب کنند.

غسل‌های مستحب

مسأله ۶۲۷) انواع غسل‌های مستحبی

غسل‌های مستحب در شرع مقدّس اسلام بسیار است؛ برخی از آن‌ها:

۱. غسل جمعه - که به آن بسیار سفارش شده است - و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر است نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد، بهتر است بدون نیت ادا و قضا تا عصر جمعه، آن را به جا آورد. در صورتی که در روز جمعه غسل نکند، مستحب است از صبح شنبه تا غروب، قضای آن را به جا آورد و کسی که می‌ترسد روز جمعه آب پیدا نکند، می‌تواند روز پنجشنبه غسل را انجام دهد، بلکه اگر در شب جمعه غسل را به امید آنکه مطلوب خدای عالم است، به جا آورد، صحیح است و مستحب است انسان هنگام غسل جمعه بگوید: «أشهد أن لا إله إلا الله وحده لا شريك له و أن محمدا عبده ورسوله

اللهم صل على محمد وآل محمد واجعلني من التوابين واجعلني من المتطهرين^۱. نماز خواندن با چنین غسل پیش یا پس از زمان هم اشکالی ندارد. به خاطر اهمیت غسل جمعه، حتی اگر نتوانست غسل کند، تیمم بدل از غسل هم اشکالی ندارد. برای خانمی نیز که در ایام عادت است غسل جمعه مطلوبیت دارد.

۲. غسل شب اول ماه رمضان و تمام شب‌های فرد، مثل شب سوم، پنجم و هفتم؛ ولی از شب بیست و یکم مستحب است همه شب غسل کند و برای غسل شب اول، پانزدهم، هفدهم، نوزدهم، بیست و یکم، بیست و سوم، بیست و پنجم، بیست و هفتم و بیست و نهم بیشتر سفارش شده است. وقت غسل شب‌های ماه رمضان، تمام شب است و بهتر است مقارن غروب آفتاب به جا آورده شود؛ ولی از شب بیست و یکم تا پایان ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشاء به جا آورد؛ نیز مستحب است در شب بیست و سوم، غیر از غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.

۳. غسل روز عید فطر و عید قربان که وقت آن از اذان صبح است تا غروب و بهتر است آن را پیش از نماز عید به جا آورد و اگر از ظهر تا غروب به جا آورد، احتیاط آن است که به قصد رجاء انجام دهد.

۴. غسل شب عید فطر که وقت آن از اول مغرب تا اذان صبح است و بهتر است در آغاز شب به جا آورده شود.

۵. غسل روز هشتم و نهم (ترویبه و عرفه) ذی حجه و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر به جا آورد.

۶. غسل روز اول، پانزدهم، بیست و هفتم (روز مبعث) و آخر ماه رجب.

۷. غسل روز عید غدیر (روز عید غدیر) که بهتر است در وقت چاشت «صدر نهار» آن را انجام دهد.

۸. غسل روز بیست و چهارم ذی حجه (روز مباحله).

۹. غسل روز عید نوروز، پانزدهم شعبان (میلاد امام زمان علیه السلام)، نهم و هفدهم ربیع الاول (میلاد نبی معظم و امام صادق علیهما السلام) و روز بیست و پنجم ذی قعدة؛ ولی غسل روز پانزدهم شعبان و غسل‌های دیگری که تا آخر مسئله ذکر شده، رجاءاً انجام دهد.

۱۰. غسل دادن کودکی که تازه به دنیا آمده است.

۱۱. غسل خانمی که برای غیر شوهرش بوی خوش استعمال کرده است.

۱۲. غسل کسی که در حال مستی خوابیده است.

۱۳. غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده‌اند، رسانده است.

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۴ از ابواب اغسال مستحیی.

۱۴. غسل کسی که هنگام گرفتن خورشید و ماه نماز آیات را عمداً به جا نیاورده، در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد.

۱۵. غسل کسی که برای تماشای دار آویخته رفته و آن را دیده باشد؛ ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد، یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد، غسل مستحب نیست.

۱۶. غسل توبه.

۱۷. مناسب است هر از چند گاهی غسلی به عنوان ما فی الذمه انجام دهند.

مسأله ۶۲۸) غسل‌ها در سفرهای زیارتی

پیش از داخل شدن در حرم مکه، شهر مکه، مسجد الحرام، خانه کعبه، حرم مدینه، شهر مدینه و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله مستحب است که انسان غسل کند و برای داخل شدن در حرم امامان علیهم السلام رجاءً غسل کند و اگر در یک روز چند بار مشرف شود، یک غسل کافی است و کسی که می‌خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود، اگر به نیت همه یک غسل کند، کافی است؛ نیز اگر در یک روز بخواند داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله شود، یک غسل برای همه کفایت می‌کند و برای زیارت پیغمبر و امامان علیهم السلام از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم، همچنین برای توبه و نشاط به جهت عبادت و برای سفر رفتن خصوصاً سفر زیارت حضرت سید الشهداء علیه السلام مستحب است که غسل کند و اگر یکی از غسل‌هایی را که در این مسأله ذکر شد، به جا آورد و سپس کاری کند که وضو را باطل می‌نماید - مثل اینکه بخوابد - غسل او باطل می‌شود و مستحب است که دوباره غسل را به جا آورد.

مسأله ۶۲۹) جایگزینی غسل برای وضو

انسان نمی‌تواند با غسلی که به امید مطلوب بودن به جا آورده نماز بخواند بلکه باید احتیاطاً وضو نیز بگیرد، ولی با غسل‌هایی که مستحب بودن آن قطعی است مانند غسل جمعه می‌توان نماز خواند.

مسأله ۶۳۰) چند نیت در یک غسل

هرگاه چند غسل مستحبی، یا چند غسل که بعضی مستحب است و بعضی واجب و یا چند غسل واجب بر کسی باشد می‌تواند یک غسل به نیت همه آن‌ها به جا آورد.

تیمم

موارد هفتگانه تیمم

در هفت مورد بدل از وضو و غسل باید تیمم کرد که در پی می‌آیند:

یکم. ممکن نبودن تهیه آب به اندازه وضو یا غسل^۱

مسأله ۶۳۱) میزان جست و جو برای آب

الف. اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل، به اندازه‌های جست و جو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود و در صورتی که در بیابان باشد، اگر زمین آن پست و بلند است و یا با داشتن درخت و مانند آن، عبور در آن مشکل است، باید در هر یک از چهار سمت به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی که با کمان پرتاب می‌کردند،^۲ در جست و جوی آب برود و اگر زمین آن این‌گونه نیست، باید در هر سمت به اندازه پرتاب دو تیر جست و جو کند.

ب. اگر برخی از چهار سمت، هموار و بعضی دیگر پست و بلند یا عبور در آن مشکل باشد، باید در سمتی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که این‌گونه نیست، به اندازه پرتاب یک تیر جست و جو کند.

ج. در هر سمتی که یقین دارد که آب نیست، در آن سمت، جست و جو لازم نیست.

مسأله ۶۳۲) اطمینان به وجود آب در بیش از میزان جست و جوی واجب

کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین دارد، در محلی دورتر از مقداری که باید جست و جو کند، آب هست، در صورتی که مانعی نباشد و مشقت هم نداشته باشد، باید برای تهیه آب برود و اگر اطمینان داشته باشد، به احتیاط واجب باید برای تهیه آب به آن محل برود؛ ولی اگر اطمینان ندارد - هر چند گمان دارد آب هست - رفتن به آن محل لازم نیست.^۳

مسأله ۶۳۳) فرستان یک نفر یا شهادت او نسبت به آب

لازم نیست خود انسان در جست و جوی آب برود، بلکه می‌تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد، بفرستد و در این صورت، اگر یک تن از سوی چند نفر برود، کافی است؛ نیز می‌توان به گزارش کسی که از آن ناحیه آگاه و مورد اطمینان است، اکتفا کرد.

مسأله ۶۳۴) جست و جوی آب در منزل یا بار همسفر

اگر احتمال دهد که در منزل یا داخل بار سفر خود، یا در میان گروه همسفر آب هست، باید به اندازه‌ای جست و جو کند که به نبودن آب یقین کند؛ یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

۱. به دلیل آیه شریفه قرآن: سوره مائده، آیه ۶؛ روایت ابان بن تغلب و سعید بن جبیر: وسائل الشیعة، باب ۷ از ابواب تیمم، ح ۱ و ۴؛ نیز زبه دلیل ضرورت.

عذر دارای مراتب است و عذر ممکن است شرعی یا عرفی باشد هر معذوریت یا عسر و حرج باعث تجویز تیمم می‌شود.

۲. مرحوم علامه مجلسی در شرح «من لا یحضره الفقیه» مقدار پرتاب تیر را دویست گام معین کرده است و ظاهر این است که تیرانداز متعارف از این مقدار تجاوز نمی‌کند.

۳. تفحص بر مبنای عرف است.

مسأله ۶۳۵) جست و جوی آب پیش از وقت نماز

اگر پیش از وقت نماز جست و جو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، لازم نیست که دوباره در جست و جوی آب برود، مگر این که تغییری در اوضاع محل پیدا شده باشد و همچنین اگر برای یک نماز جست و جو کند برای نمازهای دیگر تا تغییری پیدا نشده جست و جو لازم نیست.

مسأله ۶۳۶) یافتن آب در منطقه جست و جو پس از نماز

اگر پس از جست و جو آب پیدا نکند و با تیمم نماز بگذارد و پس از نماز بفهمد در جایی که جست و جو کرده آب بوده، نماز او صحیح است.

مسأله ۶۳۷) گمان به تنگی وقت و جست و جو نکردن آب و کشف خلاف

کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است، اگر بدون جست و جو با تیمم نماز بگذارد و پس از نماز بفهمد که برای جست و جو وقت داشته و دسترسی به آب محتمل بوده، به احتیاط واجب دوباره نمازش را بگذارد و اگر وقت گذشته، قضا کند.

مسأله ۶۳۸) لزوم ننگه داشتن وضو در صورت علم به نیافتن آب

اگر پس از داخل شدن وقت نماز یا پیش از آن، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند نمی تواند وضو بگیرد، در صورتی که بتواند بدون ضرر و مشقت وضوی خود را نگهدارد، نباید آن را باطل کند؛ همچنین است اگر بداند یا یک شاهد عادل بگوید یا اطمینان بیابد تهیه آب برای او ممکن نیست، بلکه اگر احتمال صحیح عقلایی هم بدهد، به احتیاط واجب، وضوی خود را باطل نکند.

مسأله ۶۳۹) حرمت ریختن آب در صورت علم به کمبود آب برای وضو یا غسل

کسی که فقط به مقدار وضو یا به اندازه غسل آب دارد، اگر بداند یا یک شاهد عادل بگوید یا اطمینان یابد اگر آن را بریزد آب پیدا نمی کند، در صورتی که وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است و به احتیاط واجب، پیش از وقت نماز هم آن را نریزد، بلکه خالی از قوت نیست و هرگاه احتمال عقلایی هم بدهد که اگر آب را بریزد دیگر آب پیدا نمی کند، به احتیاط واجب، پیش از وقت نماز هم آب را نریزد و اگر آب را از دست دهد، گناه کرده؛ ولی نماز او با تیمم صحیح است.

مسأله ۶۴۰) کسی که آب را با وجود کمبود ریخته است

کسی که می داند یا یک شاهد عادل بگوید یا اطمینان یابد آب پیدا نمی کند، اگر پس از داخل شدن وقت نماز وضوی خود را باطل کند، یا آبی که دارد بریزد، معصیت کرده؛ ولی نمازش با تیمم صحیح است، اگرچه به احتیاط مستحب قضای آن نماز را به جا آورد.

دوم. دسترسی نداشتن به آب به سبب دشواری بیش از حد

مسأله (۶۴۱) مصادیق مشقت در استفاده از آب

اگر به سبب پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها یا نداشتن ابزاری که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند؛ همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن مشقت تحمل‌ناپذیر داشته باشد.

مسأله (۶۴۲) تهیه آب یا ابزار آن به قیمت بیشتر

اگر برای کشیدن آب از چاه، ابزاری لازم دارد، باید آن را تهیه کند، اگرچه قیمت آن، چند برابر نرخ رایج باشد؛ همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند؛ ولی اگر تهیه آن ابزار به قدری هزینه دارد که پرداختن آن برای شخص ضرر دارد، تهیه آن واجب نیست.

مسأله (۶۴۳) قرض برای گرفتن آب

اگر ناچار شود که برای تهیه آب قرض کند، باید قرض کند؛ ولی کسی که می‌داند یا اطمینان دارد نمی‌تواند قرض خود را بپردازد، قرض کردن واجب نیست.

مسأله (۶۴۴) کندن چاه برای یافتن آب

اگر کندن چاه مشقت ندارد، به احتیاط واجب برای تهیه آب، چاه بکند.

مسأله (۶۴۵) قبول بخشش آب

اگر کسی مقداری آب بی‌منت فوق العاده به او ببخشد، باید قبول کند.

سوم. ترس از ضرر

مسأله (۶۴۶) مصادیق ترس از ضرر

اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد، یا بترسد که با استعمال آن، بیماری یا عیبی در او پدید آید، یا بیماری او ادامه یا شدت یابد، یا به سختی درمان شود، باید تیمم کند؛ ولی در صورتی که آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

مسأله (۶۴۷) احتمال ضرر کافی است

لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، در صورتی که احتمال او در نظر مردم بجا باشد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.

مسأله (۶۴۸) درد چشم

کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم کند.

مسأله ۶۴۹) علم به ضرر نداشتن آب پیش از نماز با تیمم یا پس از آن

اگر برای یقین یا ترس ضرر تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر پس از نماز بفهمد، نمازش صحیح است.

مسأله ۶۵۰) کشف خلاف در ضرر داشتن آب

کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، در صورتی که غسل کند یا وضو بگیرد و سپس بفهمد که آب برای او ضرر داشته، وضو و غسل وی صحیح است.^۱

چهارم. نیاز به آب برای حفظ جان

مسأله ۶۵۱) مصادیق حفظ جان

هرگاه بترسد اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خودش یا عیال و اولاد او، یا وابستگان وی - مانند خدمتکار - از تشنگی بمیرند یا بیمار شوند، یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل تیمم کند؛ نیز چنانچه بترسد حیوانی که مانند اسب و قاطر که معمولاً برای خوردن، سرش را نمی برند، از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن بنوشاند و تیمم کند، اگرچه حیوان مال خودش نباشد؛ همچنین است کسی که حفظ جان او واجب است، به گونه ای تشنه باشد که آب ندادن به وی سبب تلف شدن اوست.

مسأله ۶۵۲) داشتن دو آب پاک و نجس در کمبود آب

اگر غیر از آب پاکی که برای وضو یا غسل دارد، آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و وابستگان به خود داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن بگذارد و با تیمم نماز بگذارد؛ ولی در صورتی که آب را برای حیوانش بخواهد، باید آب نجس را به آن بدهد و با آب پاک وضو بگیرد و غسل کند.

مسأله ۶۵۳) آب برای اتومبیل

وسیله نقلیه مانند اتومبیل که برای حرکت کردن به آب نیاز دارد و اگر آب به آن نرسد مسافران در بیابان خطر می مانند، آب را باید به مصرف آن وسیله رساند و تیمم کرد.

پنجم. نیاز به آب برای تطهیر

مسأله ۶۵۴) آب تنها به اندازه تطهیر لباس یا بدن نجس

کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بگذارد؛ ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بگذارد.^۲

۱. چرا که بحث تیمم رخصت است نه عزیمت. گرچه احتیاط ترک نشود بهتر است.

۲. برای ادله روایی تیمم رک. به: وسائل الشیعة، باب ۲۵ از ابواب تیمم، ح ۴؛ باب ۲۶، ح ۱؛ باب ۱، ح ۲؛ باب ۱۴، ح ۳ (حدیث زرارة).

نششم. نداشتن آب مباح

مسأله ۶۵۵) آب یا ظرفی که استعمالش حرام است

اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است، آب یا ظرف دیگری ندارد - مانند اینکه آب یا ظرف غصبی یا از طلا و نقره است و آب و ظرف دیگری هم ندارد - باید به جای وضو و غسل تیمم کند.

هفتم. فرصت نداشتن برای وضو یا غسل

مسأله ۶۵۶) میزان تنگی وقت

هرگاه وقت به اندازه‌ای تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، تمام نماز یا مقداری از آن پس از وقت خوانده می‌شود، باید تیمم کند.

مسأله ۶۵۷) تأخیر عمدی نماز

اگر عمداً نماز را به اندازه‌ای تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده؛ ولی نماز او با تیمم صحیح است، اگرچه به احتیاط مستحب قضای آن نماز را به جا آورد.

مسأله ۶۵۸) شک در باقی ماندن وقت

کسی که شک دارد که اگر وضو بگیرد، یا غسل کند وقت برای نماز او می‌ماند یا نه، باید تیمم کند.

مسأله ۶۵۹) تکرار تیمم در صورت ایجاد دلیل جدید

کسی که به جهت تنگی وقت تیمم کرده، اگر پس از نماز آبی که داشته از دستش برود، اگرچه تیمم خود را نشکسته باشد، در صورتی که وظیفه‌اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم کند.

مسأله ۶۶۰) تغییر دلیل تیمم در وسط نماز

کسی که آب دارد، اگر به جهت تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در میان نماز آبی که داشته از دستش برود، برای نمازهای بعدی می‌تواند با همان تیمم نماز بگذارد.^۱

مسأله ۶۶۱) نماز بدون مستحبات و سوره در تنگی وقت

اگر انسان به اندازه‌ای وقت دارد که می‌تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن - مثل اقامه و قنوت - به جا آورد، باید غسل کند؛ یا وضو بگیرد و نماز را بدون کارهای مستحبی آن اقامه کند، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و بدون سوره نماز بگذارد.

مسأله ۶۶۲) مواردی که بدون عذرهای گذشته تیمم جایز است

در چند جا علی‌رغم نبود عذر می‌توان تیمم کرد:

۱. به خاطر تبدل دلیل در حین عمل.

۱. برای حضور در نماز میّت؛^۱
۲. پیش از خواب به جهت طهارت؛^۲
۳. کسی که در مسجد الحرام و مسجد النبی و به احتیاط در مساجد دیگر محتلم شده برای خروج از مسجد.
۴. برای رفع کراهت برخی کارها مانند خوردن و آشامیدن برای جنب و گاه حائض.

صحیح بودن تیمم به برخی از اجزای زمین

مسأله ۶۶۳) اموری که می توان به آن تیمم کرد

تیمم به خاک، ریگ، کلوخ و سنگ اگر پاک باشند، صحیح است و به گل پخته - مانند آجر و کوزه - نیز صحیح است.^۳

مسأله ۶۶۴) تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک

تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک و سنگ مرمر سیاه و دیگر اقسام سنگها صحیح است؛ ولی تیمم به جواهر مثل سنگ عقیق و فیروزه باطل است و به احتیاط واجب با بودن خاک یا چیز دیگری که تیمم به آن صحیح است، به گچ و آهک پخته هم تیمم نکند و اگر به خاک و مانند آن دسترسی ندارد و امر دایر است بین گچ یا آهک پخته و میان غبار یا گل، غبار مقدم است.

مسأله ۶۶۵) تیمم به غبار و گرد فرش و لباس

اگر خاک، ریگ، کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که روی فرش و لباس و مانند اینها نشسته و ظاهر است، تیمم کند و اگر غبار در لای لباس و فرش باشد، تیمم به آن صحیح نیست، مگر نخست دست بزند تا روی آن غبار آلوده شود و سپس تیمم کند و اگر گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود، به احتیاط مستحب، بدون تیمم نماز بگزارد و به احتیاط واجب قضای آن را به جا آورد.

مسأله ۶۶۶) امکان تیمم به گرد جمع شده و گل خشک شده

اگر بتواند با تکاندن فرش و مانند آن خاک تهیه کند، تیمم به گرد باطل است و اگر بتواند گل را خشک، و از آن خاک تهیه کند، تیمم به گل باطل است.

۱. وسائل الشیعة، باب ۲۱ از ابواب صلات الجنابة، ح ۵-۶، باب ۲۲، ح ۲.

۲. همان، باب ۹ از ابواب وضو، ح ۲؛ باب ۲۵، ح ۳.

۳. به دلیل آیات و روایات: کف، ۸ و ۴۰؛ وسائل الشیعة، باب ۳ از ابواب تیمم، ح ۴؛ باب ۷، ح ۶؛ باب ۹، ح ۶، باب ۲۳، ح ۱ و ۶؛ باب ۸،

ح ۱؛ باب ۵، ح ۴.

مسأله ۶۶۷) گیر کردن در برف و یخ و حکم کسی که نه آب دارد نه خاک

الف. کسی که آب ندارد، اگر برف یا یخ داشته باشد، در صورتی که ممکن است باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل کند، هر چند صرفاً به خیس شدن دست با کشیدن به برف و یخ باشد؛

ب. و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، به احتیاط مستحب بدون وضو و تیمم نماز بگزارد و به احتیاط واجب بعداً قضا کند.

مسأله ۶۶۸) مخلوط شدن خاک با چیزی که تیمم با آن باطل است

اگر با خاک و ریگ چیزی مانند گاه که تیمم به آن باطل است مخلوط شود، نمی تواند به آن تیمم کند؛ ولی در صورتی که آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته شمرده شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

مسأله ۶۶۹) خرید چیزی که می شود بدان تیمم کرد

اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، در صورتی که ممکن است، باید به خریدن و مانند آن تهیه کند.

مسأله ۶۷۰) تیمم به دیوار گلی

تیمم به دیوار گلی صحیح است و به احتیاط مستحب با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکنند.

شروط چیزهای مورد تیمم

یکم. پاک بودن

مسأله ۶۷۱) اگر خاک پاک نداشت

چیزی که بر آن تیمم می کند، باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، باید بین ادا بدون طهارت و قضا با آن جمع کند.

مسأله ۶۷۲) کشف بطلان تیمم

اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم کند و سپس بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم گزارده، باید دوباره به جا آورد.

دوم. مباح بودن

مسأله ۶۷۳) غصبی نبودن مورد تیمم

چیزی که بر آن تیمم می کند، نباید غصبی باشد.

مسأله ۶۷۴) مباح یا غضبی بودن فضای تیمم

تیمم در فضای غضبی باطل نیست، پس اگر در ملک خود، دست‌ها را به زمین بزند و بی‌اجازه داخل ملک دیگری شود و دست‌ها را به پیشانی بکشد، تیمم او باطل نمی‌شود، هرچند به لحاظ غصبِ فضا گناه کرده است.

مسأله ۶۷۵) ندانستن یا فراموشی غصب مورد تیمم

اگر نداند چیزی که به آن تیمم می‌کند، غضبی است یا فراموش کرده باشد، تیمم او صحیح است، اگرچه خود فراموش کننده غاصب آن چیز باشد.

مسأله ۶۷۶) حبس در مکان غضبی

کسی که در جای غضبی حبس است، اگر آب و خاک او غضبی است، باید با تیمم نماز بگذارد.^۱

مستحبات و مکروهات تیمم

مسأله ۶۷۷) گرد داشتن مورد تیمم

مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند و پس از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که مقداری از گرد آن بریزد.

مسأله ۶۷۸) مکروهات تیمم

تیمم به زمین گود و خاک جاده و زمین شوره‌زار که نمک روی آن را نگرفته، مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد، باطل است.

چگونگی تیمم

مسأله ۶۷۹) کیفیت تیمم

در تیمم چند چیز واجب است: ۱. نیت. ۲. زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است. ۳. کشیدن کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید، تا ابروها و بالای بینی و به احتیاط واجب باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود. ۴. کشیدن کف دست چپ به تمام پشت دست راست و پس از آن، کشیدن کف دست راست به تمام پشت دست چپ.^۲

مسأله ۶۸۰) تفاوت بین تیمم بدل از غسل و بدل از وضو

تیمم بدل از غسل و بدل از وضو با هم فرقی ندارند ولی احتیاط مستحب آن است که در تیمم بدل از غسل یک بار دیگر دست‌ها را بر زمین زند و مجدداً با آن پشت دست راست و سپس پشت دست چپ را مسح کند.

۱. چون به خاطر غصب و مانع از استفاده آب، نوبت به تیمم می‌رسد و از باب ضرورت باید تیمم کند.

۲. وسائل الشیعة، باب ۱۱ از ابواب تیمم، ح ۳ و ۵ و ۷؛ باب ۱۲، ح ۹.

احکام تیمم

مسأله (۶۸۱) مسح تمام پیشانی و پشت دست‌ها

اگر مختصری از پیشانی و پشت دست‌ها را هم مسح نکند، تیمم باطل است؛ چه بر اثر ندانستن حکم شرعی عمداً مسح نکند؛ یا حکم را فراموش کرده باشد؛ ولی دقت فراوان هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست مسح شده، کافی است.

مسأله (۶۸۲) یقین به مسح تمام پشت دست

برای آنکه یقین کند که تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از مچ را هم مسح کند؛ ولی مسح میان انگشتان لازم نیست.

مسأله (۶۸۳) جهت مسح و موالات در تیمم

پیشانی و پشت دست‌ها را باید از بالا به پایین مسح کند و کارهای آن را باید پشت سر هم به‌جا آورد و اگر بین آن‌ها به قدری فاصله بدهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

مسأله (۶۸۴) نیت تعیین بدلیت از غسل یا وضو

بهبتر این است که هنگام نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو، ولی در صورتی که معین نکرد تیمم او صحیح است.^۱

مسأله (۶۸۵) پاک بودن اعضای تیمم

در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت دست‌ها پاک باشد و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، باید با همان کف دست نجس تیمم کند.

مسأله (۶۸۶) رفع مانع از اعضای تیمم

انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها یا در کف دست‌ها مانعی باشد - مثلاً چیزی به آن‌ها چسبیده باشد - باید آن را برطرف کند.

مسأله (۶۸۷) زخم در مواضع تیمم

اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته و نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد؛ نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم به آن صحیح است، بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.

۱. چرا که تیمم مطلوبیت نفسی دارد و قصد وجه در آن واجب نیست.

مسأله ۶۸۸) حکم مو در اعضای تیمم

اگر پیشانی و پشت دست‌ها مو داشته باشد، اشکال ندارد؛ ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را کنار بزند.

مسأله ۶۸۹) احتمال مانع و جست‌وجوی آن

اگر احتمال دهد که در پیشانی و کف دست‌ها یا پشت دست‌ها مانعی هست، در صورتی که احتمال او در نظر مردم بجا باشد، باید جست‌وجو کند، تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

مسأله ۶۹۰) نیابت از کسی که نمی‌تواند تیمم کند

اگر وظیفه کسی تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید او را تیمم داد؛ یعنی او را با دست خود او تیمم داد و اگر تیمم دادن ممکن نباشد، باید نایب بگیرد و آن نایب، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است، بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد و در این صورت، نایب هم به احتیاط واجب نیت کند.

مسأله ۶۹۱) شک بعد از محل در تیمم

اگر در اثنای تیمم، پس از ورود به جزء بعدی، شک کند که قسمت پیش از آن را تیمم داد یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است؛ نیز اگر پس از به‌جا آوردن هر جزء شک کند که درست به‌جا آورده یا نه، اعتنا نکند و تیمم او صحیح است.

مسأله ۶۹۲) شک بعد از عمل در تیمم

اگر پس از مسح دست چپ، یعنی بعد از فراغ از عمل، شک کند که درست تیمم کرده یا نه، تیمم او صحیح است.

مسأله ۶۹۳) تیمم معذور پیش از زمان نماز

کسی که وظیفه‌اش تیمم است و احتمال دهد که عذر او برطرف می‌شود، به احتیاط واجب نباید پیش از وقت نماز، برای نماز تیمم کند؛ ولی اگر برای کار واجب دیگر یا عمل مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می‌تواند با همان تیمم نماز بگذارد.

مسأله ۶۹۴) صبر تا آخر وقت نماز

کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر بداند یا اطمینان داشته باشد تا پایان وقت، عذر او باقی است، در وسعت وقت می‌تواند با تیمم نماز بگذارد؛ ولی اگر بداند یا مطمئن باشد که تا آخر وقت عذر او برطرف می‌شود، باید صبر کند و با وضو یا غسل نماز بگذارد.

مسأله ۶۹۵) اقامه نماز قضا با تیمم

کسی که توان وضو گرفتن یا غسل کردن ندارد، نمی تواند نمازهای قضای خود را با تیمم اقامه کند؛ ولی در صورت علم به استمرار عذر می تواند نماز قضا را با تیمم به جا آورد.

مسأله ۶۹۶) اقامه نمازهای مستحبی با تیمم

کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را - که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد - با تیمم به جا آورد، حتی در اول وقت به شرط آنکه به زوال عذر تا آخر وقت علم نداشته باشد.

مسأله ۶۹۷) حدث اصغر برای کسی که وظیفه ای غسل جبیره ای و تیمم بوده

کسی که احتیاطاً باید غسل جبیره ای و تیمم کند - مثل اینکه جراحی در پشت اوست - اگر پس از غسل جبیره ای و تیمم نماز بگزارد و پس از نماز حدث اصغری - مانند ادرار - از او سرزند، برای نمازهای بعدی باید وضو بگیرد.

مسأله ۶۹۸) حکم تیمم پس از برطرف شدن عذر

اگر به جهت نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، پس از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می شود.

مسأله ۶۹۹) نحوه بطلان تیمم بدل از غسل و تیمم بدل از وضو

چیزهایی که وضو را باطل می کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می کند و چیزهایی که غسل را باطل می سازد، تیمم بدل از غسل را هم باطل می کند.

مسأله ۷۰۰) یک تیمم بدل از چند غسل

کسی که نمی تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، یک تیمم بدل از همه آنها کافی است.

مسأله ۷۰۱) لزوم وضو در تیمم بدل از غیر غسل جنابت

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، لازم نیست برای نماز وضو بگیرد؛ ولی اگر بدل از غسل های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو انجام دهد.

مسأله ۷۰۲) سر زدن عامل بطلان وضو پس از تیمم بدل از غسل جنابت

اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند و سپس کاری که وضو را باطل می کند برای او پیش آید، در صورتی که برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، باید بدل از وضو تیمم کند.

مسأله ۷۰۳) استفاده از تیمم برای دیگر مواردی که طهارت نیاز دارد

کسی که وظیفه اش تیمم است اگر برای کاری تیمم کند تا تیمم و عذر او باقی است می تواند تمام کارهایی را که وضو و غسل در آن شرط است به جا آورد، حتی اگر تیمم را به خاطر تنگی وقت نماز گرفته باشد دست

گذارند روی خط قرآن و مانند آن برای او جایز است. ولی اگر با داشتن آب برای نماز میّت یا خوابیدن، تیمّم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمّم کرده می تواند انجام دهد

مسأله ۷۰۴) مواردی که مستحب است نماز با تیمّم اعاده شود

در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمّم خوانده دوباره به جا آورد:

۱. از استعمال آب ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز خوانده است.
۲. می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمّم نماز گزارده است.
۳. تا پایان وقت، عمداً در جست و جوی آب نرود و با تیمّم نماز بگذارد و سپس بفهمد که اگر جست و جو می کرد، آب پیدا می شد.
۴. عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمّم نماز گزارده است.
۵. می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته، ریخته است.

نماز

مقدمه: اهمیت نماز

از قدیمی ترین شرایع دین است که تمام انبیای الهی به آن رهنمون شده اند. از زمان حضرت آدم ع.. بزرگ ترین عبادت است. نماز اصل اسلام است. محافظت بر آن واجب است. حافظوا علی الصلوات و الصلاة الوسطی. انبیای الهی در دو عبادت با هم شریک بودند یکی نماز و دیگری حج. نماز معراج انسان هاست. به وسیله نماز، سیر نفوس و انفس به ملکوت اعلاست. نماز تطهیر از رذائل است. نماز جامع مسائل دینی است چون در نماز هم اقرار به ربوبیت است و هم شهادت به رسالت است و هم تصریح به امامت است. همان طور که در روایات داریم امام صادق ع.. فرمودند: حجة افضل من الدنيا و ما فیها و صلاة فريضة افضل من الف حجة.^۱ یک حج برتر از دنیاست و آنچه در آن است و یک نماز واجب برتر از هزار حج است.

امیر مؤمنان، حضرت علی بن ابی طالب علیه السلام از حضرت نبی معظم محمد مصطفی صلی الله علیه و آله نقل کرده است که آن حضرت نماز را به چشمه آب گرم در منزل تشبیه فرموده که نماز گزار، شبانه روز پنج بار از آن، برای شستشوی خود بهره می برد که در این صورت، هیچ آلودگی در او نمی ماند.

انسان نماز گزار وقتی به نماز می ایستد و اقامه نماز دارد ملائکه آسمان، او را احاطه کرده اند و رحمت الهی از آسمان تا زمین بر او نازل می شود. پرسش از نماز در روز قیامت جزو اولین سؤالات است. بهترین ارتباط بین خدا و انسان، نماز است. نماز ودیعه الهی است در دست انسان برای رسیدن انسان به خدا. ان قبلت قبلت ما سواها. اگر نماز قبول شود باقی اعمال نیز قبول خواهد. نماز را باید اقامه کرد چرا که ستون دین است و ستون اقامه کردنی است. مقدمه قبولی نماز، صحت آن است. برای صحت نماز باید به احکام آن توجه داشت.

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۰ از ابواب اعداد فرائض و نوافل، ح ۷.

ترک نماز از بزرگترین گناهان کبیره محسوب می شود. سزاوار است انسان نماز را در اول وقت بخواند و به آن اهمّیت بسیار دهد و از تند خواندن نماز که ممکن است مایه خرابی نماز گردد جداً پرهیزد. در حدیث آمده است روزی پیغمبر اکرم (صلی الله علیه وآله) مردی را در مسجد مشغول نماز دید که رکوع و سجود را بطور کامل انجام نمی دهد، فرمود: اگر این مرد از دنیا برود در حالی که نمازش این گونه باشد به دین من از دنیا نخواهد رفت.

روح نماز «حضور قلب» است و سزاوار است از آنچه مایه پراکندگی حواس می شود پرهیزد، معانی کلمات نماز را بفهمد و در حال نماز به آن توجّه داشته باشد و با حال خضوع و خشوع نماز را انجام دهد، بداند با چه کسی سخن می گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند بسیار کوچک ببیند. برای قبولی نماز و کمال و فضیلت آن علاوه بر شرایط واجب باید امور زیر را نیز رعایت کند: قبل از نماز از خطاهای خود توبه و استغفار نماید و از گناهایی که مانع قبول نماز است مانند «حسد» و «تکبر» و «غیبت» و «خوردن مال حرام» و «آشامیدن مسکرات» و «ندادن خمس و زکات» بلکه هر معصیتی پرهیزد. اللهم اجعلنا من المصلّین! آمین یا رب العالمین.

نمازهای واجب

مسأله ۷۰۵) انواع نمازهای واجب

نمازهای واجب، شش تاست:

یکم. نماز شبانه روز و آنچه ملحق به آن است؛ مانند نماز احتیاط، نماز قضا و نمازی که باید اعاده شود (نماز جمعه، از نمازهای شبانه روزی است که در ظهر روز جمعه خوانده می شود)؛

دوم. نماز آیات؛

سوم. نماز میت؛

چهارم. نماز طواف واجب خانه خدا؛

پنجم. نماز قضای پدر (و به احتیاط واجب نماز قضای مادر)؛

ششم. نمازی که به وسیله اجاره یا نذر و عهد و سوگند تعهّد نموده است که در این فرض، اصل نماز، با نذر و مانند آن، واجب نمی شود؛ بلکه وفای به عقد اجاره و نذر و سوگند و وفای به عهد واجب است.

نمازهای واجب شبانه روز

نماز جمعه

مسأله ۷۰۶) حکم نماز جمعه

نماز جمعه در زمان حضور معصوم علیه السلام و منصوب خاص او، واجب تعیینی است؛ به این صورت که غیر آن صحیح نیست؛ ولی در زمان غیبت معصوم علیه السلام واجب تخییری است؛ یعنی کسی که در نماز جمعه شرکت کرده، لازم نیست نماز ظهر چهار رکعتی را هم به جا آورد.

مسأله ۷۰۷) وقت نماز جمعه

وقت نماز جمعه از اول ظهر است به مقداری که اذان و خطبه‌ها و نماز مطابق معمول انجام شود و با گذشتن این مقدار، وقت نماز جمعه پایان می‌یابد و باید نماز ظهر خوانده شود. در صورتی که به وقت مزبور انجام نشود احتیاطاً نماز ظهر را هم بخواند.

مسأله ۷۰۸) محدوده مکانی وجوب نماز جمعه

کسانی که تا دو فرسخی از محل نماز جمعه قرار دارند مشمول حکم نماز جمعه هستند و در صورتی که نماز جمعه واجب عینی باشد حضور آن‌ها در نماز جمعه واجب است.

مسأله ۷۰۹) کسی که به خطبه‌ها یا یک رکعت نرسد

هرگاه کسی به خطبه‌ها نرسد و در نماز شرکت کند، یا فقط یک رکعت از نماز جمعه را درک نماید نماز او صحیح است، ولی احتیاط واجب آن است که عمداً تأخیر نیندازد.

مسأله ۷۱۰) حد اقل جماعت در نماز جمعه

نماز جمعه باید به جماعت خوانده شود و حد اقل جمعیت برای انعقاد جمعه، پنج نفر است (امام جمعه و چهار نفر دیگر).

مسأله ۷۱۱) حد اقل فاصله بین دو نماز جمعه

فاصله دو نماز جمعه باید کمتر از یک فرسخ نباشد که اگر در کمتر از یک فرسخ دو نماز جمعه خوانده شود نماز اولی صحیح و دومی باطل است.

مسأله ۷۱۲) افرادی که نماز جمعه بر آن‌ها واجب نیست

نماز جمعه بر «مسافران» و «زنان» و «بیماران» و «از کارافتادگان» واجب نیست، ولی اگر آنها در نماز جمعه حاضر شوند نمازشان صحیح است، اما احتیاط واجب آن است که پنج نفر اصلی نماز جمعه (امام و چهار نفر دیگر) غیر آن‌ها باشد.

مسأله ۷۱۳) طریقه نماز جمعه

نماز جمعه دو رکعت است مانند نماز صبح و دو قنوت دارد یکی در رکعت اول پیش از رکوع و دومی در رکعت دوم بعد از رکوع. مستحب است امام در رکعت اول، بعد از حمد، سوره جمعه را بخواند در رکعت دوم، سوره منافقین را و هرگاه مشغول یکی از این‌ها شود احتیاط واجب آن است که به سوره دیگری عدول نکند. باید قبل از نماز جمعه دو خطبه به وسیله امام جمعه خوانده شود.

خطبه‌ها باید بنابر احتیاط واجب بعد از اذان ظهر باشد و اگر قبل از آن خوانده شود اعاده کنند.

هر یک از خطبه‌ها باید مشتمل بر امور زیر باشد:

۱. حمد و ثنای الهی.

۲. صلوات بر محمد و آل محمد.

۳. وعظ و ارشاد و سفارش به تقوای الهی.

۴. خواندن یک سوره کوتاه در هر خطبه مانند سوره قل هو الله، قل یا ایها الکافرون یا سوره والعصر (بنابر احتیاط واجب).

۵. بنابر احتیاط واجب برای خود و مؤمنین و مؤمنات استغفار کند و در خطبه دوم ائمه هدی (علیهم السلام) را هنگام صلوات و درود یک یک نام ببرد. بنابراین خطبه اول شامل پنج قسمت و خطبه دوم شامل شش قسمت است. امام باید خطبه‌ها را در حال قیام بخواند و میان دو خطبه جلوس مختصری بنماید و صدای خود را در حد مقدور به نمازگزاران برساند و وعظ و ارشاد را به زبان قابل فهم برای مردم ایراد کند.

مسأله ۷۱۴) آداب نماز جمعه

شایسته است خطیب ملبس به عمامه و عبا باشد و بر عضا یا مانند آن تکیه کند و قبل از شروع به خطبه، به مأمومین سلام کند و سزاوار است مسائل مهم سیاسی و اجتماعی و اخلاقی مسلمین و جهان اسلام و آن منطقه را برای مردم شرح دهد و آن‌ها را به وظایفشان در برابر این مسائل آشنا سازد و در برابر توطئه‌های دشمنان به آن‌ها هشدار دهد. پس خطیب باید حداکثر استفاده را از خطبه‌ها برای تهذیب نفوس مردم و آگاه ساختن آن‌ها از مسائل مهم روز بنماید که یکی از اهداف اصلی خطبه‌ها همین است. خطبه‌ها را با عبارات فصیح و گویا و بلیغ و مؤثر و نافذ ایراد نماید تا خطبه‌ها تأثیر لازم را در نفوس مسلمین بگذارد و از این فریضه عبادی سیاسی بهره‌گیری کامل شود؛ هرگز به سراغ مسائل تفرقه‌انداز نرود و مسلمین را به وحدت در مقابل دشمنان دعوت نماید و احتیاط واجب آن است که نمازگزاران هنگام ایراد خطبه با طهارت باشند و رو به امام نشینند و سکوت را رعایت کنند و به خطبه‌ها گوش فرا دهند، ولی اگر عمداً سخن بگویند، نماز جمعه آنها باطل نمی‌شود، هر چند کار خلافی کرده‌اند.

اوقات نمازهای واجب

مسأله ۷۱۵) پنج نماز واجب در شبانه روز

نمازهای واجب شبانه‌روز پنج تاست:

یکم. ظهر، چهار رکعت؛ دوم. عصر، چهار رکعت؛ سوم. مغرب، سه رکعت؛ چهارم. عشاء، چهار رکعت؛ پنجم. صبح، دو رکعت.^۱

در سفر، نمازهای چهار رکعتی با شرایطی که خواهد آمد، دو رکعت می‌شود.

وقت نماز ظهر و عصر

مسأله ۷۱۶) ظهر شرعی زمان نماز ظهر

فرا رسیدن ظهر شرعی، وقت نماز ظهر و سپس نماز عصر است. ظهر شرعی، غیر از ساعت دوازده روز است، زیرا ظهر شرعی، گاهی قبل از ساعت دوازده و گاهی پس از آن است، چنانکه در بعضی از شهرها پیش از ساعت دوازده و در برخی دیگر، پس از ساعت دوازده است.

۱. به دلیل تصریح آیات و نصوص متواتر و نیز به ضرورت دین. وسائل الشیعه؛ باب ۱۳ از ابواب فرائض و نوافل، ح ۶، ۱۴، ۱۷، ۱۹.

ظهر شرعی، وقتی است که آفتاب از دایره نصف‌النهار بگذرد و تشخیص آن، به این است که در شهرهای استوایی، سایه شاخص که هنگام طلوع آفتاب به طرف مغرب بود، کاملاً از بین برود و با شروع سایه جدید شاخص به طرف مشرق، وقت نماز ظهر و سپس نماز عصر است، چنانکه برخی از روزهای سال در مکه اتفاق می‌افتد.^۱ تشخیص ظهر شرعی در شهرهایی که در خط استوا قرار ندارند؛ مانند بسیاری از کشورهای شمالی و جنوبی، به این است که شاخص صافی به طور عمود در مکان مسطح نصب شود، هنگامی که سایه پدید آمده از صبح به طرف مغرب، به نهایت کوتاهی خود برسد و شروع به زیادی به سمت مشرق کند، آغاز ظهر شرعی است.

مسأله ۷۱۷) چهار نوع وقت در نماز ظهر و عصر

وقت نماز ظهر و عصر، طبق معروف، به چهار صورت است:

یکم: وقت مختص به هر کدام، به گونه‌ای که عمداً نمی‌شود یکی را در زمان دیگر انجام داد؛ دوم: وقت مشترک بین هر دو؛ سوم: وقت فضیلت هر کدام؛ چهارم: وقت اجزا. احکام هر یک در جای مناسب خود خواهد آمد ان شاء الله!

مسأله ۷۱۸) معنای وقت اختصاصی نماز ظهر و عصر

معنای وقت اختصاصی ظهر، آن است که نماز عصر را نمی‌شود به عمد در وقت اختصاصی ظهر انجام داد و معنای وقت اختصاصی عصر، آن است که در آن زمان محدود، غیر از نماز عصر، جایز نیست و معنای اختصاص، همان ترتیب است، بنابراین انجام دادن نماز ظهر در غیر وقت اختصاصی خود، همچنین انجام دادن نماز عصر در غیر وقت اختصاصی آن، باطل نیست، چنانکه به جا آوردن نمازهای قضا، آیات، اجاره‌ای و مانند آن، در وقت اختصاصی ظهر یا عصر با فرض انجام دادن نماز ظهر یا عصر در وقت دیگر، باطل نیست.

مسأله ۷۱۹) نماز مخصوص و مشترک و حکم نماز در آن

وقت مخصوص ظهر، اول وقت است تا اندازه‌ای که بتوان نماز ظهر مسافر یا حاضر را با تحصیل مقدمات آن، در آن وقت به جا آورد. وقت مخصوص عصر، مقداری از زمان تا مغرب است که بتوان نماز عصر مسافر یا حاضر را در آن انجام داد. بین دو وقت مخصوص، وقت مشترک نماز ظهر و عصر است، اگر کسی نماز ظهر را تا وقت اختصاصی عصر به جا نیاورده باشد، باید نماز عصر را اقامه کند و قضای نماز ظهر را بعداً به جا آورد و اگر سهواً نماز ظهر در وقت مخصوص عصر و یا نماز عصر سهواً در وقت مخصوص ظهر واقع شد، صحیح است.

مسأله ۷۲۰) ترتیب بین نمازهای ظهر و عصر و بین مغرب و عشا

رعایت ترتیب بین نماز ظهر و عصر و بین نماز مغرب و عشاء واجب است و تقدیم عمدی عصر بر ظهر و عشاء بر مغرب، موجب بطلان عصر و عشاء خواهد بود. اگر سهواً پیش از نماز ظهر، نماز عصر را شروع کند و در بین نماز بفهمد که نماز ظهر را به جا نیاورده، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند؛ یعنی قصد کند آنچه

۱. در روزهای ۷ خرداد و ۲۵ تیر می‌توان از جهت خورشید، قبله را تشخیص داد.

خواندم و آنچه می خوانم، همه نماز ظهر باشد؛ خواه این حالت در وقت مخصوص نماز ظهر پیدا شود؛ خواه در وقت مشترک، هر چند احتیاط مستحب آن است که اگر این عمل در وقت مخصوص ظهر رخ دهد، دوباره نماز ظهر پیش از عصر خوانده شود.

وقت نماز مغرب و عشاء

مسأله (۷۲۱) زمان مغرب

با فرا رسیدن مغرب؛ یعنی برطرف شدن اثر سرخی آفتاب، بعد از غروب آن (آفتاب) در کرانه غرب، وقت نماز مغرب و عشاء با تقدّم نماز مغرب بر عشاء فرا می رسد. غایب شدن آفتاب در حجاب کوه و مانند آن، غروب نیست؛ بلکه فرو رفتن آن در افق سطح زمین و بدون حجاب، غروب بوده، سپس برطرف شدن اثر آن از بالای سر، مغرب است.

مسأله (۷۲۲) انواع وقت مختص و مشترک نماز مغرب و عشاء

نماز مغرب و عشاء - طبق معروف - وقت مختص، وقت مشترک، وقت فضیلت و وقت اجزا دارند: وقت مختص نماز مغرب، از اول مغرب تا اندازه به جا آوردن سه رکعت نماز با شرایط آن است. وقت مختص عشاء به اندازه خواندن چهار رکعت برای حاضر و دو رکعت برای مسافر به نیمه شب مانده است. بین وقت اختصاصی مغرب و وقت اختصاصی عشاء، وقت مشترک بین این دو نماز است، اگر مسافری که نماز عشاء او دو رکعت است، تمام نماز را سهواً در وقت مخصوص مغرب به جا آورد، صحیح است، هر چند به احتیاط مستحب بعد از نماز مغرب، نماز عشاء را دوباره اقامه کند. اگر کسی نماز مغرب را تا وقت اختصاصی عشاء به جا نیاورده، اول، نماز عشاء و سپس نماز مغرب را به جا آورد. وقت اختصاصی، مانند وقت مشترک است؛ یعنی هیچ کدام وقت اختصاصی ندارد، بلکه آنچه واجب است، ترتیب، یعنی تقدیم مغرب بر عشاء؛ مانند تقدیم ظهر بر عصر است و برای مسافر که نمازهای چهار رکعتی او دو رکعت است و برای غیر مسافر، وقت اختصاصی ظهر و عصر و نیز مغرب و عشاء فرق می کند. البته در تمام موارد، منظور از اختصاص، همان ترتیب است نه بیش از آن؛ یعنی تمام وقت مشترک است و وقت اختصاصی اصلاً مطرح نیست.^۱

مسأله (۷۲۳) تقدم سهوی نماز عشاء بر نماز مغرب

اگر پیش از نماز مغرب، سهواً نماز عشاء را شروع کرده باشد و در بین نماز بفهمد که اشتباه کرده است، در صورتی که وارد رکوع رکعت چهارم نشده باشد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عشاء را به جا آورد و اگر وارد رکوع رکعت چهارم شده باشد، نماز عشاء را تمام می کند و بعد از آن، نماز مغرب را می خواند و در این جهت، فرقی بین وقت مختص و مشترک نیست. بلی، اگر این جریان در وقت مختص به مغرب پیش آید، به احتیاط مستحب پس از عدول نیت به مغرب و گزاردن نماز عشاء، دوباره مغرب و عشاء را به جا آورد.

۱. وقت اختصاصی عرفی است و به تناسب افراد متفاوت است.

مسأله ۷۲۴) شب شرعی و نیمه شب

آخر وقت نماز عشاء برای غیر مسافر چهار رکعت مانده به نصف شب و برای مسافر دو رکعت مانده به آن است و شب، از اول غروب تا اول طلوع فجر (اذان صبح) است.

مسأله ۷۲۵) اگر تا نیمه شب نماز مغرب و عشاء را نخواند

اگر به عمد نماز مغرب و عشاء را تا نصف شب به جا نیاورده، گناه کرده و نماز او قضاست و اگر بر اثر خواب، فراموشی و مانند آن نماز نگزارده، باید تا پیش از اذان صبح به جا آورد و به احتیاط مستحب نیت ادا یا قضا نکند (ما فی الذمّة)، هر چند نماز او اداست.

وقت نماز صبح

مسأله ۷۲۶) زمان نماز صبح

وقت اذان صبح (برای نماز و روزه) در شب‌های مهتابی و غیر مهتابی یکسان است هر چند در شب‌های مهتابی بهتر است به قدر اطمینان به صبح صبر کنند. معیار، ظاهر شدن نور شفق در افق است، هر چند بر اثر تابش مهتاب نمایان نباشد، و وقت نماز صبح از اول طلوع فجر صادق است تا طلوع آفتاب و فجر صادق سپیده صبح است که در افق پهن می شود و بهتر است نماز صبح را قبل از روشن شدن هوا در همان تاریکی اول صبح به جا آورد.^۱

احکام وقت نماز

مسأله ۷۲۷) راه‌های تشخیص دخول وقت نماز

نماز قبل از وقت، باطل است، هر چند مقداری از آن، در وقت واقع شده باشد، بنابراین تا وقت نماز فرا نرسد، نمی‌توان نماز را شروع کرد. آگاهی از دخول وقت یا با یقین خود نماز گزار است یا با اطمینان او از هر راهی که حاصل بشود؛ مانند اطمینانی که از ساعت دقیق به دست می‌آید؛ یا به شهادت یک مرد عادل است، هر چند به آن مطمئن نشود. منجم ماهر و آشنا به فقه می‌تواند به طمأنینه خود عمل کند، چنان که اعتماد به اذان شخص وقت‌شناس موثق، جایز است.^۲

مسأله ۷۲۸) حکم مانع شخصی یا عمومی برای تشخیص دخول وقت

کسی که بر اثر مانع شخصی؛ مانند نابینایی، کار در تونل‌های زیرزمینی، زندانی بودن، یا مانع عمومی؛ نظیر ابری بودن فضا یا کسوف آفتاب، نتواند اول وقت را تشخیص دهد، می‌تواند به گمان قوی خود که نزدیک طمأنینه است، نماز را شروع کند، هر چند احتیاط مستحب در تأخیر آن تا زمان یقین یا اطمینان است.

۱. در پایان شب، سفیده‌ای در مشرق به صورت عمودی به بالا حرکت می‌کند که فجر اول و فجر کاذب است، چون به زودی برطرف می‌شود. سپس در کرانه مشرق، دو نوار کاملاً پهن و از هم ممتاز، یکی در بالا و دیگری پایین قرار دارند که هر لحظه سفیدی نوار پایین، بیشتر و سیاهی نوار بالا کمتر می‌شود که فجر دوم و فجر صادق است، چون در گزارش فرا رسیدن صبح، صادق است.

۲. وسائل الشیعة، باب ۳ از ابواب اذان، ح ۱ و ۴ و ۹.

مسأله ۷۲۹) حکم کسی که بفهمد بین نماز وقت داخل شده یا بعد از آن

اگر کسی بر اثر یقین، طمأنینه، گزارش یک مرد عادل یا گمان قوی برای معذور، شروع به نماز کرد و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، یا بعد از نماز بفهمد که تمام نماز او پیش از وقت انجام شده، نماز او باطل است؛ ولی اگر در بین نماز یا پس از آن بفهمد که در بین نماز قبل از تمام شدن آن، هرچند هنگام سلام باشد وقت داخل شده، نماز او صحیح است.^۱

مسأله ۷۳۰) غفلت یا فراموشی احراز وقت

اگر کسی در لزوم رعایت وقت، غفلت داشته باشد و نداند که باید آن را احراز کند، یا آن را فراموش کرده باشد و با قصد نماز و قربت وارد آن شود و پس از نماز بفهمد که تمام آن قبل از وقت واقع شده، نماز او باطل و نیز اگر بفهمد مقداری از نماز او پیش از وقت واقع شده و یا شک کند که در وقت واقع شده یا پیش از آن، نماز او باطل است؛ ولی اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز او در وقت واقع شده، نماز او صحیح است.

مسأله ۷۳۱) التفات به دخول یا عدم دخول وقت در بین نماز

اگر کسی یقین یا اطمینان داشته باشد که وقت نماز فرا رسیده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است؛ ولی اگر در بین نماز یقین یا اطمینان حاصل شود که وقت داخل شده و شک کند آن مقداری از نماز را که خوانده است، در وقت بوده یا پیش از آن، نماز او صحیح است؛ ولی اگر در بین نماز اطمینان حاصل شود که پیش از تمام شدن نماز، وقت داخل می‌شود، نماز او باطل است.^۲

مسأله ۷۳۲) تنگی وقت به اندازه‌ای که برخی اعمال واجب در خارج وقت واقع شود

اگر وقت نماز به اندازه‌ای تنگ است که با انجام دادن بعضی از ذکرها یا کارهای مستحب، بعضی از امور واجب پس از وقت واقع می‌شود، باید آن امور مستحب را انجام ندهد و اگر تنگی وقت بر اثر تأخیر عمدی نبوده و با خواندن بعضی از ذکرهای مستحب، مانند ذکر قنوت یا اذان، برخی از امور واجب در خارج از وقت واقع می‌شوند، در صورتی که یک رکعت آن در وقت واقع شود، می‌تواند آن ذکر یا کار مستحب را انجام دهد و نماز او صحیح است.

مسأله ۷۳۳) تأخیر عمدی و سهوی نماز به اندازه یک رکعت در وقت

تأخیر عمدی نماز، به گونه‌ای که فقط یک رکعت آن در وقت انجام گیرد، حرام است و نمی‌تواند نیت ادا بکند و اگر بر اثر ضرورتی مانند سهو و اشتباه، فقط یک رکعت آن در وقت و بقیه آن در خارج وقت واقع می‌شود، نماز او صحیح و اداست و باید آن را به همین وضع اقامه کند.

۱. همان، باب ۱۳ از ابواب مواقیب الصلاة، ح ۷؛ باب ۹ ابواب قبله، ح ۱؛ باب ۵۸ ابواب مواقیب، ح ۱ و ۳ و ۴.

۲. چون نماز باید جامع اجزا و شرایط باشد که وقت جزو آن است. اگر مأمور به را کامل نیاورد و تمام قاعده اشتغال حاکم است.

مسأله ۷۳۴) تأخیر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا به اندازه پنج رکعت

کسی که مسافر نیست و تا مغرب به اندازه پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر، هر دو را با همان ترتیب به جا آورد و اگر کمتر فرصت دارد، باید فقط نماز عصر را به قصد ادا اقامه کند و نماز ظهر را بعداً قضا کند و اگر تا نصف شب، به اندازه پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشاء را با همان ترتیب به جا آورد و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشاء را به قصد ادا اقامه کند و پس از آن، نماز مغرب را تا اول صبح صادق، بدون نیت ادا و قضا به جا آورد و اگر تا آن وقت انجام ندهد، نماز مغرب او قضاست.

مسأله ۷۳۵) تأخیر نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا به اندازه برخی رکعات برای مسافر

کسی که مسافر است و تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را با همان ترتیب به جا آورد و اگر کمتر از سه رکعت فرصت دارد، باید فقط نماز عصر را به قصد ادا اقامه کند و نماز ظهر را بعداً قضا کند و چنانچه تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشاء را به همان ترتیب اقامه کند و اگر کمتر از آن وقت دارد، باید فقط نماز عشاء را به جا آورد و پس از آن، نماز مغرب را بدون نیت ادا و قضا انجام دهد و چنانچه پس از گزاردن نماز عشاء معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر، وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را که اداست اقامه کند و اگر نماز مغرب را تا اول صبح به جا نیاورد، نماز مغرب او قضاست.

مسأله ۷۳۶) ثواب نماز اول وقت

مستحب است نماز در اول وقت آن، به جا آورده شود و هرچه به اول وقت نزدیک تر باشد، اقامه نماز در آن، ثواب بیشتر دارد؛ یعنی نماز در وقت فضیلت آن، بهترین مصداق نماز واجب است، مگر آنکه مقدار کمی صبر شود تا به جماعت یا چیز دیگری که استحباب شرعی دارد، اقامه شود.

مسأله ۷۳۷) حکم کسی که در اول وقت برای شرایط صحت عذر دارد

کسی که عذری دارد و نمی تواند در اول وقت، نماز را با همه شرایط صحت آن انجام دهد؛ مثلاً با وضو یا با لباس پاک آن را اقامه کند، در صورت اطمینان به ماندن عذر تا پایان وقت، می تواند با تیمم یا لباس ناپاک در اول وقت، نماز را به پا دارد و در صورت اطمینان به از بین رفتن عذر، باید صبر کند تا با وضو و با طهارت لباس، نماز را اقامه نماید و اگر احتمال دهد که عذر او تا پایان وقت برطرف می شود، به احتیاط واجب صبر کند. در تمام امور یادشده، فرقی بین تیمم و عذر دیگر نیست و اگر با احتمال ماندن عذر توانست قصد نماز و نیت تقرب نماید و نماز را با همان عذر - مثلاً با تیمم - به جا آورد و عذر او تا پایان وقت باقی ماند، نماز او صحیح است و اعاده ندارد.

مسأله ۷۳۸) حکم کسی که مسائل نماز را به طور کامل نمی‌داند

الف. کسی که مسائل نماز یا شکایات و سهویات را نمی‌داند و احتمال می‌دهد در نمازش پیش آید باید برای یادگرفتن اینها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که می‌تواند نماز را بطور کامل تمام کند جایز است در اول وقت مشغول نماز شود.

ب. هرگاه در نماز مسأله ای پیش آید که حکم آن را نمی‌داند می‌تواند به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد به قصد رجاء عمل کند و باید بعد از نماز مسأله را سؤال کند که اگر باطل بوده دوباره بخواند (و احتیاط واجب آن است طرفی را که بیشتر احتمال می‌دهد بگیرد).

مسأله ۷۳۹) تزاحم نماز با واجب فوری

هر گاه واجب فوری در بین باشد؛ مانند نجات کسی که در معرض خطر است و پاک کردن مسجدی که متنجس شده و ادای دین طلبکاری که مهلت نمی‌دهد و در تمام این موارد، وقت نماز وسیع است، باید آن‌ها را قبل از نماز انجام دهد و بعد نماز بگذارد و اگر نماز را بر آن‌ها مقدم داشت، گناه کرده؛ ولی نماز او صحیح است. اگر وقت نماز تنگ باشد، اول، نماز را به پا دارد، سپس آن واجب‌ها را انجام دهد.

مسأله ۷۴۰) وقت فضیلت نمازها

الف. مستحب است پنج نماز را در پنج وقت به جا آورد، یعنی هر کدام را در وقت فضیلت خود انجام دهد و تنها فاصله دادن به مقدار نافله یا تعقیبات کافی نیست، بلکه معیار همان وقت فضیلت است.

ب. وقت فضیلت نماز ظهر تا موقعی است که سایه شاخص به اندازه خود شاخص شود (منظور سایه‌ای است که از ظهر به بعد پیدا می‌شود) و وقت فضیلت عصر از موقعی که سایه شاخص به اندازه خود آن است تا موقعی که به اندازه دو برابر آن شود و وقت فضیلت نماز مغرب از غروب است تا ناپدید شدن حمره مغربیه (رنگ سرخی که بعد از غروب آفتاب در مغرب ظاهر می‌شود) و وقت فضیلت نماز عشاء از موقعی است که سرخی مزبور ناپدید می‌شود تا یک سوم از شب و وقت فضیلت نماز صبح از اول طلوع فجر سپیده صبح است تا موقعی که هوا روشن شود.

نمازهایی که باید به ترتیب انجام شود

مسأله ۷۴۱) نماز عصر و عشا باید دوم خوانده شود

نماز عصر باید پس از نماز ظهر و نماز عشاء بعد از نماز مغرب اقامه شود و اگر با آگاهی و اختیار، نماز عصر را پیش از نماز ظهر و نماز عشاء را پیش از نماز مغرب به جا آورد، نماز عصر و عشاء او باطل است و باید آن‌ها را دوباره پس از نماز ظهر و نماز مغرب به جا آورد و اگر نماز عصر و عشاء را بعداً نخواند، فقط نماز ظهر و مغرب او صحیح است.

مسأله ۷۴۱) اگر به نیت نماز اول وارد نماز دوم شود

اگر به نیت نماز ظهر یا نماز مغرب وارد نماز شده و در بین نماز آگاه شود که قبلاً نماز ظهر یا نماز مغرب را به جا آورده است، نمی تواند نیت را به نماز عصر یا نماز عشاء برگرداند، بلکه باید نماز را بشکند و دوباره به قصد نماز عصر یا نماز عشاء انجام دهد.

مسأله ۷۴۲) کسی که بین نماز عصر گمان می کند ظهر را نخوانده و دوباره می فهمد خوانده است

اگر در بین نماز عصر اطمینان حاصل شود که نماز ظهر را به جا نیاورده است و نیت را از نماز عصر به نماز ظهر برگرداند و مقداری از نماز را به نیت ظهر به جا آورد، آنگاه به یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بود، می تواند نیت را به نماز عصر برگرداند و آن را به پایان برساند و چون معنای صحت عدول آن است که تمام اجزای گذشته، اعم از رکن و غیر آن، به حساب نماز دوم (عدول یافته) شمرده می شود، زیاده رکن یا غیر آن لازم نمی آید، هر چند احتیاط مستحب، اعاده بعد از اتمام نماز است.

مسأله ۷۴۳) شک در بین نماز عصر نسبت به خواندن نماز ظهر

اگر در بین نماز عصر شک کند نماز ظهر را خوانده یا نه، در صورتی که در وقت مشترک باشد، باید نیت را به ظهر برگرداند و پس از آن، نماز عصر را به جا آورد و اگر در وقت مختص عصر باشد، می تواند نماز را به نیت عصر تمام کند و قضای ظهر، لازم نیست.^۱

مسأله ۷۴۴) شک در بین نماز عشاء نسبت به خواندن نماز مغرب

اگر در بین نماز عشاء شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، در صورتی که در وقت مشترک بوده و پیش از رکوع رکعت چهارم باشد، باید نیت را به مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و پس از آن، نماز عشاء را به جا آورد و اگر پس از رکوع رکعت چهارم باشد، نماز را تمام کند و بعد از آن، نماز مغرب را اقامه کند و اگر این شک در وقت مختص به نماز عشاء باشد، گزاردن نماز مغرب لازم نیست، چنان که برگرداندن نیت به نماز مغرب هم لازم نیست، هر چند پیش از رکوع رکعت چهارم باشد.^۲

مسأله ۷۴۵) برگرداندن نیت در نمازهای قضا و احتیاطی

برگرداندن نیت از نماز عصر به ظهر و از نماز عشاء به مغرب در نماز قضا؛ مانند نماز آداست. در نمازهایی که احتیاطاً اعاده می شود، اگر هر دو، یعنی سابق و لاحق، احتیاطی باشد، حکم برگرداندن نیت از لاحق به سابق، همان است که در نمازهای آدا و معمولی انجام می شود و اگر یقین دارد که نماز سابق؛ یعنی ظهر یا مغرب را به جا نیاورده و نماز لاحق را به احتیاط شروع کرده است و در بین نماز احتیاطی بفهمد که نماز سابق را اقامه نکرده، نمی تواند نیت را برگرداند؛ بلکه باید نماز سابق را از ابتدا با نیت خاص خود شروع کند.

۱. چون شک بعد از محل و وقت می شود.

۲. معمولاً این موارد اتفاقی است.

مسأله ۷۴۶) برگرداندن نیت نماز از سابق به لاحق و از ادا به قضا و برعکس

برگردان نیت از نماز سابق به لاحق؛ مانند نماز ظهر به عصر یا مغرب به عشاء، خواه در نماز ادا و خواه در نماز قضا، جایز نیست، نیز برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا جایز نیست؛ ولی از ادا به قضا جایز است.

مسأله ۷۴۷) برگرداندن نیت نماز واجب و مستحب به یکدیگر

برگرداندن نیت از نماز مستحب به نماز واجب مطلقاً جایز نیست؛ همچنین برگرداندن نیت از نماز واجب به نماز مستحب، جایز نیست، مگر برای ادراک نماز جماعت.

مسأله ۷۴۸) برگرداندن نیت نماز واجب به واجب دیگر

برگرداندن نیت نماز واجب به نماز واجب دیگر، در صورتی جایز است که بین آنها ترتیب بوده و محلّ برگرداندن باقی باشد. در برگرداندن نیت از نماز ادا به نماز قضایی که در عهده دارد، ترتیب لازم نیست؛ ولی محلّ برگرداندن باید باقی باشد. برای مثال، کسی که در حال خواندن نماز ظهر یا عصر یا مغرب است، در صورتی که وارد رکوع رکعت سوم نشده باشد، می تواند در وسعت وقت، نیت را به نماز قضای صبح برگرداند.

نمازهای نافله (مستحب)

مسأله ۷۴۹) تعداد نافله‌های شبانه‌روزی

نمازهای مستحبی بسیار است و آنها را «نافله» گویند و از میان نمازهای نافله، نافله‌های شبانه‌روزی بیشتر سفارش شده است: نافله های شبانه‌روزی عبارتند از: نافله ظهر هشت رکعت و نافله عصر نیز هشت رکعت است، نافله مغرب چهار رکعت و نافله عشا دو رکعت است که نشسته خوانده می‌شود، نافله شب یازده رکعت و نافله صبح دو رکعت است و چون دو رکعت نافله عشا یک رکعت حساب میشود، مجموع این نافله‌ها سی و چهار رکعت خواهد بود، ولی در روز جمعه سی و هشت رکعت است زیرا چهار رکعت به نافله ظهر و عصر اضافه می‌شود (همه نافله‌ها دو رکعت دو رکعت خوانده می‌شود).

مسأله ۷۵۰) کیفیت و اهمیت نماز شب

از یازده رکعت نافله شب هشت رکعت را به نیت «نافله شب» و دو رکعت آن به نیت «نافله شفع» و یک رکعت به نیت «نافله وتر» به جا می‌آورد. نافله شب از مهم‌ترین نمازهای نافله است که در روایات اسلامی و قرآن مجید روی آن تاکید شده و تأثیر عمیقی در صفای روح و پاکی قلب و تربیت نفوس انسانی و حل مشکلات دارد و در کتب معروف دعا، آدابی برای آن ذکر کرده‌اند، مخصوصاً برای قنوت نافله وتر، رعایت این آداب خوب است ولی می‌توان نماز شب را بدون این آداب مانند نمازهای معمولی نیز انجام داد و کسی که به علتی نتواند آخر شب بیدار شود و نماز شب را بخواند می‌تواند قبل از خواب آنها را به جا آورد.

مسأله ۷۵۱) نشسته خواندن نافله‌ها

الف. نماز نافله را می‌توان نشسته خواند، ولی در این صورت احتیاط مستحب این است که هر دو رکعت را یک رکعت حساب کند، مثلاً به جای هشت رکعت نافله ظهر ایستاده، شانزده رکعت نشسته بخواند.

ب. چنان که گفتیم نمازهای نافله را باید دو رکعت دو رکعت انجام داد، جز نافله وتر، که یک رکعت است و اگر بخواهد نافله وتر را نشسته بخواند باید دو نماز یک رکعتی جداگانه به جا آورد.

مسأله ۷۵۲) ترک برخی نافله‌ها در سفر

نافله ظهر و عصر در سفر ساقط است و نباید خواند و احتیاط آن است که نافله عشا را نیز ترک کند، اما بقیه نافله‌های شبانه‌روزی یعنی نافله صبح و مغرب و نافله شب در سفر ساقط نمی‌شود.

وقت نافله‌های شبانه‌روزی

مسأله ۷۵۳) وقت نافله ظهر

وقت نافله ظهر قبل از نماز ظهر است، از اول ظهر تا موقعی که سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود بیشتر از دو هفتم طول شاخص شود، مثلاً اگر طول شاخص هفت و جب است هر وقت مقدار سایه‌ای که بعد از ظهر پیدا می‌شود بیشتر از دو و جب شود وقت نافله ظهر تمام شده.

مسأله ۷۵۴) وقت نافله عصر

وقت نافله عصر که قبل از نماز عصر خوانده می‌شود تا موقعی است که سایه شاخص به چهارهفتم آن برسد به شرحی که در مسأله پیش گفتیم.

مسأله ۷۵۵) وقت نافله مغرب

وقت نافله مغرب بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود از بین برود.

مسأله ۷۵۶) وقت نافله عشا

وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا است تا نصف شب و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

مسأله ۷۵۷) وقت نافله صبح

وقت نافله صبح پیش از نماز صبح است از طلوع فجر تا آشکار شدن سرخی در طرف مشرق و می‌تواند آن را بعد از نماز شب بلافاصله به جا آورد.

مسأله ۷۵۸) وقت نافله شب

وقت نماز شب از ابتدای شب است تا اذان صبح. وقت فضیلت آن از نیمه شب است تا اذان صبح و وقت افضل در ثلث آخر شب است.

نماز غُفیله

مسأله ۷۵۹) کیفیت نماز غُفیله

از نمازهایی که به جا آوردن آن به امید ثواب پروردگار خوب است نماز غُفیله است که بین نماز مغرب و عشا خوانده می‌شود و وقت آن بعد از نماز مغرب است تا موقعی که سرخی طرف مغرب از بین برود، در رکعت اول بعد از حمد به جای سوره این آیه را می‌خواند:

«وَ ذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُنَجِّي الْمُؤْمِنِينَ»^۱ و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره این آیه را بخوانند: «وَ عِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَ يَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَ الْبَحْرِ وَ مَا تَسْقُطُ مِنَ وَرَقِهِ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَ لَا حَبَّةَ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَ لَا رَطْبٍ وَ لَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ»^۲ و در قنوت آن بگویند: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٌ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَ كَذَا» و به جای کلمه کذا و کذا حاجت‌های خود را بگویند و بعد بگویند: «اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَ الْقَادِرُ عَلَيَّ طَلَبْتِي تَعَلَّمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ وَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ لَمَّا قَضَيْتَهَا لِي».

احکام قبله

مسأله (۷۶۰) معنا و محدوده قبله

«خانه کعبه» که در مکه معظمه است قبله تمام مسلمین دنیاست. قبله اسلام، مکانی است که کعبه در آن واقع است - حجر اسماعیل جزء قبله نیست - و امتداد این مکان از دو طرف عمق و ارتفاع تا آنچه فرض دارد، قبله است. هر عملی در اسلام که مراعات قبله در آن لازم است؛ مانند نماز، سر بردن حیوان و... باید با توجه به این مکان خاص انجام شود، چون این مکان مخصوص قبله است و هر کس در هر جا باشد باید روبروی آن نماز بخواند، اما کسی که دور است اگر طوری بایستد که بگویند رو بقبله نماز می‌خواند کافی است، بنابراین صف‌های طولانی نماز جماعت که طول آنها از طول خانه خدا بیشتر است همه می‌تواند رو به قبله باشد.^۳

مسأله (۷۶۱) قبله نمازهای واجب و مستحب

نماز واجب و مستحب باید رو به قبله باشد. به جا آوردن نماز مستحب در حال حرکت پیاده یا سواره، به هر طرف باشد، صحیح است، زیرا قبله نماز مستحب در این حال، بر اساس (فاینما تولوا فثم وجه الله)^۴ وسیع است.^۵

مسأله (۷۶۲) وضعیت نوک انگشتان پا یا زانو در رو به قبله بودن

لازم نیست در موقع ایستادن، نوک انگشتان پا نیز رو به قبله باشد، یا در موقع نشستن، سر زانوها کاملاً رو به قبله قرار گیرد، همین اندازه که بگویند رو به قبله ایستاده یا نشسته کفایت می‌کند.^۶

۱. انبیاء، ؟؟؟.

۲. انعام، ؟؟؟.

۳. به اجماع مسلمین و ضرورت، آیات و روایات: وسائل الشیعة، باب ۱۸ ابواب قبله، ح ۱ و ۳؛ باب ۲ از ابواب قبله، ح ۷.

۴. بقره، ۲۳۳.

۵. بقره، ۱۴۴؛ وسائل الشیعة، باب ۲ از ابواب قبله، ح ۵ و ۱۴ و ۱۴؛ باب ۱۸ از ابواب قبله، ح ۱.

۶. همان، باب ۳۵ از ابواب احتضار، ح ۲. صاحب جواهر می‌فرماید: و کیفیت استقبالها عرفی لا مدخل للشرع فیه. استقبال به قبله حقیقت عرفی است نه شرعی.

مسأله ۷۶۳ وظیفه کسی که نشسته نماز می خواند و نمی تواند ساق پا را رو به قبله کند کسی که وظیفه او نشسته خواندن نماز است و نتواند ساق پا را رو به قبله کند، باید جلوی بدن او، یعنی صورت، سینه و شکم، رو به قبله باشد.

مسأله ۷۶۴ وظیفه کسی که خوابیده نماز می خواند کسی که نمی تواند نشسته نماز بگذارد، احتیاطاً به پهلو راست و اگر نشد به پهلو چپ و اگر نه، به پشت قرار گیرد. در صورتی که به پهلو قرار گرفت، باید جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر به پشت قرار گرفت، باید کف پای او رو به قبله باشد.^۱

مسأله ۷۶۵ رو به قبله بودن نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده نماز احتیاط، سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده، باید رو به قبله باشد و در سجده سهو، احتیاط آن است که رو به قبله باشد.

مسأله ۷۶۶ حکم قبله در حال نماز سواره نماز مستحب را در حال اختیار می توان در حالت راه رفتن یا سوار شدن بر اتومبیل، کشتی، قطار و هواپیما خواند و قبله خاص ندارد؛ ولی نماز واجب را فقط در حال ضرورت و عدم امکان انجام آن تا پایان وقت، می توان در حالت سواری انجام داد و رعایت قبله معروف، لازم نیست.

مسأله ۷۶۷ راه های کشف قبله برای انجام دادن نماز یا کاری که باید قبله در آن مراعات شود، باید به جهت قبله علم داشته باشد، نیز می تواند به شهادت یک عادل که از روی حسّ - نه حدس - شهادت می دهند، عمل کند؛ همچنین به قول منجم و ریاضی دان ماهر و موثق که از گفته او اطمینان حاصل می شود، می توان عمل کرد. محرابی که معصوم علیه السلام در آن، بدون میل به طرف راست یا چپ، نماز گزارده و هیچ تغییری در آن پدید نیامده، نیز قبر معصوم علیه السلام که به همان وضع اول مانده باشد، همچنین ابزارهای دقیق (مانند قبله نما) در صورت اطلاع کامل از کیفیت استفاده از آنها می توانند معیار قبله شناسی باشند و در غیر صورت های یادشده، می شود به محراب مساجد مسلمانان و قبور اموات آنان، در حالت عدم علم به تسامح آنها در رعایت قبله، اکتفا نمود.

مسأله ۷۶۸ قول صاحب خانه یا مدیر هتل گزارش صاحبخانه، مدیر هتل و مانند آن، حجّت شرعی نیست، مگر آنکه مایه اطمینان باشد و اگر به قول آنها گمان حاصل شد - نه طمأنینه - و بتوان به گمان قوی تر رسید، باید به آن گمان قوی تر نائل آمد و برابر آن عمل نمود.

۱. به مبنای ما، امر در بحث قبله بر خلاف سایر موارد به تسامح نیست و باید دقّت شود. گرچه نباید به حد وسواس برسد.

مسأله ۷۶۹) عدم امکان شناخت قبله

در صورت عدم امکان شناخت قبله، نماز به یک طرف که احتمال قبله بودن آن وجود دارد، کافی است، هر چند احتیاط مستحب، در صورت وسعت وقت، تکرار نماز به چهار طرف است و اگر نسبت به بعضی از اطراف اصلاً احتمال قبله بودن مطرح نیست، نماز به آن طرف، بر خلاف احتیاط است.

مسأله ۷۷۰) تردید بین دو طرف یا گمان به یک طرف در قبله

اگر یقین یا اطمینان دارد که قبله یکی از دو طرف معین است، باید به هر دو طرف نماز بگذارد و اگر فقط به یک طرف گمان دارد، نماز به همان طرف کافی است و احتیاط مستحب، در تکرار نماز است.

مسأله ۷۷۱) رعایت ترتیب در فرض تکرار نماز به خاطر احتیاط در قبله

کسی که در فرض عدم شناخت قبله می‌خواهد در نمازهای ترتیبی، مانند نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشاء، به احتیاط عمل کند، نماز اول را به چهار طرف یا به اطرافی که قبله بودن آن محتمل است، انجام می‌دهد؛ آن گاه نماز دوم را به همان اطراف می‌خواند، هر چند انجام دادن هر دو نماز به یک طرف و تکرار آنها با هم، به اطراف دیگر کافی است.

مسأله ۷۷۲) عدم توان شناخت قبله و فرصت کم برای ذبح حیوان

کسی که توان شناخت قبله را ندارد و می‌خواهد حیوانی را ذبح کند که تأخیر آن تا وقت شناخت قبله، ضرر یا حرج دارد، باید برابر گمان خود عمل کند و اگر به هیچ طرف گمان ندارد، به هر طرف انجام دهد، صحیح است و اگر بعداً معلوم شد که سر بریدن رو به قبله نبوده، گوشت آن حیوان در مورد یاد شده، حلال است. در مورد دفن مسلمان که باید رو به قبله باشد نیز به همین ترتیب باید عمل کرد.

پوشاندن بدن در نماز

مسأله ۷۷۳) حدود پوشش مرد در نماز

مرد باید در حال نماز - هر چند کسی او را نبیند یا در تاریکی کامل باشد - عورت‌های جلو و پشت را بپوشاند و بهتر است که از ناف تا زانو را بپوشاند. البته نماز اقتضا دارد که انسان با جامه کامل به حضور معبود برود.

مسأله ۷۷۴) حدود پوشش زن در نماز

زن باید در حال نماز، تمام بدن خود؛ حتی سر و مو را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می‌شود، نیز پوشاندن دست‌ها تا مچ و پاها تا مچ (ظاهر و باطن قدم) لازم نیست، هر چند احتیاط مستحب پوشاندن باطن پاست. برای اطمینان به پوشیده شدن مواضع لازم، باید مقداری از اطراف آن‌ها را بپوشاند. پوشانیدن موهای مصنوعی و زیورها، لازم نیست، مگر برای حفظ از نامحرم.

مسأله ۷۷۵) حکم پوشش در سجده سهو، شکر، تلاوت قرآن، نماز احتیاط و قضا

نماز قضا و مستحب، مانند نماز واجب اداس است که باید پوشاندن مربوط به زن و مرد رعایت شود و نماز احتیاط و قضای سجده و قضای تشهد، حکم نماز واجب را دارند؛ اما در سجده سهو پوشاندن شرط نیست، هر چند احتیاط در پوشاندن است. سجده تلاوت قرآن و سجده شکر، مشروط به آن نیستند.

مسأله ۷۷۶) حکم رعایت نکردن پوشش

آنچه مشروط به پوشاندن است، اعم از نماز و لواحق آن، اگر عمداً یا با تقصیر در یادگیری حکم شرعی، بدون پوشاندن انجام شود، باطل است و باید اعاده شود.

مسأله ۷۷۷) ظاهر شدن غیر عمدی بدن در حین نماز

هر گاه بر اثر وزش باد یا غفلت نمازگزار، عورت او ظاهر شد و هیچ ذکر و عمل واجب در نماز را، با آن حالت انجام نداد و فوراً آن را پوشاند، نماز باطل نمی‌شود و اگر بعد از نماز یا چیزی که مانند نماز، مشروط به پوشاندن است، معلوم شود که عورت پیدا بوده، اعاده لازم نیست.

مسأله ۷۷۸) لباسی که در برخی حالات پوشاننده نیست

عورت نمازگزار باید در تمام حالت‌های نماز پوشیده باشد و اگر لباسی دربردارد که فقط در برخی حالت‌ها آن را می‌پوشاند، نه در حالت دیگر، در صورتی که در حالت دیگر با وسیله جداگانه پوشیده شود، نماز صحیح است، هر چند به احتیاط مستحب، با جامه کامل، نماز را اقامه کند.

مسأله ۷۷۹) جنس پوشش در نماز

آنچه در نماز واجب است، پوشاندن عورت است؛ خواه با پارچه و خواه با کاغذ، برگ درخت و ساتر دیگر، هر چند به احتیاط مستحب در صورت نبودن لباس، از پوشش گیاهی استفاده شود.

مسأله ۷۸۰) مردی که پوشش ندارد

اگر برای مرد هیچ ساتری در دسترس نیست، می‌تواند در حالت ناچاری عورت‌ها را با گل و مانند آن بپوشاند و نماز را اقامه کند و به احتیاط مستحب، نماز را با ایماء و اشاره به جای رکوع و سجود، اعاده نماید.

مسأله ۷۸۱) تأخیر نماز تا آخر وقت برای فاقد پوشش

کسی که پوشاک نماز را ندارد و از دسترسی به آن تا آخر وقت ناامید است، می‌تواند نماز را در اول وقت، برابر وظیفه کسی که ساتر ندارد اقامه کند. اگر تا پایان وقت به ساتر دسترسی پیدا کرد، نماز را اعاده نماید و اگر احتمال دهد تا پایان وقت به ساتر دسترسی پیدا می‌کند، مانعی نیست که «رجاء» نماز را اقامه کند؛ ولی اگر به ساتر دسترسی یافت، باید نماز را اعاده نماید.

مسأله ۷۸۲) کسی که پوشش ندارد با فرض وجود یا نبودن محرم

کسی که هیچ وسیله پوشاندن عورت مانند لباس، برگ، کاغذ و مانند آن را ندارد و نامحرمی نیست تا به او نگاه کند، می‌تواند ایستاده و با اشاره به رکوع و سجود، نماز را اقامه کند و احتیاط مستحب، اعاده آن با رکوع و سجود عادی است و اگر نامحرمی او را می‌بیند، باید نماز را نشسته اقامه کند و رکوع و سجود را با اشاره انجام دهد و برای سجود، سر را قدری پایین‌تر آورد.

شروط لباس نمازگزار

مسأله ۷۸۳) شش شرط لباس نمازگزار

شروط لباس نمازگزار: یکم: پاک بودن؛ دوم: مباح بودن؛ سوم: از اجزای مردار نبودن؛ چهارم: از اجزای حیوان حرام گوشت نبودن؛ پنجم و ششم: اگر نمازگزار مرد است، از ابریشم خالص و طلا باف نبودن.

شرط یکم: پاک بودن

مسأله ۷۸۴) حکم نماز با بدن یا لباس نجس

اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز را اقامه کند، نماز او باطل است، هر چند بر اثر تقصیر در یاد گرفتن حکم شرعی باشد و نداند که نماز با لباس یا بدن نجس، باطل است.

مسأله ۷۸۵) لباس آلوده به عرض مشرک یا کافر

اگر کسی بر اثر تقصیر در فراگیری حکم شرعی، نداند که مثلاً عرق مشرک و ملحد نجس است و با جامه آلوده به آن عرق، نماز به جا آورد، نماز او باطل است.

مسأله ۷۸۶) عدم علم به نجاست لباس

اگر کسی می داند چه چیزی نجس است و می داند نماز در جامه نجس باطل است، ولی نمی داند لباس او نجس است و با آن نماز را اقامه کند و بعد از آن بفهمد که جامه او نجس بوده است، نماز او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب، اعاده آن است.^۱

مسأله ۷۸۷) فراموشی نجاست لباس به خاطر اهمال

اگر کسی می داند نماز در جامه نجس باطل است و می دانست که لباس او نجس است و با اهمال و بی اعتنایی، نجس بودن آن را فراموش کند و نماز را در آن، اقامه کند و پس از نماز یادش بیاید که جامه او نجس بوده است، اعاده نماز در وقت و قضای آن در خارج وقت، لازم است.^۲

مسأله ۷۸۸) علم به نجاست در وسط نماز در وسعت وقت

کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است و در بین نماز، لباس یا بدن او نجس شود، یا بفهمد که جامه یا بدن او قبلاً نجس بوده است، یا شک در سابق بودن نجاست داشته باشد و هیچ ذکر و عملی از نماز را با آن وضع انجام نداده است، باید فوراً جامه را پاک یا عوض کند و بدن را نیز تطهیر نماید؛ بدون آنکه حالت نمازگزاری او آسیب ببیند و اگر چنین کاری صورت نماز را از بین می برد، باید به دستور گفته شده عمل نماید، هر چند نماز او باطل می شود تا با جامه و بدن پاک، نماز را اعاده کند.

مسأله ۷۸۹) علم به نجاست در وسط نماز در وسعت وقت

کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است و در بین نماز، لباس یا بدن او نجس شود، یا بفهمد که پیش از آن نجس بوده است، یا شک در سابق بودن داشته باشد و هیچ ذکر یا عملی از نماز را با آن وضع انجام

۱. وسائل الشیعة، باب ۳ از ابواب آداب الحمام، ح ۳؛ احزاب، ۵۹ و نور، ۳۱؛ شوری، ۴۵.

۲. همان، باب ۲۱ از ابواب لباس مصلی، ح ۴ و ۵، باب ۴ ابواب آداب الحمام، ح ۲.

نداده است، در صورت امکان تطهیر لباس یا بدن یا عوض نمودن لباس، به طوری که نماز او آسیب نبیند، باید چنین کند و در صورت عدم امکان تطهیر یا تعویض بدون به هم خوردن نماز و ادراک یک رکعت از نماز در وقت، می تواند با همان لباس یا وضع بدن نماز را ادامه دهد، چنان که با نجس بودن لباس و ضرر نداشتن برهنه شدن می تواند بدون لباس، به دستور برهنگان، نماز را ادامه دهد. احتیاط آن است که قضای نماز را بعداً بخواند.

مسأله ۷۹۰) شک در تنجس لباس، بدن یا محل سجده

کسی که شک دارد بدن یا لباس یا محل سجده او متنجس است و به مقدار لازم جستجو کرد و چیزی نیافت و با همان وضع نماز خواند و پس از نماز معلوم شد یکی از امور یاد شده متنجس بوده، نماز او صحیح است و اگر بدون جستجو، نماز را اقامه کرد و بعد از آن فهمید که هنگام نماز متنجس بوده، به احتیاط واجب، در وقت، اعاده و پس از وقت، قضا کند.

مسأله ۷۹۱) شک بعد از علم به نجس بودن بدن، لباس یا محل سجده

کسی که می دانست بدن یا لباس یا محل سجده او متنجس است و اکنون شک دارد که آن را پاک کرده است یا نه و با همان وضع نماز بگذارد و پس از نماز بفهمد که متنجس بوده، نماز او باطل است.

مسأله ۷۹۲) کشف نجاست بعد از تطهیر و بعد از اتمام نماز

کسی که می دانست بدن یا لباس یا محل سجده و چیزی که پاک بودن آن شرط صحت نماز است، متنجس بوده و به طور متعارف، آن ها را شست و یقین یا اطمینان کامل حاصل نمود که پاک شده اند و بعد از نماز فهمید پاک نشده اند، نماز او صحیح است و اگر فرد آگاه و موثق آن ها را شست و پاک شدن را اعلام نمود و پس از نماز معلوم شد که پاک نشده، نمازش درست است.

مسأله ۷۹۳) بعد نماز بفهمد خون، از خون هایی بوده که باید پرهیز شود

اگر خونی در بدن یا لباس یا محل سجده خود ببیند و یقین کند که از خون های نجس نیست، مثلاً خون پشه است و با همان وضع، نماز را اقامه کند و پس از نماز بفهمد از خون هایی است که نمی توان با آن نماز را به جا آورد، نماز او صحیح است.

مسأله ۷۹۴) بعد نماز کشف کند که خون بیشتر از یک درهم است

هر گاه خونی را در لباس یا بدن یا محل سجده ببیند و بدانند این خون نجس است، ولی نماز با آن درست است، مثلاً خون زخم، دُمَل یا کمتر از درهم است و با آن نماز را به جا آورد و پس از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، نماز او صحیح است.

مسأله ۷۹۵) فراموشی متنجس بودن بدن یا لباس

هر گاه متنجس بودن چیزی را فراموش کرد و بدن یا لباس یا محل سجده او، با رطوبت به آن رسید و در حال فراموشی، نماز را به جا آورد و پس از آن یادش آمد، نماز او صحیح است؛ ولی اگر بدن او با رطوبت، به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرد برسد و بدون آنکه محل برخورد را بشوید و بدون آنکه محل

برخورد با نجس، با غسل کردن در آب جاری مثلاً پاک شود و با همان وضع غسل کند یا وضو بگیرد و با همان حال، نماز اقامه کند، غسل و وضو و نمازش باطل است.

مسأله ۷۹۶) حکم کسی که تنها به اندازه تطهیر بدن یا لباس آب دارد

کسی که یک لباس دارد و بدن و لباسش متنجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب دارد، می تواند بدن را پاک کند و لباس را بیرون آورد و به دستور برهنگان نماز به جا آورد و اگر برهنه شدن، مایه عسر و حرج است، با همان لباس نماز را اقامه نماید و اگر نجاست لباس بیشتر بود، مثلاً لباس با ادرار و بدن با خون متنجس شد، می تواند با شستن لباس، به نماز در آن، اکتفا کند.^۱

مسأله ۷۹۷) کسی که تنها یک لباس متنجس دارد

کسی که غیر از لباس متنجس، لباس دیگری ندارد و بر اثر تنگی وقت، شستن آن ممکن نباشد و اطمینان دارد که به لباس پاک دسترسی ندارد، همچنین نتواند برهنه شود و به دستور برهنگان نماز را انجام دهد، باید در همان لباس متنجس، نماز را اقامه نماید و نیازی به اعاده در وقت یا قضا در خارج آن نیست.^۲

مسأله ۷۹۸) کسی که دو لباس دارد که می داند یکی متنجس است

کسی که دو لباس دارد و می داند یکی از آنها متنجس است و نداند کدام یک از آنها پاک است و شستن ممکن نباشد، در وسعت وقت باید در هر کدام یک نماز بگذارد و در تنگی وقت، به دستور برهنگان نماز را اقامه نماید، هر چند می تواند به نماز در یکی از آنها در وقت، اکتفا کند و به احتیاط مستحب، آن را در لباس دوم یا لباس دیگری که پاک است، قضا کند.

شرط دوم: مباح بودن

مسأله ۷۹۹) وجوب اباحه لباس نماز گزار

لباس نماز گزار بنا بر احتیاط واجب باید مباح باشد و فرقی بین ساتر عورت و غیر ساتر و بین اجزای ریز و درشت - مانند نخ، دکمه و چیز دیگر - نیست.^۳

مسأله ۸۰۰) حکم عدم علم به غصب یا بطلان یا فراموشی غصب

کسی که می داند پوشیدن لباس غصبی حرام است - هر چند نداند که نماز را فاسد می کند - و عمداً با جامه غصبی نماز بگذارد، به گونه ای که جزئی از نماز، مستلزم تصرف در آن باشد، نماز او باطل است و در صورت جاهل بودن به غصب یا فراموشی آن، نماز صحیح است، هر چند فراموش کننده خود غاصب باشد. البته احتیاط مستحب، اعاده غاصب فراموش کننده است.^۴

۱. طهارت بدن یا لباس شرط واقعی نیست و علم در آن اثر دارد.

۲. به خاطر ادله اضطرار و کفایت حکم ظاهری از حکم واقعی.

۳. به خاطر نصوص، ر.ک: وسائل الشیعة، ابواب لباس مصلی.

۴. نهی در عبادات مستلزم فساد است. در جهل به موضوع حدیث رفع شامل موضوع می شود بر خلاف جهل به حکم.

مسأله ۸۰۱) رضایت صاحب لباس غصبی به نماز در آن

اگر صاحب لباس غصبی، نماز در آن لباس را رضایت دهد، نماز در آن، حلال و صحیح است.^۱

مسأله ۸۰۲) حکم آگاهی از غصب در بین نماز

کسی که غصبی بودن لباس را نمی‌داندست یا فراموش کرده بود و در بین نماز آگاه شد یا به یادش آمد: الف) اگر چیز حلالی که ساتر عورت باشد دارد، باید جامه غصبی را درآورد و پیش از بیرون آوردن، هیچ عملی از اعمال واجب نماز را انجام ندهد و با ساتر حلال، نماز را ادامه دهد؛

ب) و اگر ساتر حلال ندارد، یا بیرون آوردن جامه غصبی سبب به هم خوردن وضع نماز می‌شود: ۱. و به مقدار یک رکعت وقت باقی می‌ماند، باید نماز را رها کند و جامه را عوض کند و با لباس حلال، نماز را اعاده کند، هرچند بیش از یک رکعت را در وقت، ادراک نکند؛ ۲. و در صورتی که این مقدار وقت هم باقی نمانده باشد، در حال نماز، لباس را بیرون آورده و به دستور برهنگان، نماز را تمام می‌کند.^۲

مسأله ۸۰۳) اگر پوشیدن لباس غصبی در حال نماز حرام نباشد

هرگاه پوشیدن لباس غصبی در حال نماز حرام نباشد، مانند آنکه حفظ جان یا سلامت یا امر مهم مالی متوقف بر پوشیدن آن باشد، چون هیچ جزئی از اجزای نماز مستلزم تصرف حرام نیست، نماز در این حال، صحیح است.^۳

مسأله ۸۰۴) مصادیق مال غصبی

مال غصبی یعنی خود لباس، مال دیگری باشد که مصادیق مختلفی دارد:

۱. متعلق حق مستأجر یا مرتهن آن باشد؛
۲. سرقت؛
۳. باطل بودن معامله؛
۴. خریدار یا مستأجر، لباسی را با عین پول حرام بخرد یا اجاره کند؛
۵. یا در حین معامله که آن را به ذمه می‌خرد، یا قرض می‌گیرد، قصد پس ندادن آن یا نپرداختن بهای آن را داشته باشد؛
۶. یا قصد داشته باشد که بهای آن را از مال حرام بدهد؛
۷. یا اصلاً جز مال حرام، مال دیگری ندارد تا قصد مال حلال کند؛
۸. رشوه؛
۹. ربا؛

۱. به خاطر رفع موضوع غصب در نماز.

۲. به خاطر اضطرار و اینکه اباحه شرط واقعی است و مقدم بر اصل ستر.

۳. چرا که اصلاً غصب صدق نمی‌کند و نماز مستلزم امر حرام نیست.

۱۰. زمانی به نپرداختن حقّ زکات و ادا نکردن نذر مالی که عین آن صدقه قرار داده شده، نه آنکه تصدّق به آن نذر شده باشد.

مسأله ۸۰۵) حکم مال غضبی محمول در حال نماز

مال غضبی که محمول در حال نماز است، نه ساتر عورت و نه لباس دیگر نماز گزار است؛ مانند چیز غضبی که در جیب یا کیف همراه اوست و هیچ جزئی از اجزای نماز، موجب تصرف در آن به تحریک، جا به جا نمودن و مانند آن نباشد، نماز او صحیح هر چند احتیاط مستحب در ترک است؛ و گرنه باطل است.

مسأله ۸۰۶) برخی مصادیقی که جزو لباس حرام نیست

نماز در لباسی که اجرت دوختن یا شستن و اطو کشیدن آن داده نشده، یا با پول حرام داده شده، در صورتی که عینی از مال دیگران - مانند نخ، دکمه، آستر و ... - که خیاط آنها را به عهده می گیرد در آن نباشد، اشکال ندارد؛ نیز در لباسی که با آب غضبی شسته شده و پس از خشک شدن، نماز خوانده شود، اشکال ندارد.^۱

شرط سوم: از اجزای مردار نبودن^۲

مسأله ۸۰۷) پرهیز از مردار در نماز

لباس^۳ نماز گزار نباید از اجزای حیوان مردار شده ای باشد که اگر رگ آن بریده شود، خون از آن می جهد؛ خواه آن حیوان حلال گوشت باشد، مانند گوسفند یا حرام گوشت، مانند گربه. به احتیاط مستحب، از اجزای مرداری که دارای خون جهنده نیست، در نماز اجتناب شود.^۴

مسأله ۸۰۸) اجزای مردار در نماز

چیزی از اجزای مردار که در زمان حیات حیوان، روح داشته است؛ مانند گوشت، پوست و ... به احتیاط واجب، نباید همراه نماز گزار باشد، هر چند لباس او شمرده نشود.^۵

مسأله ۸۰۹) مردار چیست؟

مقصود از مردار، چیزی است که ذبح شرعی نشده باشد؛ خواه خودش مرده باشد یا او را کشته باشند یا به وجه غیر شرعی ذبح شده باشد.^۶

۱. چون تصرف باید به تشخیص باشد.

۲. وسائل الشیعة، باب ۱ از ابواب لباس مصلی، ح ۱؛ اطلاعات نصوص و اجماع به نظر کسانی که حجت می دانند این شرط را می رساند.

۳. و احتیاطاً هر لباسی ساتر نیست.

۴. در خیلی از روایات مسأله خون مطرح شده است و جهنده و غیر آن مطرح نشده است از همین رو احتیاط مستحب در پرهیز از همه است.

۵. به همان مبنای مسأله قبلی باز می گردد.

۶. مردار مطلق مراد است نه مردار عرفی که خود مرده باشد.

مسأله ۸۱۰) همراه داشتن اجزای بدون روح مردار حلال گوشت

اگر لباس نماز گزار یا همراه او، چیزی از مردار حلال گوشت باشد که روح ندارد، مانند مو، پشم، کرک، پر، استخوان، شاخ، دندان و... نماز او صحیح است.

شرط چهارم: از اجزای حیوان حرام گوشت نبودن

مسأله ۸۱۱) اجزای حیوان حرام گوشت در لباس نماز گزار

لباس نماز گزار باید از اجزای حیوان حرام گوشت نباشد؛ خواه دارای خون جهنده باشد یا نه و خواه آن جزء دارای روح باشد، مانند گوشت و پوست یا نباشد، مانند پشم، مو، کرک، استخوان و... و خواه در صورت تذکیه پذیری ذبح شده باشد یا نه و خواه به صورت لباس نماز گزار باشد یا همراه او؛^۱ به اندازه صدق باید باشد و میزان اندک مانند یک تار مو اشکال ندارد.

مسأله ۸۱۲) رطوبت از حیوان حرام گوشت در نماز

اگر آب دهان، آب بینی، عرق، اشک و رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت، مانند گربه، بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، در حالت تر بودن، نمی توان با آن نماز را اقامه کرد و در حالت خشک شدن و برطرف شدن عین آن، نماز صحیح است.^۲

مسأله ۸۱۳) حکم عرق و آب دهان انسان در لباس نماز گزار

گرچه انسان حرام گوشت است؛ ولی اگر مو، عرق، آب دهان و اشک کسی که پاک است، بر بدن یا لباس نماز گزار باشد، اشکال ندارد. همچنین موم و عسل در بدن یا لباس نماز گزار باشد، مانع صحت آن نیستند.

مسأله ۸۱۴) حکم لباسی که نمی داند از چه جنسی است

اگر کسی نداند لباس معینی از حیوان است یا غیر حیوان، اقامه نماز با آن مانعی ندارد؛ نیز اگر بداند از حیوان است و نداند از حرام گوشت است یا حلال گوشت، اشکالی ندارد؛ چه در کشور اسلامی درست شده باشد یا در کشور غیر اسلامی.^۳

مسأله ۸۱۵) حکم دکمه صدفی در لباس

اگر کسی نداند فلان جزء لباس؛ مانند دکمه صدفی، از حیوان است یا نه و نداند از حیوان حرام گوشت است یا نه، اقامه نماز با آن مانعی ندارد؛ ولی با احراز آنکه مثلاً صدف از حیوان حرام گوشت است، نمی توان در آن نماز را اقامه کرد.

۱. دلیل خاص داریم.

۲. به دلیل نصوص و اجماع.

۳. به خاطر گستره زیاد موارد، علم اجمالی منعقد نمی شود.

مسأله ۸۱۶) خز و پوست سنجاب

از اجزای حیوان حرام گوشت، خز خالص که با موی حیوان حرام گوشت دیگر مخلوط نشده باشد، نیز پوست سنجاب استثنا شده‌اند؛ یعنی نماز در آنها صحیح است، هر چند احتیاط مستحب، در ترک پوست سنجاب است.^۱

مسأله ۸۱۷) جهل یا نسیان تهیه لباس از حرام گوشت

اگر کسی نداند که لباس او از حیوان حرام گوشت است یا می‌داند و اکنون فراموش کرده و در آن نماز خوانده است، نماز او صحیح است، هر چند احتیاط مستحب، اعاده نماز در صورت فراموشی است.

شرط پنجم: طلا بافت نبودن

مسأله ۸۱۸) حکم لباس طلا برای زن و مرد در نماز

پوشیدن لباس طلا بافت برای مرد حرام و نماز او در آن باطل است؛ ولی برای خانم در نماز و غیر نماز اشکال ندارد. البته حکم اسراف یا لباس شهرت، جداست.^۲

مسأله ۸۱۹) حکم لباس مخلوط به طلا

لباسی که مخلوط به طلاست، در صورت صدق لباس طلا، حکم لباس خالص طلا را دارد و فرقی بین ساتر عورت و غیر آن نیست.^۳

مسأله ۸۲۰) زینت طلا برای مرد

زینت کردن به طلا در بدن یا لباس، به گونه‌ای که پوشیدن طلا صدق کند؛ مانند آویختن زنجیر طلا به سینه و به دست کردن انگشتر طلا و بستن ساعت مچی طلا به دست، برای مرد حرام و نماز وی در آن باطل است؛ ولی زینت کردن به طلا برای خانم جایز و نمازش در آن صحیح است.^۴

مسأله ۸۲۱) فراموشی داشتن طلا در نماز

اگر مردی نداند یا فراموش کند که لباس یا انگشتر او از طلاست، گناه نکرده و نماز او در آن باطل نیست، هر چند احتیاط مستحب در حال فراموشی، اعاده نماز است.^۵

مسأله ۸۲۲) حکم مشکوک به طلا بودن

پوشیدن لباس یا فلزی که طلا بودن آن مشکوک است، جایز است و نماز در آن، باطل نیست.^۶

۱. روایت خاص داریم؛ وسائل الشیعة، ابواب صلات مصلی، باب ۱۴، ح ۳ و ۴.

۲. روایات معتبر و تقریباً متواتره داریم و ادعای اجماع شده است. صحیحہ عمار، وسائل الشیعة، باب ۳۰ ابواب لباس مصلی ح ۴.

۳. به خاطر صدق عرفی، همان، ح ۱.

۴. همان باب ۳۰ ابواب لباس مصلی؛ باب ۴۷ ابواب ترک احرام، ح ۱.

۵. در صورت ندانستن هم اشکالی ندارد. ترک طلا در نماز وصف ذاتی ندارد. قدیم سرنیزه و غلاف شمشیر همراهشان بود و جنبه زینت داشت.

۶. باب ۶۴ از ابواب احکام الملابس، ح ۳. قاعده برائت هم جاری است.

مسأله ۸۲۳) حکم انواع لباس طلا

در حرام بودن پوشیدن لباس طلا، فرقی بین لباس رو و لباس زیر و بین آستر و ابره (سوزن دوزی) نیست.

مسأله ۸۲۴) حمل سکه طلا

حمل طلا، اعم از مسکوک و غیر آن، در نماز و غیر نماز، جایز است، چنان که نماز با آن، صحیح است.^۱

شرط ششم: ابریشم خالص نبودن

مسأله ۸۲۵) حکم لباس ابریشم خالص برای مردان و زنان

پوشیدن لباس ابریشم خالص برای مرد در غیر نماز حرام و در نماز - گذشته از حرام بودنش - موجب بطلان آن است و به احتیاط واجب، چیزهایی که با آنها به تنهایی نتوان نماز را اقامه کرد؛ مانند عرقچین و کمر بند و جوراب، باید از حریر محض نباشد. پوشیدن لباس ابریشم خالص برای خانم جایز و نماز با آن، صحیح است.

مسأله ۸۲۶) حکم لباسی که معلوم نیست از ابریشم است

لباسی که معلوم نیست از ابریشم خالص باشد؛ یا از چیز دیگری باشد که پوشیدن آن جایز است، پوشیدنش در غیر نماز حرام نیست و در حال نماز، بی اشکال است.^۲

مسأله ۸۲۷) حکم لباس ابریشمی و غضبی در حال اضطرار

پوشیدن لباس غضبی برای زن و مرد و ابریشمی خالص و طلاافت برای خصوص مرد، در حال ناچاری، منعی ندارد و شخص ناچار، اگر تا پایان وقت، لباس دیگر فراهم نمی کند، می تواند در لباس های یادشده نماز را اقامه کند.^۳

مسأله ۸۲۸) نداشتن لباس مناسب در غیر حال ناچاری

اگر زن و مرد نماز گزار، غیر از لباس غضبی، لباس تهیه شده از مردار و حیوان حرام گوشت و لباس نجس، لباس دیگری نداشته باشند، باید به دستور برهنگان، نماز را اقامه کنند و مرد نماز گزار، اگر غیر از لباس طلاافت و ابریشم خالص، لباس دیگری نداشته باشد و به پوشیدن آنها ناچار نباشد، باید آنها را از بدن بیرون آورد و به دستور برهنگان، نماز را اقامه نماید.^۴

مسأله ۸۲۹) حکم وجوب خرید یا اجاره یا عاریه لباس برای نماز

فراهم کردن ساتر عورت، برای نماز واجب است، هر چند به صورت خریدن یا اجاره کردن یا عاریه خواستن یا قبول کردن بخشش باشد. البته بهای خریداری یا اجاره کردن، نباید برای نماز گزار عرفاً توان فرسا و غیر

۱. وسائل الشیعة، باب ۶۳ از ابواب لباس مصلی، ح ۲ و ۵.

۲. اصل برائت حاکم است.

۳. به خاطر اضطرار که حکم را بر می دارد.

۴. چون ادله غضب و لباس نماز گزار در حالت عدم اضطرار حاکم است.

قابل تحمل باشد و در حالت عاریه خواستن یا بخشش را قبول کردن، ذلت و خواری احساس نشود؛ وگرنه در همه حالت‌های یادشده، به دستور برهنگان، نماز را به پا می‌دارد.^۱

مسأله ۸۳۰) حکم لباس شهرت

بنا بر احتیاط واجب، باید از پوشیدن لباسی که مایه شهرت و خودنمایی و هن‌آور است، خودداری نمود. در این جهت، فرقی بین پارچه، رنگ، دوخت و... نیست. البته نماز خواندن با آن اشکال ندارد. اگر لباس معینی از شهرت خارج شد، به گونه‌ای که موجب هتک نیست، پوشیدن آن مانعی ندارد.^۲

مسأله ۸۳۱) حکم پوشیدن لباس جنس مخالف

بنابر احتیاط واجب، مرد لباس زنانه را جامه رسمی خود قرار ندهد و زن نیز لباس مردانه را جامه رسمی خود قرار ندهد، هرچند می‌توان نماز را در آن اقامه کرد. هرگاه لباس معینی از اختصاص به یک صنف خارج شده و به صورت مشترک در آمد، پوشیدن آن برای هر دو صنف، جایز است.

مسأله ۸۳۲) حکم پتو و روانداز بیمار

کسی که باید در بستر بر پشت یا پهلو قرار بگیرد و در همان حال نماز را به پا بدارد، اگر جامه او دارای شروط صحت نماز باشد، لازم نیست لحاف، پتو و مانند آن، شرایط لباس نمازگزار را داشته باشند و اگر برهنه است، به احتیاط واجب برای مرد ابریشم خالص و برای زن و مرد چیز نجس، مردار، اجزای حیوان حرام گوشت را پوشش قرار ندهد.^۳

موارد عدم لزوم طهارت در لباس یا بدن نمازگزار

مسأله ۸۳۳) مواردی که نجاست بدن یا لباس در نماز اشکال ندارد

در سه صورت با لباس یا بدن متنجس می‌توان نماز را اقامه کرد:

- ۱) اول آنکه به واسطه زخم یا جراحت یا دمل که در بدن اوست، بدن یا لباس، خون‌آلود شوند؛
- ۲) دوم آنکه در بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم؛ تقریباً به اندازه بند سرانگشت سیابه (شهادت) خون انسان یا حیوان حلال گوشت باشد؛
- ۳) سوم آنکه ناچار باشد در بدن یا لباس متنجس نماز را اقامه کند: در دو صورت فقط با لباس متنجس می‌توان نماز را به پا داشت:

- a. یکم: آنکه لباس‌های کوچک، مانند جوراب، عرقچین او، متنجس باشد؛
- b. دوم: لباس زنی که پرستار کودک است، متنجس شده باشد. احکام این صورت‌ها بیان خواهد شد. حمل شیء متنجس در نماز، ارتباطی به بدن یا لباس نمازگزار ندارد.^۴

۱. ادله حرج حاکم است.

۲. ادله مستقل نداریم و دلیل‌ها ضمنی است.

۳. مگر در مواردی که اضطرار حاکم است.

۴. به دلیل روایات.

مسأله ۸۳۴) نماز با لباس آلوده به خون جراحت

اگر در بدن یا لباس نمازگزار خون زخم یا جراحت یا دُمَل و نیز اگر چرک آلوده به خون بیرون آید و شستن یا عوض نمودن لباس دشوار باشد، نماز با آن بدن یا لباس اشکال ندارد.

مسأله ۸۳۵) نماز با خون زخمی که شستنش دشوار نیست و بسیار است

اگر خون بریدگی عضو یا زخم که به زودی برطرف می‌شود و شستن آن دشوار نیست و بیش از اندازه درهم بوده و در بدن یا لباس باشد، نماز با آن عمداً باطل است.

مسأله ۸۳۶) حکم خون جراحت در دیگر نقاط غیر زخم

عفو از خون زخم و جراحت مخصوص جای زخم و جراحت است، بنابراین اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد، به رطوبت آلوده زخم نجس شود، نماز عمدی با آن، باطل است؛ ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که نزدیک محل زخمند، به رطوبت آن آلوده شوند، نماز با آن اشکال ندارد.^۱

مسأله ۸۳۷) زخم درون بدن

اگر از زخمی که در درون دهان، بینی، گوش و مانند اینهاست، خون زایدی که متعارف نیست، بیرون آید و بیش از اندازه درهم باشد و به بدن یا لباس برسد، بنا بر احتیاط واجب نباید با آن نماز را اقامه کرد؛ ولی نماز خواندن با خون بواسیر، هرچند دانه‌های زخم در درون باشد، اشکال ندارد.^۲ لازم است توجه شود که خون دماغ بر اثر حرارت و مانند آن، خون زخم محسوب نمی‌شود.

مسأله ۸۳۸) احتمال اینکه خون از زخم است

کسی که بدنش زخم است اگر در بدن یا لباس خود، خونی بیش از درهم ببیند و احتمال قابل اعتنا دهد که از همان زخم است، اقامه نماز با آن، اشکال ندارد.^۳

مسأله ۸۳۹) حکم زخم‌های متعدد

زخم‌های متعدد در بدن، گاهی به هم نزدیکند که به همه آنها یک زخم گفته می‌شود، در این صورت، تا همگی درمان نشدند، نمازگزاردن با خون آنها در بدن یا لباس بی‌اشکال است و زمانی از هم دورند که هر کدام زخم جدا شمرده می‌شود؛ در این فرض خون هر کدام بعد از درمان، اگر بیش از درهم باشد، مانع صحت نماز است.^۴

مسأله ۸۴۰) خون‌هایی که در نماز استثنا نشده است

اگر ذره‌ای خون حیض، نفاس، استحاضه، همچنین خون حیوان نجس و انسان ملحد یا مشرک و حیوانی که به ذبح شرعی کشته نشده و به حکم مردار است، در لباس یا بدن کسی باشد، نماز با آن، باطل است.

۱. بسته به صدق سرایت یا عدم آن. اگر عسر و حرج باشد موضوع فرق می‌کند.

۲. در مورد بواسیر روایت خاص داریم.

۳. نباید خون غیر زخم باشد. در فرض مسأله اصل برائت است به خاطر شک بدوی. خون غیر زخم دلیل خاص می‌خواهد.

۴. هر زخم جدا حکم درهم را دارد ولی اگر چند زخم کنار هم باشد عرفاً یک زخم محسوب می‌شود.

مسأله ۸۴۱) خونی که به دو طرف لباس برسد

خون هایی که مورد عفوند، اگر پراکنده باشند و جمع آنها کمتر از درهم باشد، مانع صحت نماز نیستند و اگر به اندازه درهم یا بیشتر بودند، مانع صحت نمازند. خونی که به لباس نازک ریخت و به طرف دیگر آن ظاهر شد، یک خون به حساب می آید و اگر ظاهر شدن آن به طرف دیگر بر اثر غلیظ بودن خون است، نه نازک بودن پارچه، دو خون محسوب می شوند و جمع آنها اگر کمتر از درهم نباشد، مانع صحت نماز است.^۱

مسأله ۸۴۲) رسیدن رطوبت به بدن یا لباس

اگر خون بدن یا لباس، کمتر از درهم بود و رطوبتی به آن رسید و در آن محو شد، نماز با آن، صحیح است و اگر رطوبت رسیده با خون به اندازه درهم یا بیشتر شوند، به طوری که اطراف خون آلوده شده باشد، نماز با آن، باطل است.^۲

مسأله ۸۴۳) نجاست دیگری که روی خون به لباس یا بدن برسد

اگر خونی که در بدن یا لباس است، کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری مانند قطره ای ادرار روی آن بریزد و به بدن یا لباس برسد، نماز در آن باطل است، هر چند به همان قسمت برسد و به جای دیگر بدن یا لباس نرسد.

مسأله ۸۴۴) ابزار یا لباس های کوچک متنجس در نماز

اگر لباس های کوچک؛ مانند عرقچین و جوراب و دستکش که نتوان با آنها عورت را پوشانید، نجس شوند، در صورتی که از مردار و حیوان حرام گوشت درست نشده باشند، نماز با آنها باطل نیست؛ نیز اگر با انگشتر یا عینک یا سمعک نجس شده نماز اقامه کند، اشکال ندارد. حمل چیز متنجس که با آن عورت پوشانده می شود، اگر از مردار یا حیوان حرام گوشت نباشد و فقط همراه نماز گزار باشد - نه لباس او - نماز را باطل نمی کند، چنانکه حمل دستمال، کلید، چاقو و قلم نجس شده در نماز، مانعی ندارد.

مسأله ۸۴۵) حکم نجس شدن لباس پرستاری که یک لباس دارد

خانمی که پرستار کودک است و بیش از یک لباس ندارد و اگر هم بیش از آن داشته باشد، ناچار است همه را بپوشد و لباس او به ادرار کودک نجس می شود، شبانه روز یک بار آن را بشوید، کافی است، هر چند نمازهای بعدی را با لباس نجس شده اقامه می کند. مناسب است که لباس را نزدیک غروب بشوید تا با آن، نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء را انجام دهد.^۳

۱. مسأله عرفی است.

۲. اگر خون در رطوبت مستهلک شد عیبی ندارد.

۳. پرستار و مادر و مراقب فرقی ندارد حتی اگر مراقبت از کهنسالان باشد.

امور ثواب‌دار در لباس نمازگزار

مسأله ۸۴۶) مستحبات لباس نمازگزار

مستحب است در لباس نمازگزار چند چیز رعایت شود: پوشیدن عمامه با حنک، عبا به ویژه برای امام جماعت، جامه سفید، پاکیزه‌ترین لباس، استعمال چیزی که بوی خوش دارد و انگشتری عقیق. البته رعایت امور یادشده، به امید ثواب است.^۱

امور کم‌کننده ثواب در لباس نمازگزار

مسأله ۸۴۷) مکروهات نمازگزار

چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است: لباس سیاه به استثنای عمامه و عبا، جامه چرکین، لباس تنگ، لباس میگسار، لباس کسی که از نجاست اجتناب نمی‌کند، لباسی که صاحب آن متهم به غضب است، جامه‌ای که صورتی در آن نقش شده است، انگشتری که بر روی آن صورتی رسم شده است. البته ترک امور یادشده، به امید ثواب، مناسب است.^۲

شروط مکان نمازگزار

مکان نمازگزار چند شرط دارد:

شرط اول: مباح بودن مکان

مسأله ۸۴۸) حکم نماز در مکان غضبی

بنا بر احتیاط واجب، مکان نمازگزار باید مباح باشد. کسی که در ملک غضبی نماز اقامه کند، به گونه‌ای که نماز تصرف در ملک غضبی محسوب شود، بنا بر احتیاط واجب، نماز او باطل است؛ ولی نماز در زیر سقف غضبی، در صورتی که تصرف در آن صدق نکند، اشکال ندارد. فرش یا تخت مباح روی مکان غضبی، مانع بطلان نماز نمی‌شود.^۳

مسأله ۸۴۹) حکم نماز در زمین غضبی یا اجاره‌ای

نماز در مکانی که عین یا منفعت (اجاره) یا انتفاع (عاریه) آن، مال دیگری است، بنا بر احتیاط واجب، باطل است. مکانی که ملک دیگری است، نماز در آن، بدون رضایت مالک صحیح نیست؛ همچنین مکانی که در اجاره دیگری است یا به عاریه در اختیار اوست، نماز خواندن در آن، بدون رضایت مستأجر یا مستعیر (عاریه‌گیرنده) صحیح نیست. در این جهت، فرقی بین زنده بودن صاحب حق یا مرده بودن آن نیست، بنابراین نماز خواندن در مال به جا مانده از میت، پیش از ادای دین و جدا کردن ثلث وصیت‌شده او صحیح نیست.

۱. بر مبنای روایات: وسائل الشیعة، باب ۶۴ از ابواب لباس المصلی، ح ۱ به بعد؛ باب ۵۳ از ابواب لباس المصلی، ح ۶. صحیح ابن خلد: همان، ح ۱؛ باب ۱۵ از ابواب احکام الملابس، ح ۱ (صحیح است).

۲. همان آدرس‌های قبلی.

۳. چون مکان ما قرّ علیه الشیء است آنچه شیء بر آن مستقر می‌شود.

مسأله ۸۵۰) حکم جا گرفتن در مکان‌های عمومی

کسی که در مکانی که برای عموم آزاد است و همگان می‌توانند در آن مکان بمانند و بهره‌های عبادی و مانند آن ببرند؛ نظیر مسجد، صحن و رواق امامزاده‌ها، پارک‌های محلی، جا گرفته است، اگر دیگری بدون اعراض وی جای او را غصب کند و در آن نماز بگذارد، بنا بر احتیاط واجب، نماز او باطل است.^۱

مسأله ۸۵۱) جهل، غفلت یا فراموشی غصب

باطل بودن نماز در مکان غصبی، به حالت علم به غصب و عمد و بدون اضطرار، اختصاص دارد، بنابراین کسی که جاهل به غصبی بودن مکان یا غافل از آن بوده یا فراموش کرده یا هیچ چاره‌ای نداشت، نماز او باطل نیست، مگر آنکه خود غاصب از غصب خویش غفلت یا آن را فراموش کرده باشد و در صدد رفع غصب نباشد که نماز او باطل است.^۲

مسأله ۸۵۲) جاهل مقصر در حکم غصب

کسی که غصبی بودن مکان، نیز حرمت تصرف در آن را می‌داند، ولی نمی‌داند نماز در آن باطل است و در یادگیری آن، کوتاهی کرده باشد، نماز او در آن مکان احتیاطاً باطل است.

مسأله ۸۵۳) نماز روی وسیله غصبی

کسی که ناچار است روی وسیله نقلیه، اعم از حیوان، اتومبیل، چرخ و مانند آن، نماز را اقامه کند، نیز نماز مستحبی را در حال سوار بودن به جا آورد، باید آن وسیله غصبی نباشد؛ وگرنه نماز او باطل است.

مسأله ۸۵۴) نماز در زمین شراکتی قبل از تقسیم

مکانی که ملک چند شریک است و سهم هیچکدام جدا نشده، هیچ شریکی نمی‌تواند بدون رضایت سایر شرکا، در آن نماز اقامه کند.

مسأله ۸۵۵) خرید خانه با پول غصبی

اگر با عین پول غصبی یا پولی که خمس یا زکات آن را نداده، ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نماز وی در آن باطل است، نیز اگر ملکی را به ذمه بخرد و قصد او در حین خریدن آن باشد که پول آن را ندهد یا از مال غصبی بدهد یا از عین مالی که خمس یا زکات آن داده نشده بپردازد، در همه این موارد، تصرف وی در آن ملک حرام، و نماز او در آن صحیح نیست.

مسأله ۸۵۶) رضایت یا عدم رضایت قلبی

معیار صحت و بطلان نماز در ملک دیگری، رضایت و عدم رضایت قلبی اوست، اگر رضایت قلبی دارد که در ملک او نماز اقامه شود، نماز صحیح است، هر چند به آن اذن نداده باشد و اگر رضایت قلبی ندارد، نماز در آن صحیح نیست، هر چند به آن اذن داده باشد.

۱. چون عرف انتفاع را برای دیگری می‌داند.

۲. جایی که خودش دخیل است باطل است.

مسأله ۸۵۷) تصرف در ملکی که حق غیر به آن تعلق گرفته

تصرف در ملکی که حق خدا یا خلق به آن تعلق دارد، بدون ادای آن حق، حرام و نماز در آن باطل است؛ خواه مالک آن ملک زنده باشد و یا مُرده، بنابراین کسی که خمس یا زکات مال خود را نداده و در گذشته، پیش از ادای حقوق یادشده نمی‌توان در مال او نماز خواند، مگر آنکه کسی ادای آن را به عهده بگیرد یا بدون مسامحه در صدد ادای آن باشد. سایر حقوق و دیون مردمی نیز به همین صورت است. البته در صورت رضایت طلبکاران، تصرف و اقامه نماز در آن، اشکال ندارد.

مسأله ۸۵۸) تصرف در مال باقی مانده از میت بدون اذن وراثت

اگر بعضی از وارثان میت، غایب یا کودک یا محجور (مانند دیوانه) باشد، تصرف در مال به جا مانده از میت، بدون اذن ولی شرعی حرام و نماز در آن باطل است. تصرف‌های جزئی، مانند تجهیز میت، اشکال ندارد.

مسأله ۸۵۹) اقامه نماز در مسافرخانه، هتل، حمام و مانند آن

اقامه نماز در مسافرخانه، هتل، حمام و مانند اینها که برای مشتریان آماده است و برابر محاوره، اذن یا رضایت مالکان آنها به دست می‌آید، صحیح است و در موارد دیگر، به جا آوردن نماز در ملک دیگری، بدون علم یا اطمینان به رضای او، صحیح نیست. اگر مالک عین، منفعت یا انتفاع، اذن ماندن در آن ملک را داده، می‌توان رضایت او نسبت به اقامه نماز را فهمید.

مسأله ۸۶۰) اقامه نماز در مزارع و مراتع وسیع

اقامه نماز در زمین‌های بسیار وسیع مزرع یا مرتع که فعلاً زراعتی در آن نیست و هیچ ضرری از این راه به ملک یا مالک نمی‌رسد، صحیح است، هر چند مالک آنها راضی نباشد؛ ولی به جا آوردن نماز در زمینه‌ایی که مزرع یا مرتع خصوصی است و دیوار و مانند آن ندارد، بدون علم به رضایت مالک آنها، صحیح و با منع آنها باطل است.^۱

شرط دوم: استقرار مکان

مسأله ۸۶۱) حرکت شدید در حال نماز نباشد

نماز گزار نباید حرکت شدید داشته باشد. بنابر این نماز در هواپیما، قطار، اتومبیل، کشتی و مانند آن در صورتی که حرکت شدید نداشته باشند، اشکالی ندارد.^۲

مسأله ۸۶۲) اقامه نماز در مکان لرزان در صورت ضرورت

اقامه نماز در حال ناچاری در مکان متحرک یا لرزان، مانند تل‌شن، با رعایت آرامش در اجزای نماز به قدر امکان و حفظ قبله، صحیح است.

۱. چون اصل اباحه است الا ما خرج بالدلیل. بیرون شهر چنین است. در داخل شهر اصل بر نیاز به تصرف است.

۲. استقرار دلیل مستقل ندارد. در روایات داریم که در کجاوه‌های شتر نمی‌شد نماز خواند که استقرار نداشت و اصلاً رکوع و سجود درست انجام نمی‌شود.

مسأله ۸۶۳) نماز در محلی که احتمال ازدحام و عدم قرار هست

نماز در مکانی که بر اثر ازدحام جمعیت یا وزش باد تند و مانند آن، اطمینانی به حفظ آرامش بدن نیست، اگر به امید آرام بودن بدن شروع شود و تا پایان مانعی پدید نیاید، صحیح است.

مسأله ۸۶۴) نماز در مکانی که ماندن در آن حرام است

نماز در مکانی که ماندن در آن حرام است؛ مانند زیر سقف در حال ریزش، مسیر در حال آمدن سیل، روی فرشی که نام خدا یا آیه قرآن بر آن نوشته شده، باطل نیست، هرچند معصیت است.

شرط سوم: وسیع بودن مکان به اندازه انجام واجبات

مسأله ۸۶۵) مساحت مکان نمازگزار

مکان نمازگزار باید از لحاظ ارتفاع، طول و عرض به قدری باشد که بتوان تمام افعال نماز را در آن انجام داد، اگر مساحت مکان نمازگزار در یکی از جهات یادشده، به اندازه‌ای کم باشد که قیام یا رکوع یا سجود یا نشستن در آن ممکن نباشد، نماز باطل است و در صورت ناچاری، در حدّ امکان باید قیام، رکوع و سجود انجام شود.

شرط چهارم: اقامه نماز در آن مکان مستلزم گناه نباشد

مسأله ۸۶۶) نماز در مکانی که مستلزم گناه است مانند جلوتر از قبر معصوم علیه السلام

اقامه نماز در مکان خاص که مستلزم معصیت باشد، حرام است؛ ولی نماز باطل نیست؛ مثلاً اگر اقامه نماز جلوتر از قبر پیامبر صلی الله علیه وآله و امام معصوم علیه السلام به فاصله کم، موجب هتک حرمت آن ذوات قدسی شود، حرام است؛ ولی نماز باطل نیست هرچند احتیاط کند و اقامه نماز در مکان محاذی و هم‌سطح با قبر معصوم علیه السلام حرام نیست.

مسأله ۸۶۷) میزان فاصله بین نمازگزار و قبر معصوم علیه السلام

اگر بین نمازگزار و قبر معصوم دیوار و مانند آن حاجبی باشد که مانع صدق هتک حرمت است، اقامه نماز حرام نیست؛ ولی ضریح یا پرده‌ای که روی قبر شریف قرار دارد، حاجب نخواهند بود.

شرط پنجم: پاک بودن محل

مسأله ۸۶۸) آلوده نبودن مکان به نجابت مسری و مبطل

مکان نمازگزار نباید به نجاستی آلوده باشد که موجب سرایت به لباس یا بدن وی می‌شود، به گونه‌ای که با آن نجاست نمی‌توان نماز را اقامه کرد، پس اگر مکان نمازگزار نجس شده بود، ولی خشک است و به بدن یا لباس سرایت نمی‌کند؛ یا اگر سرایت کند، سبب بطلان نماز نمی‌شود، مانند نجاست به خون کمتر از درهم - غیر از خون‌هایی که ذره‌ای از آنها نماز را باطل می‌کند - یا آلوده شدن دستکش یا جوراب، اقامه نماز در آن مکان اشکال ندارد و به احتیاط مستحب مکان نمازگزار پاک باشد.

مسأله ۸۶۹) پاک بودن محل سجده

محل سجده نماز باید پاک باشد و نجس شدن آن، سبب بطلان نماز است، هر چند نجاست آن به پیشانی نماز گزار نرسد.^۱

شرط ششم: زن جلوتر از مرد نیستد

مسأله ۸۷۰) جلوتر نبودن زن

نباید زن در نماز جلوتر از مرد نماز گزار یا محاذی او باشد به احتیاط واجب. هر گاه زن و مرد با هم نماز را شروع کردند و زن جلو یا محاذی مرد نماز گزار باشد هر دو نماز خود را اعاده کنند و اگر یکی بعد از دیگری به گونه‌ای وارد نماز شده که زن مقدم یا محاذی باشد، کسی که نماز او دیرتر شروع شده، احتیاطاً نماز را اعاده نماید. در اماکن شلوغ که چاره‌ای نیست مانند مکه اشکالی ندارد.

مسأله ۸۷۱) شرایط تقدم یا محاذات مرد بر زن

پرهیز از تقدم یا محاذات مکان زن نماز گزار نسبت به مکان مرد نماز گزار، اختصاصی به نامحرم ندارد. در صورت وجود حاجب، مانند دیوار یا پرده یا فاصله، این شرط جاری نیست. این حکم برای نافله مانند فریضه است؛ ولی در حال غفلت یا فراموشی جاری نیست.

مسائل متفرقه

مسأله ۸۷۲) شرایط ارتفاع مکان سجده

لازم است مکان پیشانی نماز گزار در حال سجود با مکان ایستادن او بیش از چهار انگشت بسته اختلاف سطح نداشته باشد؛ اما برای سایر اعضای سجده نسبت به یکدیگر یا نسبت به مکان پیشانی، مادامی که از صورت سجده بیرون نباشد، حد خاصی معتبر نیست.

مسأله ۸۷۳) نماز در محل خلوت زن و مرد نامحرم

بودن زن و مرد نامحرم در مکانی که هیچکس نمی‌تواند وارد شود، در صورت احتمال گناه حرام است و احتیاط مستحب است که در آن مکان نماز اقامه نشود.

مسأله ۸۷۴) نماز در محلی که مہیای حرام است

مکانی که مہیای کارهای حرام - مانند قمار، شرب خمر، آهنگ‌های لهو و لعب، معاملات ربوی محض و... - است و بودن در آن، ابتلا یا امضای آنها را در بردارد، حرام است؛ ولی نماز در آن مکان باطل نیست، هر چند احتیاط مستحب، ترک نماز در آن است.

۱. وسائل الشیعة، باب ۲۶ از ابواب مکان مصلی، ح ۲۶ به بعد.

مسأله ۸۷۵) نماز در کعبه یا بام آن

اقامه نماز واجب در درون کعبه و بر بام آن، مکروه است و در حال ناچاری منعی ندارد. اقامه نماز مستحب در درون کعبه و بر بام آن منعی ندارد. اقامه نماز واجب یا مستحب بر بام کعبه باید به گونه‌ای باشد که در تمام حالت نماز، مقداری از فضای بام کعبه روبه‌روی نمازگزار باشد.

مکان‌های کراهت نماز

مسأله ۸۷۶) مواردی که نماز در آنجا مکروه است

اقامه نماز در چند جا مکروه است (ثواب آن کمتر است)؛ مانند حمام، زمین نم‌گزار، جاده، خیابان و کوچه در صورت عدم مزاحمت؛ و گرنه حرام است، هر چند باطل نیست، آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، قبرستان، روی قبر، روبه‌روی قبر، بین دو قبر، اتاقی که در آن جنب باشد، جایی که در آن عکس باشد، هر چند روبه‌رو نباشد، روبه‌روی انسان، روبه‌روی دری که باز است، روبه‌روی آتش، روبه‌روی چاه و چاله‌ای که محل آدرار باشد، روبه‌روی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد، مگر آنکه با پرده پوشیده باشد و ...

مسأله ۸۷۷) حفظ حریم نماز

مستحب است نمازگزار، حریم نماز خود را از رفت و آمد دیگران حفظ کند، هر چند با عصا، تسبیح و مانند آن.

احکام مسجد

مسأله ۸۷۸) درجات فضیلت مساجد

اقامه نماز در مسجد فضیلت دارد. درجات فضایل آن به تفاوت مسجدهاست. بهترین مسجد روی زمین، مسجد دور کعبه یعنی مسجد الحرام است، پس از آن، مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله در مدینه و بعد از آن، مسجد کوفه و بعد از آن مسجد الاقصی و پس از آنها مسجد جامع هر شهر و بعد از آن، مسجد محل و سپس مسجد بازار. حرم انبیا و اوصیای معصوم علیهم السلام فضیلت و استحباب دارد و نسبت به برخی مساجد، مانند مسجد محل و مسجد بازار، افضل است.^۱

مسأله ۸۷۹) حکم مسجد رفتن خانم‌ها

زن در صورتی که از هر نظر مصون از نگاه به نامحرم و محفوظ از نگاه نامحرم به او باشد، می‌تواند برای ادراک فضیلت مسجد، نماز خود را در آنجا اقامه کند. البته برای فراگیری احکام در صورت انحصار راه، باید به مسجد برود.

مسأله ۸۸۰) مسجد متروک و همسایه مسجد

زیاد رفتن به مسجد و اقامه نماز در مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است و نماز همسایه مسجد در غیر مسجد بدون عذر، مکروه است.

۱. وسائل الشیعة، باب ۵۲ و باب ۶۴ ابواب احکام المساجد. چند صحیحه قابل افتنا است.

مسأله ۸۸۱) ارتباط با کسی که به مسجد نمی‌رود

مستحب است با کسی که اعتنایی به حضور در مسجد ندارد، پیوند مودت برقرار نشود و با او هم‌غذا نشوند و مشورت نکنند و ازدواج ننمایند.

مسأله ۸۸۲) حکم نجس کردن مسجد و تطهیر آن

نجس کردن مسجد - زمین، دیوار درون و سقف آن - حرام است؛ همچنین نجس کردن سمت بیرون دیوار و بیرون سقف؛ یعنی بام آن، اگر جزء مسجد باشد، حرام است؛ و گرنه احتیاط، ترک آن است. برطرف کردن نجاست مسجد، بر کسی که به آن آگاهی یافت، واجب است.^۱

مسأله ۸۸۳) لزوم اطلاع نجاست مسجد اگر توان تطهیر ندارد

کسی که از نجس شدن مسجد آگاه است و بر اثر سفر یا مانع دیگری نمی‌تواند آن را پاک کند، اگر مانند نجاست، سبب اهانت به مسجد باشد، احتیاط واجب است به کسانی که می‌توانند آن را پاک کنند، اطلاع دهد.

مسأله ۸۸۴) وجوب تطهیر مسجد در صورت نیاز به بنایی

در صورتی که کندن یا خراب کردن مسجد برای تطهیر مسجد جزئی باشد یا آنکه رفع هتک متوقف بر کندن یا خراب کردن کلی باشد، در این صورت باید تطهیر شود و گرنه خراب کردن محل اشکال است. هزینه تعمیر مجدد، به عهده کسی است که مسجد را نجس کرده است. اگر سنگ یا آهن و اجزای مسجد نجس شد، پس از تطهیر باید به مسجد برگردد.

مسأله ۸۸۵) مسجدی که خراب شده و بازسازی آن سخت است

اگر مسجدی با عامل طبیعی، مانند سیل، زلزله و رانش زمین، یا عامل انسانی، نظیر توسعه معبر و تعریض بستر حرکت عمومی، به گونه‌ای ویران شده که بازسازی آن آسان نباشد، نجس کردن ابزار ساختمان ویران شده آن حرام نیست و احتیاط واجب، پرهیز از نجس کردن مکان آن است، مگر آنکه بازسازی آن ممکن نباشد.^۲

مسأله ۸۸۶) حکم طهارت حرم‌های مطهر معصومین علیهم السلام

حرم مطهر پیامبر و امام معصوم علیهم السلام ملحق به مسجد است و نجس کردن عمدی آن، حرام و تطهیر آن، واجب است. در این جهت، فرقی بین حرم معمر مانند عتبات عالیات و حرم مخروب مانند بقیع نیست.

مسأله ۸۸۷) نجس شدن فرش مسجد

تطهیر فرش نجس شده مسجد لازم است و هزینه آن به عهده نجس کننده آن است، مگر آنکه بودجه برای تطهیر تعیین شده باشد.

۱. وسائل الشیعة، باب ۲۴ از ابواب احکام المساجد، حدیث ۲ به بعد.

۲. معیار در تشخیص عرف است.

مسأله ۸۸۸) همراه بردن نجس و متنجس به مسجد

بردن عین نجس به مسجد - مانند خون یا ادرار که در ظرف آزمایشگاه یا پارچه‌ای ریخته شده و مایه هتک حرمت باشد - حرام است؛ نیز بردن متنجس و همراه داشتن آن، اگر اهانت به خانه خدا باشد، جایز نیست.

مسأله ۸۸۹) انجام مراسم دینی و نصب پارچه در مسجد

انجام دادن مراسم دینی و نصب پارچه‌های مشکی و رنگی در مسجد به مناسبت مراسم متنوع، اگر مانع اقامه نماز نباشد، جایز است.

مسأله ۸۹۰) طلاکاری و صور ذی روح در مسجد

طلاکاری مسجد، به احتیاط واجب جایز نیست؛ نیز تصویر صورت‌های دارای روح، مانند انسان و حیوان، کراهت دارد.^۱

مسأله ۸۹۱) ملکیت زمین مسجد

اگر مسجد خراب شود، به صورت ملک در نمی‌آید که بتوان آن را مورد معامله قرار داد، مگر در زمینی که «عَنْوَةٌ» فتح شده و ملکیت آن به تبع اثر عمرانی اوست؛ مانند برخی از مناطق ایران.^۲

مسأله ۸۹۲) حکم اموال مسجد

اموال مسجد را، خواه اجزای ساختمان آن باشد - مانند در و پنجره - یا نباشد - مانند فرش - نمی‌توان در غیر آن مسجد صرف کرد. در صورت خراب شدن مسجد می‌توان آنها را فروخت و صرف تعمیر آن مسجد نمود و اگر تعمیر آن مسجد ممکن نباشد، صرف مسجد دیگر شود.^۳

مسأله ۸۹۳) احداث و تعمیر مسجد

احداث مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به ویرانی باشد مستحب است و اگر مسجدی بر اثر مرور زمان یا حوادث طبیعی به گونه‌ای ویران شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توان آن را خراب و نوسازی کرد، چنانکه در صورت نیاز نمازگزاران، می‌توان مسجد کوچک را خراب کرده و به صورت مسجد بزرگ نوسازی نمود و به ثواب خاص مسجدسازی نایل آمد.

مسأله ۸۹۴) آداب رفتن به مسجد

تمیز کردن مسجد و برآوردن نیازمندی‌های آن - مانند روشنایی، گرمایی و خنکی - مستحب است. کسی که می‌خواهد به مسجد برود، مستحب است جامه نو و تمیز در بپوشد و خود را خوشبو نماید و زیر کفش را بررسی کرده تا آلوده نباشد و هنگام ورود، پای راست را و هنگام خروج، پای چپ را مقدم بدارد؛ نیز مستحب است زودتر از دیگران به مسجد رفت و دیرتر از همه بیرون آمد.^۴

۱. همان، باب ۹ ابواب احکام المساجد، ح ۴ به بعد. باب ۳۰ از ابواب لباس مصلی، ح ۵ به بعد.

۲. مراد زمین‌هایی است که با جنگ فتح شده باشد.

۳. روایات: همان، باب ۱۵ ابواب احکام مساجد، ح ۱ به بعد، اجماع و استصحاب.

۴. همان، باب ۴۰ و ۲۴ از احکام مساجد.

مسأله ۸۹۵) نماز تحیت مسجد

تحیّت و احترام هر مسجدی، مستحب است و حرمت نهادن به آن با اقامه نماز، اعم از واجب و مستحب، حاصل می‌شود، اگر وقت نماز واجب یا نافله آن نیست، مستحب است دو رکعت نماز به قصد احترام به مسجد انجام شود.^۱

مسأله ۸۹۶) کراهت برخی از کارها در مسجد

برخی از کارها در مسجد مکروه است؛ مانند خوابیدن در غیر حال ناچاری، کارهای دنیایی که مزاحم نماز دیگران نباشد، شعرسرایی غیر ناصحانه، ریختن آب دهان، بینی و خلط سینه که مستلزم اهانت به مسجد نباشد، طلب کردن گمشده‌ای، صدا را بلند نمودن، سیر و پیاز خوردن پیش از رفتن به مسجد به گونه‌ای که باعث آزار دیگران شود.

مسأله ۸۹۷) کارهای مفید در مسجد

ارائه طرح و برنامه‌های علمی و عملی، جهت اصلاح امور امت اسلامی، حفظ استقلال اقتصادی و مانند آن، در مسجد بدون رجحان نخواهد بود؛ چنانکه تعلیم امور نظامی برای جهاد و دفاع دینی در غیر وقت نماز، هیچ کراهتی ندارد. درباره دنیوی یا دینی بودن این امور معیار عرف است.

مسأله ۸۹۸) راه دادن بچه به مسجد

راه دادن بچه به مسجد که نه مزاحم عبادت دیگران است و نه موجب آلودگی مسجد، منعی ندارد و اگر سبب رغبت وی به نماز و یادگیری احکام آن شود، مستحب است.

اذان و اقامه

مسأله ۸۹۹) استحباب اذان و اقامه در نمازهای روزانه

مستحب است نماز گزار پیش از نمازهای شبانه‌روزی (ادا یا قضا) اذان و اقامه بگوید و پیش از نماز عید فطر و عید قربان، سه مرتبه بگوید: «الصلاه» و پیش از نمازهای واجب دیگر، مانند نماز میّت، نماز آیات، به امید ثواب سه بار بگوید: «الصلاه».^۲

مسأله ۹۰۰) استحباب اذان و اقامه برای نوزاد

مستحب است هنگام تولد نوزاد، پیش از افتادن بند ناف یا پس از آن، در گوش راست او اذان و در گوش چپ او اقامه گفته شود.

مسأله ۹۰۱) کیفیت اذان و اقامه

اذان، هجده جمله است: «الله اکبر» چهار مرتبه، «أشهد أن لا إله إلا الله»، «أشهد أن محمداً رسول الله»، «حیّ علی الصلاة»، «حیّ علی الفلاح»، «حیّ علی خیر العمل»، «الله اکبر»، «لا إله إلا الله»، هر کدام دو مرتبه،

۱. همان، باب ۴۰ و ۴۲ از ابواب احکام مساجد.

۲. همان، باب ۱ ابواب اذان، ح ۳ به بعد.

و اقامه، هفده جمله است: دو مرتبه «الله اکبر»، از اول اذان و یک مرتبه «لا إله إلا الله» از آخر آن، کم می شود و دو مرتبه «قد قامت الصلاة» بعد از «حی علی خیر العمل» افزوده می شود.

مسأله ۹۰۲) شهادت سوم

«أشهد أن علیاً ولی الله» جزء اذان و اقامه نیست و مناسب است به عنوان تبرک و تیمن، بعد از «أشهد أن محمداً رسول الله» گفته شود. و همین طور مناسب است شهادت به حجت بودن و عصمت حضرت زهرا سلام الله علیها و حجت بودن ایشان بر حجت های الهی: اشهد ان علیا و اولاده المعصومین و العصمة الکبری حجج الله.^۱

مسأله ۹۰۳) ترجمه اذان و اقامه

«الله اکبر» یعنی خدای سبحان بزرگتر از آن است که وصف شود. «أشهد أن لا إله إلا الله»، یعنی شهادت می دهم که غیر خدای یکتا و یگانه خدای دیگری نیست. «أشهد أن محمداً رسول الله»؛ یعنی شهادت می دهم که حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله پیامبر و فرستاده خداست. «أشهد أن علیاً امیر المؤمنین و ولی الله»؛ یعنی شهادت می دهم که حضرت علی امیر مؤمنان علیه السلام و ولی خدا بر همه خلق است. «حی علی الصلاة»؛ یعنی بشتاب برای اقامه نماز، «حی علی الفلاح»؛ یعنی بشتاب برای رستگاری، «حی علی خیر العمل»؛ یعنی بشتاب برای بهترین کار که نماز است، «قد قامت الصلاة»؛ یعنی به تحقیق نماز برپا شد، «لا إله إلا الله»؛ یعنی خدایی؛ جز خدای یکتا و یگانه، سزاوار پرستش نیست.

مسأله ۹۰۴) موالات در اذان و اقامه

جمله های اذان، نیز اقامه باید متصل به هم باشند و اگر فاصله بین آنها بیش از حد متعارف بود، باید دوباره از اول شروع شود.

مسأله ۹۰۵) غنا در اذان و اقامه

ادای جمله های اذان و اقامه و نیز نماز، اگر با آهنگ مخصوص مجالس لهو و معصیت باشد، حرام و باطل است.

موارد سقوط اذان

مسأله ۹۰۶) موارد سقوط اذان در بین دو نماز

اذان در چند مورد ساقط است و آن، جایی است که بین دو نماز - همراه با ترتیب - جمع شود؛ مانند ۱. نماز عصر در صورت جمع با نماز جمعه یا نماز ظهر؛ ۲. نماز عشاء در صورت جمع با نماز مغرب. در این موارد، اذان نماز اول هر دو نماز کافی است، مگر آنکه به اندازه کافی بین دو نماز فاصله شود. نافله عصر که پیش از نماز عصر اقامه می شود، چون هشت رکعت است، می تواند فاصله ایجاد کند؛ اما نافله مغرب که چهار رکعت

۱. جعل اذان و اقامه در شب معراج صورت گرفت و از همین رو شهادت به ولایت نیز در آن هست.

است و بعد از نماز مغرب اقامه می‌شود، شاید نتواند فاصله لازم را ایجاد کند، از اینرو اگر برای نماز عشاء اذان گفته می‌شود، رجائاً (امید ثواب) باشد.^۱

مسأله ۹۰۷) موارد رجحان جمع دو نماز

سقوط اذان برای نماز دوم در صورت جمع با نماز اول، مختصّ جایی نیست که جمع دو نماز در آن راجح است؛ مانند ۱. نماز عصر جمعه با نماز جمعه یا ظهر آن؛ ۲. نماز عصر روز نهم ذی‌الحجه با نماز ظهر آن؛ ۳. نماز عشاء شب عید قربان (شب دهم) با نماز مغرب، برای کسی که در مشعر است؛ ۴. نماز عصر زن مستحاضه با نماز ظهر او، نیز نماز عشاء وی با نماز مغرب او؛ ۵. نماز کسی که نمی‌تواند خود را از ناقض طهارت مانند ادرار، مدفوع و باد حفظ کند، از این رو بین دو نماز جمع می‌کند، بلکه در همه مواردی است که بین دو نماز همراه (ترتیب) جمع می‌شود. البته احتیاط در مورد اول تا سوم، ترک اذان برای نماز دوم است.^۲

مسأله ۹۰۸) سقوط اذان در نمازهای همراه قضا

سقوط اذان در صورت جمع دو نماز - با رعایت ترتیب - اختصاصی به نماز ادا ندارد و در نماز قضا نیز جاری است، حتی اگر بخواهد نماز قضای یک شبانه‌روز را با هم اقامه کند، اذان برای قضای نماز اول، کافی است.^۳

موارد سقوط اذان و اقامه

مسأله ۹۰۹) سقوط اذان و اقامه در مساجد و جماعت

اذان و اقامه در چند مورد ساقط می‌شوند: یکم: کسی که وارد نماز جماعتی شده و می‌خواهد با آن جماعت نماز بگذارد، در صورتی که برای آن نماز جماعت، اذان و اقامه گفته شده باشد، اذان و اقامه از او ساقط است، هر چند او هنگام اذان و اقامه حاضر نبوده و بعضی از رکعت‌ها را ادراک نکرده باشد، اگر این نماز جماعت در مسجد برگزار شد، نباید برای نماز خود اذان و اقامه بگوید.

دوم: کسی که برای اقامه نماز مستقل وارد مسجدی شد که در آن، نماز جماعت صحیح با اذان و اقامه برگزار شد و او در آن نماز شرکت نکرده یا بعد از تمام شدن نماز جماعت وارد شد، به شرط آنکه تمام صف‌ها پراکنده نشده باشند؛ حتی یک صف هم باقی باشد اذان و اقامه از او ساقط است؛ چه بخواهد به تنهایی نماز بگذارد یا به جماعت و در صورت جماعت، چه امام باشد و چه مأوم.

۱. وسائل الشیعة، باب ۴۹ ابواب صلات جمعه، ح ۱ و ۵؛ اجماع هم در اینجا هست که ما حجت نمی‌دانیم، سیره رسول اکرم ص.. باب ۳۲ از ابواب مواقیف، ح ۱۱. بیشتر احادیث اذان در باب حج است چرا که در منا و عرفات هم بحث گفتن اذان مطرح می‌شود.

۲. همان، باب ۳۷ ابواب اذان و اقامه، ح ۱ و ۲.

۳. در نتیجه اگر فردی اجیر شد نماز قضای استیجاری بخواند با اذان و اقامه، برای هر شبانه‌روز سه اذان باید بگوید اگر پشت هم می‌خواند.

هر گاه شک کند که نماز جماعت قبله صحیح بود یا نه، اذان و اقامه از او ساقط است؛ ولی اگر شک کند که برای نماز جماعت سابق اذان و اقامه گفته شد یا نه، یا شک کند که مکان نماز او و مکان نماز جماعت قبله یک مکان محسوبند یا دو مکان - مانند سطح مسجد و بام آن - اذان و اقامه از وی ساقط نیست. سوم: کسی که اذان و اقامه دیگری را شنید، می تواند به آن اکتفا کند و برای نماز خود اذان و اقامه نگوید، به شرط آنکه تمام فصول اذان و اقامه را به طور کامل شنیده باشد و در صورت ناقص شنیدن یا نشنیدن بعضی از فصول، می تواند آنچه را درست نشنید، خودش بگوید و به همان اکتفا نماید، به شرط حفظ ترتیب، اگر فقط اذان را شنید، می تواند اقامه را خود بگوید؛ ولی اگر اقامه را شنید، بخواهد اذان را خود بگوید، چون ترتیب محفوظ نمی شود، نمی تواند به شنیدن اقامه اکتفا کند.

مسأله ۹۱۰) تکرار فرازهای اذان و اقامه ای که می شنود

مستحب است کسی که اذان دیگری را می شنود، خواه اذان اعلام و خواه اذان نماز (اذان اعظام) - جماعت یا فرادا - آن را بدون فاصله باز گو کند و باز گو کردن اقامه ای که می شنود، به امید ثواب، خوب است. چون با شنیدن اذان و اقامه دیگری می توان برای نماز به آن اکتفا کرد، حکایت آنها ثواب خاص خود را دارد و برای اکتفا به آن اثری ندارد، چون اثر - یعنی صحت اکتفا - با شنیدن حاصل شده است. در این مسأله بین سماع و استماع نیست.

مسأله ۹۱۱) شنیدن اذان حرام

شنیدن اذانی که حرام است، مانند اذان با آواز لهوی مختص به مجلس گناه، نیز شنیدنی که حرام است، هر چند اذان صحیح و حلال است، مانند شنیدن مرد صدای اذان زن نامحرم را به قصد لذت، برای نماز کافی نیست.

مسأله ۹۱۲) شنیدن اذان و اقامه غیر هم جنس

شنیدن اذان و اقامه مرد برای مرد و زن کفایت می کند و شنیدن اذان و اقامه زن برای زن و برای مردی که محرم اوست، کفایت می کند و برای مرد نامحرم، احتیاط، عدم اکتفاست.

مسأله ۹۱۳) کفایت شنیدن اذان نماز دیگری

شنیدن اذان نماز کسی برای نماز دیگری، کافی است؛ نه شنیدن اذان در گوش نوزاد؛ یا موارد دیگری که اصل مشروع بودن آنها ثابت شده باشد؛ چه رسد به موارد غیر ثابت.

مسأله ۹۱۴) اذان و اقامه نماز جماعت زنان

اذان و اقامه نماز جماعت مردان را باید مرد بگوید و اذان و اقامه نماز جماعت زنان، نیز زنان و مردان محرم را زن می تواند بگوید، هر چند احتیاط در صورت اخیر، ترک است.

مسأله ۹۱۵) ترتیب در جملات اذان و اقامه

ترتیب هجده جمله اذان و هفده جمله اقامه باید محفوظ باشد و اگر بر خلاف آن گفته شد، باید برابر نظم یادشده دوباره گفته شود، مثلاً اگر «حی علی خیر العمل» پیش از «حی علی الفلاح» گفته شد، دوباره باید «حی علی خیر العمل» گفته شود.

مسأله ۹۱۶) پی در پی بودن جملات اذان و اقامه

اتصال جمله‌های اذان با هم، نیز اتصال جمله‌های اقامه باهم باید محفوظ باشد، به صورتی که عرفاً آنها را گسسته از هم ندانند.^۱

مسأله ۹۱۷) ترتیب و اتصال بین اذان و اقامه

بین اذان و اقامه، هم ترتیب لازم است، هم اتصال؛ یعنی اذان مقدم بر اقامه گفته می‌شود و بین اذان و اقامه فاصله نباشد، به مقداری که عرفاً آن دو را جدا و بیگانه از هم ببینند؛ در این صورت، مستحب است دوباره گفته شوند.^۲

مسأله ۹۱۸) اتصال عرفی بین اذان و اقامه و نماز

بین اذان و اقامه و نماز، فاصله‌ای که عرفاً آن دو را بیگانه از نماز ببیند نباشد؛ در صورت فاصله زیاد بین آنها و بین نماز، دوباره گفته می‌شوند.

مسأله ۹۱۹) وقت گفتن اذان و اقامه نماز

اذان و اقامه نماز باید بعد از دخول وقت باشد؛ اگر همه جمله‌های اذان و اقامه عمداً یا سهواً قبل از دخول وقت گفته شد، یا بعضی از آنها قبل از وقت و برخی از آنها بعد از دخول وقت ادا شده باشد، دوباره باید گفته شوند.

مسأله ۹۲۰) شک در گفتن اذان یا برخی اجزای آن

اگر پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان گفته یا نه، مستحب است اذان را بگوید و اگر پیش از شروع در جمله‌ای از جمله‌های اذان یا اقامه شک کند که جمله قبل را گفته یا نه، باید جمله قبل را بگوید؛ ولی پس از شروع در جمله بعدی، اگر شک کند که جمله قبل را گفته یا نه، لازم نیست جمله قبل را بازگو کند.^۳

مسأله ۹۲۱) مستحبات گفتن اذان

مستحب است گوینده اذان رو به قبله بایستد و با طهارت باشد و با صدای بلند و کشیده اذان بگوید و بین جمله‌های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها غیر از ذکر و دعا سخن دیگری نگوید.

۱. به دلیل روایات، وسائل الشیعة، باب ۴۶ از ابواب اذان و اقامه.

۲. همان.

۳. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز.

مسأله ۹۲۲) تفاوت بین مستحبات اقامه و اذان

مستحب است گوینده اقامه رو به قبله و آرام باشد و اقامه را از اذان آهسته تر بگوید و فاصله جمله‌های آن را از فاصله جمله‌های اذان کمتر کند؛ لیکن جمله‌ها را به هم نچسباند.

مسأله ۹۲۳) مستحبات بین اذان و اقامه

مستحب است بین اذان و اقامه دو رکعت نماز بگزارد؛ یا یک گام بردارد؛ یا بنشیند؛ یا سجده نماید؛ یا ذکر بگوید؛ یا دعا کند. بهترین آن است که بین اذان و اقامه یک گام بردارد و دعا کند مانند این دعا: رب اجعلنی مقیم الصلاة و من ذریتی ربنا و تقبل دعاء و نیز سلام به اهل بیت علیهم السلام.

مسأله ۹۲۴) زبان اذان و اقامه

اذان و اقامه باید به عربی صحیح، نه به غیر آن - مانند فارسی، ترکی و ...- و نه به عربی غیر صحیح گفته شود.

مسأله ۹۲۵) ویژگی‌های اذان گو

مستحب است کسی که برای اذان تعیین می‌شود، عادل و وقت‌شناس و دارای صدای مناسب و رسا بوده و جای پخش اذان بلند باشد.

مسأله ۹۲۶) اذان زنده

بہتر است اذان به صورت زنده گفته شود و نه اینکه از رادیو یا مانند آن پخش شود چرا که خود گفتن اذان آثاری دارد. بین اذان اعلام و اعظام تفاوتی نیست و می‌توان با یک اذان هر دو را انجام داد.

امور واجب نماز

مسأله ۹۲۷) واجبات نماز

یازده چیز در نماز واجب است: یکم نیت؛ دوم ایستادن؛ سوم تکبیرة الاحرام؛ یعنی گفتن «الله اکبر» در اول نماز؛ چهارم رکوع؛ پنجم سجود؛ ششم قرائت؛ هفتم ذکر رکوع و سجود؛ هشتم تشهد؛ نهم سلام؛ دهم ترتیب؛ یازدهم موالات؛ یعنی پی در پی آوردن اجزای نماز.

مسأله ۹۲۸) واجب رکنی و غیر رکنی در نماز

اموری که در نماز واجبند، دو قسمند. قسم یکم، رکن است و قسم دوم، غیر رکن. واجب رکنی، آن است که کم شدن یا زیاد شدن آن خواه عمدی باشد یا سهوی، سبب باطل شدن نماز است. واجب غیر رکنی، آن است که زیاد شدن یا کم شدن عمدی آن، سبب باطل شدن نماز است؛ ولی زیاد شدن یا کم شدن سهوی آن، موجب بطلان نماز نمی‌شود.

مسأله ۹۲۹) ارکان نماز

رکن نماز پنج چیز است:

یکم: نیت. زیاد شدن نیت معنا ندارد و خطوط دوباره نیت مانعی ایجاد نمی کند؛ کم شدن آن هم به نداشتن نیت است. دوم: تکبیره الاحرام؛ سوم: قیام (ایستادن) در حال تکبیره الاحرام و پیش از رکوع (قیام متصل به رکوع)؛ چهارم: رکوع؛ پنجم: دو سجده از یک رکعت.

احکام نیت

مسأله ۹۳۰) کیفیت نیت

نماز گزار باید نماز را به قصد اجرای دستور خدا انجام دهد. لازم نیست آن را به تفصیل از قلب بگذراند، چنان که لازم نیست به زبان آورد. صدق عرفی در نیت کافی است.^۱

مسأله ۹۳۱) نیت تعیین نماز

اگر از ابتدا در ذهن نماز گزار انجام یک نماز بوده است کفایت می کند. اگر هم نماز قضا به عهده فرد است و بنا دارد ادا و قضا را انجام دهد باید برای خودش تعیین کند که کدام را می خواهد بخواند. در نماز واجب و مستحب نیز همین است با این تفاوت که در نماز معین هر یک انصراف به همان نماز است و تعیین نیاز نیست.

مسأله ۹۳۲) ادامه قصد تا پایان

نماز گزار باید قصد نماز معین را تا پایان ادامه دهد، به گونه ای که اگر در هر حالتی از نماز از وی سؤال شود، بتواند بگوید فلان نماز را انجام می دهم.

مسأله ۹۳۳) قصد ریا و مانند آن

نیت نماز - به معنای انجام دادن آن به دستور خدا - باید خالص باشد. قصد غیر خدا - خواه در تمام نماز، خواه در جزئی از اجزای آن، اعم از آنکه فقط برای غیر خدا باشد یا بخشی از آن برای غیر او باشد و خواه به وسیله کاری یا وصفی، مانند در مسجد خواندن یا اول وقت ادا نمودن و خواه به صورت ریا، یعنی به دیگران نشان دهد که برای خدا نماز می خواند یا به صورت سمعه، یعنی به گوش دیگران برساند، در حالی که چنین نیست - نماز را باطل می کند.

احکام تکبیره الاحرام

واجب است در آغاز هر نماز «الله اکبر» گفته شود و این جمله - بنا بر اینکه نیت شرط باشد - اولین جزء نماز و دومین رکن از ارکان نماز است و باید به عربی صحیح و پشت سر هم گفته شود. ترجمه آن به زبان دیگر، یا تلفظ آن به عربی غیر صحیح، باطل است. مثلاً تشدید روی ر صحیح نیست.

۱. وجوب نیت عقلی است و اجرایش عرفی است. همین مقدار که قصد خلاف نداشته باشد، کافی است. فلانی نیت این کار را دارد به همین

معنا است. در این زمینه ادله روایی داریم. وسائل الشیعه، ابواب اذان و اقامه، باب ۶ و باب ۴.

مسأله ۹۳۴) کیفیت ادای الله اکبر در صورت اتصال به قبل یا بعد

در صورت ادای دو کلمه «الله اکبر» به عربی صحیح، اتصال آن به دعای قبل یا ذکر و دعای بعد جایز است، هرچند احتیاط در ترک اتصال آن به سابق و لاحق است. در صورت اتصال «الله اکبر» به سابق، باید همزه «الله» تلفظ شود و در صورت اتصال آن به لاحق، باید حرکت، یعنی ضمّه «ر» اکبر تلفظ شود.

مسأله ۹۳۵) قیام در حال الله اکبر

در حال گفتن «الله اکبر» باید ایستاده باشد و ترک عمدی یا سهوی قیام، سبب بطلان آن است؛ نیز در حال گفتن آن، بدن باید آرام باشد و ترک عمدی آن، سبب بطلان است و در صورت ترک سهوی، باطل نمی‌شود.

مسأله ۹۳۶) میزان بلند گفتن تکبیر و اذکار

تکبیرة الاحرام، حمد و سوره، ذکر و دعای واجب (مانند صلوات تشهد) باید به گونه‌ای گفته شود که قابل شنیدن باشد، هرچند بر اثر وجود مانعی از درون - مانند «کری» - یا از بیرون - مانند طوفان یا همهمه زیاد - شنیده نشود.

مسأله ۹۳۷) تکبیر برای کر و لال‌ها

نماز گزاری که بر اثر بیماری خاص یا لال بودن، توان تلفظ «الله اکبر» را ندارد، باید با زبان اشاره - که مورد گفت و گوی مخصوص مبتلایان به این وضع است - آن را ادا نماید، در حالی که صورت آن را در قلب می‌گذراند.

مسأله ۹۳۸) مستحبات تکبیرة الاحرام

مناسب است پیش از تکبیرة الاحرام و پس از آن، دعا خوانده شود به خصوص دعاهای ی که در کتابهای دعا نقل شده، خوانده شود: یا محسن قد اتاک المسیء فتجاوز عن قبیح ما عندی بجمیل ما عندک یا کریم.^۱ مستحب است در حال گفتن تکبیرة الاحرام، دست‌ها را با انگشت‌های به هم چسبیده، تا مقابل گوش‌ها بالا برد.

مسأله ۹۳۹) شک در اصل یا صحت تکبیرة الاحرام

هر گاه شک کند که تکبیرة الاحرام را گفت یا نه، چنان چه مشغول خواندن چیزی مانند حمد باشد، بنا را بر گفتن بگذارد و به شک خود اعتنا نکند و اگر به خواندن چیزی مشغول نشده، باید تکبیرة الاحرام را بگوید.^۲ هر گاه پس از گفتن تکبیرة الاحرام شک کند که آن را صحیح ادا کرده یا نه، بنا را بر صحت بگذارد و به شک خود اعتنا نکند.^۳

۱. سیره امام حسن مجتبی علیه السلام هنگام ورود به مسجد بوده است.

۲. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز.

۳. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، ابواب قیام، باب ۱۳ و باب ۱ از ابواب افعال الصلاة.

احکام قیام (ایستادن)

مسأله ۹۴۰) اقسام قیام و احکام آن

ایستادن در حال گفتن تکبیره الاحرام و پیش از رکوع (قیام متصل به رکوع) واجب رکنی است و در حال خواندن حمد و سوره، یا تسبیحات رکعت سوم و چهارم، واجب غیررکنی است؛ نیز ایستادن بعد از رکوع، هرچند واجب است؛ ولی رکن نیست. اگر نمازگزار قیام‌های واجب غیررکنی را بر اثر فراموشی ترک کند، نماز او باطل نیست. قیام در حال کار و ذکر مستحب - مانند قنوت - مستحب است؛ یعنی می‌توان با ترک قنوت، آن را ترک نمود؛ نه آنکه نشسته قنوت به جا آورد.^۱

مسأله ۹۴۱) آرام گرفتن قبل و بعد از تکبیره الاحرام

ایستادن برای تکبیره الاحرام باید به گونه‌ای باشد که یقیناً تمام حروف آن در حال قیام گفته شده باشد، برای حصول چنین یقینی، باید لحظه‌ای پیش از شروع در گفتن و لحظه‌ای پس از پایان آن، ایستاده باشد.

مسأله ۹۴۲) نحوه ایستادن در صورت فراموشی رکوع

چون قیام متصل به رکوع، واجب رکنی است، اگر نمازگزار پس از حمد و سوره یا تسبیحات اربع، رکوع را فراموش کرد و نشست و سپس به یادش آمده که رکوع را انجام نداده، نمی‌تواند به حال خمیده به حد رکوع برگردد، بلکه باید بایستد و به رکوع برود، تا نماز او بر اثر حفظ قیام متصل به رکوع باطل نشود.

مسأله ۹۴۳) تکیه دادن و خمیدگی در حال قیام

واجب است نمازگزار در حال قیام، به جایی تکیه نکند و از صورت ایستادن بر اثر خمیدگی خارج نشود و تمام بدن او آرام باشد، مگر در حالت ناچاری. با حفظ قیام متصل به رکوع، حرکت پا در حال خم شدن جهت رکوع، اشکال ندارد.^۲

مسأله ۹۴۴) فرق بین سهو و عمد اقسام قیام

حرکت، خمیدگی، تکیه دادن در حال قیام غیررکنی، اگر سهوی باشد، اشکال ندارد و در حال قیام رکنی - مانند قیام در زمان تکبیره الاحرام و قیام متصل به رکوع - چیزی که با قیام منافات دارد - مانند خمیدگی - وجود سهوی آن، موجب بطلان است و چیزی که با عنوان قیام منافات ندارد - مانند حرکت و تکیه دادن - وجود سهوی آن، موجب بطلان نمی‌شود.^۳

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۳ از ابواب قیام، ح ۱.

۲. همان، باب ۱۰ ابواب رکوع، ح ۵.

۳. همان، باب ۱۳ از ابواب قیام، ح ۱.

مسأله ۹۴۵) حکم فرد عاجز از قیام

هرگاه نمازگزار از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود، باید به پهلو قرار گیرد و تا بدنش آرام نشده، هیچ ذکر واجب نماز را ادا نکند و احتیاطاً ذکر مستحب را نیز به قصد ورود نگوید.^۱

مسأله ۹۴۶) مراحل عذر در ترک قیام

کسی که قادر بر ایستادن است؛ ولی قادر بر آرام بودن و تکیه ندادن نیست، نمی تواند نشسته نماز بگذارد، بلکه باید بایستد و با تکیه دادن نماز را اقامه کند و کسی که به هیچ وجه نمی تواند بایستد، هرچند همانند افراد سالمند خمیده باشد، باید بنشیند و اگر نتواند درست بنشیند، باید به پهلو راست و اگر نشد، به پهلو چپ و اگر نشد، به پشت قرار بگیرد، به گونه ای که کف پاهای او رو به قبله باشد. کسی که می تواند در حال نشستن و تکیه دادن، نماز را اقامه کند، نمی تواند به پهلو قرار بگیرد و در آن حال، نماز بگذارد.

مسأله ۹۴۷) تغییر حالت در نماز (اضطرار یا اختیار)

هرگاه در حال نماز، عجز از ایستادن یا نشستن عارض شود و یا عجز قبلی برطرف شود، بقیه عمل و ذکر را باید با حالت فعلی خود انجام دهد؛ یعنی اگر عجز از ایستادن برطرف شد، فوراً باید بایستد و سایر عمل ها و ذکرها را در حال ایستادن انجام دهد. همچنین است اگر عجز از نشستن برطرف شده باشد و در تمام این احوال، پس از آرام شدن بدن، بقیه عمل و ذکر را به جا آورد.^۲

مسأله ۹۴۸) خوف خطر آینده

تبدیل ایستادن به نشستن و نشستن به پهلو قرار گرفتن، یا برای عجز فعلی است که هم اکنون نمی تواند به وظیفه اصلی خود عمل کند؛ یا برای ترس از خطر یا ضرر آینده است و در هر دو حال، می تواند به حکم عاجز عمل نماید.

مسأله ۹۴۹) رفع عذر قبل از پایان وقت

کسی که می داند یا اطمینان دارد در پایان وقت، عجز او برطرف می شود، باید نماز را به تأخیر بیندازد، تا در آخر وقت با شرایط کامل، آن را اقامه کند و اگر می داند یا اطمینان دارد تا پایان وقت، عجز او باقی است، می تواند نماز را در اول وقت و برابر وظیفه عاجز انجام دهد. در هر دو صورت، اگر عجز او در اول وقت برطرف شد و او نماز را در اول وقت، برابر وظیفه عاجز خواند، در صورت اول، حتماً و در صورت دوم، بهتر است نماز را دوباره اقامه کند.^۳

۱. در مواردی که نمی داند ذکر وارد است یا نیست به نیت رجاء و امید ثواب انجام دهد. ابواب صلات، باب ۴۵، ح ۱، باب ۲ ابواب قیام، ح ۱، باب ۱ ابواب قرائت، ح ۵.

۲. الضرورات تبيح المحذورات؛ به محض رفع عذر دیگر محذور نیست که حکم حالت اضطرار را داشته باشد.

۳. چرا که ما اوامر اضطراری و ظاهری را مانند اوامر واقعی می دانیم.

مسأله ۹۵۰) امور مستحب در حال ایستادن نماز

مستحب است نمازگزار در حال ایستادن اموری را رعایت کند؛ مانند شانه‌ها را پایین بیندازد و دست‌ها را رها کند و کف دست‌ها را روی ران‌ها بگذارد و تمام انگشت دست‌ها را به هم بچسباند و ستون فقرات و گردن را راست نگه دارد و پاها را رو به قبله و محاذی هم، بدون پس و پیش قرار دهد و سنگینی بدن را به طور مساوی، روی دو پا قرار دهد و با خشوع و خضوع به صورت برده در ساحت مولا باشد و نگاه او به جای سجود باشد، نمازگزار مرد، بین دو پا به اندازه سه انگشت تا یک وجب فاصله بیندازد و نمازگزار زن، پاها را به هم نزدیک کند.^۱

احکام قرائت

مسأله ۹۵۱) حکم خواندن حمد و سوره

واجب است در نمازهای شبانه روز، در رکعت اول و دوم، سوره حمد خوانده شود و احتیاط واجب، خواندن یک سوره کامل در هر رکعت، بعد از حمد است. سیره امام رضا علیه السلام و اکثر امامان خواندن سوره قدر در رکعت اول و سوره توحید در رکعت دوم به خصوص در نماز مغرب، بوده است. البته در حال خطر یا ضرر یا عَجَله در کاری، می‌تواند سوره را نخواند.

مسأله ۹۵۲) ترتیب بین حمد و سوره

ترتیب بین حمد و سوره، واجب است و اگر عمداً سوره پیش از حمد خوانده شد، نماز باطل است و اگر سهواً خوانده شد و در بین سوره یا پس از آن، به یادش بیاید، باید بعد از خواندن حمد، به احتیاط واجب، سوره را دوباره بخواند.

مسأله ۹۵۳) فراموشی حمد و سوره

اگر نمازگزار حمد یا سوره را فراموش کند و پس از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است و برای حمد و سوره فراموش شده، دو سجده سهو انجام دهد.

مسأله ۹۵۴) یادآوری خواندن حمد و سوره قبل از رکوع

اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود، یا پس از خم شدن پیش از آنکه به حد رکوع برسد، یادش بیاید که حمد و سوره را نخوانده، باید برگردد و هر دو را بخواند و اگر معلوم شود که فقط سوره را نخوانده، بنا بر احتیاط واجب، فقط سوره را بخواند و اگر بفهمد که فقط حمد را نخوانده، باید حمد را بخواند و به احتیاط واجب، سوره را دوباره بخواند.

۱. همان، باب ۴ از ابواب احکام العشرة، ح ۱؛ باب ۹ ابواب افعال الصلاة، ح ۳.

مسأله ۹۵۵) خواندن یا گوش دادن سوره و آیات سجده‌دار در نماز

در نماز واجب، خواندن آیه سجده، نیز یکی از سوره‌هایی که سجده واجب دارد تا آن آیه معین جایز نیست و اگر عمداً بخواند و سجده تلاوت را به جا آورد، بنا بر احتیاط واجب، نماز باطل می‌شود و اگر سجده تلاوت را بر اثر گناه به جا نیاورد، نماز او باطل نمی‌شود و اگر عمداً آیه سجده را گوش دهد، حکم خواندن عمدی آن را دارد.^۱

مسأله ۹۵۶) خواندن یا شنیدن آیه سجده‌دار در نماز

اگر در نماز واجب سهواً آیه سجده را بخواند، یا گوش دهد، نماز او باطل نمی‌شود. اگر تا پایان نماز، فاصله اندکی است، پس از نماز، سجده تلاوت را انجام دهد و اگر فاصله زیاد است، احتیاطاً برای سجده واجب، اشاره نماید و بعد از نماز اعاده نیاز نیست. ولی اگر عمدی این کار را کرد باید سجده واجب را انجام دهد و نمازش باطل شده، باید دوباره بخواند.

مسأله ۹۵۷) عدم وجوب نماز در نماز مستحبی

سوره در نماز مستحب لازم نیست، حتی اگر نماز مستحب بر اثر نذر واجب شود، مگر آنکه آن نماز مستحب، با سوره نذر شود. نمازهای مستحب که سوره‌های خاص در آنها شرط شده باشد، مانند نماز شب دفن، بدون آن سوره به دستور عمل نمی‌شود.

مسأله ۹۵۸) استحباب سوره جمعه و سوره منافقون در ظهر روز جمعه

نماز گزار در نماز ظهر جمعه، خواه دو رکعت (نماز جمعه) بگزارد یا چهار رکعت، مستحب است در رکعت اول بعد از حمد، سوره جمعه و در رکعت دوم پس از حمد، سوره منافقون بخواند. اگر یکی از این دو سوره را انتخاب، و شروع به خواندن آنها نمود، بنابر احتیاط واجب، نمی‌تواند آنها را رها کند و سوره دیگر بخواند.^۲

مسأله ۹۵۹) عدول از یک سوره به سوره دیگر

نماز گزار می‌تواند سوره‌ای را که شروع کرده، پیش از آنکه به نصف آن برسد، آن را رها کند و سوره دیگر شروع نماید، مگر سوره (توحید) یا (کافرون) که اگر اینها را اول شروع کرده باشد، نمی‌تواند آنها را رها کند و سوره دیگر شروع نماید، چنان که نمی‌تواند از یکی از این دو به دیگری رجوع نماید. البته در روز جمعه می‌تواند از این دو سوره، در صورتی که عمداً شروع نکرده باشد، به دو سوره جمعه و منافقون رجوع کند، چون در صورت شروع عمدی، رها نمودن دو سوره (قل هو الله احد) و (قل یا ایها الکافرون) به احتیاط واجب، جایز نیست.^۳

۱. اکثر اهل سنت خواندن سوره سجده‌دار در نماز را بدون اشکال می‌دانند.

۲. وسائل الشیعة، باب ۵۱ ابواب قرائت، ح ۱، صحیح است.

۳. همان.

مسأله ۹۶۰) رها کردن سوره به خاطر عذر

هر گاه بر اثر عذری مانند فراموشی، تنگی وقت یا ضرورت پیش‌بینی نشده، نتواند سوره‌ای را که شروع کرده ادامه دهد، می‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند، هر چند از نصف سوره‌ای که شروع کرده گذشته باشد؛ یا آن سوره، (توحید) یا (کافرون)، یا سوره (جمعه) و (منافقون) باشد.

مسأله ۹۶۱) رها کردن سوره در نماز مستحبی

در نماز مستحب، هر سوره‌ای را که شروع کرده، می‌تواند آن را رها نماید، هر چند به نصف آن رسیده باشد و سوره دیگر را شروع کند.^۱

مسأله ۹۶۲) بلند خواندن سوره در نمازها

بر نماز گزار مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشاء را بلند بخواند و بر هر نماز گزار (مرد یا زن) واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخواند، مگر نماز ظهر روز جمعه - خواه دو رکعت جمعه باشد یا چهار رکعت معمول - که بلند خواندن آن راجح است، هر چند رجحان بلند خواندن چهار رکعت ظهر، مانند استحباب بلند خواندن دو رکعت جمعه، نیست.

مسأله ۹۶۳) بلند گفتن همه حروف و کلمات در نمازهای جهر

بر نماز گزار مرد واجب است عمداً هیچ کلمه یا حرف حمد و سوره رکعت اول و دوم نمازهای صبح و مغرب و عشاء را آهسته نخواند، به صورتی که حرف آخر هیچ کلمه‌ای عمداً آهسته ادا نشود؛ همچنین واجب است که عمداً هیچ کلمه یا حرف حمد و سوره نمازهای ظهر و عصر بلند ادا نشود.

مسأله ۹۶۴) اختیار جهر و اخفات برای خانم‌ها

نماز گزار زن در نمازهای صبح و مغرب و عشاء می‌تواند حمد و سوره را بلند یا آهسته بخواند و در صورت بلند خواندن، بنا بر احتیاط واجب، نامحرم صدای او را نشنود. خانم‌های که هرسال مطلقاً مخیرند.

مسأله ۹۶۵) ترک عمدی یا سهوی جهر و اخفات

نمازی که حمد و سوره آن باید بلند خوانده شود، اگر روی علم و عمد آهسته خوانده شود، آن نماز باطل است، چنانکه نمازی که باید آهسته خوانده شود، اگر با علم و عمد بلند خوانده شود، آن نماز باطل است؛ ولی اگر در جایی که باید بلند خوانده شود، بر اثر فراموشی یا کوتاهی (نه تقصیر) در یاد گرفتن حکم شرعی آن، آهسته خوانده شد، نماز صحیح است و اگر در بین خواندن حمد و سوره یادش بیاید، یا به حکم شرعی آگاه شود، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

۱. همان، ابواب قیام، باب ۱، ح ۷.

مسأله ۹۶۶) صدای خیلی بلند یا کوتاه در نماز

صدای نماز گزار در نمازهایی که باید بلند خوانده شوند، نباید به صورت فریاد باشد، چنان که در نمازهایی که باید آهسته خوانده شوند، نباید آن قدر کوتاه باشد که خود نماز گزار بدون مانع آن را نشنود؛ و گرنه در هر دو صورت، نماز باطل است.

مسأله ۹۶۷) کسی که نمی تواند تلفظ صحیح داشته باشد

نماز گزار باید تمام کلمات واجب، اعم از قرائت و ذکر را، صحیح ادا نماید. کسی که قادر بر تلفظ صحیح نیست، به هر صورتی که می تواند اکتفا نماید و احتیاط مستحب، آن است که نماز را به جماعت اقامه کند، هر چند تسبیحات اربع و ذکرهای واجب دیگر را برابر با عجز خود ادا نماید.

مسأله ۹۶۸) حکم یادگیری قرائت صحیح

نماز گزاری که می تواند کلمات و ذکر و دعای واجب را صحیح ادا کند و آفتی در آن ندارد، باید همه آنها را فراگیرد تا صحیح ادا نماید و در تنگی وقت، احتیاط واجب، آن است که نماز را به جماعت اقامه نماید. در صورت عدم امکان جماعت، نمازش با همان وصفی که دارد، صحیح است، هر چند بر اثر یاد نگرفتن کیفیت ادای کلمات، گناه کرده است.

مسأله ۹۶۸) اجرت بر یاد دادن احکام نماز

بنا بر احتیاط واجب برای یاد دادن احکام واجب نماز مزد نگیرند و مسئول اموال بیت المال باید نیاز یاد دهنده احکام واجب نماز را برطرف نماید. دریافت مزد برای یاد دادن احکام مستحب نماز، جایز است.^۱

مسأله ۹۶۹) وجوب ادای صحیح اذکار

تمام کلمات، حروف و حرکتهای قرائت، ذکر و دعای واجب نماز باید بدون غلط ادا شود. ترک یا جابه جایی عمدی آنها موجب بطلان نماز است.

مسأله ۹۷۰) کشف اشتباه بودن قرائت

کسی که کلمه یا حرف یا حرکت خاص را صحیح بداند و برابر آن، نمازهای گذشته را اقامه کرده باشد و بعد از آن بفهمد که درست نبوده، لازم نیست دوباره آن را در وقت ادا یا در خارج وقت، قضا نماید.

مسأله ۹۷۱) یادگیری مخارج حروف متشابه

کلماتی که دارای حروف متشابه اند و مخارج آنها متفاوت است - مانند «صاد و دال و زاء و ظا» - در صورتی که برخی از آنها صحیح و بعضی غلط باشند، باید صحیح آن یاد گرفته و ادا شود؛ نیز حرکت اول یا وسط

۱. به نظر ما چون عمل مؤمن محترم است و خیلی از مردم نمی توانند بروند و یاد بگیرند اخذ اجرت مشروعیت دارد ولی بهتر است بر مقدمات یاد دادن مانند طی مسیر و مانند آن اجرت را بگیرد.

کلمه را باید ادا کرد؛ اما حرکت پایان کلمه، در صورتی که همواره آن را وقف - یعنی ساکن - نماید، فراگیری صحیح آن، لازم نیست و در صورت وقف به حرکت - بنا بر جواز آن - باید حرکت آن را یاد بگیرد.

مسأله ۹۷۲) وقف به حرکت و وصل به سکون در قرائت

وقف به حرکت و وصل به سکون، جایز است، هر چند احتیاط مستحب، ترک آن است. وقف به حرکت، آن است که حرکت حرف آخر کلمه را ظاهر کند و بین این کلمه و کلمه دیگر، لحظه‌ای ساکت شود و وصل به سکون، آن است که حرکت حرف آخر کلمه را ظاهر نکند و بدون مکث، کلمه بعدی را بگوید.^۱

مسأله ۹۷۳) ادای حروف از مخارج متعارف

ادای حروف از مخارج متعارف که در عرف عرب صحیح است، کافی است، هر چند مطابق قواعد تجویدی نباشد و در این جهت، فرقی بین شدّ (تشدید) و مدّ نیست.

مسأله ۹۷۴) مد واجب

مدّ واجب احتیاطی، جایی است که پس از حرف مدّ باشد. حرف مدّ عبارت است از واوی که قبل از او حرکت پیش (ضمّه) است و یایی که قبل از آن، حرکت سیر (کسره) است و ألفی که پیش از آن، حرکت زبر (فتحه) است و پس از آن (در همان کلمه)، همزه باشد؛ مانند کلمه «جاء» و «سوء» و «جیء» یا پس از آن ها سکون لازم باشد مانند (الضالین).

مسأله ۹۷۵) تسبیحات اربع

نماز گزار در رکعت سوم نماز مغرب و رکعت سوم و چهارم نماز ظهر و عصر و عشاء باید حمد بخواند یا یک مرتبه تسبیحات اربع «سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر» بگوید. احتیاط مستحب، سه بار گفتن آن است. نماز گزار می تواند در رکعت سوم مثلاً حمد را بخواند و در رکعت چهارم تسبیحات اربع را یا به عکس. در این جهت، فرقی بین نماز جماعت و فرادا نیست.^۲

مسأله ۹۷۶) آهسته خواندن حمد و بسم الله در رکعت سوم و چهارم

هر نماز گزار (اعم از زن و مرد) واجب است قرائت رکعت سوم و چهارم نماز را آهسته انجام دهند و اگر خواستند سوره حمد بخوانند به احتیاط واجب بسم الله الرحمن الرحیم را آهسته بگویند.

مسأله ۹۷۷) کسی که نمی تواند تسبیحات را صحیح ادا کند

کسی که نمی تواند تسبیحات را صحیح ادا کند، باید در رکعت سوم و چهارم سوره حمد را بخواند.

۱. چرا که جزو محسنات تجویدی است نه شرایط واجب قرائت.

۲. وسائل الشیعة، ابواب قرائت، باب ۴.

مسأله ۹۷۸) اشتباهی خواندن تسبیحات در رکعت اول و دوم

هرگاه در رکعت اول یا دوم نماز سهواً تسبیحات بخواند و پیش از رکوع آگاه شود، باید حمد و سوره را بخواند و اگر در حال رکوع یا پس از آن آگاه شود، نماز او صحیح است و در هر دو حال، بنا بر احتیاط مستحب، جهت زیاد نمودن تسبیحات، سجده سهو به جا آورد.

مسأله ۹۷۹) خواندن حمد به نیت رکعتی دیگر

اگر در دو رکعت آخر نماز به عنوان اینکه دو رکعت اول نماز است، حمد بخواند، نماز او صحیح است؛ چه پیش از رکوع آگاه شود؛ چه در حال رکوع و چه پس از آن، چنان که در دو رکعت اول نماز، به خیال آن که دو رکعت آخر نماز است و حمد در آنها کافی است، سوره حمد بخواند، نماز او صحیح است؛ چه پیش از رکوع آگاه شود؛ یا پس از رفتن به رکوع. البته اگر قبل از رکوع آگاه شد، بنا بر احتیاط واجب، سوره را باید بخواند.

مسأله ۹۸۰) نیت تسبیحات و خواندن حمد یا بر عکس

هرگاه در دو رکعت آخر نماز؛ قصد خواندن حمد داشت و تسبیحات بر زبان او آمد یا قصد گفتن تسبیحات داشت و حمد بر زبان او آمد، در صورتی که آنچه بر زبان او آمد اصلاً مورد قصد نماز او نبود، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را به قصد نماز بخواند و در صورتی که عادت او این بوده، هر کدام از این دو بر زبان آمد، همان به عنوان قرائت نماز باشد، کافی است.

مسأله ۹۸۱) خواندن حمد بدون قصد قرائت نماز

عادت دارد در رکعت سوم و چهارم نماز تسبیحات بخواند، اگر بدون قصد قرائت نماز، مشغول حمد شد، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات بخواند؛ ولی اگر از عادت خود غفلت نموده و به قصد امتثال دستور نماز، حمد را خواند، کافی است و نماز او صحیح است.

مسأله ۹۸۲) شک در اذکار

هرگاه شک کند که آیه یا ذکر از اذکار نماز را گفته یا نه، یا آن را صحیح ادا کرده یا نه، تا وارد جزء بعدی نماز نشده باشد، باید آن را به صورت صحیح بگوید و اگر وارد جزء بعدی شد، لازم نیست به شک خود اعتنا کند، هر چند آن جزء بعدی رکن نباشد.^۱

مستحبات و مکروهات قرائت نماز

مسأله ۹۸۳) ذکر استغفار در رکعت سوم و چهارم

پس از تسبیحات رکعت سوم و چهارم، مستحب است استغفار کند؛ مثلاً بگوید «استغفر الله ربی و اتوب الیه» و یا بگوید «اللهم اغفر لی» و اگر در حال استغفار شک کند که حمد یا تسبیحات را گفته یا نه، به شک

۱. به خاطر قاعده فراغ و تجاوز.

خود اعتنا نکند؛ اما اگر استغفار را به عنوان ذکر مطلق که در هر حال مطلوب است - نه به عنوان دستور خاص در دو رکعت آخر نماز - گفته است، باید به شک خود اعتنا کند و حمد یا تسبیحات را بگوید؛ نیز اگر در حال رفتن به رکوع و پیش از رسیدن به حد رکوع شک نمود، باید برگردد و حمد یا تسبیحات را بگوید.

مسأله ۹۸۴) مستحبات قرائت

مستحب است پیش از شروع در قرائت رکعت اول نماز بگوید: «اعوذ بالله من الشیطان الرجیم». حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف نماید. در صورتی که مأموم است؛ یا خود به تنهایی نماز اقامه می کند، بعد از حمد بگوید: «الحمد لله رب العالمین». در رکعت اول هر نماز، سوره ﴿انا انزلناه﴾ و در رکعت دوم آن ﴿قل هو الله احد﴾ بخواند. پس از ﴿توحید﴾ بگوید: «کذلک الله ربی» (یک تا سه بار). معانی آیات و اذکار رابه ذهن آورده و خواهان نعمت الهی و برکناری از نعمت او باشد. «بسم الله الرحمن الرحیم» را در نمازهایی که آهسته خوانده می شود، بلند بخواند.

مسأله ۹۸۵) مکروهات قرائت (مربوط به سوره توحید)

یکم: ترک سوره ﴿قل هو الله احد﴾ در نمازهای یک شبانه روز؛ دوم: خواندن ﴿قل هو الله احد﴾ به یک نفس؛ سوم: یک سوره را در دو رکعت خواندن، مگر سوره ﴿قل هو الله احد﴾.

احکام رکوع

مسأله ۹۸۶) حکم و حد رکوع

در هر رکعت نماز، واجب است پس از قرائت به قصد رکوع، به قدر متعارف خم شود یعنی به اندازه‌ای خم شود که تمام انگشت‌های او، حتی انگشت شست به زانو برسد، به صورتی که بتواند چیزی بر زانو بگذارد.^۱

مسأله ۹۸۷) گذاشتن دست بر زانو

گذاشتن دست بر زانو در رکوع واجب نیست، هرچند مستحب آن است که دست‌ها در حال رکوع بر زانو باشد.^۲

مسأله ۹۸۸) خم شدن به دو طرف

رکوع باید به صورت متعارف باشد، بنابراین خم شدن به طرف راست یا چپ و مانند آن کافی نیست، هرچند دست‌ها به زانو برسد.^۳

۱. آیه ۴۳ بقره، نصوص متواتره، ضرورت دین و اجماع.

۲. به خاطر روایات؛ وسائل، باب ۱ از ابواب افعال الصلاة، ح ۳ و ۱ (صحیح زراره).

۳. استاد قائل به حقیقت عرفیه در رکوع هستند نه حقیقت شرعیه. یعنی در عرف‌های دیگر هم رکوع به عنوان احترام بوده و هست به خصوص در برخی کشورهای آسیای شرقی.

مسأله ۹۸۹) خم شدن بدون قصد رکوع

خم شدن باید به قصد رکوع نماز باشد؛ نه برای گذاشتن چیزی بر زمین یا برداشتن چیزی از آن. اگر به قصد رکوع نماز خم نشد، دوباره باید بایستد و قیام متصل به رکوع را حفظ نماید؛ آنگاه به قصد رکوع خم شود و آنچه بدون قصد رکوع انجام داد، نماز را باطل نمی کند، زیرا رکوع نبوده تا زیاده رکن شود.

مسأله ۹۹۰) دست یا زانوی غیر متعارف

اگر دست یا زانوی او یا هردوی آنها بلندتر یا کوتاه تر از معمول یا تفاوت دیگری با اعضای افراد متعارف دارد، باید اندازه معمول و متعارف را معیار خود قرار دهد.

مسأله ۹۹۱) میزان خم شدن برای رکوع در نماز نشسته

مقدار خم شدن برای رکوع در نماز نشسته، همان اندازه خم شدن برای رکوع در نماز ایستاده است، هرچند صورت او نزدیک جای سجده نشود. زیاد نزدیک شدن به محل سجده نیز نیاز نیست؛ به قدر متعارف کافی است.

مسأله ۹۹۲) ذکر رکوع

واجب است در رکوع، ذکر گفته شود و احتیاط واجب است یک مرتبه: «سبحان ربی العظیم و بحمده» یا سه مرتبه: «سبحان الله» گفته شود. در تنگی وقت یا خطر و ضرر، یک مرتبه کافی است. افضل آن است که «سبحان ربی العظیم و بحمده» نیز، سه یا پنج یا هفت بار تکرار شود، چنان که در سبحان الله، تکرار بیش از سه مرتبه، مستحب است. جمع بین تسبیح بزرگ و کوچک، جایز است.^۱

مسأله ۹۹۳) عربی بودن ذکر رکوع

ذکر رکوع باید بدون فاصله و به عربی صحیح باشد و ترجمه فارسی آن، کافی نیست.

مسأله ۹۹۴) آرامش بدن در حال ذکر رکوع

واجب است ذکر واجب رکوع، در حال آرامش بدن باشد و احتیاط واجب است ذکر مستحب رکوع که به قصد خصوصیت رکوع ادا می شود، در حال آرامش بدن باشد.

مسأله ۹۹۵) حرکت اندک در حال ذکر رکوع

الف) حرکت اندک که مانع صدق آرامش بدن نیست، اشکال ندارد؛

ب) حرکت شدید:

- از روی اختیار است: نماز باطل است حتی اگر در حال آرامش اعاده کند به احتیاط واجب.
- سهوی است: بهتر است بعد از آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید و نماز باطل نیست.

۱. وسائل الشیعة، باب ۴ از ابواب رکوع، ح ۲ به بعد. احادیث زراره نیز در اینجا هست.

مسأله ۹۹۶) ذکر رکوع در حال رسیدن به حد رکوع

ذکر رکوع باید پس از رسیدن به حد رکوع باشد و ذکر پیش از رسیدن به حد رکوع کافی نیست و اگر عمداً به همان اکتفا شود، نماز باطل است.

مسأله ۹۹۷) سر برداشتن از رکوع قبل از اتمام ذکر

اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب رکوع، عمداً سر از رکوع بردارد، نماز او باطل است و اگر سهواً یا روی ضرورت سر بردارد، چنانچه پیش از خروج از حد رکوع یادش بیاید، یا ضرورت برطرف شود، باید ذکر رکوع را تمام نماید و اگر پس از خروج از حد رکوع یادش بیاید یا ضرورت برطرف شود نماز او صحیح است.

مسأله ۹۹۸) ذکر رکوع در حال حرکت هنگام ضرورت

کسی که نتواند ذکر واجب در رکوع را در حال رکوع بگوید، می تواند قبل از خروج از حد رکوع آن را تمام نماید و اگر آن هم ممکن نباشد، می تواند مقداری از آن را پیش از رسیدن به رکوع و مقداری از آن را در حال رکوع و مقداری از آن را در حال خروج از رکوع، یا در حال برخاستن از رکوع بگوید. مناسب است در این موارد نیت ذکر مطلق کند نه ذکر خاص رکوع.

کسی که بر اثر بیماری یا سبب دیگر نمی تواند در حال رکوع آرام باشد، باید ذکر واجب را در حال رکوع بگوید، هر چند بدن او آرام نیست و نمی تواند برای حفظ آرامش بدن، ذکر رکوع را در غیر حال رکوع بگوید.

مسأله ۹۹۹) رکوع برای فرد ناتوان

- کسی که بدون تکیه نمی تواند رکوع نماید، باید با تکیه دادن رکوع کند و اگر با تکیه دادن هم نتواند کامل نماید، باید به هر مقداری که مقدور اوست، خم شود و اگر اصل خم شدن مقدور او نباشد، هر چند به صورت نشسته باشد، باید در حال ایستاده، با سر به قصد رکوع اشاره کند و به نیت برخاستن از رکوع سر بردارد و اگر این مقدار نیز مقدور نباشد، باید رکوع رفتن و برخاستن از رکوع را با بستن و باز کردن چشم انجام دهد و اگر از این مقدار هم عاجز باشد، باید در قلب نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

- کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط در حالی که نشسته است کمی خم شود، باید ایستاده نماز را اقامه کند و برای رکوع با سر اشاره نماید.

- اگر بر اثر سانحه یا بیماری یا کهنسالی به صورت خمیدگی درآمد، به گونه ای که به هیچ وجه کمر او توان برآمدن برای ایستادن و پایین آوردن برای رکوع را ندارد، می تواند رفتن به رکوع و برآمدن از آن را به قصد رکوع انجام دهد.

مسأله ۱۰۰۰) تکرار رکوع

اگر نماز گزار پس از رسیدن به حد رکوع و آرام شدن بدن، سر بردارد و دوباره به قصد رکوع به حد رکوع برسد، نماز او باطل است و اگر بعد از رسیدن به حد رکوع و آرامش بدن، دوباره به قصد رکوع بیشتر خم

شود، به صورتی که از حد رکوع خارج باشد و بار دیگر به حد رکوع برگردد، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره اقامه نماید.

مسأله ۱۰۰۱) قیام پس از رکوع

ایستادن، بعد از تمام شدن وظیفه رکوع واجب است تا از حال قیام پس از رکوع به سجده برود، اگر با علم و عمد پیش از ایستادن، به سجده برود، نماز او باطل است و اگر بر اثر فراموشی وظیفه ایستادن پس از رکوع و آرامش بدن را ترک کند، نماز او باطل نیست.

مسأله ۱۰۰۲) فراموشی رکوع

کسی که رکوع را فراموش کرده:

الف) اگر پیش از سجده نمودن به یادش بیاید، باید بایستد؛ آنگاه به رکوع برود و اگر در حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را انجام نداده، نماز او باطل است.

ب) اگر رکوع را فراموش کند و به سجده برود و پیش از سجده دوم به یادش بیاید که رکوع را انجام نداده، باید برگردد و بایستد و رکوع را به جا آورد و برای سجده زاید، دو سجده سهو به جا آورد؛

ج) و اگر در سجده دوم یادش بیاید که رکوع را انجام نداده، نماز او باطل است.^۱

مستحبات رکوع

مسأله ۱۰۰۳) مستحبات رکوع

این امور برای رکوع مستحب است:

- نمازگزار پیش از رکوع در حال ایستادن «الله اکبر» بگوید؛

- دستها را در حال تکبیر بلند کند؛

- کف مردها دستها را با انگشتان باز، روی زانو بگذارند؛ مستحب است زن در حال رکوع، دستها را بالای زانو بگذارد؛

- مردها زانوها را به پشت دهند؛ زنها زانوها را به پشت ندهند؛

- پشت خود را صاف کند؛

- بین دو پا را نگاه کند؛

- ذکر رکوع را به فرد بگوید؛ نه به زوج مثلاً سه یا پنج یا هفت بار باشد؛

۱. وسائل الشیعة، باب ۱۶ از ابواب رکوع، ح ۲ به بعد.

- بر پیامبر و آل او صلوات بفرستد؛ ولی نه به عنوان جزء ذکر رکوع؛

- دست‌ها را بعد از رکوع بلند کند؛

- بعد از ایستادن بگوید: «سمع الله لمن حمده».

مسأله ۱۰۰۴) رکوع در نماز مستحب

رکوع نماز واجب و مستحب، در احکام مشترکند و زیاده رکوع (عمداً یا سهواً) در نافله، احتیاطاً موجب بطلان است، هر چند اقوا صحت نماز است.

احکام سجده

مسأله ۱۰۰۵) کیفیت سجده

نماز گزار باید در هر رکعت بعد از رکوع، دو سجده به جا آورد و سجده، آن است که به قصد تعظیم پروردگار، پیشانی، کف دو دست، دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.^۱

مسأله ۱۰۰۶) رکن بودن سجده

دو سجده، روی هم، از هر رکعت رکن است و با ترک عمدی یا سهوی هر دو، نیز افزودن عمدی یا سهوی دو سجده در یک رکعت، نماز باطل می‌شود.^۲

مسأله ۱۰۰۷) ترک عمدی یا سهوی یک سجده از یک رکعت

با ترک عمدی یک سجده، نماز باطل می‌شود؛ ولی با ترک سهوی یک سجده یا دو سجده از دو رکعت، نماز باطل نمی‌شود.

مسأله ۱۰۰۸) معیار صدق سجده

مدار رکن بودن سجده، نهادن پیشانی بر زمین است، به گونه‌ای که با ترک عمدی آن در یک سجود، یا ترک سهوی آن در دو سجود، نماز باطل می‌شود، هر چند اعضای شش گانه دیگر در هر دو سجده بر زمین نهاده شده باشند، چنان که اگر پیشانی بر زمین نهاده شده باشد، ولی اعضای دیگر سهواً بر زمین نهاده نشده باشند، نماز باطل نمی‌شود.

۱. عرف بگوید این فرد سجده کرده است.

۲. امر به سجده به ادله اربعه و ضرورت دین است: روایات متواتر و اجماع و عقل و آیات سجده.

مسأله ۱۰۰۹) ذکر سجده

واجب است در سجده، ذکرى گفته شود و احتیاط مستحب، گفتن یک مرتبه «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» یا سه مرتبه «سبحان الله» است و بیش از آن، مستحب است، چنان که مستحب است سه یا پنج یا هفت بار «سبحان ربی الاعلی و بحمدہ» گفته شود.^۱

مسأله ۱۰۱۰) تعداد ذکر در حالت اضطرار

در حالت خطر یا ضرر یا تنگی وقت، گفتن یک بار «سبحان الله» کافی است.

مسأله ۱۰۱۱) آرامش بدن در حال سجده

واجب است بدن در حالت سجده آرام باشد، به گونه‌ای که ذکر واجب آن، با آرامش بدن انجام شود و بنا بر احتیاط واجب برای ذکر مستحب سجود که به قصد خصوصیت سجده گفته می‌شود، باید بدن آرام باشد.

مسأله ۱۰۱۲) شرایط بدن در حال گفتن ذکر سجده

ذکر سجده باید پس از گذاشتن پیشانی به زمین و آرام شدن بدن انجام شود؛ اگر عمداً پیش از گذاشتن پیشانی به زمین ذکر بگوید، یا قبل از تمام شدن ذکر، سر از زمین بردارد و بقیه ذکر را در حالت برداشتن پیشانی از زمین بگوید، نماز باطل است؛ ولی سهواً نماز باطل نمی‌شود و اگر در حال سجود، یادش بیاید که مقداری از ذکر، پیش از رسیدن پیشانی به زمین بوده است، باید دوباره بگوید.

مسأله ۱۰۱۳) برداشتن برخی از اعضای هفت گانه در حال سجده

در موقع ذکر سجده نمی‌تواند یکی از اعضای هفت گانه را از زمین بردارد و اگر چنین کرده، دوباره باید پس از گذاشتن آن بر زمین، ذکر سجده را تکرار کند و اگر عمداً به همان اکتفا نموده، نماز باطل می‌شود. برداشتن و گذاشتن غیر پیشانی در غیر حال ذکر، منعی ندارد.

مسأله ۱۰۱۴) برداشتن سهوی سر از زمین

هرگاه پیشانی را سهواً از زمین برداشت، نمی‌تواند آن را دوباره به زمین بگذارد، زیرا زیاده سجده محسوب می‌شود.

مسأله ۱۰۱۵) آرامش بدن بین دو سجده

بعد از سجده اول باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

۱. از نظر میزان زمان ذکر و مفهوم آن که تسبیح است لازم است مشابه سبحان ربی الاعلی و بحمدہ باشد.

مسأله ۱۰۱۶) هم‌سطح بودن اعضای سجود

جای پیشانی نمازگزار و زانوها و جای انگشتان پای او نباید بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پست‌تر باشد و هم‌سطح بودن سایر اعضای سجود با هم و نیز نسبت به جای پیشانی و نیز ملاحظه تفاوت چهار انگشت بسته، لازم نیست.^۱

مسأله ۱۰۱۷) سجده بر زمین شیب‌دار

در زمینی که شیب آن محسوس نیست، احتیاط، حفظ مساوات جای سجده و جای زانوها و انگشتان پاست که بیش از چهار انگشت بسته بلندتر یا پایین‌تر نباشد، هرچند تفاوت اندک، اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۱۸) تفاوت در سطح اعضای سجده در شرایط مختلف

اگر نمازگزار پیشانی خود را سهواً به جایی نهاده که از جای زانوها و انگشتان پای او بیش از چهار انگشت بلندتر یا کوتاه‌تر است و نمی‌تواند جای زانوها و انگشتان پا را با جای سجده مناسب کند، به گونه‌ای که بیش از چهار انگشت تفاوت نباشد، اگر تفاوت در سطح به قدری است که عرفاً سجده صادق نیست، می‌تواند سر را از جایی که نهاده است به جای هم‌سطح بکشد؛ یا از آنجا بردارد و به جایی که تفاوت بیش از چهار انگشت بسته نیست، بگذارد و اگر تفاوت در سطح به قدری است که عرفاً سجده صادق است و نمی‌تواند جای زانوها و انگشتان پا را با جای سجده مناسب کند، می‌تواند سر را به جای مناسب در سطح بکشد و اگر کشاندن سر ممکن نشد، باید سر را بردارد و به جای مناسب بگذارد و بعد از پایان نماز، دوباره آن را اقامه کند.^۲

مسأله ۱۰۱۹) مانع بین پیشانی و مهر

باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، مانعی برای رسیدن پیشانی به محلّ سجده نباشد. اگر مانعی در پیشانی - مانند مو - یا در جای سجده بود، مثلاً مهری که بر آن سجده می‌شود چرکین باشد، به صورتی که جرم روی آن قرار گرفته باشد، نه آنکه فقط رنگ آن عوض شده باشد، سجده باطل است.

مسأله ۱۰۲۰) حد گذاشتن دست در سجده در حالت اضطرار

واجب است در سجده، تمام کف دو دست، روی زمین قرار گیرد. در حالت خطر یا ضرر، نهادن پشت دستها کافی است. در صورت عدم امکان پشت دست، نهادن مچ و در صورت عدم امکان آن، گذاردن آرنج کفایت می‌کند و در صورت عدم تمکن از آن، احتیاط واجب، گذاردن بازوست.

۱. مگر فرد مضطر باشد که باید به حد لازم اکتفا کرد.

۲. این‌ها همه روایت دارد: وسائل الشیعة، باب ۱۱ از ابواب سجود، ح ۱ به بعد.

مسأله ۱۰۲۱) حد گذاردن انگشت پا بر زمین در سجده

واجب است در سجده، دو انگشت بزرگ پاها روی زمین قرار گیرد و در این جهت، فرقی بین سر انگشتها و بین ظاهر یا باطن آنها نیست، هر چند احتیاط مستحب، گذاردن خصوص سر انگشتهاست. گذاردن انگشت‌های دیگر به جای انگشت‌های بزرگ، کفایت نمی‌کند.

مسأله ۱۰۲۲) گذاردن انگشت پا برای مضطر

کسی که مقداری از شست پا را ندارد، یا نمی‌تواند آن را بر زمین بگذارد، باید بقیه آن را و اگر بقیه نداشت؛ یا نهادن آن ممکن نبود، سایر انگشتان را بر زمین بگذارد و اگر هیچ انگشتی ندارد، یا نهادن آنها ممکن نیست، باید هر مقداری از پا را که ممکن است، بر زمین بگذارد.

مسأله ۱۰۲۳) سجده غیر عادی

احتیاط مستحب است که سجده، به صورت عادی انجام شود و به جا آوردن آن به صورت غیر عادی، مانند آنکه در حال سجده سینه و شکم یا پاها را به زمین برساند، صحیح است، در حالتی که تمام اعضای هفت‌گانه سجده بر زمین باشد.

مسأله ۱۰۲۴) پاکی محل سجده

محل سجده، یعنی جایی که پیشانی بر آن نهاده می‌شود، باید پاک باشد، اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است؛ مثلاً مهر، روی فرش نجس باشد یا یک طرف آن نجس باشد و طرف پاک آن، محل سجده باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۲۵) زخم بودن پیشانی

هرگاه پیشانی را بر اثر دمل یا غیر آن نتوان بر زمین نهاد، در صورتی که تمام پیشانی چنین باشد، بر یکی از دو جبین سجده نماید و اگر بر یکی از دو طرف پیشانی ممکن نبود، بر چانه سجده نماید و اگر آن هم ممکن نبود، باید به مقدار مقدور خم شود و با اشاره سر، سجده نماید.

مسأله ۱۰۲۶) سجده معذور از گذاشتن پیشانی

کسی که نمی‌تواند پیشانی را بر زمین بگذارد، باید هر اندازه که می‌تواند پیشانی را بر جای بلند - که سجده بر آن صحیح است - قرار دهد؛ ولی تمام اعضای ششگانه دیگر باید روی زمین قرار گیرند و اگر غیر از انگشت‌های پا را نمی‌تواند بر زمین بگذارد، همان انگشت‌ها را باید بر زمین قرار دهد.

مسأله ۱۰۲۷) سجده معذور از خم شدن

الف) کسی که نمی‌تواند برای سجده خم شود و پیشانی را روی زمین بگذارد، باید پس از نشستن، سر را به اندازه‌ای که می‌تواند، به نیت سجده پایین بیاورد و به قصد سر برداشتن از سجده، بالا بیاورد و اگر حرکت دادن سر، مقدور او نبود، با باز و بسته نمودن چشم‌ها به قصد سجده کردن اکتفا کند و در هر دو صورت، احتیاط لازم است چیزی را که پیشانی بر او گذارده می‌شود؛ مانند مهر، بردارد و به پیشانی خود بگذارد و

اگر سجده با اشاره سر یا چشم‌ها ممکن نبود، در قلب نیت کند و احتیاط لازم است که با دست و مانند آن، برای سجده و سر برداشتن از آن اشاره شود.

ب) کسی که نمی‌تواند بنشیند، باید ایستاده و با اشاره سر نیت سجده نماید و اگر ممکن نبود، با اشاره چشم‌ها و اگر ممکن نبود، به نیت قلبی اکتفا نماید و احتیاط لازم، اشاره کردن با دست و مانند آن است.

مسأله ۱۰۲۸) بی اختیار خوردن پیشانی بر زمین

اگر به قصد سجده، پیشانی را بر زمین نهاده و بدون اختیار، پیشانی از زمین بلند شد و بدون اختیار دوباره به زمین گذارده شد، همگی یک سجده محسوب می‌شود و با انجام دادن سجده دوم به وظیفه سجود عمل می‌شود و اگر این وضع برای سجده دوم پیش آمد، وظیفه سجود به طور کامل انجام شده است و اگر بدون اختیار از زمین بلند شد، لیکن حفظ آن ممکن بود، در صورتی که در سجده اول باشد، باید سجده دوم را انجام دهد و اگر در سجده دوم باشد، نباید به سجده برود. ترک ذکر سجده، در صورتی که بلند شدن سر از زمین، بدون اختیار باشد، اشکال ندارد.

مسأله ۱۰۲۹) سجده روی تشک فنری و پر

سجده باید در حال آرام بودن بدن، نیز آرام بودن محلّ پیشانی در سجود باشد؛ وگرنه سجده باطل است. نمازگزاردن و سجده کردن روی تشک فنری یا پر و مانند آن، که پس از نهادن پیشانی، مقداری پایین می‌رود و آرام می‌شود، اشکال ندارد.

۱۰۳۰) سجده بر زمین گلی

هرگاه ناچار شود که در زمین گل نماز بگزارد و نشستن و تشهد و سجود مستلزم آلوده شدن بدن و لباس می‌شود، می‌تواند ایستاده نماز را اقامه نماید و برای سجده با سر اشاره کند.^۱

۱۰۳۱) نشستن قبل از برخاستن در رکعت اول و سوم

احتیاط واجب آن است که پس از سجده دوم در رکعت اول و سوم که تشهد ندارد، مقداری بنشیند (جلسه استراحت).

تنها موارد صحیح بودن سجده بر آنها

۱۰۳۲) مواردی که می‌توان بر آن سجده کرد

پیشانی در سجود باید بر زمین یا چیزی گذارده شود که از زمین می‌روید و خوراکی و پوشاکی نیست - چنانکه خواهد آمد - مگر در حال صحت تقیه، که در این حال می‌تواند بر فرش و مانند آن، سجده کند و احتیاط واجب است که با تمکن از سجده روی سنگ یا حصیر و... به صورتی که مخالف تقیه نباشد، بر فرش و مانند آن سجده نشود.

۱. به دلیل روایات.

۱۰۳۳) انواع سنگ‌ها و مانند آن در سجده

سجده باید بر زمین، خاک، سنگ یا چیزهایی باشد که از زمین روییده می‌شود و خوراکی یا پوشاکی نیست؛ مانند گیاه، برگ درخت، چوب و ... سجده بر چیزهای معدنی؛ مانند طلا، نقره، عقیق، فیروزه و ... جایز نیست، سجده بر اقسام سنگ‌های معدنی، صحیح است.^۱

۱۰۳۴) سجده بر برگ درخت انگور

احتیاط واجب است که بر برگ مو در حالتی که تازه است و مورد خوراکی برخی است، سجده نشود؛ ولی سجده بر آن در حالت خشک شدن که خورده نمی‌شود، اشکال ندارد.

۱۰۳۵) سجده بر خوراک حیوانات

سجده بر گیاهانی که خوراک حیوان است، نه انسان، صحیح است.

۱۰۳۶) سجده بر گیاهان دارویی

سجده بر گل‌هایی که فقط به عنوان دارو پس از جوشاندن، نوشیده می‌شود، صحیح است، هر چند احتیاط مستحب، ترک سجده بر آنهاست.

۱۰۳۷) سجده بر میوه نارس یا خوراکی نامعمول در عرف

سجده بر میوه نارس، گرچه فعلاً خورده نمی‌شود، صحیح نیست و سجده بر گیاهی که فقط در برخی از شهرها خورده می‌شود، در همان شهرها صحیح نیست و در شهرهایی که خوردن آن معمول نیست، احتیاط واجب، ترک سجود بر آن است.

۱۰۳۸) سجده بر آهک و گچ و آجر و کوزه

سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، صحیح است، هر چند پخته شوند، چنان که سجده بر آجر و کوزه گلی که پخته شده‌اند و موزاییک، جایز است.

۱۰۳۹) سجده بر خاک

سجده بر کاغذی که آن را از چیزی که سجده بر آن صحیح است - مانند چوب و برگ درخت - ساخته باشند، صحیح است و اگر آن را از چیزی که سجده بر آن صحیح نیست - مانند پوشاکی و خوراکی - ساخته باشند، صحیح نیست و اگر غالب کاغذها از غیر خوراکی و غیر پوشاکی ساخته می‌شود و کاغذی مورد شک واقع شود، می‌توان بر آن سجده نمود.^۲

(۱۰۴۰)

۱. به دلیل روایات: وسائل الشیعة، ابواب ما یسجد علیه، باب ۱۴، ح ۱ به بعد.

۲. به دلیل عرف.